

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ————— ❁

جهاد اقتصادی

چیستی، اهداف و الزامات جهاد اقتصادی

در بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

مؤسسه پژوهشی فرهنگی



تقریر و نشر آمار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

مقدمه

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیرسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی به‌روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه‌ها و رهنمودهای معظم‌له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف مینماید.

حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در مسیر هدایت انقلاب اسلامی و عبور نظام جمهوری اسلامی از بحرانهایی که دشمنان آن در دستور کار قرار داده‌اند از سال ۱۳۸۶ توجه ملت و دولت ایران را به نقشه‌های استکبار برای ایجاد مشکلات اقتصادی برای نظام و سپس استفاده از این نوع مسائل برای تحت فشار قرار دادن انقلاب اسلامی جلب کرده و با نام‌گذاری:

سال ۱۳۸۷ به نام سال نوآوری و شکوفایی؛
 سال ۱۳۸۸ به نام سال اصلاح الگوی مصرف؛
 سال ۱۳۸۹ به نام سال همت مضاعف، کار مضاعف؛
 سال ۱۳۹۰ به نام سال جهاد اقتصادی؛
 سال ۱۳۹۱ به نام سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی؛
 سال ۱۳۹۲ به نام سال حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی؛
 اصلاح مسیر نظام اقتصادی عمومی و دولتی در مسائل گوناگون
 مربوطه از جمله مصرف، تولید، حمایت از تولید، کشاورزی، تجارت و
 بازرگانی سالم؛ سالم‌سازی فضای اقتصادی از طریق مبارزه با مفاسد و...
 را به‌عنوان خط‌مشی کارگزاران نظام ابلاغ نمودند.
 معظم‌له اینک و در ادامه‌ی همان مسیر و با توجه به فشارهای
 روزافزون استکبار در تحریم‌های اقتصادی در سال جاری، موضوع
 اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان راهبرد اساسی نظام در عرصه‌ی اقتصاد برای
 مقابله با این توطئه‌ها مورد تأکید قرار داده‌اند.
 کتاب پیش‌رو مجموعه‌ی مدوئی است از بیانات معظم‌له در تبیین
 جهاد اقتصادی، اهداف و الزامات و نتایج آن؛ که امید است با بهره‌گیری
 از مدل‌های مفهومی برآمده از سخنان ایشان، خوانندگان را در دریافتهای
 کلی از رهنمودها و راهکارهای نیل به اهداف جهاد اقتصادی یاری کند.
 لازم به ذکر است در مواردی که احتیاج به توضیحاتی درباره‌ی برخی
 بیانات بوده است، متن توضیحی به‌صورت پانویس توسط گردآورندگان
 ارائه شده است.
 انتظار می‌رود آحاد جامعه، خصوصاً مسئولین محترم با مطالعه‌ی این
 کتاب، از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جهت بهبود
 تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها استفاده نمایند و در هر مسئولیتی،

بتوانند با شناخت وظایف و انتظارات، سهم خویش را در جهاد اقتصادی ایفا کنند.

ان شاء الله ملت ایران در عرصه‌ی اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران در پرتو عنایات حضرت صاحب‌الزّمان (عج) روزبه‌روز در حال رشد و تعالی و در این جبهه نیز سربلند و پیروز باشد. در پایان لازم است از همه‌ی افرادی که در گردآوری این کتاب نقش ایفا کردند به‌ویژه آقایان دکتر محمدرضا کشاورزی، حامد عباسی و علی استاجی قدردانی شود. امید است این تلاشها مورد قبول حضرت حق تعالی و توجّه ولی الله الاعظم (ارواحنا له الفداء) قرار گیرد.

و من الله التوفیق

لازم است هم در زمینه‌ی اقتصاد، هم در زمینه‌ی سیاست، حضور مردم «حضور جهادی» باشد. با حماسه و با شور باید وارد شد. با همت بلند و گاه امیدوارانه باید وارد شد. با دل پر امید و پرنشاط باید وارد میدان‌ها شد و با حماسه آفرینی باید به اهداف خود رسید. با این نگاه، سال ۹۲ را به‌عنوان

«سال حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی»

نام‌گذاری می‌کنیم و امیدواریم به فضل پروردگار، حماسه‌ی اقتصادی و حماسه‌ی سیاسی در این سال به دست مردم عزیزمان و مسئولان دلسوز کشور تحقق پیدا کند.

از پیام نوروزی

به‌مناسبت آغاز سال ۱۳۹۲ شمسی

فهرست مطالب

| | |
|---|----|
| بخش اول حماسه، جهاد و اقتصاد | ۲۹ |
| مقدمه | ۳۱ |
| فصل اول اهمیت و چیستی حماسه و جهاد اقتصادی | ۳۴ |
| (۱) ضرورت جهاد و مجاهده‌ی اقتصادی | ۳۴ |
| لزوم جهاد در تمامی زمانها | ۳۴ |
| (۲) تعریف جهاد | ۳۵ |
| معنای جهاد فی سبیل الله | ۳۵ |
| جهاد یعنی مبارزه | ۳۵ |
| معنای جهاد در مقابل دشمن | ۳۶ |
| مجاهدت در راه خدا؛ دری از درهای بهشت | ۳۶ |
| تضعیف عزت فرد و جامعه؛ نتیجه‌ی عدم مجاهدت | ۳۷ |
| جهاد؛ یعنی احساس تکلیف و تعهد و مبارزه با موانع | ۳۸ |
| جهاد؛ عامل معنابخش زندگی | ۳۸ |
| (۳) انقلاب و روح حماسه | ۳۹ |
| حماسه‌ی جهاد اسلامی | ۳۹ |
| ترس دشمن از روح حماسه و عزت اسلامی | ۴۰ |
| (۴) امتداد حماسه در تمامی زمانها | ۴۰ |
| ویژگیهای حماسه‌ی ملت ایران در دفاع مقدس | ۴۱ |
| نقش زنان در خلق حماسه‌ها | ۴۱ |
| (۵) ابعاد گوناگون جهاد | ۴۲ |
| (۱.۵) جهاد علمی | ۴۳ |

- ۴۳..... لزوم توجه به جهاد علمی
- ۴۳..... (۲.۵) جهاد اقتصادی
- ۴۴..... (۶) وجود انواع موانع بر سر راه جهاد
- ۴۵..... (۷) ویژگی‌های جهاد در جهان امروز
- ۴۵..... پیچیدگی جهاد امروز
- ۴۵..... زورگویانه بودن قواعد جهان مدرن
- ۴۶..... لزوم هوشیاری در عرصه‌ی جنگ بین‌المللی
- ۴۶..... لزوم بیداری در هنگام درگیری
- ۴۶..... فراموش کردن جهاد؛ علت ضعف مسلمانان
- ۴۷..... (۸) جهاد؛ لازمه‌ی تمدن‌سازی و پیشرفت
- ۴۸..... (۹) جهاد اقتصادی؛ لازمه‌ی حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی
- ۴۹..... (۱۰) جهاد اقتصادی؛ لازمه‌ی پیشرفت و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز
- ۵۰..... فصل دوم اهداف جهاد اقتصادی
- ۵۰..... اهداف جهاد اقتصادی
- ۵۰..... (۱) تأمین عدالت و قسط و ایجاد محیط سالم معیشت
- ۵۱..... (۲) حذف و ریشه‌کنی فقر عمومی
- ۵۲..... (۳) استقلال اقتصادی
- ۵۴..... مشکل‌تر بودن استقلال اقتصادی نسبت به استقلال سیاسی
- ۵۵..... الزامات تحقق استقلال اقتصادی
- ۵۵..... (۴) مجاهدت در تأمین رفاه عمومی، امنیت و بهبود وضع زندگی مردم
- ۵۶..... آرامش و امنیت فرد، خانواده و جامعه
- ۵۷..... (۵) رشد اقتصادی و افزایش تولید و ثروت ملی
- ۵۷..... توجه اسلام به «تولید ثروت» و «نحوه‌ی تولید و استفاده از ثروت»
- ۵۹..... (۶) الگوشدن برای جهان
- ۵۹..... میسور کردن اجرای اسلام
- ۶۰..... خواست دشمن؛ عدم ارائه‌ی الگوی موفق
- ۶۰..... هدف بزرگ؛ الگو شدن در میان مسلمانان
- ۶۱..... پیامدهای عدم اعمال سند چشم‌انداز
- ۶۱..... سند چشم‌انداز، شاخص بررسی فعالیت‌های دولت
- ۶۳..... بخش دوم شرایط و الزامات راهبردی جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی
- ۶۵..... مقدمه

| | |
|---|----|
| فصل اول شرایط و الزامات اقتصاد مقاومتی..... | ۷۰ |
| ۱) مردمی کردن اقتصاد و توانمندسازی بخش خصوصی..... | ۷۰ |
| ۲) مبارزه‌ی اساسی با فساد..... | ۷۱ |
| ۳) حمایت از تولید ملی..... | ۷۱ |
| ۴) توجه به مدیریت منابع ارزی..... | ۷۲ |
| ۵) توجه به مدیریت مصرف ملی..... | ۷۳ |
| ۶) توجه به اقتصاد دانش‌بنیان..... | ۷۴ |
| ۷) عدم شتابزدگی در اقتصاد مقاومتی..... | ۷۴ |
| عواقب شتاب‌زدگی در مسائل اقتصادی..... | ۷۴ |
| لزوم برنامه‌ریزی بلندمدت و عدم شتاب‌زدگی..... | ۷۵ |
| شتاب‌زدگی؛ مانع عملکرد صحیح..... | ۷۵ |
| ۸) توجه به عقب‌ماندگی تاریخی و راه‌حلهای تسریع در پیشرفت..... | ۷۶ |
| ۱.۸) توجه به عقب‌ماندگی تاریخی..... | ۷۶ |
| جبران گذشته‌ی طاغوتی خویش..... | ۷۶ |
| ۲.۸) منشأ و دلیل عقب‌ماندگی..... | ۷۷ |
| ناآگاهی و بی‌خبری..... | ۷۷ |
| عدم عمل به دستورات اسلام..... | ۷۷ |
| بی‌علمی ما و تجهیز دشمن به علم..... | ۷۷ |
| ۳.۸) راه‌حلهای جبران عقب‌ماندگی..... | ۷۸ |
| توجه، توکل و کار برای خدا..... | ۷۸ |
| توجه و عمل به اسلام..... | ۷۹ |
| ۹) لزوم همّت مضاعف و کار مضاعف..... | ۷۹ |
| کار مضاعف؛ یعنی کار باکیفیت..... | ۸۰ |
| ۱۰) لزوم توجه به نیروی جوان و استفاده از مجربین..... | ۸۰ |
| ۱۱) حرکت در مسیر نیازهای اصلی..... | ۸۱ |
| ۱۲) غفلت‌نکردن از سایر عرصه‌ها..... | ۸۱ |
| فصل دوم الزامات راهبردی جهاد اقتصادی..... | ۸۲ |
| ۱) روحیه‌ی جهادی..... | ۸۲ |
| ۲) استحکام معنویت و روح ایمان و تدبیر در جامعه..... | ۸۲ |
| ۳) پرهیز از بروز مشکلات حاشیه‌ای در کشور..... | ۸۳ |
| ۴) حفظ اتحاد و انسجام ملی..... | ۸۳ |

- ۸۵..... مداومت و پایداری (۵)
- ۸۵..... پایداری و غربت ملت ایران در جهان (۵)
- ۸۵..... پایداری؛ راه علاج مشکلات (۵)
- ۸۶..... پایداری؛ لزوم ایمان (۵)
- ۸۶..... آرمانگرایی و واقع‌بینی (۶)
- ۸۷..... اهتمام به روحیه‌ی کار و پرهیز تنبلی (۷)
- ۸۷..... تنبلی؛ باعث تسلط دشمن (۷)
- ۸۷..... تنبلی‌نکردن؛ شرط فتح قلعه‌ها (۷)
- ۸۸..... بیزاری اسلام از تنبلی و تن‌پروری (۸)
- ۸۸..... مبارزه با تنبلی؛ راه کسب عزت و سعادت (۸)
- ۸۹..... خود باوری، امید و اعتماد به نفس ملی (۸)
- ۹۰..... ثمرات اعتماد به نفس نخبگان (۹)
- ۹۰..... خودباختگی؛ بیراهه‌ای خطرناک (۹)
- ۹۱..... استحکام معنویت و روح ایمان در جامعه (۹)
- ۹۲..... توجه به تمامیت ارزشهای اسلام (۹)
- ۹۲..... توجه به ایمان و تحقق ارزشهای اسلامی (۹)
- ۹۲..... لزوم اخلاص در جهاد (۹)
- ۹۳..... لزوم وجود اعتقادات مستحکم برای پیروزی (۹)
- ۹۳..... اهتمام به خودسازی فردی و ملی (۹)
- ۹۴..... تقوای جمعی؛ راه سعادت عمومی (۹)
- ۹۴..... نگاه غیرمادی به اقتصاد (۹)
- ۹۴..... (۱۰) مبارزه با تحریمها و کمبودها (۹)
- ۹۴..... عدم وا همه از تحریم (۹)
- ۹۵..... اسراف؛ عامل امیدواری دشمن در تحریم (۹)
- ۹۵..... تحریم؛ محرک پیشرفت علمی کشور (۹)
- ۹۶..... تحریم؛ عامل برانگیزاننده‌ی همت ملی (۹)
- ۹۶..... تحریم و اهتمام به فرصت‌سازی در برابر آن (۹)
- ۹۷..... (۱۱) لزوم تعمیق بصیرت (۹)
- ۹۷..... بصیرت نخبگان و جریان‌ات سیاسی (۹)
- ۹۷..... عدم بصیرت؛ علت حرکت انسان در بیراهه (۹)
- ۹۸..... تعریف بصیرت (۹)

- ۹۹..... (۱۲) جلوگیری از موازی کاری
- ۹۹..... لزوم مدیریت تحقیق و عدم موازی کاری در آن
- ۱۰۰..... (۱۳) عدم استفاده‌ی شعاری از جهاد اقتصادی
- ۱۰۰..... (۱۴) اهتمام در رفع بی‌مبالاتی به ارزشها و تفرقه
- ۱۰۱..... فصل سوم شناخت دشمن
- ۱۰۱..... (۱) اهمیت شناخت دشمن
- ۱۰۲..... تذکر معارف اسلامی به کید دشمن
- ۱۰۳..... (۲) ویژگی‌های دشمن
- ۱۰۳..... مادیگرایی دشمن و ایمان بالای مؤمنان
- ۱۰۳..... نقطه ضعف دشمن
- ۱۰۳..... ریاکاری دشمن
- ۱۰۴..... پیچیدگی رفتار دشمن
- ۱۰۵..... تدبیر در برابر دشمنی‌ها در صورتهای متنوع
- ۱۰۵..... عدالت‌گریزی دشمن
- ۱۰۵..... حکمت وجود دشمن
- ۱۰۶..... دشمنی دشمن؛ از نشانه‌ی صحت عمل
- ۱۰۶..... (۳) اهداف دشمن
- ۱۰۶..... (۱.۳) مقابله با نظام اسلامی ایران
- ۱۰۶..... بیزاری دشمن از نظام مبتنی بر اطاعت از خدا
- ۱۰۷..... اسلام؛ دلیل دشمنی دشمنان
- ۱۰۷..... مقابله و ضربه‌زدن به اسلام
- ۱۰۸..... دشمن و قلب تحرک دنیای اسلام
- ۱۰۸..... خواب آشفته و باطل دشمن
- ۱۰۸..... از بین بردن خود اتکایی مردم
- ۱۰۹..... تسلیم شدن ایران
- ۱۰۹..... (۲.۳) فلج کردن اقتصاد کشور
- ۱۰۹..... تلاش دشمن در توقّف سازندگی و اقتصاد
- ۱۱۰..... تکیه‌ی دشمن بر اقتصاد
- ۱۱۱..... (۳.۳) از بین بردن اعتماد و ایجاد بدبینی
- ۱۱۱..... اهتمام جوانان به اعتلای عزّت و اعتماد به نفس
- ۱۱۱..... اعتماد به نفس؛ عنصر زنده‌کننده و پیش برنده

- ۴) راهبردهای دشمن ۱۱۱
- ۱.۴) تمرکز بر جنگ اقتصادی ۱۱۱
- ۲.۴) تمرکز تمام دشمنان بر مقابله با ایران ۱۱۲
- سیاستهای همه جانبه دشمنان علیه ایران ۱۱۳
- ۵) برنامه‌ها ۱۱۳
- ۱.۵) برنامه‌های کلی ۱۱۳
- ابزارهای گوناگون دشمن ۱۱۳
- نگاه مادی و مبتنی بر ضرر و فایده ۱۱۴
- برنامه‌های دشمن ۱۱۴
- راه‌های دشمنی دشمنان ۱۱۵
- هدفهای دیگر دشمن ۱۱۵
- ۲.۵) جنگ روانی ۱۱۵
- تبدیل نقطه‌ی قوت به ضعف ۱۱۶
- القای بن بست؛ خط‌کاری دشمن ۱۱۶
- غبارآلودکردن فضا ۱۱۷
- شفاف‌سازی؛ دشمن دشمن ۱۱۷
- دگرگون نمودن واقعیت ۱۱۷
- تهدید نظامی ۱۱۸
- از بین بردن امنیت ۱۱۸
- جنگ نرم؛ آخرین روش دشمن ۱۱۹
- جنگ سرد و جنگ روانی ۱۱۹
- دو رویی و ریاکاری ۱۱۹
- ۳.۵) ایجاد تفرقه ۱۱۹
- سرگرم کردن به اختلافات؛ نقشه‌ی دشمن ۱۲۰
- اهمیت ویژه‌ی اتحاد ۱۲۰
- هدف دشمن؛ اختلاف تا حد برادرکشی ۱۲۱
- ۴.۵) فشار اقتصادی و تحریمها ۱۲۱
- فشار اقتصادی؛ مهم‌ترین برنامه‌ی دشمن در زمان حاضر ۱۲۱
- چشم دشمن به اختلال اقتصادی ۱۲۲
- ۵.۵) منحرف کردن انقلاب اسلامی ۱۲۲
- ۶.۵) تحریم ۱۲۲

| | |
|-----|---|
| ۱۲۳ | هدف از تحریم |
| ۱۲۳ | ناکارآمدی اسلحه‌ی اقتصادی دشمنان؛ علت تحریم |
| ۱۲۴ | دورزدن تحریمها |
| ۱۲۴ | ۷.۵ سرمایه‌گذاری بر خواصّ جامعه |
| ۱۲۵ | ۸.۵ منحرف کردن اذهان مردم از دشمنی دشمن |
| ۱۲۵ | ۹.۵ مصرف‌گرایی |
| ۱۲۶ | ۶ رهیافتهای مقابله با دشمن |
| ۱۲۶ | تقویت حسن ظن به خدای متعال |
| ۱۲۶ | دل هر مؤمن؛ یک سنگر |
| ۱۲۶ | قدرتمندشدن برای دفاع از عقاید |
| ۱۲۷ | درک صحیح از مبانی دینی |
| ۱۲۷ | وجود ایمان عمیق |
| ۱۲۸ | دنبال کردن جدّی شعارها |
| ۱۲۸ | هوشیاری؛ نیاز اساسی امروز |
| ۱۲۹ | ضعف نشان‌دادن به دشمن |
| ۱۲۹ | شناخت مصائب مبارزه با دشمن |
| ۱۳۰ | فصل چهارم لزوم برنامه‌ریزی بلندمدت |
| ۱۳۰ | برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با دشمن |
| ۱۳۰ | ۱) سند چشم‌انداز بیست‌ساله |
| ۱۳۰ | ثبات در برنامه‌ریزی؛ شرط موفقیت |
| ۱۳۱ | اهتمام هر دولت در تحقق سند چشم‌انداز |
| ۱۳۱ | عدم تغییر در سیاستهای کلی |
| ۱۳۲ | اهتمام در ارائه‌ی برنامه و تدبیر صحیح برای تحقق سند چشم‌انداز |
| ۱۳۳ | حرکت دولت در راستای اهداف سند چشم‌انداز |
| ۱۳۳ | لزوم استخراج پروژه‌های تحقیقی و علمی از سند چشم‌انداز |
| ۱۳۴ | مقام معظم رهبری؛ تدبیرگر اصلی در تنظیم سند چشم‌انداز |
| ۱۳۴ | سند چشم‌انداز؛ سفارش و اولویت اول مقام معظم رهبری |
| ۱۳۵ | مسئولیت همگانی در تحقق سند چشم‌انداز |
| ۱۳۵ | آسان نپنداشتن تحقق سند چشم‌انداز |
| ۱۳۶ | فعال‌سازی دستگاه‌های نظارتی بر میزان تحقق سند چشم‌انداز |
| ۱۳۷ | ۲) جهتگیری با توجه به دهه‌ی پیشرفت و عدالت |

- ۱۳۸.....اهتمام در تبدیل موضوع پیشرفت و عدالت به یک گفتمان ملی
- ۱۳۸..... (۳) جهتگیری با توجّه به شاخصهای کلان اقتصادی
- ۱۳۹..... (۴) تحوّل بر اساس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت
- ۱۳۹..... لزوم الگوسازی بومی
- ۱۴۰..... دولت، عهده‌دار طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی
- ۱۴۰..... (۵) طراحی نقشه‌ی جامع
- ۱۴۱..... بخش سوّم جهاد اقتصادی و الزامات پیشرفت اقتصادی مطلوب
- ۱۴۳..... مقدّمه
- ۱۴۶..... فصل اول الگوی پیشرفت اقتصادی مطلوب
- ۱۴۶..... اقتصاد؛ محوری‌ترین مسئله‌ی کشور
- ۱۴۶..... معنای پیشرفت
- ۱۴۷..... عناصر مهمّ پیشرفت اقتصاد
- ۱۴۷..... ایجاد رفاه و تسهیل زندگی برای مردم
- ۱۴۸..... (۱) پیشرفت همه‌جانبه
- ۱۴۹..... مطالبه‌ی ملّت؛ پیشرفت همه‌جانبه
- ۱۴۹..... لزوم ارزش‌مداری در پیشرفت
- ۱۵۰..... (۲) پیشرفت و عدالت
- ۱۵۰..... (۱.۲) مفهوم و مصداق عدالت
- ۱۵۱..... مغایرت مفهوم عدالت با مفهوم توزیع فقر
- ۱۵۱..... عدالت؛ یعنی توزیع برابر فرصتها
- ۱۵۲..... عدالت و حذف فاصله‌ی طبقاتی
- ۱۵۳..... محرومیتهای گذشته؛ از دلایل بی‌عدالتی
- ۱۵۳..... لزوم اجرای عدالت در همه‌ی زمینه‌ها
- ۱۵۴..... (۲.۲) اهمّیت همراهی پیشرفت و عدالت
- ۱۵۴..... رعایت پیشرفت و عدالت در همه‌ی سیاستها
- ۱۵۴..... تلازم مفهوم پیشرفت با عدالت
- ۱۵۴..... پیشرفت مطلوب اسلام
- ۱۵۵..... افزایش تولید ملی؛ هدفی ناتمام
- ۱۵۵..... هدف نظام اسلامی فراتر از توسعه‌ی مادی
- ۱۵۶..... تولید ثروت، برای اجرای عدالت
- ۱۵۷..... عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی

| | |
|--|-----|
| عدالت و پیشرفت؛ دو شاخص مهم | ۱۵۷ |
| عدالت؛ روح اصلی توسعه | ۱۵۸ |
| عاقبت ثروت بدون عدالت | ۱۵۸ |
| رشد و توسعه؛ مقدمه‌ی عدالت | ۱۵۸ |
| عدالت؛ سیاست اصلی اقتصادی نظام اسلامی | ۱۵۹ |
| ۳.۲ اهمیت عدالت | ۱۵۹ |
| عدالت؛ شاخص و شاقول اصلی اقتصاد | ۱۵۹ |
| عدالت اقتصادی؛ هدف و موضوع مورد اهتمام حضرت امام (ره) | ۱۶۰ |
| بالاترین سطح تقوا؛ گستردن عدالت | ۱۶۰ |
| عدالت؛ مقدمه‌ی تولید ثروت | ۱۶۰ |
| تبلیغ اسلام با اجرای عدالت | ۱۶۱ |
| ثروت بدون عدالت؛ باعث طغیان | ۱۶۱ |
| لزوم برنامه‌ریزی با توجه به محوریت عدالت | ۱۶۲ |
| ۴.۲ راهکارهای پیاده‌سازی عدالت | ۱۶۲ |
| اسلام؛ مبنای استخراج مفهوم عدالت | ۱۶۲ |
| ۳) الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت | ۱۶۳ |
| توجه به مسیر توسعه‌ی نه غربی نه شرقی! | ۱۶۳ |
| تمایز بین پیشرفت اسلامی با توسعه‌ی غربی | ۱۶۳ |
| توجه به خطر شاخصهای متناسب با ناتوی فرهنگی در میان شاخصهای پیشرفت و توسعه | ۱۶۴ |
| لزوم استفاده از تجربیات دیگران، در عین عدم تقلید الگوی توسعه | ۱۶۵ |
| لزوم الگوسازی و مدل‌سازی بومی و محلی | ۱۶۵ |
| عمل نکردن به نسخه‌های صرفاً غربی | ۱۶۶ |
| عدم استفاده از شیوه‌های منسوخ غرب | ۱۶۶ |
| استفاده از دستاوردها و تجربه‌های صحیح دیگران | ۱۶۶ |
| تعیین اولویتهای، با توجه به الگوی پیشرفت | ۱۶۷ |
| استقلال؛ از الزامات حتمی الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی | ۱۶۷ |
| لزوم تناسب الگوی پیشرفت با ویژگی‌ها و شرایط ملی | ۱۶۸ |
| عدم فراموشی آخرت در الگوی پیشرفت | ۱۶۸ |
| هویت ملی؛ اساس هر تحول و الگوی پیشرفت | ۱۶۹ |
| لحاظ آرمانها در پیشرفت | ۱۶۹ |

- ۱۶۹..... عدم تقلید در الگوی پیشرفت
- ۱۷۰..... فصل دوم تقویت تولید ملی و جهاد اقتصادی
- ۱۷۰..... (۱) اهمیت تقویت تولید ملی
- ۱۷۱..... تولیدکننده؛ مجاهد فی سبیل الله
- ۱۷۱..... اقتدار؛ ثمره‌ی تولید مناسب
- ۱۷۲..... تولید داخلی؛ مانع وابستگی
- ۱۷۲..... اهانت به حیثیت ملی در زمان طاغوت
- ۱۷۲..... شکوفایی پایدار با رشد تولید داخلی
- ۱۷۳..... کسب عزت؛ با گسترش تولیدات داخلی
- ۱۷۳..... عوامل نفوذ و اقتدار سیاسی در دنیا
- ۱۷۴..... تبعیت و اطاعت کردن از دیگران؛ نتیجه‌ی عدم حمایت از تولید ملی
- ۱۷۴..... مصرف بدون تولید، از عوامل ضد پیشرفت
- ۱۷۴..... افزایش تولید ملی؛ نشانه‌ی رحمت الهی
- ۱۷۵..... (۲) الزامات تقویت و حمایت از تولید ملی
- ۱۷۵..... (۱.۲) مصرف کالاهای داخلی
- ۱۷۶..... لزوم توجه به فرهنگ مصرف تولیدات داخلی
- ۱۷۶..... توانایی متخصصین ایرانی در ساخت کالاهای مختلف
- ۱۷۷..... (۲.۲) اصلاح قوانین
- ۱۷۷..... علاج قوانین معارض با رشد تولید ملی
- ۱۷۸..... ثبات و شفافیت و انسجام در سیاستها و مقررات
- ۱۷۸..... (۳.۲) مبارزه با فساد اقتصادی
- ۱۷۸..... تاثیر فساد بر تولید ملی
- ۱۷۹..... (۴.۲) اهمیت ویژه به صنعت
- ۱۷۹..... صنعت پیشقراول توسعه‌ی اقتصادی
- ۱۸۰..... لزوم پیشرفت مجموعی در بخشهای صنعت و کشاورزی
- ۱۸۰..... (۵.۲) اعتقاد به مشروعیت تولید ثروت
- ۱۸۰..... مطلوب بودن تولید ثروت از منظر شرع
- ۱۸۱..... ثروت بدون معنویت؛ مانع آرامش حقیقی
- ۱۸۱..... (۶.۲) الزامات در زمینه‌ی تولید و تولیدکنندگان
- ۱۸۱..... مرغوبیت کالا
- ۱۸۲..... اهتمام به نوآوری در همه‌ی تولیدات

- تولید محصولات بادوام، مطلوب، زیبا و فاخر ۱۸۳
- رشد تولید داخلی متناسب با نیاز مردم ۱۸۴
- ویژگی دست اندرکاران تولید ۱۸۴
- تولید دانش بنیان ۱۸۴ (۳)
- اهمیت ویژه تجاری سازی ۱۸۵
- لزوم تبدیل علم به فناوری در فرآیند توسعه و پیشرفت ۱۸۵
- راه اندازی چرخه‌ی کامل علمی در کشور ۱۸۶
- علم؛ پاسخگوی نیاز ملت ۱۸۷
- تأثیرگذاری تحقیقات بر رشد و توسعه ۱۸۷
- ۱.۳ رابطه‌ی صنعت و دانشگاه ۱۸۸
- دانشگاه؛ موتور پیشرفت ۱۸۸
- الزامات ارتباط صنعت و دانشگاه ۱۸۸
- هماهنگی بین مراکز علمی ۱۸۹
- لزوم توجه به نوآوری ۱۸۹
- ۲.۳ برنامه‌ریزی بر اساس نیازهای آینده ۱۸۹
- ۴ ارتقاء بهره‌وری ۱۹۰
- اهمیت بهره‌وری در رشد ۱۹۰
- فصل سوم نقش علم در پیشرفت اقتصادی ۱۹۰
- علم و تولید؛ دو پایه‌ی اصلی پیشرفت مادی کشور ۱۹۰
- ۱ نقش و اهمیت علم ۱۹۱
- ۱.۱ علم و ترویج ارزشها ۱۹۱
- دفاع از ارزشها؛ با استفاده از علم ۱۹۲
- ثمره‌ی عدم توجه به علم؛ دنباله‌روی از فرهنگ بیگانه ۱۹۲
- ۲.۱ علم؛ مقدمه‌ی ثروت و اقتدار ۱۹۲
- علم؛ عامل قدرت ملی ۱۹۳
- علم؛ ریشه‌ی پیشرفت ۱۹۴
- کسب درآمد از تولید دانش بومی ۱۹۵
- علم؛ عامل امنیت بلندمدت کشور ۱۹۵
- قدرت دشمن از علم ۱۹۶
- علم؛ وسیله‌ی تبلیغ ارزشها ۱۹۶
- ۳.۱ عقب ماندگی علمی؛ استراتژی دشمن ۱۹۷

- استراتژی دشمن؛ عقب‌ماندگی علمی کشورهای سلطه‌پذیر ۱۹۷
- عقب‌ماندگی علمی در دوران طاغوت و نتایج آن ۱۹۸
- ۴۰۱ حل مشکلات کشور با توسعه علم ۱۹۸
- علم؛ پایه‌ی توسعه‌ی عدالت‌محور ۱۹۹
- ۲ الزامات پیشرفت علمی ۱۹۹
- ۱۰۲ متناسب بودن علم با نیازهای کشور ۱۹۹
- ۲۰۲ سرمایه‌گذاری در علم، فناوری و نخبه‌پروری ۲۰۰
- ایجاد جریان عام و تمامی‌ناپذیر در عرصه‌ی علم ۲۰۱
- حمایت از نخبگان ۲۰۱
- ایجاد نظام رصد ۲۰۱
- ۳۰۲ بومی‌سازی علوم انسانی ۲۰۲
- لزوم پرهیز از مدل پیشرفت غربی ۲۰۲
- عدم بکارگیری نسخه‌ی بیگانه در اداره‌ی کشور ۲۰۲
- عدم امکان پیشرفت با استفاده ظاهری از فرآورده‌های علمی دیگران ۲۰۲
- پرهیز از شیوه‌های منسوخ غربی ۲۰۳
- یافتن مدل مدیریت بومی و اسلامی ۲۰۳
- ناتوانی علوم انسانی موجود در کشور، در حل مسائل ۲۰۴
- توجه به دانشهای ذاتاً مسموم و اثرات تربیتی و مدیریتی آن ۲۰۵
- اهتمام به استفاده از دستاوردهای صحیح دیگران ۲۰۵
- تفکر ترجمه‌ای و غرب‌زده؛ عامل بدبختی کشور ۲۰۵
- عدم مطابقت فرمولهای غربی با مسائل کشور ۲۰۶
- ۴۰۲ نظریه‌سازی ۲۰۶
- علوم انسانی نیازمند به نظریه‌سازی ۲۰۶
- همگانی شدن تولید نظریه و فکر ۲۰۷
- شاگردی همیشگی؛ بیراهه‌ی بسیار خطرناک ۲۰۷
- ۵۰۲ رفع موانع و معارضات موجود در راه علم ۲۰۸
- فصل چهارم بهبود فضای کسب و کار ایرانی ۲۰۹
- ۱ راهکارهای بهبود فضای کسب و کار ۲۰۹
- اصلاح قوانین و بهبود فرآیندها ۲۰۹
- اصلاح قانون کار در دو جهت ۲۰۹
- ۲ اهمیت اشتغال و کاهش بیکاری ۲۱۰

| | |
|-----|--|
| ۲۱۰ | توجه به معضل بیکاری و شکاف طبقاتی |
| ۲۱۱ | (۳) توجه به نیروی انسانی |
| ۲۱۱ | در نظر گرفتن نقش اساسی کارگر |
| ۲۱۱ | تکریم کارگر در رأس برنامه‌ها |
| ۲۱۱ | دلایل تجلیل از کارگر |
| ۲۱۲ | کار کارگر؛ نوعی جهاد |
| ۲۱۳ | کار کارگر؛ نوعی پیکار با دشمن |
| ۲۱۳ | (۴) کارآفرینی و عبادت الهی |
| ۲۱۴ | (۵) توسعه‌ی مهارت‌ها و تربیت نیروی متخصص |
| ۲۱۴ | تربیت نیرو در صنایع دانش بنیان |
| ۲۱۴ | فصل پنجم حمایت از سرمایه‌گذاری ملی |
| ۲۱۴ | (۱) اهمیت سرمایه‌گذاری |
| ۲۱۵ | سیاست نظام، به‌کارگیری سرمایه |
| ۲۱۵ | (۲) الزامات افزایش سرمایه‌گذاری |
| ۲۱۵ | (۱.۲) اولویت‌بندی در سرمایه‌گذاری |
| ۲۱۶ | (۲.۲) کم مصرف کردن و افزایش پس‌انداز |
| ۲۱۶ | (۳.۲) افزایش امنیت اقتصادی |
| ۲۱۶ | (۴.۲) مشارکت تعاونی‌ها در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی |
| ۲۱۷ | (۵.۲) مبارزه با فساد |
| ۲۱۷ | لزوم مبارزه‌ی عملی با فساد |
| ۲۱۷ | مبارزه با فساد و افزایش سرمایه‌گذاری |
| ۲۱۸ | مبارزه با فساد؛ موضوعی اساسی و ملی |
| ۲۱۸ | جدیت در مبارزه با فساد |
| ۲۱۹ | فساد؛ مانع فعالیت سالم اقتصادی |
| ۲۱۹ | فساد؛ مزاحم پیشرفت کشور |
| ۲۲۰ | فساد حکومتی، مانع تولید ثروت |
| ۲۲۰ | فصل ششم خصوصی‌سازی مطلوب |
| ۲۲۰ | (۱) اهمیت سیاست‌های اصل ۴۴ |
| ۲۲۱ | لزوم استفاده از توان بخش خصوصی |
| ۲۲۱ | (۲) روح اصل ۴۴ و سیاست‌های آن |
| ۲۲۲ | (۳) الزامات خصوصی‌سازی |

- ۱.۳) توانمندسازی بخش خصوصی ۲۲۲
- ۲.۳) نظارت و پشتیبانی دولت ۲۲۲
- ۳.۳) عدم سوءاستفاده از خصوصی‌سازی ۲۲۳
- ۴.۳) رعایت سیاستهای کلی ۲۲۳
- توسعه‌ی عادلانه در خصوصی‌سازی ۲۲۳
- ۵.۳) اطلاع‌رسانی صحیح ۲۲۴
- ۶.۳) توجه به ارزیابی عملکرد ۲۲۴
- ۴) هدف اجرای سیاستهای اصل ۴۴ ۲۲۵
- فصل هفتم اصلاح الگوی مصرف ۲۲۵
- مصرف صحیح؛ فرصتی برای شرکت همگانی در جهاد ۲۲۵
- ۱) عادت به مصرف تولیدات داخلی ۲۲۶
- جهاد اقتصادی و حمایت از تولیدات داخلی ۲۲۶
- عادت به تولیدات داخلی ۲۲۶
- اقبال به مصرف کالاهای خارجی؛ میراث دوران طاغوت ۲۲۶
- عاقبت مصرف کالای خارجی؛ رشد بیکاری و فساد در جامعه ۲۲۷
- توجه به فرهنگ‌سازی جهت مصرف تولیدات داخلی ۲۲۷
- نمونه‌ی عملی مصرف تولید داخلی ۲۲۸
- ۲) پرهیز از اسراف ۲۲۸
- اسراف؛ یعنی خرج کردن مال بدون اثر و کارایی ۲۲۸
- اسراف؛ یکی از عوامل تهدید آینده‌ی کشور ۲۲۹
- اسراف؛ تزیین نعمت الهی ۲۲۹
- تغییر معیار و میزان اسراف در طول زمان ۲۳۰
- اسراف عامل ایجاد مشکل برای کشور ۲۳۰
- نامناسب بودن مصرف در جامعه ۲۳۱
- ۱.۲) اسراف ملی ۲۳۲
- اسراف ملی؛ مانع پیشرفت ملی ۲۳۲
- ۲.۲) تأثیر اسراف بر جامعه ۲۳۲
- اسراف؛ عامل رشددهنده‌ی فاصله‌ی طبقاتی ۲۳۲
- اسراف؛ به ضرر آحاد و اشخاص کشور ۲۳۳
- اسراف؛ دلیل گرسنگی برخی در کشور ۲۳۳
- توجه به زیانهای اقتصادی، اجتماعی و روانی اسراف ۲۳۴

| | |
|-----|---|
| ۲۳۴ | اسراف و خرج اضافی؛ عامل اختلال روانی |
| ۲۳۵ | (۳) اصلاح الگوی مصرف |
| ۲۳۵ | لزوم اصلاح الگوی مصرف |
| ۲۳۵ | الگوی مصرف راه رسیدن به پیشرفت و عدالت |
| ۲۳۵ | اصلاح الگوی مصرف؛ کلید حل مشکلات اقتصادی |
| ۲۳۶ | (۴) مصرف بیت‌المال |
| ۲۳۶ | تهیه‌ی دستورالعمل غیرمصرفانه برای دولت |
| ۲۳۶ | یافتن اولویتهای مصرف اموال عمومی |
| ۲۳۷ | اهتمام مسئولان به اولویت‌گذاری در بخش مصرف |
| ۲۳۷ | عدل علوی؛ الگوی مطلوب برنامه‌ریزی و مصرف بیت‌المال |
| ۲۳۸ | عدم سوءاستفاده از قدرت حاکمیتی |
| ۲۴۰ | عدم دل سپردن مسئولین به لذات دنیوی |
| ۲۴۰ | (۵) مصرف‌گرایی |
| ۲۴۰ | (۱.۵) مصرف‌گرایی؛ سیاست تاریخی استکبار |
| ۲۴۰ | تجمل‌گرایی؛ مانع رشد و اقتدار و سازندگی |
| ۲۴۱ | (۲.۵) اثرات فرهنگ مصرف‌گرایی |
| ۲۴۱ | مصرف‌گرایی؛ بلای بزرگ جامعه |
| ۲۴۱ | مصرف‌گرایی؛ مانع کمک به فقرا |
| ۲۴۲ | (۶) کاهش مصرف از طریق بهره‌وری و صرفه‌جویی |
| ۲۴۲ | صرفه‌جویی؛ خط اساسی برنامه‌ریزی |
| ۲۴۲ | مبارزه با فقر با استفاده‌ی بهینه از منابع |
| ۲۴۲ | اهتمام در صرفه‌جویی در کالاها و مواد اساسی |
| ۲۴۳ | لزوم صرفه‌جویی، از مصرف تا بازیافت |
| ۲۴۳ | استفاده‌ی بهینه از آبهای کشور؛ راه مبارزه با کم‌آبی |
| ۲۴۳ | لزوم همزمانی کاهش مصرف و بازیافت |
| ۲۴۴ | (۷) لزوم استفاده از ابزار مالیات برای بهبود سطح مصرف |
| ۲۴۴ | فصل هشتم الگوی تجارت خارجی مطلوب |
| ۲۴۴ | (۱) صادرات |
| ۲۴۴ | صادرات؛ وسیله‌ی ابراز توانایی ایران |
| ۲۴۵ | توسعه‌ی صادرات؛ عامل رفع احتیاج به درآمدهای نفتی |
| ۲۴۵ | وابستگی درآمدهای ملی به درآمدهای نفتی؛ روشی غلط در اداره‌ی کشور |

- ۲۴۶..... وابستگی به نفت؛ ازبزرگ‌ترین بلیات ما
- ۲۴۶..... سیاستهای افزایش صادرات
- ۲۴۶..... تأکید بر تحقیقات
- ۲۴۷..... تأمین بازار صادراتی توسط دولت
- ۲۴۷..... صادرکردن جنس مرغوب
- ۲۴۸..... (۲) واردات
- ۲۴۸..... رشد واردات؛ بدترین روش برای بالابردن کیفیت کالای داخلی
- ۲۴۸..... ارجحیت رشد تولید داخلی نسبت به فراوانی و ارزانی ناشی از واردات
- ۲۴۹..... واردات؛ عامل اصلی بیکاری
- ۲۴۹..... توجیه ناصواب کاهش قیمت‌ها برای توسعه‌ی واردات
- ۲۵۰..... سیاستهای مدیریت واردات
- ۲۵۰..... بازرنگری در سیاستهای واردات
- ۲۵۰..... تنظیم سیاست تعدیل بازرگانی
- ۲۵۱..... اهتمام به صنعتی‌سازی و عدم واردات محصولات کشاورزی
- ۲۵۱..... (۳) جهانی‌شدن
- ۲۵۱..... سازمان تجارت جهانی و توجه به الزامات و شرایط پیوستن به آن
- ۲۵۲..... اول ایجاد بنیه، بعد تجارت جهانی
- ۲۵۲..... اهتمام به استقلال صنعتی؛ شرط جهانی‌شدن
- ۲۵۳..... تجارت جهانی و امید دشمن
- ۲۵۴..... (۴) اصول حاکم بر تجارت
- ۲۵۴..... (۱.۴) خودکفایی
- ۲۵۴..... لزوم خودکفایی در کالاهای اساسی
- ۲۵۵..... لزوم خودکفایی کشور در صنعت و کشاورزی
- ۲۵۵..... خودکفایی؛ مانع زورگویی دشمن
- ۲۵۵..... کاهش اتکا به بیگانگان
- ۲۵۶..... اهمیت خودکفایی در فرهنگ و اخلاق
- ۲۵۶..... (۲.۴) استفاده از ظرفیت تجاری کشورهای اسلامی
- ۲۵۶..... ایجاد بازار مشترک اسلامی
- ۲۵۷..... تجارت اندک مسلمانان با یکدیگر
- ۲۵۷..... فصل نهم کاهش تورّم
- ۲۵۷..... (۱) هدفگذاری میزان تورّم

| | |
|----------|---|
| ۲۵۷..... | تورم تک رقمی..... |
| ۲۵۸..... | ۲) اهمیت تورم پایین..... |
| ۲۵۸..... | ۱.۲) تقویت اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه..... |
| ۲۵۸..... | ۲.۲) وجود تورم بالا؛ خلاف عدالت اسلامی..... |
| ۲۵۹..... | ۳.۲) ایجاد احساس اقتدار و توانایی در مردم..... |
| ۲۵۹..... | ۴.۲) سوء استفاده دشمن از افزایش تورم..... |
| ۲۶۰..... | ۳) عوامل بروز تورم و راهکارهای کاهش آن..... |
| ۲۶۰..... | ۱.۳) عوامل روانی..... |
| ۲۶۰..... | حرفهای نسجیده و تصمیمهای نادرست؛ از عوامل تورم..... |
| ۲۶۰..... | ۲.۳) افزایش نقدینگی..... |
| ۲۶۰..... | افزایش نقدینگی؛ مهم‌ترین عامل تورم..... |
| ۲۶۱..... | ۳.۳) عوامل غیرارادی بروز تورم..... |
| ۲۶۲..... | برخی راهکارهای کوتاه‌مدت..... |
| ۲۶۲..... | انجام کارهای ضربتی..... |
| ۲۶۲..... | گران‌نکردن خدمات دولتی..... |

بخش اول ————— ❁
حماسه، جهاد و اقتصاد

مقدمه

جهاد و حماسه در ادبیات دینی، واژگان مقدّسی هستند که در چند سال اخیر، توسط مقام معظم رهبری برای نام‌گذاری سالها و جهت‌دهی به حرکت ملی استفاده شده است. به نظر میرسد دستیابی به حماسه در زمینه‌های مختلف، نیازمند تلاشی مقدّس و هدفمند می‌باشد؛ که یکی از مهمترین الزامات خلق حماسه‌ی اقتصادی نیز، جهاد اقتصادی است.

در فصل اول این بخش، سعی شده است که در باب جهاد و حماسه، توضیحاتی با توجه به کلام معظم‌له آورده شود. جهاد یکی از واژه‌های کلیدی در ادبیات دین مبین اسلام، می‌باشد. اسلام در کنار عباداتی مانند روزه، نماز، حج و... از جهاد به‌عنوان یکی از فروع دین اسلام نام میبرد که خود نشانگر اهمّیت بالای این امر می‌باشد. اما در نگاه مفهومی، جهاد امری است که برابر دشمن و به همراه حرکتی متفاوت و تلاشی وافر معنا می‌یابد. در زمان حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، در تاریخ بشر و در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در هشت سال جنگ تحمیلی، جهاد با دشمنی صورت می‌گرفت که در پیش رو و قابل رؤیت بود؛ اما گستره‌ی جهاد امروز آن‌قدر فراگیر گشته که نه زمان می‌شناسد و نه مکان. خاکریز امروز هم دانشگاه است و هم حوزه، هم خانه است و هم محل کار. هم عرصه‌ی اقتصادی جهاد می‌طلبد، هم عرصه‌ی علم و هم عرصه‌ی نظامی؛ و شناخت مسیر مبارزه به نگاهی

عمیق و برگرفته از آب زلال معرفت نیازمند است.

میتوان با دیدی بازتر، گستره‌ی مبارزه و جهاد را فراخ‌تر دید و ابزار دشمن را پیشرفته‌تر؛ پیکار را سخت‌تر دید و مکر دشمن را ناپدیدارتر؛ جهاد امروز جهادی نوین با شیوه‌هایی متفاوت است که در تمامی زمانها و مکانها معنا مییابد و منحصر به زمان و سن‌گیری خاص نمیگردد. پیچیدگی جهاد امروز نیز که با زورگویانه بودن قوانین جهان و عقب‌ماندگی دو‌یست ساله‌ی ما از دنیا، آن‌هم به دلایل تاریخی و گاه کاستی‌های ملی، آمیخته گردد، نشانگر بخش دیگری از جهاد پیچیده‌ی امروز است که معظّم‌له بدان اشاره میکنند.

جهاد اقتصادی آن‌گاه که تمام و کمال محقق گردد، حماسه‌ای را رقم خواهد زد که برای ملت ایران در گام نخست، و برای جهانیان در گام بعدی نجات‌بخش خواهد بود. عاشورا و نهضت حضرت سیدالشهداء، جوهره‌ای از حماسه‌ی ناب را در خود جای داده و روح حماسی آن، بخشی است که دشمنان اسلام و انقلاب را به هراس انداخته است. انقلاب اسلامی ایران، در ادامه مسیر پاکان جهان، حماسه‌آفرینی را در انسان‌های انقلابی بیدار کرد و به برکات آن نیز در پیشبرد اهداف حقّه‌ی خود نائل گردید. حرکت جهادی و رسیدن به اهداف مورد انتظار امت اسلامی و انقلابی بدون حماسه و روح آن موتور محرکه‌ای نخواهد داشت و تلاش جهادی را چه در عرصه‌ی اقتصادی و چه در عرصه‌های دیگر ناکام میگذارد؛ از این رو بررسی این عنوان در کتاب الزامی به نظر آمد و در نتیجه مباحث مهمی را از کلام رهبری استخراج نموده و در این مجموعه تنظیم شده است.

در فصل بعدی این بخش، درباب اهداف حماسه و جهاد اقتصادی، سخنانی از رهبر معظّم انقلاب انتخاب شده است. طبق فرموده‌ی مقام معظّم رهبری، یکی از اهداف مهمّ جهاد اقتصادی این است که «ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه‌ی حلّ مشکلات اقتصادی به

همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند.^۱ با نگاهی جامع، این فصل تلاشی است به منظور گردآوری اهداف انقلاب اسلامی در عرصه‌ی اقتصاد، تا با نگاهی کل‌نگر به آن بتوان اولویّت‌بندی لازم را کشف کرده، اهداف اصلی را از فرعی تشخیص داده و برای رسیدن به آنها، برنامه‌ریزی کنیم.

در ابتدای فصل اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی که همواره مورد توجه ملت ایران از گذشته تا به امروز بوده و برای همگان جذابیّت دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از آن، به سند چشم‌انداز به‌عنوان ترجمه‌ی شعارهای اصیل انقلاب در عصر ما، اشاره خواهد شد. در جامعیت این سند همین بس که اهداف دهه‌ی پیشرفت و عدالت و الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت را در بر گرفته و آنها را مقدمه‌ی رسیدن به اهداف می‌سازد.

بنا بر نظر گردآورندگان برای اهداف جهاد اقتصادی، میتوان اولویّت‌بندی دقیقی بیان نمود. در این راستا، مهمترین هدف، سند چشم‌انداز است که در صورت عمل به الزامات این سند، که در حقیقت عمل به الزامات جهاد اقتصادی است، بی‌شک وضعیّت زندگی مردم بهبود پیدا میکند. از فواید دیگر در تحقق آن، نزدیک‌شدن به نظام مطلوب اقتصادی اسلام و قطع امید دشمن به سبب این نظام مطلوب است؛ با رسیدن به این مهم، تمام جهانیان به ایران و فرهنگ اصیل اسلامی آن، که سبب این پیشرفت عظیم شده، توجه نموده و در نتیجه میتوان فرهنگ خویش را از این مجرا، هر چه سریع‌تر به جهانیان صادر نمود و زمینه‌ساز ظهور حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشیم.

انشاء الله

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱/۱/۱۳۹۰

فصل اول

اهمیت و چیستی حماسه و جهاد اقتصادی

۱) ضرورت جهاد و مجاهده‌ی اقتصادی

ما جهاد اقتصادی را یک ضرورت برای کشور میدانیم، نه صرفاً یک اولویت؛ یک نیاز قطعی است. اولاً اقتصاد، پیشرفت اقتصادی، رونق اقتصادی ارتباط مستقیم دارد با معیشت مردم. معیشت مردم جزو اولین اهداف همه‌ی دولتهاست در همه‌جای دنیا و در همه‌ی دوران تاریخ؛ البته دولتهای علاقه‌مند به مردم؛ آن دولتهای مستأثر و زورگو و جبّار، مورد نظرمان نیستند. هر دولتی که بخواهد به مردم خودش خدمت کند، اولین مسئله‌اش، مسئله‌ی معیشت مردم است، که بتواند مردم را اداره کند. خوب، این به اقتصاد وابسته است. یک اقتصاد خوب، سالم، وافر و پیشرو میتواند وضع زندگی مردم را خوب کند. خوب، این یک دلیل است مبنی بر اینکه لازم است ما در کار اقتصاد مجاهدت کنیم.^۱

لزوم جهاد در تمامی زمانها

ملت ما، جوانان ما، زن و مرد ما نباید احساس کنند که دوران مجاهدت به پایان رسید، خطری ما را تهدید نمیکند. ممکن است خطر نظامی ما را تهدید نکند، همین جور هم هست. امروز ملت ایران به آن رتبه‌ای از اقتدار رسیده که خطرپذیری دشمنان خود را بسیار بالا برده، جرأت نمیکند به این ملت تهاجم نظامی کنند؛ میدانند سرکوب خواهند شد؛ میدانند که این ملت مقاوم است؛ بنابراین خطر تهاجم نظامی بسیار پایین است؛ اما تهاجم، فقط تهاجم نظامی نیست. دشمن به آن نقاطی متوجه میشود که پشتوانه‌ی استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و

۱ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۰/۶/۶

ایمان عمیق دینی را هدف قرار می‌دهد. دشمن روحیه‌ی صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار می‌دهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناکتر است.^۱

۲) تعریف جهاد

معنای جهاد فی سبیل‌الله

وقتی انسان برای اعلای کلمه‌ی حق، اعلای کلمه‌ی اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می‌کند، این جهاد میشود جهاد فی سبیل‌الله. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی سبیل‌الله وجود دارد.^۲

جهاد یعنی مبارزه

جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمیدهد. می‌گوییم من دارم مبارزه می‌کنم: مبارزه‌ی علمی می‌کنم، مبارزه‌ی اجتماعی می‌کنم، مبارزه‌ی سیاسی می‌کنم، مبارزه‌ی مسلحانه می‌کنم؛ همه‌ی اینها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده‌ی آسفالته، انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمی‌گویند. مبارزه آنجایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه‌های انسانی، میشود دشمن؛ و در جبهه‌های طبیعی، میشود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آنها را از میان بردارد، این میشود مبارزه. جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در

۱. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۲

۲. در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۱۳۹۰/۱/۸

قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البتّه یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق میکند، یک جا هم با جنگ غیرمسلحانه تطبیق میکند.^۱

معنای جهاد در مقابل دشمن

جهاد یک معنای خاصی دارد. معنای جهاد فقط تلاش نیست. در مفهوم اسلامی، جهاد عبارت است از آن تلاشی که در مقابل یک دشمن است، در مقابل یک خصم است. هر تلاشی جهاد نیست. مجاهدت با نفس، مجاهدت در مقابل شیطان، جهاد در میدان نظامی، مواجهه‌ی با یک دشمن است.^۲

مجاهدت در راه خدا؛ دری از درهای بهشت

جهاد یعنی تلاش و کوشش در راه ارزشهای والا؛ و برای همین است که **إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ**؛ جهاد دری از درهای بهشت است. امروز به مظاهر نظامی‌گری مادی در دنیا نگاه کنید. علاوه بر نیروهای رسمی امریکا و انگلیس، امروز در عراق دهها هزار مزدور، فقط برای پول در میدان جنگ حاضر شده‌اند و لباس نظامی‌گری پوشیده‌اند. برای آنها بچه و پیرمرد و زن و بی‌دفاع و حریم‌خانه‌ی مردم و هیچ چیز معتبر و محترم نیست؛ همه چیز را از دم تیغ میگذرانند؛ این معنای نظامی‌گری در منطق مادی است. جانی هم که در این راه تلف میشود، مثل جان حیوانی که بمیرد و در مزبله بیفتد، هدر رفته است! هیچ افتخار و درخششی دنبال چنین جانی نیست. اما آن انسانی که در راه دفاع از ملت

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۸/۲۰

۲. در دیدار با اساتید دانشگاه، ۱۳۸۹/۶/۱۴

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۷

و کشور و عدالت و حقیقت و ایستادگی در مقابل تجاوز و زورگویی و دست‌اندازی مراکز قدرت جهانی وارد میدان میشود، برای ارزش می‌جنگد. اگر هیچکس هم او را نشناسد و گمنام بمیرد و گمنام بماند، در ملکوت آسمانها فرشتگان الهی او را با سر انگشت به هم نشان میدهند؛ او نمیمیرد: **وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزِقُونَ**^۱؛ اینها را مرده مپندارید؛ اینها زندگان جاوید و منبع الهامند. وقتی این روحیه در ارتشی به وجود آمد، این ارتش غیرقابل تسخیر میشود. شما ببینید یک‌عده جوان با سلاح ایمان و بدون برخورداری از تجهیزات پیچیده و پیشرفته در لبنان، کاری را انجام دادند که لشکرهای مجهز عربی نتوانسته بودند آن را انجام دهند؛ یعنی بر ارتش تا دندان مسلح به ابزارهای پیچیده‌ی اسرائیل فائق آمدند و این ننگ را بر پیشانی آنان نوشتند. اینها نه اتم داشتند، نه تانکهای پیشرفته داشتند، نه هواپیماهای فوق مدرن داشتند؛ با سلاح ایمان، با اعتماد به نفس و با تکیه به قدرت فائده‌ی الهی، از اسلحه‌ی ابتدایی خودشان همان استفاده‌ای را کردند که یک لشکر مجهز به سلاح مدرن نمیتوانست در مقابل آنها تاب مقاومت بیاورد. راز پیروزی مؤمنان در طول تاریخ اسلام این بوده.^۲

تضعیف عزت فرد و جامعه؛ نتیجه‌ی عدم مجاهدت

در نهج البلاغه میفرماید: **إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِعَاصِمَةِ أَوْلِيَائِهِ**^۳، این معنایش چیست؟ جهاد، مجاهدت در راه خدا و در راه حق،

۱. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۶۹؛ ترجمه: هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده میشوند.

۲. در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های سه‌گانه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳/۷/۲۲

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷

دری از درهای بهشت است که خدای متعال این در را فقط برای خاصان اولیای خود گشوده است؛ یعنی جوانهای شما، شهیدان شما، عزیزان شما جزو خاصان اولیای الهی بودند که توانستند از این در عبور کنند. چرا خدای متعال اینها را خاصان اولیای خود میدانند؟ زیرا اگر این مجاهدتها نباشد، یک ملت همیشه توسری خور، همیشه عقب مانده، همیشه ضعیف، همیشه زورشنو باقی خواهد ماند. ملت ما، ملت بزرگ ایران در مجموعه های گوناگون، این عظمت را از خودشان نشان دادند و شما در اینجا امتحان خوبی دادید؛ شما در این امتحان بزرگ رتبه‌ی خوبی کسب کردید.^۱

جهاد؛ یعنی احساس تکلیف و تعهد و مبارزه با موانع

یک ملت وقتی معتقد به جهاد شد، در همه‌ی میدانها پیشرو است. جهاد فقط تفنگ به دست گرفتن نیست؛ جهاد این است که انسان خود را همیشه در میدان حرکت و مبارزه با مانعها و مانع تراشها ببیند، احساس تکلیف کند، احساس تعهد کند؛ این میشود جهاد؛ جهاد اسلامی این است. جهاد گاهی با جان است، گاهی با مال است، گاهی با فکر است، گاهی با دادن شعار است، گاهی با حضور در خیابان است، گاهی با حضور در پای صندوق رأی است؛ این میشود جهاد فی سبیل الله؛ و این است که یک ملت را رشد میدهد، طراوت میدهد، تازگی میدهد، امید میدهد و یک ملت پیش میرود.^۲

جهاد؛ عامل معنابخش زندگی

مسئله‌ی شهادت و مسئله‌ی جهاد در اسلام این است: تلاش از

۱. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۲

۲. در دیدار مردم اصفهان در عید قربان، ۱۳۸۹/۸/۲۶

همه سو سود، بدون زیان؛ تلاش صادقانه ای که به زندگی انسان معنا می‌دهد؛ جهت حرکت انسان را معین میکند؛ چشم‌انداز آینده‌ی زندگی را به عنوان یک ملت، چشم‌انداز روشن و تابناکی میکند و چشم‌انداز سرنوشت نهایی انسان را به عنوان یک فرد، رضوان الهی قرار می‌دهد؛ این جهاد و شهادت اسلام است؛ هیچ چیز جای این را نمی‌گیرد.^۱

۳) انقلاب و روح حماسه

حماسه‌ی جهاد اسلامی

من گاهی این خاطرات رزمندگان را می‌خوانم - که خوشبختانه این روزها به همت حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی دارد چاپ میشود - وقتی که آنها خاطرات خودشان را نقل میکنند، میبینیم که حضور یک روحانی و یک طلبه‌ی جوان در مقدم‌ترین خطوط، در خطرناک‌ترین سنگرها و کمینگاهها، در دشوارترین مواقف، در لحظه‌های تعیین‌کننده و حساس، چقدر بابرکت و پُرفایده و اثربخش بوده است؛ درحالی‌که وقتی آن طلبه حرکت میکرد، نه بودجه‌ای برایش در نظر گرفته بودند، نه او یادش بود که بودجه‌اش کجاست؛ نمیگفت برای ما چه بودجه‌یی در مجلس تصویب شده، یا از طرف دولت و خزانه چه بودجه‌ای تخصیص داده شده است. شما و امثال شما به آنجا رفتید و همین خدمات را انجام دادید و در دورانی که از جهاد و از اسلام هیچ خبری نبود، به این بنای عظیمی که نامش حماسه‌ی جهاد اسلامی است، کمک کردید؛ کاخی به عظمت تاریخ ساختید و سرچشمه‌یی جاری کردید که ان‌شاءالله برکات آن تا ابدالله باقی خواهد ماند؛ یعنی شما هم در اجرای این سرچشمه سهیم بودید و چقدر نیروهای مقدس و مؤمن و این جوانان بسیجی و

۱. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸

بقیه‌ی نیروهای رزمنده و مسلح در این جهت کار کردند.^۱

ترس دشمن از روح حماسه و عزت اسلامی

ما دنبال آن چیزی می‌رویم که قدرتهای سلطه‌گر حقیقتاً از آن باید بترسند، و من اعتقادم این است الان هم از همان می‌ترسند و آن، بیدار کردن روح حماسه و عزت اسلامی است در همه‌ی امت اسلام. ما این کار را خواهیم کرد؛ این را بدانند.^۲

۴) امتداد حماسه در تمامی زمانها

این روحیات پیروزی‌آفرین و احساسات و تفکراتی را که توانست آن امتحان را به آن شکل افتخارآمیز به پایان برساند، در خودمان حفظ کنیم و خود را رها نکنیم. کسی گمان نکند که وقتی گفته میشود دوران بازسازی است، یعنی دیگر دوران حماسه و شور و انقلابی‌گری تمام شد. هرگز چنین نیست. دشمن می‌خواهد این‌طور تبلیغ کند که دوران بعد از جنگ و دوران بازسازی، یعنی دورانی که دیگر شور و حماسه‌ی انقلاب در آن نیست؛ یعنی آن حماسه‌ها و ایمان جوشان و فداکاری‌ها و صلابت در مقابل دشمن، مخصوص دوران جنگ بود و حالا دیگر آن دوران تمام شد. حالا دیگر دوران این است که برگردیم به همان شکلی که مردم غافل بعضی از کشورها در آن شکل زندگی میکنند!^۳



در یک جامعه‌ی اسلامی و انقلابی، روح انقلاب و ایمان همیشه زنده و کارساز است. روح انقلاب و روح شور و حماسه‌ی انقلابی، در دوران

۱. در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰/۱۲/۵

۲. در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۱/۷/۲۹

جنگ موجب پیروزی در جنگ است و در دوران سازندگی موجب پیروزی در مبارزه‌ی سازندگی است.^۱

ویژگیهای حماسه‌ی ملت ایران در دفاع مقدس

حماسه‌ی ملت ایران در دفاع مقدس، نمایشگر قلّه‌ی ظرفیتهای انسانی مردم این سرزمین خدائی است. قدرت ایستادگی و شجاعت، قدرت ابتکار و خلاقیت، عمق هوشمندی و فطانت، پیوندهای فکری و عاطفی، صفای باطن و زلال اندیشه‌ی ایرانی، و برتر از همه، ایمان عمیق و عمل‌آفرین و تحوّل‌ساز این ملت موحد در جام جهان‌نمای این دوران پرحادثه، نشان داده شد.^۲

نقش زنان در خلق حماسه‌ها

نقش زنان در انقلاب زیاد بوده است. پس از پیروزی انقلاب تا امروز هم واقعاً بانوان کشور در همه صحنه‌ها خیلی نقش داشتند و این حادثه خیلی بزرگ و شگفت‌آوری است. تصوّر من این است که بانوان در دوره‌ی پیش از انقلاب و در دوره‌ی آن رژیم، مورد ستم سیاسی و فرهنگی بودند؛ بیش از آنچه که در بعضی از خانواده‌ها ممکن بود مورد ستم قرار گیرند. به جای نقش‌آفرینی، آنها را به بیکارگی و به ابتذال سوق میدادند. انقلاب حقیقتاً میدانی باز کرد و خانمها بیش از آقایان در این قضیه فعالیت و حماسه خلق کردند.^۳

۱. همان

۲. پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران، ۱۳۸۴/۶/۳۱

۳. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

اگر زنها حماسه‌ی جنگ را نمیسروند و جنگ را در میان خانه‌ها به‌عنوان یک ارزش تلقی نمیکردند، مردها اراده و انگیزه‌ی رفتن به میدان جنگ را پیدا نمیکردند.^۱

(۵) ابعاد گوناگون جهاد

جهاد بزرگی در مقابل ملت مسلمان است. این جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است و امت بزرگ اسلام بتدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا میشود. امروز شما نگاه کنید به صحنه‌ی منطقه‌ی بسیار حسّاس خاورمیانه، همین پیشرفت امت اسلامی را ببینید.^۲

مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم جهاد محسوب میشود. ایجاد فرهنگ و اندیشه‌ی صحیح در جامعه نیز جهاد است. اینها، همه جهاد در راه خدا و جهاد فی سبیل الله است. طرف این جهاد، مستکبران، دشمنان و کسانی هستند که با اسلام، ایران، هویت، ملیت، اسلامیت و صفتهای اسلامی عناد و دشمنی دارند. قرآن میگوید: **أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ**^۳؛ مسلمانان بایستی نسبت به کفار سختگیر باشند.^۴

۱. در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر، ۱۳۸۷/۷/۱۱

۲. همان

۳. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹

۴. در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶

۱.۵) جهاد علمی**لزوم توجه به جهاد علمی**

جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه‌ی میادین زندگی، جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی وقفه، همراه با خطرپذیری - در حدّ معقول البتّه - و پیشرفت و امید به آینده.^۱



باید به سمت کارهای بزرگ برویم. ببینید! یک وقت هست شما میتوانید هواپیمایی را که دیگران اختراع کرده‌اند و ساخته‌اند، خودتان بدون کمک دیگران در داخل کشور بسازید، این خیلی خوب است؛ این بهتر از خریدن هواپیمای ساخته شده است؛ اما یک وقت هست شما خودتان یک چیزی در سطح هواپیما در کشورتان تولید میکنید؛ این است آنچه که ما لازم داریم؛ ما باید بر ثروت علمی بشر بیفزاییم. نگویند نمیشود؛ میشود. یک روزی بشریت فناوری ریزترینها - نانو تکنولوژی - را نمیشناخت، بعد شناخت. امروز صد تا میدان دیگر ممکن است وجود داشته باشد که بشر نمیشناسد؛ اما میتوان آنها را شناخت و میتوان جلو رفت. البتّه مقدمات دارد؛ اما آن مقدمات را هم میشود با همّت فراهم کرد.^۲

۲.۵) جهاد اقتصادی

جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمیشود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی میکند، دشمنی در

۱. در دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۷/۳

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹

مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما میخواهید یک تلاشی را انجام دهید، که بخصوص یک دشمنی سینه به سینه شما ایستاده است؛ این میشود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه‌ی اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است.^۱

۶) وجود انواع موانع بر سر راه جهاد

در سر راه انسان موانع وجود دارد. اساساً همین وجود مانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی میبخشد و اشمش میشود جهاد؛ ولاً اگر مانع نبود، جهاد معنی نداشت. جهاد یعنی جدّ و جهد همراه با زحمت و چالش با موانع.

این موانع چه بودند؟ ما دو نوع موانع داشتیم: یکی موانع درونی، یکی موانع بیرونی. موانع درونی یعنی چه چیزهایی؟ یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسانها - چه تصمیم‌گیرانمان، چه آحاد مردمان، چه ناظرین بیرون از گود مبارزه و انقلاب - وجود دارد؛ اینها موانع درونی است. موانع درونی، ضعفهاست؛ ضعفهای فکری است، ضعفهای عقلانی است، راحت‌طلبی است، آسان‌گرایی است، آسان‌پنداری است؛ این گاهی اوقات خودش یکی از موانع تحقق آن چیز است.^۲

خب، حالا ببینید این موانع را. همه‌ی این موانع جزو سنتهای الهی است. وجود این موانع، تصادفی نیست. اینها سنت الهی است؛ یعنی

۱. در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۱۳۹۰/۱/۸

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

تلاش و حرکت با مانع مواجه است، وَاَلَا جِهَادٌ مَعْنَا نَمِيدَاثَتْ: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا؛ در همه‌ی دعوت‌های انبیا، دشمنان - موانع - از جن و انس وجود داشتند.^۲

۷) ویژگی‌های جهاد در جهان امروز

پیچیدگی جهاد امروز

اگر یک روز مردم این منطقه و مردم بخش‌های مختلف کشور در مقابل زورگویی و پرویی و زیاده‌طلبی دولتهای غارتگر و متجاوز، آن جور باید می‌ایستادند، امروز در مقابل آن قدرتها شکل ایستادگی پیچیده‌تر است، حساس‌تر است، متنوع‌تر است؛ احتیاج دارد به یک مجاهدت پیچیده و عمیق.^۳

زورگویانه بودن قواعد جهان مدرن

دنیا هم دنیای زورگویی است؛ دنیای ظلم است؛ دنیای خوبی نیست؛ دنیای بدی است؛ دنیای جاهلیت است؛ دنیای غلبه‌ی شهوترانها و زورگوها بر اکثر مردم جهان است. در یک چنین دنیایی خیلی باید مراقب بود، خیلی باید هوشیارانه عمل کرد، مدبرانه عمل کرد، شجاعانه عمل کرد.^۴

۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۱۲؛ ترجمه: و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا میکنند؛ و اگر پروردگار تو میخواست چنین نمی‌کردند. پس آنان را با آنچه به دروغ میسازند واگذار.

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

۳. در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۱۳۹۰/۱/۸

۴. در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی، ۱۳۸۹/۱/۲۲

لزوم هوشیاری در عرصه‌ی جنگ بین‌المللی

دشمن بیکار نیست، او هم ضربه میزند. انسان باید در این عرصه‌ی وسیع بین‌المللی، خود را در میدان جنگ مشاهده کند. بحث صلح و نوازش و اینها نیست. حتی آنجایی هم که حرف نرم میزنند، پشت حرف نرم، یک خنجر آخته‌ای وجود دارد که منتظر غفلتی هستند تا دسته در جگر طرف مقابل خودشان فرو کنند؛ لذا باید بیدار بود، باید هوشیار بود.^۱

لزوم بیداری در هنگام درگیری

هی بگوییم دشمن شکست خورد، دشمن ضعیف است، ما قوی هستیم؛ این نباید ما را به خواب ببرد. ما باید بیدار باشیم؛ همان‌طور که امیرالمؤمنین فرمود: **وَإِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرْقُ وَمَنْ نَامَ لَمْ يَتَمَّ عَنْهُ**^۲. وقتی درگیری دارید، باید بیدار باشید. درگیری به اختیار من و شما نیست. دشمن میخواهد درگیری داشته باشد؛ حالا درگیری سیاسی، درگیری امنیتی، درگیری اقتصادی. همه‌اش درگیری نظامی هم نیست. وقتی درگیری هست، باید بیدار بود.^۳

فراموش کردن جهاد؛ علت ضعف مسلمانان

این ضعف و انحطاط دنیای اسلام بر اثر فراموش کردن مجاهدت در راه خداست. نمیگوییم چرا شمشیر دست نگرفته اید و وقت و بی وقت با

۱. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸

۲. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۲؛ مردان سلحشور همواره بیدارند که هر که خود به خواب رود، دشمنش به خواب نرفته است.

۳. در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۸۹/۱۰/۱۹

دشمن نچنگیده اید - جنگ هم یکی از انواع جهاد است - میگوییم ما چرا از شناسایی دشمن غافل شده ایم؟ از نقشه های دشمن غافل شده ایم؟ از کید دشمن غافل شده ایم؟ چرا فریب دشمن را خورده ایم؟^۱

۸) جهاد؛ لازمه‌ی تمدن‌سازی و پیشرفت

عزیزان من! بعضی کسان از اسم جهاد می‌رمند! خیال میکنند که تأسیس یک کشور، ایجاد یک تمدن، نظم در زندگی، پیشرفت در زندگی مادی و معنوی و رفاه مشروع برای انسانها، با جهاد نمیسازد و جهاد ضد این هاست! چه خطایی! چه غلطی! بدون جهاد، هیچ چیز به دست انسان نمی‌آید؛ نه دنیا و نه آخرت. بدون جهاد، در مقابل گرگ بی‌دست و پای بیابان هم نمیشود ایستاد؛ چه رسد به گرگهای بسیار بسیار خطرناک دنیای سیاست و دنیای اقتصاد و سرپنجه‌های خونینی که میلیونها انسان را دریدند و نابود کردند و خوردند و بردند!^۲

مگر یک ملت بدون جهاد میتواند سرش را بالا بگیرد؟ مگر یک ملت بدون جهاد میتواند طعم عزت را بچشد؟ مگر یک ملت بدون جهاد میتواند در میان ملتهای دنیا شان و موقعیتی پیدا کند؟^۳

کسی خیال نکند که جهاد - همان جهاد مسلحانه را میگوییم؛ نه جهاد علمی و مالی و اقتصادی و جهاد در سنگر سازندگی که همه در جای خود محفوظند و فضیلت دارند - تمام شده است. البته فضیلت

۱. در دیدار گروه‌های مختلف مردم به مناسبت میلاد با سعادت علی بن ابیطالب (علیه السلام)،

۱۳۸۵/۵/۱۷

۲. در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهداء (علیه السلام)، ۱۳۷۷/۷/۲۶

۳. همان

جهاد مسلحانه با فضیلت‌های دیگر قابل مقایسه نیست. میدان این جهاد، میدان بازی است که خود این هم فرصت دیگری است. این‌ها نِعَم الهی هستند و شما باید از این فرصتها استفاده کنید.^۱

۹) جهاد اقتصادی؛ لازمه‌ی حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی

جهاد اقتصادی چیزی نیست که تمام‌شدنی باشد. مجاهدت اقتصادی، حضور جهادگونه در عرصه‌های اقتصادی، برای ملت ایران یک ضرورت است. من امسال تقسیم میکنم مسائل مربوط به جهاد اقتصادی را. یک بخش مهم از مسائل اقتصادی برمیگردد به مسئله‌ی تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله‌ی تولید داخلی را، آن‌چنان که شایسته‌ی آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاشهای دشمن ناکام خواهد ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله‌ی تولید ملی است. اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان، با برنامه‌ریزی درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند و در این میدان پیش برود، بدون تردید بر چالشهایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه‌ی کامل و جدی پیدا خواهد کرد. بنابراین مسئله‌ی تولید ملی، مسئله‌ی مهمی است.

اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله‌ی تورم حل خواهد شد؛ مسئله‌ی اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده‌ی این وضعیّت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه‌ی دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد.



۱. در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۳/۶/۲۹

ما باید بتوانیم از کارِ کارگر ایرانی حمایت کنیم؛ از سرمایه‌ی سرمایه‌دار ایرانی حمایت کنیم؛ و این فقط با تقویت تولید ملی امکان‌پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه‌داران و کارگران، تقویت چرخه‌ی تولید و اتقان در کار تولید است. و سهم مردم - که به نظر من از همه‌ی این‌ها مهم‌تر است - مصرف تولیدات داخلی است. ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالایی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی بجد پرهیز کنیم؛ در همه‌ی زمینه‌ها: زمینه‌های مصارف روزمره و زمینه‌های عمده‌تر و مهمتر.^۱

۱۰ جهاد اقتصادی؛ لازمه‌ی پیشرفت و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز

این چشم‌انداز، هدفگذاری شده است، یک سند بالادستی است؛ باید ما این را حتماً رعایت کنیم. بدون جهاد اقتصادی، به چشم‌انداز نخواهیم رسید. در چشم‌انداز، قدرت اول اقتصادی منطقه هم مطرح شده. در این میدان - که میدان مسابقه است - اگر چنانچه عقب ماندیم، ضربه خواهیم خورد. آن روز در آن جلسه هم مطرح شد که مسئله‌ی چشم و هم‌چشمی مطرح نیست؛ مسئله این است که در این چالش عمومی و میدان تحرکات عمومی دولت‌ها در این برهه‌ی از زمان، اگر کسی عقب ماند، پامال خواهد شد. پیشرفت اقتصادی ما و رسیدن به اهداف چشم‌انداز، به خاطر این است که اگر چنانچه به آنجا نرسیدیم، ملت ما و

۱. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال، ۱۳۹۱/۱/۱

کشور ما دچار ضربات سختی خواهد شد؛ احیاناً ضربات مهلکی به ما وارد خواهد آمد. باید به آنجا برسیم؛ این نیاز ماست. با شعاری که ما داریم می‌دهیم، با اهداف انقلاب اسلامی، جز این چاره‌ای وجود ندارد.^۱

فصل دوم اهداف جهاد اقتصادی

اهداف جهاد اقتصادی

هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک ایرانی با این خصوصیات که عرض می‌کنم: مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها - که از اوّل و ازل بین آحاد بشر یک مسابقه است در دستاوردهای بشری.^۲

۱) تأمین عدالت و قسط و ایجاد محیط سالم معیشت

زندگی انسان بدون عدالت، همان چیزی است که شما در زشت‌ترین چهره‌های تاریخ بشر مشاهده می‌کنید. امروز هم در گوشه و کنار دنیا مشاهده می‌شود. همه بدبختی‌هایی که شما در جوامع مختلف می‌بینید، ناشی از ظلم و بی‌عدالتی است. ممکن است ظاهر امور، این را نشان ندهد؛ اما باطن قضیه، این است. اگر شما می‌بینید در گوشه‌ای از عالم، کودکان از بی‌غذایی جان خود را از دست می‌دهند، ظاهر قضیه این است که به دلیل نیامدن باران، خشکسالی شده است؛ اما باطن قضیه، چیز دیگری است. باطن قضیه، بی‌عدالتی است. اگر عدالت از نسلهای گذشته

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۰/۶/۶

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

بر آن جامعه حکمفرما بود و چنانچه عدالت بر محیط زندگی بشر حکمفرما بود، انسان می‌توانست در سایه‌ی استقرار عدالت، محیط زندگی خود را طوری بسازد که برای او قابل زیست باشد و فرزند او به آن فلاکت نیفتد و زندگی، این قدر زشت و دردآور نشود. در اثر بی‌عدالتی، انسانیت دچار این بیماری‌ها و دردهاست.

اولین هدف همه‌ی انبیاء، در کنار آن ذکر، تأمین عدالت است. این دو هدف اصلی است. البته یکی اصلی‌تر است و آن، همان موضوع تذکر است. آن، ریشه‌ای و اساس قضیه است. اگر غفلت بیاید، چیزی عاید نخواهد شد و عدالت هم به‌وجود نمی‌آید؛ لذا شما دیدید آن نظامها و کسانی که مدعی عدالت اجتماعی بودند، نتوانستند چیزی از نوع عدالت، به مردم جوامع خودشان هدیه کنند. چرا؛ چیزهای دیگر دادند! فضانوردی به آنها دادند، موشکهای قاره‌پیما برایشان ساختند؛ اما عدالت اجتماعی را نتوانستند مستقر کنند! عدالت اجتماعی، در سایه‌ی اصلاح انسان، نفوس و بواطن و در سایه‌ی توجه به خدا و ذکر، حاصل خواهد شد. این دو، هدف پیغمبر است و توانست آنها را محقق کند؛ ولو در دایره‌ای محدود.^۱

۲) حذف و ریشه‌کنی فقر عمومی

ما وقتی می‌گوییم منتظر امام زمان هستیم، بیشترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر میکنیم، این است که **يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا**؛ نمی‌گوییم: **يَمْلَأُ اللَّهُ دِينًا وَصَلْوَةً وَصَوْمًا**. با اینکه آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین و بیشترین تحقق را پیدا میکند، لیکن

۱. در دیدار کارگزاران، در روز «عید مبعث»، ۱۳۷۴/۹/۲۹

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۰، باب ۲۴، حدیث ۵ و منتخب الاثر، ص ۹۲، فصل ۱، باب ۷، حدیث ۲۴.

معلوم میشود که این عدل، یک مصرع بلند درخواستهای انسان است و اگر این روشی که الان بعضی‌ها غافلانه دنبال میکنند و آن، الگوگرفتن از زندگی غربی است، رواج پیدا کند، روزبه‌روز این حالت بدتر خواهد شد. علاج این است که ما خودمان را از دنباله‌روی فرهنگ غربی در زمینه‌ی مسائل اقتصاد کاملاً خلاص کنیم و نجات ببخشیم. این‌طور نیست که اگر کشوری درآمد سرانه‌اش رقم بالایی است، معنایش این است که این درآمد سرانه به همه میرسد. شما الان ببینید در آمارهایی که داده میشود، فرضاً میگویند در فلان کشور پیشرفته‌ی دنیا - مثلاً آمریکا یا کانادا - درجه‌ی حرارت به چهل و دو درجه رسید و فلان قدر آدم کشته شدند. آیا در تهران اتفاق می‌افتد که در چهل و دو درجه حرارت کسی کشته شود؟



ما نباید دنبال این زندگی برویم. ما نباید دنبال این اقتصاد برویم. شکوفایی اقتصاد معنایش این نیست. شکوفایی اقتصاد این است که به دولت امکان بدهد تا فقر را از میان جامعه بردارد؛ این اقتصاد خوب است. ما بایستی نه فقر یک گروه خاصی را، بلکه فقر عمومی را از بین ببریم. اقتصاد، اقتصاد اسلامی است و همین بایستی تحقق پیدا کند.^۱

۳) استقلال اقتصادی

ما آنچه را که فهمیده‌ایم، آنچه را که تکلیفمان است، آنچه را که میدانیم خدای متعال آن را میخواهد؛ آن را میگوییم، آن را انتخاب میکنیم و آن راه را میرویم. کسی نمیتواند روی ملت و دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران و خدمتگزاران شما مردم، تأثیری بگذارد. این، استقلال

۱. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴

سیاسی است و ما، این را به دست آورده‌ایم. از این مشکل‌تر، «استقلال اقتصادی» است. استقلال اقتصادی، یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد. معنایش این نیست که ملتی که استقلال اقتصادی دارد، با هیچ‌کس در دنیا داد و ستد نمیکند؛ نه داد و ستد، دلیل ضعف نیست. چیزی را خریدن، چیزی را فروختن، معامله کردن، گفتگوی تجاری کردن، این‌ها دلیل ضعف نیست. اما باید طوری باشد که یک ملت، اولاً نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند. ثانیاً، در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه‌ای باشد. نتواند او را به آسانی کنار بگذارند؛ نتوانند او را به آسانی محاصره کنند؛ نتوانند او را به آسانی فرو دهند و هر چه می‌خواهند به او املا کنند.^۱

به نظر من اولین نعمتی که باید امروز ما خدا را به خاطر آن شکر کنیم، عزت و استقلال ملی است. حفظ استقلال سیاسی خیلی مهم است؛ این، جزو مبانی اصولی نظام است. این استقلال، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. ما باید این بندهای اختاپوس فرهنگی تحمیل شده به وسیله‌ی غرب را از دست و پای خودمان باز کنیم؛ این هم یکی از اصول ماست. آن حرکتی، آن جریانی، آن شعاری و آن برنامه‌ریزی‌ای که در آن استقلال کشور و ملت دیده نشود، اصول‌گرایانه نیست.^۲

همان‌طوری که در طول این سی سال گذشته، ملت ما بر توطئه‌ی محاصره‌ی اقتصادی فائق آمد و گامهای بلندی را در راه پیشرفت کشور از همه جهت برداشت، امروز هم علی‌رغم بددلی و سوءنیت

۱. در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، ۱۳۷۲/۲/۱۵

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹

سیاستمداران استکبار جهانی، ملت ما در مقابل هر توطئه‌ای - و بخصوص این توطئه - خواهد ایستاد.

راه کار هم این است که ملت ما دست به دست هم بدهند و کشور را از وابستگی اقتصادی نجات بدهند. انقلاب، ما را از وابستگی سیاسی نجات داد. در راه استقلال اقتصادی هم کارهای زیادی شده است؛ اما همت همه‌ی ملت ایران از قشرهای مختلف را میطلبد تا کشور بتواند از لحاظ اقتصادی کاری بکند که دیگر تهدید به تحریم و محاصره‌ی اقتصادی معنا پیدا نکند. این خطاب به همه‌ی ملت است.^۱

مشکل‌تر بودن استقلال اقتصادی نسبت به استقلال سیاسی

حکومت جمهوری اسلامی، استقلال کامل ملت تحت تابعیت خود را تضمین و تأمین میکند. این استقلال کامل، شامل استقلال سیاسی و اقتصادی و بالاتر از همه، استقلال فرهنگی است؛ یعنی جمهوری اسلامی، به این اکتفا نکرد که حکومتی را مستقل از قدرتها به وجود بیاورد؛ این قدم اول است. کشورهایی که به استقلال میرسند، قدم اول استقلال آنها همین است که نظام سیاسی خودشان را مستقل کنند؛ یعنی حکومتی مستقل از نفوذ قدرتهای بیگانه به وجود آورند. به این هم اکتفا نکرد که در جهت استقلال اقتصادی حرکت بکند. استقلال اقتصادی، از استقلال سیاسی مشکل‌تر و دیرپاب‌تر است.

کشور ما از ساعت اول، در جهت استقلال اقتصادی حرکت کرد. درست است که قبل از انقلاب، تسلط حکومتهای وابسته، یک اقتصاد کاملاً وابسته‌ی به غرب و بخصوص امریکا را در این کشور رشد داده

۱. در دیدار هزاران نفر از مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی، ۱۳۸۷/۲/۱۵

بود و بریدن این رشته‌ها کار بسیار دشواری بود؛ اما این رشته‌ها بریده شد و ما توانستیم در جهت استقلال اقتصادی حرکت کنیم.

الزامات تحقق استقلال اقتصادی

می‌بینید که به آسانی نمیشود رشته‌های نفوذ و سلطه‌ی اقتصادی قدرتها و دولتهای بیگانه را قطع کرد. اگر کشوری بخواهد به سمت استقلال اقتصادی برود، احتیاج به نیروی انسانی کارآمد، منابع درآمدزا، امکانات فراوان، دانش، تخصص، همکاری‌های علمی و فنی بین‌المللی و بسیاری از چیزهای دیگر دارد. کشورهای انقلابی و کشورهایی که تازه به استقلال میرسند، برای به‌دست‌آوردن همه‌ی این مقدمات و ابزار استقلال اقتصادی، دچار زحمت و دردسرنند.

البته تا رسیدن به یک استقلال اقتصادی کامل، هنوز فاصله داریم و مردم باید کار کنند، جوانان باید درس بخوانند، متخصصان باید تلاش نمایند و کسانی که میتوانند در این مقصود مهم ملی کمک کنند - هرگونه کمکی - آن را باید انجام دهند. برای یک کشور، استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است. وقتی رشته‌های اقتصاد یک کشور به بیگانگان وصل باشد، معنایش این است که رگ حیات و تغذیه‌ی این پیکر به جایی دیگر وصل است؛ پس اختیار در دست دیگری خواهد بود.^۱

۴) مجاهدت در تأمین رفاه عمومی، امنیت و بهبود وضع زندگی مردم

اقتصاد، پیشرفت اقتصادی، رونق اقتصادی ارتباط مستقیم دارد با معیشت مردم. معیشت مردم جزو اولین اهداف همه‌ی دولتهاست در

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۹/۱/۱۰

همه‌جای دنیا و در همه‌ی دوران تاریخ؛ البته دولتهای علاقه‌مند به مردم؛ آن دولتهای مستأثر و زورگو و جبار، مورد نظرمان نیستند. هر دولتی که بخواهد به مردم خودش خدمت کند، اولین مسئله‌اش، مسئله‌ی معیشت مردم است، که بتواند مردم را اداره کند. خوب، این به اقتصاد وابسته است. یک اقتصاد خوب، سالم، وافر و پیشرو میتواند وضع زندگی مردم را خوب کند. خوب، این یک دلیل است مبنی بر اینکه لازم است ما در کار اقتصاد مجاهدت کنیم.^۱

آرامش و امنیت فرد، خانواده و جامعه

مهم‌ترین آرمانهای بشری که از اول تاریخ تا حالا با تغییرات زمانه، تغییر نکرده، این‌هاست. آرمان مهم بشر «عدالت» و «امنیت» است؛ «آسان‌زدگی کردن در کنار دیگران» است - بهشت آنجاست کآزاری نباشد^۲ - «آزارندیدن از دیگران» است؛ احساس آرامش کردن در روان است؛ راحت‌بودن در خانواده است؛ لذت‌بردن از زندگی خانوادگی و از دیدن فرزندان است؛ از بودن در آغوش پدر و مادر است؛ این‌ها اساسی‌ترین نیازهای بشر است؛ این‌ها چیزهایی است که بشر از اول تا امروز میخواسته؛ دیروز هم میخواسته و امروز هم میخواسته است. این چیزها در آن جامعه‌ای که از لحاظ علمی پیشرفته‌ترین است، مطلقاً وجود ندارد. پس ببینید وقتی که علم با ایمان و اخلاق همراه پیش نرفتند، دوش به دوش پیش نرفتند، نتیجه این میشود. عالم اگر متدین باشد، از علم او جامعه بهره‌ی حقیقی میگیرد. دین جلو پیشرفت علم را نمیگیرد؛ بلکه حتی به

۱. در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۰/۶/۶

۲. «بهشت آنجاست کآزاری نباشد / کسی را با کسی کاری نباشد»؛ منسوب است به مفلح اصفهانی.

پیشرفت علم، کمک هم میکند. اما جلو تعدی علم و تخطی از حدود انسانیت را که ممکن است علم به آن دچار شود، میگیرد.^۱

۵) رشد اقتصادی و افزایش تولید و ثروت ملی

ما وقتی به صورت کلان به زمینه‌ی اقتصاد اسلامی نگاه میکنیم، دو تا پایه‌ی اصلی مشاهده میکنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه‌ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هر چه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه‌ی دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه‌ی اسلامی» است. این دو تا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمیتوانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم؛ بنابراین هر دو تا لازم است. شما که متفکر اقتصادی هستید و پایبند به مبانی اسلامی، طرحتان را بیاورید؛ باید این دو تا در آن طرح تأمین بشود. اگر این دو در آن طرح تأمین نشد، آن طرح اختلال دارد؛ ایراد دارد.^۲



توجه اسلام به «تولید ثروت» و «نحوه‌ی تولید و استفاده از ثروت»
 دو چیز را با هم نباید مخلوط کرد؛ یکی، تولید ثروت است. کسی

۱. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۵/۶/۲۵

۲. در دیدار مسئولان اقتصادی و استاندراکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰

فَعَالِيَّتْ كُنْدَ بِه شَكْل صَحِيحِي وَ ثَرَوْتِ تَوَلِيدِ كُنْد. يَكِي، نَحْوَهِي تَوَلِيدِ وَ نَحْوَهِي اسْتَفَادَه اسْت. بَخْشِ اَوَّلِ قَضِيَه، چِيْزِ مَطْلُوْبِي اسْت؛ چَوْنِ هَرِ ثَرَوْتِي كِهْ دَرِ جَامِعَه تَوَلِيدِ مِيْشُوْد، بَهْ مَعْنَايِ ثَرَوْتَمَنْدِ شَدْنِ مَجْمُوْعِ جَامِعَه اسْت. بَخْشِ دَوِّمِ كِهْ بَخْشِ حَسَّاسِ اسْت، اَيْنِ اسْت كِهْ چِگُوْنِگِي تَوَلِيدِ مَوْرِدِ تَوَجَّهْ قَرَارِ بِيْگِيْرِد؛ اَزِ رَاهَهَايِ غَيْرِ قَانُوْنِي، بَا اسْتَفَادَهِي اَزِ تَقْلِبَاتِ وَ تَخْلُفَاتِ نَبَاشْد؛ مَصْرَفِ او، مَصْرَفِ نَامَطْلُوْبِي اَزِ نَظَرِ شَرَعِ نَبَاشْد؛ بَتَوَانْدِ مِثْلِ خُوْنِي دَرِ رِگَهَايِ جَامِعَه جَرِيَانِ پِيْدا كُنْد؛ صَرَفِ دَرِ فِسَادِ نَبَاشْد. اَيْنِ آيَهِي شَرِيْفَه رَا مَلَا حِظَه كُنِيْد - سُوْرَهِي قِصَص، آيَاتِ مَرْبُوْطِ بَهْ قَارُوْنِ - قَارُوْنِ يَكِ نَمُوْنَهِي كَامِلِ وَ يَكِ ثَرَوْتَمَنْدِ نَامَطْلُوْبِ اَزِ نَظَرِ اِسْلَامِ وَ قُرْآنِ وَ شَرَعِ وَ هَمْمَه اسْت. اَزِ قَوْلِ قَوْمِ قَارُوْنِ - يَا بَزْرِگَانِ وَ مَتَدَيِّيْنِ بَنِيْ اِسْرَائِيْلِ، يَا حَضْرَتِ مَوْسَى - قُرْآنِ نَقْلِ مِيْكُنْد؛ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ - اَيْنِ حَرْفَهَا اَزِ آدَمَهَايِ عَامِي وَ مَعْمُوْلِي نِيْسْت؛ بِنَابَرَايِنِ حَرْفَهَايِ مَعْتَبَرِي اسْت؛ عِلَاوَه بَرِ اَيْنِ كِهْ خُوْدِ قُرْآنِ اَيْنِ حَرْفَهَا رَا تَقْرِيْرِ مِيْكُنْد؛ يَعْني بِيَانِ وَ اِثْبَاتِ مِيْكُنْد - كِهْ بَهْ او مِيْگُوِيْنْد: وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ؛ اَنْچِه كِهْ خُدا بَهْ تُو دَاد، اَيْنِ رَا وَ سِيْلَهِي بَهْ دَسْتِ آوْرْدِنِ آخِرْتِ قَرَارِ بَدَه. دَرِ رَوَايَاتِ مَا هَم هَسْت: نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَيَّ الْآخِرَةَ؛ اَزِ اَيْنِ ثَرَوْتِ بَرَايِ اَبَادِ كَرْدِنِ آخِرْتِ اسْتَفَادَه كِن. تَوْصِيَهِي دَوِّمِ: وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا سَهْمِ خُوْدْتِ رَا هَم فَرَامُوْشِ نَكِن. خُوْدِ تُو هَم سَهْمِي دَارِي، نَصِيْبِي دَارِي؛ اَنْ رَا هَم مَا نَمِيْگُوِيْمِ كِهْ اسْتَفَادَه نَكِن؛ خُوْدْتِ بَهْرَهْمَنْدِ نَشُو اَزِ اَيْنِ ثَرَوْتِ؛ نَه، بَهْرَهْمَنْدِ هَم بَشُو؛ مَانَعِي نَدَارْد.

سُوْمِ: وَأَحْسِنِ كَمَا أَحْسَنَ اللهُ إِلَيْكَ؛ خُدا بَهْ تُو اَيْنِ ثَرَوْتِ رَا دَادَه؛ تُو هَم وَ سِيْلَهِي بَشُو كِهْ بَتَوَانِي اَيْنِ ثَرَوْتِ رَا بَهْ دَسْتِ مَرْدَمِي كِهْ نِيَا زَمَنْدِنْد، بَرَسَانِي. يَعْني سَهْمِي اَزِ اَيْنِ رَا بَهْ مَرْدَمِ بَدَه.

۱. سورهی قصص، آیهی ۷۶

۲. سورهی قصص، آیهی ۷۷

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷

چهارم: **وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ**؛ فساد ایجاد نکن. آفت ثروت که باید از آن جلوگیری کرد، ایجاد فساد است. مترف نشو. به او نمیگویند ثروت جمع نکن، یا از این ثروتی که داری، برای ازدیاد آن استفاده نکن؛ یا آن را به کار تولید و سازندگی و تجارت نزن؛ میگویند سوءاستفاده نکن؛ از این ثروت استفاده‌ی خوب بکن، که بهترین استفاده این است که آخرت را با این آباد کنی. نصیب خودت را هم داشته باش؛ سهم خودت را هم داشته باش. منطبق اسلام این است.^۱

۶) الگوشدن برای جهان

به نظر صاحب‌نظران، امروز در این برهه از زمان، مسئله‌ی اقتصادی از همه‌ی مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گامهای بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه‌ی حل مشکلات اقتصادی به همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه میتواند پیشرفت کند.^۲

میسور کردن اجرای اسلام

ایران به‌عنوان یک الگو برای جوامع اسلامی در درجه‌ی اول، و همه‌ی جوامع بشری در درجه‌ی بعد، مورد نظر بود. ما میخواستیم این جامعه را با این خصوصیات بسازیم - ما؛ یعنی ملت ایران، انقلاب ایران،

۱. در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰

۲. در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

انقلابیون ایران؛ منظور، شخص بنده و چند نفر دیگر نیست - و آن را بگذاریم جلوی چشم آحاد بشر و امت اسلامی؛ بگویند این است که هم مطلوب اسلام است، و هم میسور مردم این روزگار است. این جور نباشد که خیال کنند؛ بله، این مطلوب هست، اما میسور نیست.^۱

خواست دشمن؛ عدم ارائه‌ی الگوی موفق

بخش مهمی از تبلیغات ضدّ جمهوری اسلامی ناظر به همین جهت است؛ ناظر به این است که الگوسازی نشود؛ در چشم ملت‌های مسلمان، جمهوری اسلامی به صورت یک الگوی موفق درنیاید. به نظر من این نکته‌ی بسیار مهمی است که همه‌ی ما باید به آن توجه کنیم. سعی دشمنان این است که جمهوری اسلامی به شکل یک الگوی موفق در چشم ملت‌ها جلوه نکند؛ چون وقتی الگو پیدا شد، مردم به سمت آن حرکت میکنند؛ وقتی توفیق این الگو دانسته شد، مردم تشویق میشوند.^۲

هدف بزرگ؛ الگو شدن در میان مسلمانان

ملت ما و مجموعه‌ی ما مردم ایران، هدف بزرگی برای خودمان ترسیم کردیم و در طول دهه‌های پس از انقلاب، این هدف را دنبال کردیم. هرچه نگاه میکنیم احساس میکنیم که ما برای رسیدن به این دو هدف توانایی‌های لازم را داریم این هدف بزرگ عبارت است از سربلندی ایران اسلامی، الگو شدن در میان ملت‌های مسلمان هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی.^۳

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱

پیامدهای عدم اعمال سند چشم‌انداز

در چشم‌انداز، قدرت اول اقتصادی منطقه هم مطرح شده. در این میدان - که میدان مسابقه است - اگر چنانچه عقب مانده‌ایم، ضربه خواهیم خورد. آن روز در آن جلسه هم مطرح شد که مسئله چشم و هم‌چشمی مطرح نیست؛ مسئله این است که در این چالش عمومی و میدان تحرکات عمومی دولت‌ها در این برهه از زمان، اگر کسی عقب ماند؛ پامال خواهد شد. پیشرفت اقتصادی ما و رسیدن به اهداف چشم‌انداز، به‌خاطر این است که اگر چنانچه به آنجا نرسیدیم، ملت ما و کشور ما دچار ضربات سختی خواهد شد؛ احیاناً ضربات مهلکی به ما وارد خواهد آمد. باید به آنجا برسیم؛ این نیاز ماست. با شعاری که ما داریم می‌دهیم، با اهداف انقلاب اسلامی، جز این چاره‌ای وجود ندارد. حقیقت این است که نظام اسلامی، امروز نظام استکبار و سلطه و الحاد را به چالش گرفته؛ این یک حرکتی است که آغاز شده. شکست خوردن در این میدان، خسارتهایش غیرقابل توصیف است و مخصوص به ملت ما هم نخواهد شد؛ لذا باید در این میدان قطعاً پیروز شد. این پیروزی با این ابزار ممکن نیست؛ ابزارهای گوناگون دیگری هم لازم است؛ از جمله اینها، پیشرفت اقتصادی است.^۱

سند چشم‌انداز، شاخص بررسی فعالیت‌های دولت

جهت‌گیری‌های برنامه‌ای و کاری دولت را با شاخص سند چشم‌انداز بسنجید. این سند چشم‌انداز چیز مهمی است؛ این را دست‌کم نباید گرفت. شاید بتوان گفت که بعد از قانون اساسی، ما هیچ سندی را در کشور به این اهمیت نداریم. یک نگاه کلان و بلندمدت است. سند چشم‌انداز مهم است.^۲

۱. در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۰/۶/۶

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۸

بخش دوم ————— ❁

شرایط و الزامات راهبردی

جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی

مقدمه

نگاهی به تحرکات انجام شده توسط جوامع بشری و در طول تاریخ نشانگر آن است که، هر حرکت برای رسیدن به اهداف خود، نیازمند عمل به الزاماتی است. حرکت جهادی یا جهاد اقتصادی نیز همانند تمام حرکتها، الزاماتی دارد که بدون توجه به آن، حتی با داشتن رهبری آگاه، نمیتوان به نتیجهی مطلوب رسید؛ از این رو دست یافتن به این الزامات ضروری بوده و این بخش تلاشی است در حد بضاعت اندک خویش، تا خوانندگان را در هر جایگاهی، به وظایفشان در جهاد اقتصادی رهنمون سازد.

این بخش از چهار فصل تشکیل میشود؛ در فصل اوّل با توجه به اهمّیت فوق العاده اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری، برخی الزاماتی را که ایشان در این زمینه بیان داشته اند اشاره شده است، که شامل باید و نبایدهای اقتصادی و غیراقتصادی میشود. البته قابل ذکر است این الزامات محدود به این چند مورد نبوده و الزامات جهاد اقتصادی نیز در بسیاری از موارد برای اقتصاد مقاومتی هم صادق است. در فصل بعدی به بایدها و نبایدهایی از منظر معظم له در زمینهی حرکت جهاد اقتصادی اشاره شده و عواملی که ثبات قدم در این مسیر را فراهم

میکنند احصاء شده‌اند.

در حرکت جهادی تعیین جهت، شناخت مسیر و نحوه‌ی حرکت، نیازمند بصیر بودن افرادی است که در این راه قدم میگذارند؛ صد البتّه که شناخت دشمن و توجّه به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت که در بخشهای بعدی این فصل خواهد آمد، به این مهم کمک خواهند کرد؛ اما عوامل دیگر نیز برای گام‌نهادن در عرصه‌ی جهاد اقتصادی و بخش مهمّی چون اقتصاد مقاومتی، باید در نظر گرفته شود تا جهادگران با پیروی از آن، بتوانند هرچه زودتر به اهداف جهاد نزدیک شوند. اهمّ این عوامل در نگاه اقتصاد مقاومتی و جهادی، مردمی‌کردن اقتصاد، مبارزه با فساد، حمایت از تولید، توجّه به مصرف و منابع ارزی، اتحاد، تعاون، تلاش همگانی، عدم موازی‌کاری، عدم توجّه به مسائل حاشیه‌ای، داشتن سرعت و عدم شتابزدگی در تحقّق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ساله، دانستن راز عقب‌ماندگی اقتصادی، توجّه به نیروی جوان در پیشبرد اهداف و در پایان خودباوری است. به منظور قدرت‌یافتن و ثبات قدم در عرصه‌ی جهاد اقتصادی نیز، داشتن روحیه‌ی جهادی، مقاومت، مداومت، روحیه‌ی کار و عدم تنبلی، ایمان، اخلاص و تقوا توصیه می‌گردد.

از نگاهی دیگر، مداومت، مقاومت، همّت مضاعف، آرمان‌گرایی و واقع بینی لازمه‌ی روحیه‌ی جهادی هستند. لازمه‌ی بصیر بودن، نگاهی دقیق به چرخه‌ی علم و فنّآوری، شناخت آنچه می‌خواهیم، سرعتی متناسب با فهم ما از میزان عقب‌ماندگی و راه طولانی بوده و پرهیز از شتابزدگی، جزء بارز آن است. انسان دارای بصیرت، لزوم محتوای اسلامی را در جهاد درک نموده و توجّه خاص به اقتصاد را از نیازمندیهای حرکت امروز میدانند. نقش تعاون در رسیدن به اهداف انقلاب و جهاد اقتصادی بسیار مهم است، به طوری که بسیاری از

موضوعات این بخش را میتوان ذیل آن جای داد. لزوم تقوای جمعی، مبارزه با تحریمها، لزوم همکاری و جلوگیری از موازی‌کاری، نیازمند تعاون و بیانگر مفهوم آن میباشد.

فصل سوّم، درباره‌ی ترغیب جهادگران به شناخت دشمن میباشد. در لزوم این شناخت، همین بس که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای میفرماید: «اگر شما دشمن را شناسید، ممکن است با گم کردن جهت‌گیری، نه تنها مفید نباشید بلکه مضر هم باشید»^۱؛ لذا همچون جهاد نظامی، باید لحظه‌به‌لحظه به دشمن و افعال او توجه داشته باشیم؛ و شکّی نیست که بدون رصد دقیق، امکان پیروزی در این کارزار وجود ندارد. تنها و تنها در صورت شناخت ماهیت، اهداف، وسایل و دیگر صفات دشمن است که میتوان دریافت اکنون چه جنگی را شروع کرده و از چه طریق قصد ضربه‌زدن به اسلام و انقلاب اسلامی را دارد. با گذر از این مرحله، سؤال مهم، وظیفه‌ی ما در قبال این نقشه‌ها، خواستها و اعمال است. با توجه به این نگاه و جهت‌گیری و رصد دقیق دشمن، جهاد اقتصادی ضروری و حائز اهمیت مینماید. از آن جهت که بهترین فردی که اشراف کامل به ماهیت و اغراض دشمن دارد، فرماندهی دلسوز و مدبّر جنگ حق علیه باطل است، این بخش به شناخت دشمن از نگاه ایشان میپردازد.

در این فصل، ابتدا به ویژگی‌های دشمن اشاره و در میان آن نقاط ضعف او نیز گنجانده شده است. پس از آن به ابزارها و اهداف دشمن در قبال جمهوری اسلامی و دلایل عناد آن با نظام پرداخته و در پایان، به دستوراتی برای مقابله با او اشاره شده است. با توجه به مطالبی که به برکت وجود ولایت فقیه و تدبیر ایشان در اختیار ما قرار داده شده، نظام اسلامی باید برنامه‌ها و سیاستهای بلندمدت و کوتاه‌مدت خود را برای

۱. در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۳

خشتی کردن ابزارها و نقشه‌های دشمن به کار گیرد تا بتواند در این جهاد به موفقیت نائل گردد. خواننده پس از مطالعه‌ی این بخش، با اصول فعالیت دشمن آشنایی پیدا کرده و با بهره‌گرفتن از این اصول و رصد فعالیت‌های او، به ضرورت جهاد اقتصادی و جهتگیری کلی در مقابله با دشمن پی خواهد برد.

در فصل چهارم، به برنامه‌ریزی و مدیریت عملکرد جهادگران می‌پردازیم. رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند: «اگر قبول داریم، جبهه‌ی دشمن برای کشور و انقلاب ما برنامه‌ریزی بلندمدت دارد، پس ما هم باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم».^۱ از اینچنین سخنی، میتوان به ضرورت برنامه‌ریزی بلندمدت در جهاد اقتصادی پی برد. در هر برنامه‌ریزی باید مبداء، توشه‌ی راه، نقش افراد و گروه‌ها، ویژگی‌های هدف و نحوه‌ی رسیدن به آن را مورد بررسی قرار داد. وجود برنامه همواره باعث پایداری و پشتکار در حرکت بوده و بی‌شک هر برنامه‌ریزی بلندمدت نیازمند برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت میباشد. از این رو، ایشان به منظور خشتی نمودن توطئه و اهداف دشمن، سیاست‌های بلندمدت و کوتاه‌مدتی را بیان فرموده‌اند.

معظم‌له علاوه بر ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله، دهه‌ی پیش رو را دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامگذاری نموده‌اند تا ارزیابی حرکت، با نگاهی دقیق‌تر مورد مطالعه قرار گیرد. برنامه‌های پنج‌ساله و نامگذاری سالانه نیز زیربرنامه‌هایی از چشم‌انداز بیست‌ساله را تشکیل میدهند. درکنار این نکات دقیق، شاخصهای کلان اقتصادی نیز مورد توجه ایشان بوده و لازم است برای بهبود این شاخصها در ذیل برنامه‌های دیگر، توجه بیشتری صورت گیرد، علاوه بر این، شاخصهای اقتصادی، تدوین الگوی اسلامی

۱. در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴

ایرانی پیشرفت و برنامه‌های پنج‌ساله الزاماتی هستند که همواره در کنار یکدیگر به حرکت بلندمدت اقتصاد ملی کمک خواهند کرد. نگاه برنامه‌ریزان به گفته‌ی ایشان باید نگاه بلندمدت بوده و در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت، به سند بلندمدت حرکت ملی توجه کامل شود. ایشان معتقدند اصلاح کلی و عمومی، نیازمند حرکت است و نمیتوان بدون نگاه بلندمدت و دقیق به اهداف نظام و انقلاب دست یافت؛ بنابراین توجه به اهداف و حرکتی در مسیر برنامه‌های ملی و انقلابی، بسیار مهم مینماید.

فصل اول

شرایط و الزامات اقتصاد مقاومتی

ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد.

۱) مردمی کردن اقتصاد و توانمندسازی بخش خصوصی

یکی از بخش‌های هم‌تکیه‌ی به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی بخاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توان بخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائطش، استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود. به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود.

۲) مبارزه‌ی اساسی با فساد

البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفساد اقتصادی است، اشاره شد. واقعاً نمیشود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفساد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. همان چندسال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتیم، که تصور نشود ما میتوانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفساد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفساد اقتصادی موجب میشود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که میخواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدمهای ناسالم پیدا میشوند. باید با چشمهای تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیابند به‌عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه‌ی قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است.



۳) حمایت از تولید ملی

یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی. خب، آمارهایی که آقایان میدهند، آمارهای خوبی است؛ لیکن از آن طرف هم از داخل دولت، خود مسئولین به ما میگویند که بعضی کارخانه‌ها دچار مشکلند، اختلال دارند، در بعضی جاها تعطیلی صنایع وجود دارد - گزارشهای گوناگونی به ما میرسد، خود شما هم گزارش میدید؛ یعنی من گزارشهای دیگر هم دارم، اما اتکاء من به گزارشهای

دیگران نیست؛ گزارشهای خود شما هم هست که به دست ما میرسد - خوب، باید این را علاج کرد. اینها طبعاً ایجاد اشکال میکنند. اگر چنانچه همین بخش دوّم قضیه - یعنی آن نیمه‌ی خالی لیوان - نمیبود، شما امروز از لحاظ رونق اقتصادی، وضع بهتری را در کشور ارائه میکردید و کمکهای بیشتری به مردم میشد. بالاخره حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد.

واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند، خوبند و سوددهی‌شان هم خوب است، کارشان هم خوب است، اشتغالشان هم خوب است؛ عمده‌ی واحدهای بزرگ ما وضعشان این جور است - لذا همان‌طور که گفتید، محصول سیمانمان، محصول فولادمان، محصولات عمده‌ی این جوری‌مان خوب است - لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد.



۴) توجه به مدیریت منابع ارزی

مسئله‌ی منابع ارزی هم مسئله‌ی مهمی است؛ که خوب، حالا آقایان توجه دارید. روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرفهای گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود.

(۵) توجه به مدیریت مصرف ملی

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. خوب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده‌ی رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه‌ی اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، این قدر در اسلام اسراف منع شده و ما متأسفانه در زندگی مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود. در گزارشهای شماها من خواندم، حالا هم بعضی از دوستان اظهار کردند که دولت درصدد صرفه‌جویی است و میخواهد صرفه‌جویی کند؛ بسیار خوب، این لازم است؛ این را جدی بگیرید. دولت خودش یک مصرف‌کننده‌ی بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسائل گوناگون، یک مصرف‌کننده‌ی بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جویی کنید. صرفه‌جویی، چیز بسیار لازم و مهمی است.

به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه‌ی شما، اگر کار جدیدی انجام میگیرد، اگر چیز جدیدی خریده میشود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه میشود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد؛ اصرار بر این داشته باشید؛ خود این، یک قلم خیلی بزرگی میشود. اصلاً ممنوع کنید و بگوئید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند. به نظر من اینها میتواند کمک کند.

۶) توجّه به اقتصاد دانش‌بنیان

یک مسئله‌ی دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است. بعضی از کسانی که در باب شرکتهای دانش‌بنیان فعال بودند، ماه رمضان اینجا آمدند و صحبت‌هایی کردند. خوب، خوشبختانه انسان می‌بیند کارهای خوبی انجام داده‌اند. این بخش شرکتهای دانش‌بنیان و فعالیتهای اقتصادی دانش‌بنیان خیلی جاده‌ی باز و امیدبخشی است. البته آنها گلایه‌هایی هم داشتند. به نظر من دوستان مسئول در دولت که کارشان به این بخش ارتباط پیدا میکند - چه وزارت صنعت و معدن و تجارت، چه وزات علوم - به این مسئله‌ی شرکتهای دانش‌بنیان پردازند و گلایه‌هاشان را بشنوند و آنها را برطرف کنند. زمینه‌ی بسیار خوبی است. ما استعدادهای برجسته‌ای داریم که میتوانند در این مورد کمک کنند.^۱

۷) عدم شتابزدگی در اقتصاد مقاومتی

عواقب شتابزدگی در مسائل اقتصادی

در طرحهای اقتصادی مراقب باشیم - این، دنباله‌ی همین مسئله‌ی حل مشکلات اقتصادی مردم است - که شتابزدگی گریبانگیر دولت نشود. شتابزدگی در تصمیم‌گیری‌ها یا احیاناً عدم بهره‌گیری مناسب از نظرات کارشناسی اقتصادی، ممکن است ضربه‌هایی وارد کند.^۲



سرعت را با دقت همراه کنید. سرعت غیر از شتابزدگی است؛ شتابزدگی بد است. سرعت وقتی با دقت همراه شد، کار معقول و صحیح است. سرعت بدون دقت، میشود شتابزدگی. مواظب باشید در

۱. در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۶

تصمیم‌گیریها و نوع کارها، شتابزدگی پیش نیاید و دستپاچه‌مان نکنند. گاهی اوقات دستپاچه‌کردن مسئولان به مسائل مختلف - گاهی بعضی از نخبگان، بعضی از آحاد مردم و بعضی از مرتبطين، آدم را سر یک کاری دستپاچه میکنند - آنها را عقب می‌اندازد. انسان وقتی که دستپاچه شد، حتی گاهی همان کاری هم که در فرصت معینی میتوانست انجام بدهد، آن را هم نمیتواند انجام بدهد؛ یعنی تأخیر هم می‌افتد. علاوه بر اینکه خیلی اوقات کار هم غلط و همراه با ضایعه انجام میگیرد. من تأکید میکنم، این سرعت عملی که در رفتار دولت مشاهده میشود، چیز ممدوحی است؛ اما مراقب باشید این سرعت عمل، شکل شتابزدگی به خودش نگیرد؛ یعنی همیشه با دقت همراه باشد.^۱

لزوم برنامه‌ریزی بلندمدت و عدم شتابزدگی

اگر برنامه‌ریزی نشود، نه تنها ده سال، بلکه اگر دهها سال دیگر هم بگذرد، فایده‌ای نخواهد بخشید. من هیچ‌کس را به شتابزدگی دعوت نمیکنم؛ نه شما را، نه مسئولان را. نه شما پا به زمین بکوبید که چه شد، نه مسئولان شتابزده و بلغور شده چیزی درست کنند و بگویند این هم در جواب فلانی که در فلان‌جا چنین مطلبی گفته؛ بفرمایید این هم برنامه‌ی ما! هیچکدام فایده‌ای ندارد.^۲

شتابزدگی؛ مانع عملکرد صحیح

اگر بخواهیم کار پنج‌ساله یا چهارساله را با سرهم‌بندی و عجله و شتابزدگی در مدت کوتاهی انجام دهیم، نه؛ این‌طور کاری را مردم

۱. در دیدار با رییس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۶/۶

۲. در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلای رشت، ۱۳۸۰/۲/۱۲

نمی‌پسندند؛ بنده هم دنبال چنین چیزی نیستم. البته مسئولان محترممان هم قطعاً نمیخواهند اینطور عمل کنند.^۱

۸) توجه به عقب‌ماندگی تاریخی و راه‌حلهای تسریع در پیشرفت

۱.۸) توجه به عقب‌ماندگی تاریخی

ما کمبودهای زیادی داریم. من در پیام، امروز به ملت ایران عرض کردم؛ در زمینه‌های زیادی ما وارث عقب‌ماندگی‌های صدساله‌ی دوران طاغوتیم و در بخشهای زیادی عقب مانده‌ایم. ما گفته‌ایم میخواهیم برویم و به صفوف جلوی بشریت برسیم؛ باید بدانیم ما که به سمت جلو حرکت میکنیم؛ بقیه‌ی ملتها که نایستاده‌اند. آنها هم دارند حرکت میکنند. باید شتابمان و نوع حرکتمان را جوری تنظیم بکنیم که بتوانیم به صفوف مقدم برسیم؛ و الا اگر بخواهیم با همان سرعت و با همان شتابی که به‌طور متعارف ملتها پیش میروند، پیش برویم، باز در این مراحل عقب میمانیم.^۲

جبران گذشته‌ی طاغوتی خویش

ما باید آنچه را که در گذشته - در دوران حکومت طاغوتها - از دست داده‌ایم و دچار عقب‌ماندگی شده‌ایم، جبران کنیم؛ این ایجاب میکند که ما تلاشمان را هرچه میتوانیم بیشتر و بیشتر و جدی‌تر کنیم. در عرصه‌ی داخلی آنچه مورد نیاز است، پیدا کردن راههای میانبر همراه با تدبیر و درایت و حکمت است؛ ما نمیتوانیم آرام و معمولی حرکت کنیم؛ باید با شتابی حساب‌شده و منظم و منضبط پیش برویم.^۳

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۴/۵/۲۸

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱

۳. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۸۷/۱/۱

۲.۸ منشأ و دلیل عقب ماندگی

ناآگاهی و بی خبری

اگر شما می بینید ملت ایران در طول یکی دو قرن از کاروان علم و تمدن عقب افتاد و کشور به دست بیگانگان و دشمنان یا دست نشانندگان آنها اداره شد، منشأ این همه، ناآگاهی بود. ملت و جوانان و قشرهای مختلف را در بی خبری و ناآگاهی نگه می داشتند تا نفهمند بر سر کشور چه دارد می آید.^۱

عدم عمل به دستورات اسلام

اگر جوامع مسلمان از کاروان علم و سازندگی و ابتکار عقب ماندند، به خاطر این است که به دستور اسلامی عمل نکردند. امروز داعیه‌ی ما این است که می خواهیم به این دستور اسلام هم به طور کامل عمل کنیم.^۲

■ امروز ملت‌های مسلمان در مقابل زورگویی قدرتهای جهانی حرفی برای گفتن ندارند؛ نه علم لازمی، نه فناوری پیشرفته‌ای، نه در زمینه‌های گوناگون سیاسی مهارتی؛ چرا؟ چرا ما عقب ماندیم؟ چون تقوا را از دست دادیم. این همان شدت‌هایی است که با تقوا برطرف می شود.^۳

بی علمی ما و تجهیز دشمن به علم

ما این عقب افتادگی تاریخی را باید جبران کنیم؛ یعنی ما ضربه را از بی علمی خورده ایم. اگر امروز دنیای اسلام از لحاظ اقتصادی عقب است، از لحاظ فرهنگی یا سیاسی عقب مانده است، این به خاطر آن است که

۱. در اجتماع بزرگ مردم جیرفت، ۱۳۸۴/۲/۱۷

۲. در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، ۱۳۸۴/۲/۱۸

۳. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۴/۵/۲۸

رقیب، یعنی دنیای غرب، مجهز به سلاح علم است. از سلاح علم برای غلبه‌ی در میدانهای سیاست، اقتصاد و فرهنگ استفاده میکند.^۱

۳.۸) راه حل‌های جبران عقب ماندگی

توجه، توکل و کار برای خدا

ما عقب ماندیم و در این عقب‌ماندگی، مقصریم. لیکن امروز ورق برگشته است. امروز دنیای اسلام به هویت خود واقف شده است. این امت از همه‌ی عناصر عزت - که در متن دین شریف اسلام و قرآن کریم وجود دارد - باید استفاده کند. اول توجه به خدا و تمسک به قانون الهی است؛ توکل به خداست؛ اعتماد به خداست. خداوند متعال آن کسانی را که **الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ؛** سوء ظن به خدا دارند، ملامت میکند؛ میفرماید: **عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛** آن کسانی که نصرت الهی را در صورت حضور در میدان عمل انکار میکنند، خودشان را باید ملامت کنند. اگر ما در میدان عمل وارد شویم، خدای متعال به ما کمک خواهد کرد؛ هم قول قطعی قرآن و وعده‌ی حتمی الهی است، هم مشاهدات دوران زندگی خود ماست. تاریخ اسلام هم برای مسلمین سرشار از تجربه است، که هر جا همت گماشتند، وارد شدند و متمسک به قدرت الهی شدند، خدای متعال آنها را کمک کرد. کمک و نصرت الهی حتمی است؛ منتها شرط این نصرت، حضور در میدان عمل است: **وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ؛** آن کسی که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت خواهد

۱. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۵/۶/۲۵

۲. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۶؛ کسانی که به خدا ظن و گمان بد دارند.

۳. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۶؛ آنها سرانجام بدی خواهند داشت.

۴. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰؛ قطعاً خداوند کسانی را که او را یاری کنند را یاری خواهد کرد.

کرد. با نشستن، با تنبلی کردن، با توهمات دل خوش کردن، با مصالح امت اسلامی بازی کردن و هوای نفس را بر مصالح امت اسلامی ترجیح دادن، نصرت الهی خود را نشان نخواهد داد.^۱



توجه و عمل به اسلام

اگر امروز احکام اسلام در این مملکت اجرا شود؛ یعنی من و شما این توفیق را بیابیم که احکام اسلامی را اجرا کنیم، همه‌ی این گره‌ها و مشکلات باز و حل خواهد شد. ما هرچه عقب مانده‌ایم، به‌خاطر این است که در این زمینه‌ها یا کوتاهی کرده‌ایم یا نشده است.^۲



ما از اوّل انقلاب هر جا به ایمان خود تکیه و به احکام اسلام عمل کردیم، پیروز شدیم؛ چه در جبهه‌ی علم، چه در جبهه‌ی سیاست، چه در کارهای اقتصادی و چه در کارهای نظامی. آنجایی که شکست خوردیم و پا در گل ماندیم و ضعیف شدیم، وقتی بوده است که از اسلام فاصله گرفته‌ایم. این را دشمن خوب فهمیده است.^۳

۹) لزوم همّت مضاعف و کار مضاعف

ان‌شاءالله فعالیت را هوشمندانه و هدفدار مضاعف کنند. این شعار «همّت مضاعف و کار مضاعف» که سال گذشته^۴ عرض کردیم، امسال هم باید در کنار مسئله‌ی «جهاد اقتصادی» مورد توجه قرار بگیرد.

۱. در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۸۵/۸/۲

۲. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۳/۷

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر، ۱۳۸۱/۳/۱

۴. سال ۱۳۸۹

ان شاء الله همه تلاش کنند، همه کار کنند. آینده‌ی کشور، آینده‌ی خوبی است. ظرفیتهای کشور، ظرفیتهای فوق‌العاده و بی‌نظیری است. الحمدلله دل‌های خوب، ایمانهای خوب، همتهای خوب، دستهای توانای خوب، چشمهای بینای خوب در کشور فراوان است. این کشور شأنش خیلی بالاتر از این است که به‌عنوان یک کشور درجه‌ی دوم در دنیا محسوب شود. این کشور باید در سطح بالای کشورها و ملتها قرار داشته باشد. سابقه‌ی تاریخی ما، میراث فرهنگی ما، توانایی‌های مردمی ما، ظرفیتهای طبیعی ما، همه به ما این را املاء و دیکته میکنند. ما بایستی اینجوری حرکت کنیم و - ان شاء الله - به اینجاها برسیم و به امید خدا خواهیم رسید.^۱

کار مضاعف؛ یعنی کار باکیفیت

کار مضاعف فقط به‌معنای حجم کار نیست؛ بلکه به‌معنای کیفیت کار است، بیشتر از آنچه که مربوط به کمیت و حجم باشد؛ یعنی کار دقیق، کار کارشناسی شده، کار همراه با مشورت، کار مستمر و پیگیر، کار تدوین شده و برنامه‌ریزی شده؛ که اگر مسئولین جابه‌جا هم شدند، کار متوقف نشود.^۲

۱۰ لزوم توجه به نیروی جوان و استفاده از مجربین

جوانها هستند که دارند این حرکت را به پیش می‌برند. موتور این حرکت عظیم، این قطار عظیمی که دارد همین‌طور پیش میرود، جوانهایند. البته مدیران کارآمد و کارآزموده و مجرب لازمند. تکیه‌ی

۱. در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی، ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

۲. در دیدار دانش‌آموزان در آستانه‌ی ۱۳ آبان، ۱۳۸۹/۸/۱۲

روی جوانها معنایش این نیست که ما به آدمهای تجربه کرده و عمر گذرانده و مراحل دیده و مو سفید کرده بی احترامی کنیم؛ نه، آنها هم وجودشان واجب و لازم است؛ اما تا جوانها نباشند، این حرکت انجام نمیگیرد.^۱

(۱۱) حرکت در مسیر نیازهای اصلی

لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. فرض بفرمایید کسانی در کوفه دلهاشان پر از ایمان به امام حسین بود، به اهل بیت محبت هم داشتند، اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آنها کردند؛ لحظه را شناختند؛ عاشورا را شناختند؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که توأین در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام میدادند، اوضاع عوض میشد؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند. شناسایی لحظه ها و انجام کار در لحظه ی نیاز، خیلی چیز مهمی است.^۲

(۱۲) غفلت نکردن از سایر عرصه ها

محوریت اقتصاد که من عرض کردم، به معنای غفلت از عرصه های دیگر تلقی نشود. در عرصه های دیگر، مخصوصاً در همان عرصه ی علم و فناوری، باید به این دانشمندان جوان کمک شود، به آنها اعتماد شود تا بتوانند کارهای بزرگ را انجام دهند.^۳

۱. در دیدار دانش آموزان در آستانه ی ۱۳ آبان، ۱۳۸۹/۸/۱۲

۲. در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

فصل دوّم

الزامات راهبردی جهاد اقتصادی

اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور در سال ۹۰ انجام بگیرد، یک الزاماتی هم دارد. این الزامات را هم من فهرستوار عرض بکنم.



(۱) روحیه‌ی جهادی

اولاً روحیه‌ی جهادی لازم است. ملت ما از اوّل انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه‌ی جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدّس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده میکنیم. اگر ما در بخشهای گوناگون، روحیه‌ی جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدّیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.



(۲) استحکام معنویّت و روح ایمان و تدیّن در جامعه

دوّم، استحکام معنویّت و روح ایمان و تدیّن در جامعه است. عزیزان من! این را همه بدانند؛ تدیّن جامعه، تدیّن جوانان ما، در امور دنیایی هم به ملت و به جامعه کمک میکند. خیال نکنند که متدیّن شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شبهای جمعه در دعای کمیل است. اگر یک ملت جوانانش متدیّن باشند، از هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهایی که جوان را زمینگیر میکند،

دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می‌افتد، کار میکنند، تلاش میکنند؛ در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، در زمینه‌ی فعالیت‌های سیاسی، کشور پیشرفت میکند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه‌ی معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد.



۳) پرهیز از بروز مشکلات حاشیه‌ای در کشور

یک شرط دیگر این است که کشور به مسائل حاشیه‌ای مبتلا نشود. ببینید، در بسیاری از اوقات یک مسئله‌ی اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله‌ی اصلی بروند؛ باید مسئله‌ی کانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان می‌بینیم از یک گوشه‌ای یک صدایی بلند میشود، یک مسئله‌ی حاشیه‌ای درست میکنند، ذهنها متوجه آن میشود. این مثل این میماند که در یک مسافرت مهمی، کاروانی، قطاری دارد حرکت میکند، هدفش رسیدن به یک نقطه‌ی خاص است؛ ناگهان ذهنها را مشغول کنند به یک چیز حاشیه‌ای در بیابان، از راه باز بمانند، احیاناً امکان ادامه‌ی حرکت هم از آنها گرفته شود. مسائل حاشیه‌ای نباید به میان بیاید. مردم ما خوشبختانه قدرت تحلیل دارند، هوشمندند، هوشیارند؛ میتوانند مسائل فرعی و حاشیه‌ای را از مسائل اصلی جدا کنند. توجه شود مسائل حاشیه‌ای کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد.



۴) حفظ اتحاد و انسجام ملی

یک شرط دیگر، حفظ اتحاد و انسجام ملی است. این اتحادی که امروز در میان مردم و در بین مردم و مسئولین وجود دارد، مردم به مسئولین خودشان علاقه‌مندند، به آنها اعتماد دارند، به آنها کمک میکنند،

با آنها همراهی میکنند، بین خود مردم اتحاد و وحدت وجود دارد، بایستی باقی بماند و روزبه‌روز تقویت شود. یکی از نقشه‌های بزرگ دشمنان ملت ایران، ایجاد تفرقه و شکاف در داخل بوده است؛ به بهانه‌ی قومیت، به بهانه‌ی مذهب، به بهانه‌ی گرایش‌های سیاسی، به بهانه‌ی جناح‌بندی‌ها، به بهانه‌های گوناگون. اتحاد را باید حفظ کرد. خوشبختانه ملت ما آگاهند. همه‌ی کسانی که به کشورشان علاقه‌مندند، به نظام مردم‌سالاری دینی - که مایه‌ی افتخار امروز ملت ایران است - علاقه‌مندند، باید با هم هماهنگی داشته باشند. مسئولین کشور هم همین جور؛ آنها هم باید سعی کنند اگر گله‌ای از هم دارند - که گاهی ممکن است این گله‌ها بحق هم باشد - این گله را در معرض افکار عمومی مطرح نکنند؛ این ضربه‌ی به اتحاد ملی است؛ این را همه توجّه داشته باشند. من به مسئولین کشور بطور جد این را تذکر و هشدار میدهم. ممکن است مسئولین از هم گله داشته باشند - که همیشه بوده؛ از اوّل انقلاب که ما دست‌اندرکار مسائل بودیم، دیدیم؛ گاهی قوه‌ی مجریه از قوه‌ی مقننه، گاهی قوه‌ی مقننه از قوه‌ی قضائیه، گاهی قوه‌ی قضائیه از قوه‌ی مجریه گله‌هایی داشتند؛ طبیعت کار هم همین است، گله به وجود می‌آید - ممکن است گله‌ها بحق هم باشد؛ اما این را نباید در عرصه‌ی افکار عمومی بیاورند، ذهن مردم و دل مردم را ناراحت کنند، مردم را مأیوس کنند؛ بین خودشان حل کنند. مهم‌ترین مسائل دنیا با مذاکره‌ی قابل حل است؛ این مسائل جزئی اهمیتی ندارد. پس انسجام قوا با یکدیگر، هماهنگی قوا با یکدیگر هم مهم است.^۱



۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

۵) مداومت و پایداری

پایداری و غربت ملت ایران در جهان

درست است که یک ملت با همه‌ی قدرت وارد میدان شد و کار بزرگی انجام داد و پیروز شد و نظام تشکیل داد اما غریب هم بود. این ملت هنوز هم غریب است. این ملت با غربت این کار را انجام داد، غریبانه این راه دشوار را پیمود؛ خسته نشد، دلزده نشد، افسرده نشد، ناامید نشد، ترسیده نشد؛ پیش رفت.^۱

پایداری؛ راه علاج مشکلات

خدای متعال به پیغمبرش فرمود: **فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ**^۲ استقامت، یعنی در همین خط مستقیم پایداری کردن و پافشاری کردن و زاویه‌ای ایجاد نکردن؛ علاج مشکلات کشور ایران همین است و من و شما باید به این نکته توجه کنیم.^۳

راه نجات، راه موفقیت، راه دست‌یافتن به آرمانهای بزرگ یک ملت - که عزت و رفاه و اوج افتخارات ملی و فرهنگی و همه‌جانبه است - فقط وابسته به این است که این ملت از دشمنان خود واهمه نکند، راه خود را بشناسد و این راه را با استقامت و پایداری تمام به پیش برود.^۴

۱. در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۱۴

۲. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۱؛ پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [تیز چنین کند].

۳. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

۴. در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد مسعود علی‌بن‌ابیطالب (علیه‌السلام)،

۱۳۸۶/۵/۶

پایداری؛ لزوم ایمان

قرآن میفرماید: **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ**.^۱ **رَبُّنَا اللَّهُ**؛ یعنی اعتراف به عبودیت در مقابل خدا و تسلیم در مقابل او. این چیز خیلی بزرگی است؛ اما کافی نیست. وقتی میگوییم **رَبُّنَا اللَّهُ**، برای همین لحظه‌ای که میگوییم، خیلی خوب است؛ اما اگر **رَبُّنَا اللَّهُ** را فراموش کردیم، **رَبُّنَا اللَّهُ** امروز ما دیگر برای فردای ما کاری صورت نخواهد داد؛ لذا میفرماید: **ثُمَّ اسْتَقَامُوا**؛ پایداری و استقامت کنند و در این راه باقی بمانند. این است که موجب میشود **تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ**، و^۲ **وَأَلَّا** با یک لحظه و یک برهه خوب بودن، فرشتگان خدا بر انسان نازل نمیشوند، نور هدایت و دست کمک الهی به‌سوی انسان دراز نمیشود و انسان به مرتبه‌ی عباد صالحین نمیرسد. باید این را ادامه داد و در این راه باقی ماند؛ **ثُمَّ اسْتَقَامُوا**. اگر بخواهید این استقامت به‌وجود آید، باید به‌طور دائم مراقبت کنید که این بار مبنای معنویت از سطح لازم پایین نیفتد.^۲

۶) آرمانگرایی و واقع‌بینی

در نگاه به مسائل کشور - که در مورد مسئولیت شما، به شکل قانون و قانونگذاری تجلی میکند - بایستی دو خصوصیت «آرمانگرایی» و «واقع‌بینی» را در نظر داشت. نگاهتان، نگاه آرمانگرا باشد. از آرمانها پایین نیایید، کوتاه نیابید. نگاه باید نگاه آرمانی باشد، منتها با توجه به واقعیت. سقفی را معین میکنیم؛ منتها تکلیفی را که برای خودمان یا دولت یا مسئولین معین خواهیم کرد، بایستی با توجه به واقعیت‌های موجود باشد،

۱. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۳۰؛ محققاً کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»، سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد.

۲. در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (علیه‌السلام) و روز پاسدار، ۱۳۸۱/۷/۱۷

منتها به طرف آن آرمان، تا این تواناییها روزه‌روز بیشتر شود. واقع‌گرایی به معنایی که در مقابل آرمانگرایی است، مطلوب نیست. ملاک این است که ما میخواهیم به آن آرمانها برسیم؛ منتها در کنار این، واقع‌بینی لازم است.^۱

۷) اهتمام به روحیه‌ی کار و پرهیز تنبلی

همه‌ی کشور، همه‌ی آحاد مردم، همه‌ی مسئولین - که **كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ**^۲ - بایستی تحرک و نشاط کار داشته باشند. باید از خودمان تنبلی و توانی و زمینگیری را دور کنیم. امروز به کار نیاز هست؛ کار علمی، کار اقتصادی، کار سیاسی، کارهای بزرگ اجتماعی. هر کسی در هر جا هست، میتواند برای خودش برنامه‌ی کاری را تعریف کند؛ این یکی از ضرورتهاست، که امیدواریم خدای متعال به همه‌ی ما توفیق بدهد.^۳

تنبلی؛ باعث تسلط دشمن

تنبلی و تن‌آسایی و محول‌کردن کار به یکدیگر جایز نیست؛ حرکت جهادگونه باید کرد. جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه‌ی میادین زندگی، جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری - در حدّ معقول البتّه - و پیشرفت و امید به آینده.^۴

تنبلی نکردن؛ شرط فتح قلّه‌ها

من این را از شما جامعه‌ی علمی کشور توقع میکنم که شما پنجاه

۱. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۳/۱۸

۲. جامعه‌الآخبار، ص ۱۱۹

۳. در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۰/۶/۹

۴. در دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۷/۳

سال دیگر - پنجاه سال؛ نیم قرن است - در رتبه‌ی بالای علمی دنیا قرار داشته باشید؛ این توقع زیادی است از یک ملت با استعداد؟ اما اگر بخواهیم این اتفاق بیفتد، از الان باید سخت کار کنیم. شرطش تنبلی نکردن است؛ غفلت نکردن است؛ خست‌نورزیدن است؛ از ورود در این راه وحشت نکردن است و میدان‌دادن و پرورش نخبگان علمی است.^۱



بیزاری اسلام از تنبلی و تن‌پروری

اسلام از تنبلی و تن‌پروری و بیکارگی بیزار است. کار، فقط پشت میز نشینی نیست؛ همه نوع کاری در وضع کنونی کشور مورد نیاز است. کارهای فکری هم کار است، کارهای جسمانی هم کار است، کارهای اداری هم کار است.^۲



در روایت وارد شده است که اگر پیغمبر میدید یک آدم جوانی و قادر بر کاری نشسته است، تنبلی میکند و کار انجام نمیدهد، میفرمود: **سَقَطَ مِنْ عَيْنِي؛** از چشمم افتاد.^۳

مبارزه با تنبلی؛ راه کسب عزت و سعادت

هیچ ملتی با تنبلی به سیادت و سعادت نمیرسد. بزرگترین مصیبت برای یک ملت، این است که بگوید چون ما نتوانستیم همه‌ی هدفهای خود را تأمین کنیم، پس ولش! نخیر؛ بایستی هدفها را دنبال کرد.^۴



۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۰/۱/۱

۳. در دیدار با کارگران، ۱۳۸۵/۲/۶

۴. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

نسل قبل از شما اگر تنبلی میکرد، اگر در خانه می‌نشست و اگر لابلالی‌گری را پیشه‌ی خود می‌ساخت، ملت ما غرق در فساد وابستگی و ذلت فرودستی نسبت به امریکا باقی میماند. آن نسل ایستاد، انقلاب را پیروز کرد.^۱



هیچ ملتی با تنبلی و تن‌آسایی نخواهد توانست به عزت برسد. رسیدن به استقلال، رسیدن به عزت ملی، رسیدن به کرامت انسانی، برای یک ملت هزینه دارد، که باید این هزینه را متحمل شد و باید تلاش کرد؛ باید به عاقبت کار، امیدوارانه و واقع‌بینانه نگاه کرد، که یک نگاه واقع‌بینانه، امید به انسان خواهد بخشید.^۲

۸) خود باوری، امید و اعتماد به نفس ملی

یک توصیه این است که هم دستگاه‌های مدیریتی، هم اساتید، در داخل دانشگاه‌ها خودباوری را ترویج کنید. جوانی که تحت تربیت و تحت آموزش و تعلیم شماست، باید به خود اعتماد داشته باشد، آن اعتماد به نفس ملی که عرض کردیم. بحث این نیست که شخصی به خودش اعتماد دارد، بحث این است که ما به خصال ملی خودمان، به امکانات ملی خودمان، به ذخایر فرهنگی خودمان، یک اعتماد به نفس عمومی داشته باشیم که به آن گفتیم اعتماد به نفس ملی؛ این حالت بایست در یکایک جوانهای ما بروز پیدا کند.^۳

۱. در دیدار جوانان اهواز، ۱۳۸۲/۵/۸

۲. در دیدار پرسنل نیروی هوایی، ۱۳۸۴/۱۱/۱۸

۳. دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی و اساتید دانشگاه، ۱۳۸۷/۷/۳

ثمرات اعتماد به نفس نخبگان

اعتماد به نفس ملی که باید در نخبگان یک کشور بروز کند، مهم‌ترین تأثیرش این است که حالت انتظار کمک و دستگیری از دیگران را از انسان میگیرد. ملتی که به خودش اعتماد ندارد، همیشه منتظر است برای او چیزی فراهم کنند و به او بدهند. وقتی منتظر بودید برایتان غذای آماده بیاورند، دیگر غذا درست نمیکنید؛ غذا درست کردن هم بلد نمیشوید. این یکی از خطرات عمده است، خیلی هم واضح است؛ یعنی چیز فلسفی پیچیده‌ی مشکلی نیست. اما همین شیء واضح و ساز و کار واضح برای عقب‌ماندگی کشور، گاهی از نظر ماها مورد غفلت قرار میگیرد.^۱

خودباختگی؛ بیراهه‌ای خطرناک

بارها در طول این سی سال، بنده خودم با افرادی از این قبیل مواجه بودم که چه با زبان صریح یا نیمه صریح یا با زبان حال، همین معنا را بیان میکردند که «آقا ما البته باید پیشرفت کنیم، اما دنبال اینها باید حرکت کنیم! ما که نمیتوانیم به گرد اینها برسیم، چه برسد به اینکه از اینها جلو بزنی؛ چرا بیخود زحمت میدهید خودتان را؟». این هم یک بیراهه است. این معنایش این است که یک ملت - حالا ملت ما به‌عنوان یک نمونه - و ملتهای گوناگون شرق و ملتهای مسلمان از جمله، محکوم به این هستند که همیشه دنباله‌رو حرکت غرب و شاگرد دائمی آنها باشند و هیچ‌وقت از خودشان امید نداشته باشند که بتوانند در آن سطح قرار بگیرند، چه برسد که از آنها جلو بیفتند؛ هرگز چنین روحیه‌ای نداشته باشند. این، یک بیراهه‌ی بسیار خطرناک است که امروز متأسفانه از سوی

۱. در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۱۳/۱۰/۱۳۸۶

استاد دانشگاه، از سوی متفکر سیاسی، از سوی بعضی از گویندگان مذهبی ترویج میشود؛ این درست ضد تجربه‌ی طولانی‌مدت بشری است. چرا؟ مگر خدای متعال یک‌دسته از انسانها را این جور آفریده که همیشه باید جلو باشند؟ کدام واقعیت تاریخی این را نشان میدهد؟ مگر همینهایی که امروز در دنیا جلو هستند، در چند قرن قبل از این، ملت‌های عقب‌افتاده‌ی دنیا در همه‌ی مسائل گوناگون نبودند؟ دوران قرون وسطای اروپا مگر از یاد تاریخ رفته؟! دوران قرون وسطی - من بارها گفته‌ام - دوران تاریکی است، دوران جهل و ظلمت است برای اروپا؛ نه برای کشورهای مسلمان، نه برای ایران. همان دورانی که آنها اسمش را گذاشتند دوران جهل و بی‌خبری و ظلمت و خواب، همان دوران در کشور ما و در کشورهای اسلامی، دوران عظمت و پیشرفت علم و فلسفه است و پیشرفت سیاسی و اقتدار سیاسی. این نگاه، خیلی نگاه خطرناکی است. در همین زمینه‌هایی هم که امروز شما مشاهده میکنید که در زمینه‌های علمی در کشورتان پیشرفت وجود دارد.^۱

۹) استحکام معنویت و روح ایمان در جامعه

عزیزان من! این را همه بدانند؛ تدین جامعه، تدین جوانان ما، در امور دنیایی هم به ملت و به جامعه کمک میکند. خیال نکنند که متدین شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شبهای جمعه در دعای کمیل است. اگر یک ملت جوانانش متدین باشند، از هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهایی که جوان را زمینگیر میکند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می‌افتد، کار میکنند، تلاش میکنند؛ در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، در زمینه‌ی

۱. در دیدار جمعی از نخبگان علمی و دانشجویان دانشگاه، ۱۳۸۷/۷/۷

فعالیت‌های سیاسی، کشور پیشرفت میکند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه‌ی معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد.^۱

توجه به تمامیت ارزشهای اسلام

ارزشها را بایستی نگاهبانی کرد، پاسداری کرد. مهمترین ارزشی هم که برای ملت ما وجود داشت و امروز هم وجود دارد و تا آخر هم همین خواهد بود، عبارت است از اسلام. استقلال در اسلام است، آزادی در اسلام است، پیشرفت مادی در اسلام است، وحدت ملی در اسلام است، شکوفایی استعدادها در اسلام است؛ همه‌ی اینها در اسلام مندمج و مندرج است. علت اینکه امام روی کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» تکیه کردند، همین است. تأکید بر جمهوری، به خاطر این است که نکته‌ی مهم، اتکا به مردم است. اگر اسلام باید در جامعه حاکمیت پیدا کند، بدون ایمان عمومی امکان‌پذیر نیست.^۲

توجه به ایمان و تحقق ارزشهای اسلامی

هرچه ایمانمان را تقویت کنیم، هرچه تحقق اسلام را در جامعه و ارزشهای اسلامی را در بین خودمان بیشتر کنیم، این عزت بیشتر خواهد شد، این پیشرفت بیشتر خواهد شد و زندگی مادی و معنوی اصلاح خواهد شد.^۳

لزوم اخلاص در جهاد

جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

۲. در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

۳. در دیدار هزاران نفر از مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷

جهادگونه، با همه‌ی توان، با همه‌ی وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت اینکه داریم چه کار می‌کنیم.^۱



جهاد در میدان جنگ و میدان نظامی که این قدر عظمت دارد، اگر با اهداف خدایی نباشد و بدون ارتباط با خدا باشد، به یک چیز کم ارزش یا بی‌ارزش و گاهی هم ضد ارزش، تبدیل می‌شود!^۲

لزوم وجود اعتقادات مستحکم برای پیروزی

پیروزی وابسته به یک اقتداری است که آن اقتدار از پول و از امکان مادی و از سلاح اتمی حاصل نمی‌شود؛ از اعتقاد به شهادت، ایمان به ایثار، باور به اینکه انسان وقتی ایثار می‌کند، دارد با خدا معامله می‌کند، ناشی می‌شود. با این حساب اگر محاسبه کنیم - که حساب درستی است - ملت ایران از همه‌ی ملت‌های دیگر قوی‌تر است، با عظمت‌تر است.^۳

اهتمام به خودسازی فردی و ملی

بایستی خودمان را بسازیم. ما باید **كَالزُّبْرِ الحَدِيدِ** باشیم؛ مثل پاره‌های فولاد. ایمانمان را تقویت کنیم؛ بصیرتمان را زیاد کنیم؛ آگاهی‌مان را بیشتر کنیم؛ دانشمان را روزبه‌روز پیش ببریم؛ استعدادهایی را که خدای متعال در درون ما قرار داده، شکوفا کنیم؛ دست اتحاد و وحدتی که به هم دادیم، محکم نگه داریم، بفشریم؛ اینها لازم است.^۴

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷

۲. در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۶/۶

۳. در دیدار خانواده شهدا و جانبازان قم، ۱۳۸۹/۷/۲۸

۴. در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۱۴

تقوای جمعی؛ راه سعادت عمومی

تقوای جمعی این است که جمعها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی مراقبتی جمعها نسبت به مجموعهی خودشان، موجب میشود که حتی آدمهایی هم که در بین آن جمعها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمعها بغلتند و به جایی بروند که نمیخواهند.^۱

نگاه غیرمادی به اقتصاد

بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسئلهی اقتصاد و مسئلهی پول و مسئلهی ثروت است. همه‌ی این چیزهایی که دوستان از انحرافهای غرب و مشکلات فراوان و مسئلهی استثمار و استعمار و اینها ذکر کردند، به خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده‌گرایانه وجود داشته. میتوان این نگاه را تصحیح کرد. اسلام برای ثروت اهمیّت قائل است، اعتبار قائل است. تولید ثروت در اسلام مطلوب است؛ منتها با نگاه الهی و معنوی. نگاه الهی و معنوی این است که از این ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای اسراف نباید استفاده کرد؛ از این ثروت بایستی برای سود جامعه بهره برد و بقیه‌ی مسائل فراوانی که وجود دارد.^۲

۱۰ مبارزه با تحریمها و کمبودها

عدم وا همه از تحریم

کاری کنیم که کشور در عرصه‌ی اقتصادی از تحریم اقتصادی و

۱. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸

۲. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰

محاصره‌ی اقتصادی، هیچ باکی نداشته باشد. ملت ما دست‌به‌دست هم بدهند و کشور را از وابستگی اقتصادی نجات بدهند. انقلاب، ما را از وابستگی سیاسی نجات داد. در راه استقلال اقتصادی هم کارهای زیادی شده است؛ اما همت همه‌ی ملت ایران از قشرهای مختلف را می‌طلبد تا کشور بتواند از لحاظ اقتصادی کاری بکند که دیگر تهدید به تحریم و محاصره‌ی اقتصادی معنا پیدا نکند. این خطاب به همه‌ی ملت است.^۱

اسراف؛ عامل امیدواری دشمن در تحریم

بعضی از فضولهای خارجی، دولتهای خارجی، دائم و دم‌به‌ساعت، چندین سال است که ملت ما را تهدید میکنند که تحریم میکنیم، تحریم میکنیم، تحریم میکنیم - بارها هم تحریم کرده اند - به خاطر این است که چشم امیدشان به همین خصوصیت منفی ماست. ما اگر آدمهای اهل اسراف و ولنگاری در خرج باشیم، ممکن است تحریم برای آدم مسرف و ولنگار سخت تمام بشود؛ اما ملتی که نه، حساب کار خودش را دارد، حساب دخل و خرج خود را دارد، حساب مصلحت خود را دارد، زیاده روی نمیکند، اسراف نمیکند. خب، تحریم کنند. بر یک چنین ملتی از تحریم ضرری وارد نمیشود.^۲

تحریم؛ محرک پیشرفت علمی کشور

امکاناتی که جمهوری اسلامی توانسته است با قدرت، با ابتکار، با استفاده از خلاقیت خود و با جوشش درونی به وجود بیاورد، چشمها را خیره کرده است. در زمینه‌های گوناگون علمی و فناوری و پیشرفتهای

۱. در دیدار هزاران نفر از مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی، ۱۳۸۷/۲/۱۵

۲. در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۶/۷/۲۱

گوناگون هم که جای خود دارد و روشن است، که یک نمونه‌اش این مسئله‌ی انرژی هسته‌ای است. اینها همه در دوران تحریم و در دوران فشار، به دست ملت ایران آمد؛ یعنی تحریمها نه فقط اثری نکرد، بلکه اثر عکس کرد؛ نیروهای درونی را به فکر واداشت و به حرکت وادار کرد.^۱



اگر ما را تحریم نمی‌کردند، ما امروز به این نقطه‌ای از علم و پیشرفت که رسیده‌ایم، نمی‌رسیدیم. تحریم همیشه ما را وادار کرده که به خود بیاییم، به خود فکر کنیم، از درون خود بجوشیم. ولی آنها قصدشان این خدمت نبود، آنها میخواستند دشمنی کنند.^۲

تحریم؛ عامل برانگیزاننده‌ی همّت ملی

ما در حال تحریم به انرژی هسته‌ای رسیده‌ایم؛ ما در حال تحریم به پیشرفتهای علمی رسیده‌ایم؛ ما در حال تحریم به این سازندگی‌های وسیع در کشور رسیده‌ایم. تحریم در شرایطی حتی ممکن است به نفع ما تمام شود؛ از این جهت که همّت ما را برای تلاش و فعالیت بیشتر کند.^۳

تحریم و اهتمام به فرصت‌سازی در برابر آن

ما میتوانیم اقتصاد خودمان را شکوفا کنیم. تهدید میکنند که تحریم میکنیم. تحریم نمیتواند به ما ضربه‌ای بزند. مگر تا حالا تحریم نکرده‌اند؟ ما در حال تحریم به انرژی هسته‌ای رسیده‌ایم؛ ما در حال تحریم به پیشرفتهای علمی رسیده‌ایم؛ ما در حال تحریم به این سازندگیهای وسیع

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۶/۶/۲۳

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱

در کشور رسیده‌ایم. تحریم در شرایطی حتی ممکن است به نفع ما تمام شود؛ از این جهت که همت ما را برای تلاش و فعالیت بیشتر کند.^۱

سی سال کشور ما را تحریم کردند که البته این تحریم به سود ما تمام شد. ما باید از امریکایی‌ها از این بخش تشکر کنیم! اگر ما را تحریم نمی‌کردند، ما امروز به این نقطه‌ای از علم و پیشرفت که رسیده‌ایم، نمی‌رسیدیم. تحریم همیشه ما را وادار کرده که به خود بیاییم، به خود فکر کنیم، از درون خود بجوشیم. ولی آنها قصدشان این خدمت نبود، آنها میخواستند دشمنی کنند.^۲

۱۱) لزوم تعمیق بصیرت

بصیرت نخبگان و جریان‌های سیاسی

باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریان‌های سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛ آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است.^۳

عدم بصیرت؛ علت حرکت انسان در بیراهه

خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه میفرماید: ای پیغمبر! بگو من با بصیرت حرکت میکنم؛ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ

۱. همان

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱

۳. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲

بَصِيرَةٌ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعِيَ!؛ خود پیغمبر با بصیرت حرکت میکند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت. این مال دوران مکه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی. اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت میکنند و قدم برمیدارند، همه‌ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند میشود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمیتواند آنها را همراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم میگذارد. شما در جبهه‌ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه میکنید می بینید در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط میشود. این قطب نما همان بصیرت است.

تعریف بصیرت

در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمیشود حرکت کرد. جوانها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در

۱. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۰۸؛ بگو: «این است راه من، که من و هر کس (پیروی‌ام) کرد با بینایی به سوی خدا دعوت میکنیم»

شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راههای جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرتها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن وقت شما میدانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمیدارید. یک روز شما میخواهید در خیابان قدم بزنید، خب، با لباس معمولی، با یک دمپایی هم میشود رفت تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز میخواهید بروید قلعه‌ی دماوند را فتح کنید، او دیگر تجهیزات خودش را میخواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه میخواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید.^۱

۱۲) جلوگیری از موازی‌کاری

در دولت نباید کارهای موازی انجام بگیرد. کار موازی چند عیب دارد: اولاً هزینه‌ی انسانی زیادی بیجا مصرف میشود، ثانیاً هزینه‌ی مالی زیادی مصرف میشود، ثالثاً تناقض در تصمیم‌گیریها به وجود می‌آید - وقتی دو دستگاه مسئول یک کاری هستند، این یک تصمیم میگیرد، آن هم یک تصمیم دیگر میگیرد - و رابعاً از همه بالاتر، مسئولیت لوٹ میشود.^۲

لزوم مدیریت تحقیق و عدم موازی‌کاری در آن

تحقیقات باید مدیریت پیدا کند. ما همه‌اش میگوییم بودجه‌ی تحقیقات از چهل و هفت صدم در صد مثلاً، به سه درصد برسد؛ روی جنبه‌ی مادی و کمی‌اش بحث میکنیم که البته لازم هم هست؛ اما یک جنبه‌ی کیفی هم دارد؛ تحقیقات موازی و غیر لازم نباید باشد؛ مهم، تحقیقات بنیادی، تحقیقات کارکردی و تحقیقات تجربی - سه نوع

۱. در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

تحقیقات داریم - است که هر کدام در مجموعه‌ی تحقیقات کشور، یک سهم و وزنی دارد.^۱

۱۳) عدم استفاده‌ی شعاری از جهاد اقتصادی

گاهی اوقات این شعاری که ما برای سال اعلام میکنیم، بعد ناگهان می‌بینیم همه‌ی در و دیوارهای تهران و شهرهای دیگر پر شده از تابلو، که این شعار رویش نوشته شده. این فایده‌ای ندارد. گاهی کارهای پرهزینه‌ای انجام میگیرد؛ چه لزومی دارد؟ آنچه که من از مسئولین و از مردم عزیزمان توقع دارم، این است که این شعار را بشنوند، باور کنند و دنبال کنند. تابلوکردن و در و دیوار را پرکردن و عکس‌زدن و اینها هیچ لزومی ندارد. اگر هزینه‌ای نداشته باشد، لزومی ندارد؛ اگر هزینه داشته باشد، اشکال هم دارد. هیچ لزومی ندارد کارهای پرهزینه را انجام بدهند.^۲

۱۴) اهتمام در رفع بی‌مبالاتی به ارزشها و تفرقه

نگاه کنیم ببینیم چه چیزهایی مزاحم پیشرفت است. یقیناً یکی از چیزهایی که مزاحم پیشرفت است، بی‌قیدی و بی‌مبالاتی نسبت به ارزشهاست. ارزشها را نباید از نظر دور داشت. یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه‌ی میان آحاد ملت، تفرقه‌ی میان مسئولین، تفرقه‌ی میان بخشهای گوناگون نظام، تفرقه‌ی میان نظام و مردم.^۳

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

۳. در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

فصل سوم شناخت دشمن

(۱) اهمیت شناخت دشمن

جهاد یعنی چه؟ هر تحرکی اسمش جهاد نیست. تحرکی با خصوصیات اسمش جهاد است. یکی از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است؛ یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض‌آلودی است که دارد انجام میگیرد. حرکتی که در مقابل یک چنین جهتگیری خصمانه وجود دارد، یکی از شرایط اصلی جهاد است.^۱

گاهی انسان جهتگیری را گم میکند؛ نمیداند این گلوله‌ای که دارد می‌آید، از طرف دشمن دارد می‌آید، یا از طرف دوست دارد مواضع دشمن را میکوبد. این خیلی خطر بزرگی است. برای یک رزمنده بزرگترین خطر این است که جهتگیری را گم کند؛ نداند دشمن کجاست، دوست کجاست. اگر ندانست دشمن کجاست و دوست کجاست، آن وقت ممکن است به طرف دوست آتش کند؛ به خیال اینکه دارد به طرف دشمن آتش میکند. اینها خیلی خطرناک است. بعضی از ما به طرف دوستانمان آتش میکنیم، خیال میکنیم به طرف دشمن داریم آتش میکنیم! بعضی از ما غفلت میکنیم از اینکه ایجاد اختلاف مذهبی، نقشه و طرح دشمن است برای اینکه ما را مشغول به خودمان کند. غفلت میکنیم؛ همه‌ی همّت یک شیعه میشود کوبیدن سنی، همه‌ی همّت یک سنی میشود کوبیدن شیعه. خب، این خیلی تأسف‌آور است و دشمن این

۱. در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی، ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

را میخواهد.^۱

دشمن را درست شناسایی کنید؛ هدفهای دشمن را کشف کنید؛
 احیاناً به قرارگاه های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر
 اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در
 رتبه های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا میکنند.^۲

تذکر معارف اسلامی به کید دشمن

بعضی ها حساسند روی کلمه ی دشمن، که چرا شما میگویید دشمن؛
 چرا هی تکرار میکنید دشمن. خب، تکرار هم میکنیم و باز بعضی
 اینجوری دچار غفلت میشوند، نمیفهمند که دشمن دارد با آنها چه کار
 میکند؛ این همه هم میگوییم و نمیشود! اگر نمیگفتیم، چه میشد! شما
 ببینید از اول تا آخر قرآن، خدای متعال چقدر اسم شیطان و شیطان صفتها
 و ابلیس را آورده؛ چقدر اسم فرعون و نمرود و قارون و دشمنان پیغمبر
 در زمان بعثت آمده و چقدر اینها در قرآن تکرار شده. داستان ابلیس و
 شیطان در قرآن تکرار شده. میشد یک بار خدای متعال بگوید، برای
 اطلاع کافی بود. این برای این است که هیچ وقت نباید از کید دشمن
 غافل بود. امیرالمؤمنین فرمود: **وَمَنْ نَامَ لَمْ يَتَمَّ عَنَّهُ**؛ اگر شما توی سنگر
 خوابتان برد، لازمه اش این نیست که دشمن شما هم که روبه رو نشسته،
 او هم توی سنگرش خوابش برده باشد؛ نه، ممکن است شما خوابت
 برده باشد، او بیدار باشد؛ آن وقت پدرتان درآمده است. نباید غفلت کرد
 و می بینید که غفلت میشود.^۴

۱. در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۳

۲. در دیدار اساتید دانشگاه ها، ۱۳۸۸/۶/۸

۳. نهج البلاغه، نامه ی ۶۲؛ هر کس غفلت کند، از او غفلت نخواهد شد.

۴. در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳

۲) ویژگی‌های دشمن

مادّیگرایی دشمن و ایمان بالای مؤمنان

قدرت خدای متعال در دل رزمندگان، در اراده و عزم پولادین رزمندگان، در صبر رزمندگان، در بازوی توانای رزمندگان، در قدرت ابتکار رزمندگان تجلّی پیدا کرد. دشمن متکی به ماده بود. معلوم است که قدرت مادّی توان ایستادگی و رویارویی با یک چنین هفت‌جوش معنویّت و انسانیت را ندارد. همیشه همین‌جور است، امروز هم همین‌جور است عزیزان من! امروز هم قدرتهای مادّی با همه‌ی توانشان - با پولشان، با صنعتشان، با فناوری پیشرفته‌شان، با پیشرفتهای علمی‌شان - قدرت مقابله و رویارویی با آن مجموعه‌ی انسانی که ایمان را، عزم را، همّت را، فداکاری را شاخص و معیار کار خود گرفته، ندارند.^۱

نقطه ضعف دشمن

نقطه‌ضعف او این است که در مقابل نیروی ملّی یک ملّت هیچ ابزاری ندارد. ابزار نظامی فایده و پیشرفتی ندارد؛ این را دشمن میدانند. دشمن درصدد است این مقاومت را درهم بشکند؛ درصدد است این ایمان را تضعیف کند؛ درصدد است همبستگی ملّی و همدلی را از بین ببرد.^۲

ریاکاری دشمن

این دشمنیها با چه ترفندی اعمال میشود؟ صریحاً نمیگویند ما دشمن هستیم. دشمنی میکنند، امّا ریاکارانه. دشمنان جهانی و بین‌المللی ما که

۱. در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) در سالروز حماسه‌ی فتح خرمشهر، ۱۳۸۹/۳/۳

۲. در دیدار خانواده‌های شهدا، ۱۳۸۴/۳/۳

در امریکا و بعضی از مراکز دیگر دنیا هستند و دولت‌ها را تحریک میکنند، ترندشان از اوّل انقلاب تا امروز این طوری بوده است.^۱

پیچیدگی رفتار دشمن

هرچه ما در نظام جمهوری اسلامی، توانستیم ریشه‌ی خودمان را عمیق‌تر کنیم و بیشتر برویم و کارهایمان را پیچیده‌تر بکنیم، توطئه‌ی دشمن هم پیچیده‌تر شده است؛ این را باید توجّه داشت. درست است که ما تجربه‌ی غلبه‌ی بر چالشهای تحمیل شده را داریم - نه فقط در یک مورد و دو مورد؛ در تمام این سی سال، تجربه‌ی نظام جمهوری اسلامی، تجربه‌ی غلبه بر چالشها و بر معارضه‌ها و دشمنی‌هاست - ولی بایستی توجّه کرد که - همان‌طور که اشاره فرمودند - دشمن، *مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ*؛ بیدار است؛ خبرهایی که از مراکز حسّاس سیاسی و امنیتی دنیا به دست ما میرسد، نشان میدهد که دستگاه‌های عظیمی، گسترده‌ای، با بودجه‌های کلانی، به‌طور دائم متوجّه به نظام جمهوری اسلامی هستند؛ با انگیزه‌هایی که دارند، که گفته شده است و معلوم است برای ما و شما. دارند کار میکنند؛ هر روز طرحی را به میدان می‌آورند و هر روز عرصه‌ی جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی می‌آرایند. و این ادامه هم پیدا خواهد کرد، تا وقتی که مأیوس بشوند؛ آن وقتی که نظام جمهوری اسلامی به نصابهای مشخصی در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های امنیتی، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های اخلاقی برسد. تا جمهوری اسلامی به این نصابهای معین نرسیده است، اینها ادامه پیدا خواهد کرد؛ به آنجا که رسیدیم، دشمن طبعاً مأیوس خواهد شد و واقعیت را به‌طور کامل خواهد پذیرفت. به هر حال، امروز توطئه‌ی

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

دشمن، توطئه‌ی پیچیده‌ای است.^۱

تدبیر در برابر دشمنی‌ها در صورتهای متنوع

تدبیر یعنی آگاهی از آنچه که در برنامه‌ی دشمن است، و تصمیم درست و بجا در مقابله‌ی با آن. دشمن به شکل‌های مختلفی ظاهر می‌شود. شما امروز ملاحظه کنید؛ در مقابل ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، صهیونیستها هستند، دولت امریکا قرار دارد؛ گاهی لباس گرگ می‌پوشند، گاهی لباس روباه می‌پوشند؛ گاهی چهره‌ی خشن و خصمانه‌ی خودشان را نشان می‌دهند، گاهی چهره‌ی فریبرانه نشان می‌دهند؛ باید متوجه بود.^۲

عدالت‌گریزی دشمن

امروز هم در مقابل نظام اسلامی، نظام استکباری غرب و در رأس آن امریکا قرار دارد که با عدالت دشمن است و عدالت ستیز است. نه اینکه دنبال عدالت نیست؛ با عدالت بد است. امروز اگر قرار باشد عدالت مطرح شود و گریبان کسی را بگیرد، اولین کسانی که زیر تازیانه‌ی عدالت قرار خواهند گرفت، سردمداران استکبار جهانی‌اند.^۳

حکمت وجود دشمن

اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن را خشمگین می‌کند، بدانیم که راهمان راه درست است. دشمن از پیشرفت ملت ایران خشمگین می‌شود، از موفقیت‌های شما خشمگین می‌شود، از استحکام نظام اسلامی خشمگین می‌شود. شما ببینید از کدامیک از کارهای ما دشمن خشمگین می‌شود؛ آن

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱

۳. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۲/۸/۲۳

چیزی که دشمن را خشمگین میکند، این همان خط درست است. آن چیزی که دشمن را مشعوف میکند، ذوق زده میکند، سعی میکند بر روی او هی تکیه کند؛ در تبلیغات، در سیاست‌ورزی، این آن خط کج است؛ این همان زاویه‌داری است. این معیارها را در نظر داشته باشید.^۱

دشمنی دشمن؛ از نشانه‌ی صحّت عمل

از دشمنی دشمن، از دشنام دشمن نترسید؛ وقتی او به شما بدگویی میکند، اخم میکند، دشنام می‌دهد، بدانید که شما یک کار بزرگی انجام داده‌اید یا دارید انجام می‌دهید که او ناراحت است. از این بترسید که از شما تعریف کند. اگر دشمن از شما تعریف کرد، این نشان‌دهنده‌ی این است که شما یک کاری به نفع او انجام داده‌اید. هر کسی را که دشمن ما، دشمن ایران، می‌خواهد که او بر سر کار نباشد، در مجلس نباشد، در دولت نباشد، او باید باشد؛ او به نفع ایران است. هر کسی را که دشمن ما می‌خواهد که او برود در دستگاه حاکمیت کشور و قانونگذاری کشور، او نباید برود. او طبق خواست دشمن عمل خواهد کرد.^۲

۳) اهداف دشمن

۱.۳) مقابله با نظام اسلامی ایران

بیزاری دشمن از نظام مبتنی بر اطاعت از خدا

آنها می‌خواهند نظام اسلامی، نظام دینی، نظام مبتنی بر اطاعت از خدا و رسول وجود نداشته باشد. هر آن چیزی که تضمین‌کننده‌ی اطاعت عمومی این نظام است، برای آنها دشمن محسوب می‌شود؛ علیه‌اش اقدام

۱. در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۶/۱۲/۲۲

میکنند، علیه‌اش فعالیت میکنند، همه‌ی تلاش خودشان را برای زدن آن متمرکز میکنند. این طرف قضیه بایستی تلاش و سعی خودش را بکند، برای اینکه همین ارکان اصلی را، این مبانی و مبادی اصلی را حفظ کند. مسئله‌ی اصلی را نبایستی مغفول‌عنه قرار داد.^۱

اسلام؛ دلیل دشمنی دشمنان

امروز جبهه‌ی استکبار علناً، صریحاً در مقابل اسلام ایستاده است. درست است که جمهوری اسلامی را آماج حملات خودشان از لحاظ سیاسی و تبلیغاتی قرار میدهند، لکن دشمنی آنها با جمهوری اسلامی هم به‌خاطر همین است که جمهوری اسلامی پرچم اسلام را بلند کرده است.^۲



اسم حقوق بشر را می‌آورند، اسم دموکراسی را می‌آورند، اسم انرژی هسته‌ای را در یک برهه‌ای می‌آورند؛ اینها را بهانه‌ی دشمنی قرار میدهند، لکن واقع قضیه چیز دیگری است؛ واقع قضیه این است که اینها میدانند اسلام میتواند امت اسلامی را به یک قدرت عظیم تبدیل کند. با این مخالفند.^۳

مقابله و ضربه‌زدن به اسلام

آنچه که برای استکبار مهم است، «اسلام» است. میخواهند اسلام را بزنند؛ این را همه باید بفهمیم. برای آنها شیعه و سنی فرق نمیکند. هر ملتی، هر جمعیتی، هر شخصیتی که تمسکش به اسلام بیشتر باشد، آنها

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۶/۱۲/۲۲

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۶/۱۲/۲۲

از او احساس خطر میکنند؛ حق هم دارند.^۱

دشمن و قلب تحرک دنیای اسلام

دشمن، امروز سعی‌اش بر این است که این مرکزیت حرکت عظیم اسلامی، این مرکزیت و قلب امت اسلامی، یعنی ملت ایران را - که مایه‌ی تحرک دنیای اسلام شده است - از کار بیندازد. همّت دشمنان، همّت استکبار متوجه این است که این الگوی عملی را از مقابل چشم مسلمانان عالم دور کند. ایران اسلامی یک الگوی عملی است.

نظر دشمن، خواست دشمن، آرزوی پلید دشمن این است که این نمونه را از مقابل چشم ملت‌های اسلامی بردارد؛ حالا یا با تهاجم سیاسی و نظامی و امنیتی و اقتصادی، یا با تهاجم تبلیغاتی و اتهام‌پراکنی.^۲

خواب آشفته و باطل دشمن

هر کسی که به آرمان‌های ملت ایران پایبند است، از نظر آنها دشمن است. آنها میخواهند جمهوری اسلامی نباشد، یک نظام دست‌نشانده‌ی مطیع منقاد در مقابل آنها، مجدداً مثل دوران گذشته، در این کشور پا بگیرد. آنها دنبال این‌اند. این خواب آشفته‌ی باطل آنهاست.^۳

از بین بردن خود اتکایی مردم

هدف دشمن، زمین‌زدن جمهوری اسلامی است؛ یعنی زمین‌زدن ایران اسلامی؛ یعنی زمین‌زدن ملتی که با حضور خود، با پشتیبانی خود، با

۱. در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۱/۱۷

۲. در دیدار عمومی مردم لار، ۱۳۸۷/۲/۱۹

۳. در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین (علیه‌السلام)، ۱۳۸۸/۴/۱۵

حمایت خود، این نظام را تا امروز پیش برده و رشد داده و رونق داده؛ بنابراین بایستی در مقابلش مجهز بود. جبهه‌ی مقابل را باید شناخت، ابزار و سلاح او را باید شناخت و ضد آن سلاح را باید آماده کرد.^۱

تسلیم شدن ایران

امریکا می‌خواهد نظام جمهوری اسلامی دستهایش را بالا کند و اظهار خستگی کند؛ از کاری که کرده است، پشیمان شود و در مجموعه‌ی عوامل و مزدوران و دست‌پروردگان و دنباله‌روان نظام طاغوت قرار بگیرد. نظام استکبار این را می‌خواهد. آنچه امریکا از ملت ایران می‌خواهد، این است که ملت ایران وابستگی را قبول کند، استقلال به‌دست‌آمده‌ی خودش را از دست بدهد و به دست خودش دوباره تسلیم قدرت امریکا شود. آنها از ملت ایران این را توقع دارند و فشارهایی که می‌آورند، برای این است. برای این است که دولتهای جمهوری اسلامی را خسته کنند، ملت را خسته کنند؛ در بین راه، ملت بگویند دیگر بس است، ما خسته شدیم؛ دولتها هم عقب بنشینند، تا امریکا باز همان شیوه‌ای را که در گذشته با این کشور داشته و امروز با بعضی از کشورهای دیگر دارد، دنبال کند. آنها دنبال وابستگی‌اند.^۲

۲.۳) فلج کردن اقتصاد کشور

تلاش دشمن در توقف سازندگی و اقتصاد

دشمنان ملت ایران درصدد آنند که دشمنی خود را از دو راه با ملت ایران به تحقق برسانند، آنچه که امروز در دنیا محسوس است این است:

۱. در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی، ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

۲. در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان و تشکلهای مختلف دانشگاهی در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان، ۱۳۸۷/۸/۸

یکی، ایجاد تفرقه در میان صفوف ملت؛ از بین بردن یکپارچگی ملت ایران؛ و از دست ملت ایران؛ این نیروی عظیم وحدت را ربودن و آنها را به اختلافات داخلی سرگرم کردن و دوّمی، ایجاد مشکلات اقتصادی و تلاش برای توقّف ملت ایران در زمینه‌های گوناگون سازندگی کشور و رفاه عمومی خود. این دو، چیزی است که در نقشه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت دشمنان ما به‌طور محسوس وجود دارد که اگر خود آنها هم بر زبان نیاورده بودند، قابل حدس بود؛ ولی دشمنان ما خودشان هم به هر دو نکته اعتراف کردند.^۱

تکیه‌ی دشمن بر اقتصاد

همه‌ی شواهد نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن امروز بر روی چند نقطه تکیه‌ی اساسی دارد. از واضح‌ترین‌هایش یکی مسئله‌ی اقتصاد است. اینکه ما امسال گفتیم «سال جهاد اقتصادی»، ناظر به این بخش قضیه است. به زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصاد، عقب‌راندن و پس‌راندن کشور در زمینه‌ی اقتصاد، که منتهی بشود به فلج پایه‌های اقتصادی، منتهی بشود به نومیدی مردم، یکی از کارهای اساسی است. خوب، این چیز واضحی است؛ خودشان هم این را دارند بیان میکنند و میگویند. این، هم برای مجلس، هم برای دولت، هم برای یکایک مسئولانی که در بخشهای مختلف مشغول تلاش هستند، خطّ روشنی را ترسیم میکند که چه باید کرد.^۳

۱. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۸۶/۱/۱

۲. سال ۱۳۹۰ خورشیدی

۳. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸

۳.۳) از بین بردن اعتماد و ایجاد بدبینی

اهتمام جوانان به اعتلای عزت و اعتماد به نفس

جوانان ما، اعتماد به نفس خودشان را از دست ندهند. جوانان عزیز! جوانان عزیز ملت ایران! شما میتوانید؛ میتوانید کارهای بزرگ بکنید، میتوانید کشور خود را به اوج اعتلا و عزت برسانید. اعتماد به نفس، اعتماد به مسئولین کشور، اعتماد به دولت، همان چیزی است که دشمنان میخواهند نباشد.^۱

اعتماد به نفس؛ عنصر زنده‌کننده و پیش‌برنده

همه‌ی سعی دشمنان ما این است که این عناصر زنده‌کننده و پیش‌برنده را از جوانهای ما بگیرند؛ ایمانش را بگیرند، اعتماد به نفسش را بگیرند؛ کما اینکه در دوره‌ی طاغوت موفق شده بودند.^۲



دشمن هم اتفاقاً همین نقطه‌ی اساسی، نقطه‌ی ایمان را بمباران میکند. الان در بین جامعه‌ی ما یک مجموعه‌ی بی افتخار می‌کنند و با حماسه، از ایمان خودشان یاد می‌کنند. این، خیلی باارزش است. این، بسیج است. همه‌ی ابزارهای فرهنگی و تبلیغی در طول صدسال یا بیشتر به کار گرفته شد، تا این ملت را به خودشان بدبین کنند.^۳

۴) راهبردهای دشمن

۱.۴) تمرکز بر جنگ اقتصادی

جهاد اقتصادی متوجه یک نکته‌ی اساسی است، در مسئله‌ی اداری

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱

۲. در دیدار اعضای انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور، ۱۳۸۶/۲/۱۹

۳. در دیدار بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج، ۱۳۸۴/۹/۷

کشور و مدیریت کشور؛ و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه‌ی با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسئله‌ی اقتصاد متمرکز شده است؛ نه اینکه عرصه‌های دیگر را فراموش کردند؛ نه، در زمینه‌ی فرهنگ و در زمینه‌ی امنیت و در زمینه‌ی سیاست و در همه‌ی زمینه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی آنچه از دستشان برمی‌آید، میکنند - حالا شکست میخورند، مطلب دیگری است؛ اما آنها تلاش خودشان را میکنند - لیکن تمرکز عمده‌ی آنها بر روی مسائل اقتصادی است. برای اینکه مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این هستند که در مسئله‌ی اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند. پس جهاد اقتصادی لازم است.^۱

۲.۴) تمرکز تمام دشمنان بر مقابله با ایران

من هر چه نگاه میکنم، می‌بینم هیچ کشوری از این کشورهایی که در زمینه‌های مختلف چنین پیشرفتهایی پیدا کرده‌اند، مثل کشور ما نیست! ما مظلومانه، تنها و در بین این همه دشمنیها - در حالی که هم شرق کمونیستی و هم غرب سرمایه‌داری با ما به جدّ دشمن بودند؛ اروپا هم که مایل بود یک نقش مثلاً میانه‌ای ایفا کند، هیچ‌گونه کمکی به ما نکرد، بلکه ضربه هم زد - این جوانهای باهوش و زیرک و احیاناً بسیار زبل از میان ملت ما، توانستند این نهالها را رشد بدهند و به ثمر برسانند.^۲



امروز دستگاه‌های استکبار، دستگاه‌های ظلم، دستگاه‌های ضدّ بشر، دستگاه‌هایی که در دنیا پیش ملت‌ها رسوا شدند، همه در مقابل جمهوری اسلامی صف بسته‌اند، بلکه بتوانند به این نماد عظمت و شرف اسلامی

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷

۲. در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی با رهبر انقلاب، ۱۳۸۷/۶/۵

انسانی ضربه‌ای بزنند؛ نگذارند الهام‌بخش به دیگران باشد.^۱

سیاست‌های همه‌جانبه‌ی دشمنان علیه ایران

قدرت‌های اقتصادی اول دنیا، قدرت‌های علمی درجه‌ی یک دنیا، قدرت‌های نظامی و امنیتی ردیف اول دنیا، امروز یک جبهه‌ی وسیعی را در مقابل این ملت تشکیل دادند. این‌جور نیست؟ هر کاری هم از دستشان برمی‌آید، دارند میکنند. تهدید امنیتی میکنند، تهدید اجتماعی میکنند، تهدید سیاسی میکنند، دانشمند ما را ترور میکنند، تحریم میکنند، فشارهای سیاسی فراوان وارد میکنند، دائم تهدید به تحرک نظامی میکنند، در داخل تا هر جا دستشان برسد، فتنه‌انگیزی و آشوب‌آفرینی میکنند.^۲

(۵) برنامه‌ها

(۱.۵) برنامه‌های کلّی

من برنامه‌های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه میکنم: اول جنگ روانی؛ دوم جنگ اقتصادی؛ و سوم مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی.^۳

ابزارهای گوناگون دشمن

اگر دشمن بخواهد برای تحقق آرزوی بزرگ خود - که ریشه‌کنی جمهوری اسلامی و پایین‌آوردن پرچم اسلام از قلّه‌ی این کشور است - طراحی کند، طبیعتاً طراحی، اجزا و مقدماتی دارد. ایجاد اختلاف، ایجاد

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷

۲. در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۶/۲

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱

بی ایمانی، ایجاد مشکلات برای مردم، عمیق کردن فاصله‌ی طبقاتی، ترویج فساد، بدبین کردن مردم به مسئولان و دستگاه‌های ضابط و انضباط بخش را از حیثیت‌انداختن - مثل از حیثیت‌انداختن قوه‌ی قضائیه، از حیثیت‌انداختن شورای نگهبان، از حیثیت‌انداختن مجلس، از حیثیت‌انداختن دستگاه‌های گوناگون - همه جزو اجزای اینهاست.^۱

نگاه مادی و مبتنی بر ضرر و فایده

دشمن از همه‌ی وسایل ممکن برای مواجهه‌ی با این ملت استفاده کرده است و در مانده است. شما ببینید در این سی سال چه کار می‌توانستند بکنند که نکردند. هر کاری نکردند، به خاطر این بوده است که در حساب زیان و سود، در حساب فایده و ضرر وقتی محاسبه کردند، دیده‌اند فایده ندارد، برایشان ضرر بیشتری دارد. اگر کاری نکردند، به خاطر این است که محاسبه کرده‌اند، دیده‌اند برایشان مضر است، اگر این کار را انجام دهند. و آلا هر کاری که توانستند و برایشان مضر نبوده، انجام داده‌اند.^۲

برنامه‌های دشمن

من یک اشاره‌ی گذرایی بکنم به آنچه که دشمن انجام می‌دهد. برنامه‌هایش اینهاست: فشار اقتصادی، تهدید نظامی، جنگ روانی برای اثرگذاری بر روی افکار عمومی؛ هم در داخل کشور، هم در سطح بین‌المللی؛ اینها کارهایی است که دارند می‌کنند. ایجاد اختلال سیاسی و خرابکاری در داخل. حالا تحریم‌های یک‌جانبه هم هست، قطعنامه

۱. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴/۳/۸

۲. در دیدار مردم شهرستان کازرون، ۱۳۸۷/۲/۱۶

هست، تهدید نظامی هم هست، اما مذاکره هم مطرح میشود.^۱

راه‌های دشمنی دشمنان

ایجاد شکاف در میان ملت، به جان هم انداختن آحاد ملت، فاصله ایجاد کردن بین توده‌ی عظیم مردمی کشور با مسئولین، ایجاد سوءظن، ایجاد بگومگو بر سر قضایای هیچ و پوچ، یکی از مهم‌ترین اقلام دشمنی دشمنان با انقلاب اسلامی این است؛ باید مراقب بود.



یکی از راه‌های دیگر هم عبارت است از گستردن دستگاه فساد اخلاقی در جامعه. همه، بخصوص جوانها، خیلی مراقب باشند. فساد اخلاقی، انحطاط اخلاقی، متأسفانه به‌عنوان یک ابزار در خدمت هدفهای سیاسی استکبار است.^۲

هدفهای دیگر دشمن

دشمن به آن نقاطی متوجه میشود که پشتوانه‌ی استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار میدهد. دشمن روحیه‌ی صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار میدهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناک‌تر است.^۳

۲.۵) جنگ روانی

جنگ روانی یعنی چه؟ هدف جنگ روانی، مرعوب کردن است. کی را میخواهند مرعوب کنند؟ ملت که مرعوب نمیشود؛ توده‌ی عظیم مردم

۱. در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷

۲. در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان، ۱۳۸۹/۸/۲۶

۳. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۲

که مرعوب نمیشوند. چه کسی را میخواهند مرعوب کنند؟ مسئولان را، شخصیت‌های سیاسی را، به قول معروف خود ما نخبگان را؛ اینها را میخواهند مرعوب کنند. کسانی که قابل تطمیعند، آنها را میخواهند تطمیع کنند.^۱

تبدیل نقطه‌ی قوت به ضعف

در جنگ نظامی، دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند میکنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند میکنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم.^۲

القای بن بست؛ خط‌کاری دشمن

وقتی یأس وارد جامعه شد، جامعه از پویایی خواهد افتاد؛ افراد مبتکر، افراد نخبه، افراد جوان و پُرنشاط منزوی میشوند، کناره‌گیری میکنند، دست و دلشان به کار نمی‌رود، مشارکتها کم میشود، پویایی جامعه از دست میرود. یکی از خطوط کاری دشمن است؛ مرتباً القای بن بست

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲

کردن. شما اگر ببینید این تبلیغات رادیوها را - حالا امروز رادیوها دیگر نیست. یک وقتی میگفتیم دهها رادیو، امروز مسئله‌ی هزارهاست؛ رادیو هست، تلویزیون هست، این وسایل اینترنتی هست - به طور دائم از مراکز مشخصی، مرتباً القای بن بست، القای بحران، القای سیاه‌بودن وضعیّت میشود؛ هر مقداری که بگیرد، هر مقداری که مستمع و شنونده پیدا بکند و باورپذیر باشد برای آنها؛ دارند در این زمینه کار میکنند. این یکی از خطوط کاری دشمن است.^۱

غبارآلودکردن فضا

هدف از این تبلیغات وسیعی که شما ملاحظه میکنید - چقدر ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی، امروز در خدمت سیاستهای مستکبرین است - عمدتاً غبارآلودکردن و ابری کردن فضاست، تا ملت‌ها نتوانند همین آگاهی را، همین بصیرت را به دست بیاورند، یا نتوانند حفظ کنند.^۲

شفّاف‌سازی؛ دشمن دشمن

شفّاف‌سازی، دشمن دشمن است؛ مانع دشمن است. غبارآلودگی، کمک دشمن است. این، خودش شد یک شاخص. این یک شاخص است: کی به شفّاف‌سازی کمک میکند و کی به غبارآلودگی کمک میکند. همه این را در نظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند.^۳

دگرگون‌نمودن واقعیت

امروز یکی از خطوط اصلی کار دشمن - که از عناصر مهمّ جنگ نرم

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲

۲. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸

۳. در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹

به حساب می‌آید - این است که واقعیات را دگرگون جلوه دهد، حوادث گوناگون را دگرگون جلوه دهد.^۱

تهدید نظامی

هر کاری که توانستند و برایشان مضر نبوده، انجام داده‌اند؛ محاصره‌ی اقتصادی کرده‌اند، حمله‌ی نظامی کرده‌اند، کودتای نظامی در داخل راه انداخته‌اند، در بین جمعیت کشور افراد ضعیف‌النفسی را گوشه و کنار پیدا کرده‌اند، با خودشان همراه کرده‌اند، تبلیغات با زبان آنها، با نفس آنها علیه انقلاب انجام داده‌اند، حتی با کمونیستها در این مملکت ساخته‌اند.^۲

از بین بردن امنیت

دشمن می‌خواهد جامعه آرام نباشد. امنیت، مهم است. دشمنان امنیت مردم دوست دارند که مردم در ناامنی زندگی کنند، ناراحت بشوند، کلافه بشوند، عصبانی بشوند؛ ما این را نمی‌خواهیم.^۳

چون دشمن میدانند که شرط سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت، امنیت است و نمی‌خواهند سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت در این منطقه انجام بگیرد؛ لذا سعی خواهند کرد با امنیت مقابله کنند. سعی میکنند امنیت را به هم بزنند. البته این را هم با اطمینان کامل به شما بگویم که نیروهای مؤمن و وفادار جمهوری اسلامی به کمک همین مردم و همین جوانها با عوامل ناامنی بشدت برخورد خواهند کرد و هرگونه مجال ناامنی را به لطف الهی از آنها خواهند گرفت.^۴

۱. در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲

۲. در دیدار مردم شهرستان کازرون، ۱۳۸۷/۲/۱۶

۳. در دیدار با جمعی از طلب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲

۴. در دیدار مردم مریوان، ۱۳۸۸/۲/۲۶

جنگ نرم؛ آخرین روش دشمن

دشمن آن وقتی که در میدان، در صحنه‌ی عمل نتواند کاری از پیش ببرد، دست به جنگ روانی میزند؛ برای مأیوس کردن، برای ناامید کردن، برای خالی کردن دل ملت‌ها. با جنگ روانی و با تهدید سعی میکنند ملت‌های مقابلشان میدان را خالی کنند. این معنایش این است که در میدان عملی، قدرت مقاومت در مقابل این ملت را نداشته‌اند.

جنگ سرد و جنگ روانی

امروز جنگ سرد و جنگ روانی را با شکل‌های مختلفی انجام میدهند. میخواهند به ملت ایران و به جوان ایرانی بیاورانند که شما نمیتوانید بدون ارتباط و اتصال با قدرتهای سلطه‌گر به جایی برسید. این خطر بزرگی است که امام به آن توجه داده‌اند.^۱

دو رویی و ریاکاری

صریحاً نمیگویند ما دشمن هستیم. دشمنی میکنند، اما ریاکارانه. دشمنان جهانی و بین المللی ما که در امریکا و بعضی از مراکز دیگر دنیا هستند و دولتها را تحریک میکنند، ترفندشان از اول انقلاب تا امروز این طوری بوده است.^۲

۳.۵) ایجاد تفرقه

امروز یکی از نقاطی که دشمن ما بر روی آن سرمایه گذاری میکند، مسئله‌ی اختلافات است. اختلاف بین این مذاق سیاسی، با آن مذاق

۱. در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷/۳/۱۴

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

سیاسی؛ اختلاف بین این استان با آن استان؛ اختلاف بین این سلیقه با آن سلیقه؛ اختلاف بین این مذهب با آن مذهب.^۱

سرگرم کردن به اختلافات؛ نقشه‌ی دشمن

با نگاه به حوادث و مسائل جهانی به‌روشنی درمی‌یابیم که دشمنان ملت ایران درصدد آنند که دشمنی خود را از دو راه با ملت ایران به تحقق برسانند؛ یکی، ایجاد تفرقه در میان صفوف ملت؛ از بین بردن یکپارچگی ملت ایران؛ و از دست ملت ایران، این نیروی عظیم، وحدت را ربودن و آنها را به اختلافات داخلی سرگرم کردن.

دشمنان با تبلیغات خود، با جنگ روانی خود، با تلاشهای موزیانه‌ی گوناگون خود سعی میکنند بین صفوف ملت ایران اختلاف بیندازند؛ به بهانه‌ی قومیت، به بهانه‌ی مذهب، به بهانه‌ی گرایشهای صنفی، وحدت کلمه‌ی ملت را از بین ببرند؛ علاوه بر این، در سطح دنیای اسلام هم یک تلاش وسیع عمیقی از سوی دشمن محسوس است برای اینکه میان ملت ایران و جوامع گوناگون مسلمان دیگر فاصله بیندازند؛ اختلاف مذهبی را بزرگ کنند؛ جنگ شیعه و سنی را در هر نقطه‌ای از دنیا که ممکن باشد، به‌وجود بیاورند و عظمت و ابهت ملت ایران را در میان ملتهای دیگر - که روزبه‌روز بحمدالله تا امروز بیشتر شده - از بین ببرند.^۲

اهمیت ویژه‌ی اتحاد

یکی از خطوط کاری اصلی دشمن، همین مسئله‌ی تفرقه است که شما آقایان بر روی او بحق تکیه کردید، در گزارش هم بیان فرمودند، در

۱. در دیدار مردم شهرستان کازرون، ۱۳۸۷/۲/۱۶

۲. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۸۶/۱/۱

بیانیه‌ی پایانی خبرگان هم به این مسئله‌ی اتحاد توجه شده؛ بسیار مسئله‌ی مهمی است. مسئله‌ی اتحاد ملت و کاری که برای ایجاد تفرقه دارد انجام میگیرد، بسیار مسئله‌ی مهمی است. ما نشانه‌های وحدت عمومی مردم را داریم می‌بینیم.^۱

هدف دشمن؛ اختلاف تا حدّ برادرکشی

امروز دشمنان ملت ایران که هدفشان این بود که کشور را به تلاطم و آشوب دچار کنند و برادرکشی به راه بیندازند؛ هدفشان این بود که در بین مسئولان جنگ و اختلاف ایجاد کنند، به بن‌بست رسیده‌اند.^۲

۴.۵ فشار اقتصادی و تحریمها

فشار اقتصادی؛ مهم‌ترین برنامه‌ی دشمن در زمان حاضر

از جمله‌ی آنچه که بنده در اوّل امسال خطاب به ملت ایران و مسئولین کشور بیان کردم، همین مسئله‌ی تکیه بر گسترش فضای فعالیت اقتصادی است. چرا؟ چون بخصوص دشمن روی این نقطه تکیه کرده است و تکیه میکند. دشمن انقلاب اسلامی، در طول این سالهای متمادی - قریب سی سال - از همه‌ی راههای ممکن برای شکستن عزم و اراده‌ی ملت ایران پیش آمده و وارد عمل شده؛ از توطئه‌ی سیاسی، از کودتای نظامی، از تحمیل جنگ هشت‌ساله، از تبلیغات زهرآلودی که به‌طور شبانه روز - متصل - از بلندگوهای صهیونیستی و استکباری علیه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی پخش میشود. همه‌ی کارها را کرده‌اند؛ به این نتیجه رسیده‌اند که بلکه بتوانند ملت ایران را در یک

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲

۲. در صحن جامع رضوی مشهد مقدّس، ۱۳۸۳/۱/۲

توطئه‌ی اقتصادی گرفتار کنند.^۱

چشم دشمن به اختلال اقتصادی

درباره‌ی مسائل اقتصادی، من هم اوّل امسال و هم اوّل سال گذشته - هم به مسئولین، هم به مردم - تذکر دادم و گفتم: امروز دشمن چشمش به نقطه‌ی حسّاس اقتصادی است تا بلکه بتواند این کشور را از لحاظ اقتصادی دچار اختلال کنند. هرچه می‌توانند اختلال ایجاد کنند و هرچه هم نمیتوانند، در تبلیغاتشان وانمود کنند که اختلال هست! این کاری است که امروز در تبلیغات دشمنان ما، با قدرت و به شکلهای مختلف انجام میگیرد.^۲

۵.۵) منحرف کردن انقلاب اسلامی

دشمن انقلاب، دشمن امام بیکار نمی‌نشیند؛ سعی میکند این انقلاب را از پا در بیاورد. چه جور؟ با منحرف کردن راه انقلاب؛ بنابراین لازم است ما شاخص داشته باشیم. راه مقابله هم انضباط مالی و صرفه‌جویی و نگاه پرهیزگرانه‌ی به مصرفگرایی است.^۳

۵.۶) تحریم

امروز هم سی سال است که تحریم کرده‌اند، تهدید کرده‌اند، حمله‌ی نظامی کرده‌اند، خبثت کرده‌اند، شبکه‌های تنیده‌ی سیاسی و امنیتی را به جان او انداخته‌اند؛ این ملت هم همین‌طور روزبه‌روز به‌صورت مضاعف

۱. در دیدار هزاران نفر از مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی، ۱۳۸۷/۲/۱۵

۲. در دیدار با مردم شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۱

۳. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹/۳/۱۴

رشد کرده، پیش رفته؛ نه فقط عقب نرفته، متوقف هم نشده؛ حتی به طور متعارف هم رشد نکرده، بیش از متعارف رشد کرده.^۱

هدف از تحریم

در برهه‌ی کنونی، زمان مسئله‌ی تحریمها و فشارها گفتند که میخواهیم برای ملت ایران تحریم فلج‌کننده تنظیم کنیم؛ تنظیم هم کردند. دو سه روز قبل از بیست و دوی بهمن، یک مرحله‌ی جدید تحریمها را وارد معادلات کردند؛ چند ماه قبل هم - در مرداد همین سال - باز مجدداً همین کار را انجام دادند. یعنی در ایام بیست و دوی بهمن امسال به خیال خودشان فشارها را بر مردم افزایش دادند. به امید چه؟ به امید سست کردن مردم. جواب چه بود؟ جواب ملت ایران این بود که امسال راهپیمایی بیست و دوی بهمن از سالهای قبل پرشورتر است.

تحریمها با مذاکره برداشته نخواهد شد؛ این را من به شما عرض بکنم. هدف تحریمها چیز دیگری است. هدف تحریمها خسته کردن ملت ایران است، جدا کردن ملت ایران از نظام اسلامی است. مذاکره هم که انجام بگیرد، اگر ملت ایران باز در صحنه باقی باشد و بر حقوق خود اصرار بورزد، این تحریمها وجود خواهد داشت.

ناکارآمدی اسلحه‌ی اقتصادی دشمنان؛ علت تحریم

ملتی با عزم راسخ، با بصیرت، با ایمان، میدانند چه میخواهد، راه را هم بلد است، سختی‌ها را هم با شجاعت تمام تحمل میکند؛ در مقابل این ملت، اسلحه‌های گوناگون سیاسی و نظامی و امنیتی و اقتصادی کُند

۱. در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه‌ی کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری (سلام‌الله علیها)، ۱۳۸۹/۲/۱

است؛ لذا دشمن در حال انفعال است. دشمنان چون در حال انفعالند، حرکات غیرمنطقی میکنند.^۱

دورزدن تحریمها

دوستان درست گفتند که ما تحریمها را دور میزنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریمها را دور میزنند، تحریمکنندگان را ناکام میکنند؛ مثل موارد دیگری که در سالهای گذشته در زمینه‌های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوانها نمیدانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین جور است. البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است در تحریمیم. همه‌ی این کارهایی که شده است، همه‌ی این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمیتواند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه‌ی مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پُررونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند.^۲

۷.۵ سرمایه‌گذاری بر خواصّ جامعه

دشمن انواع و اقسام کار را میکند؛ انواع و اقسام فعالیت را میکند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص

۱. در دیدار مردم آذربایجان، ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

۲. در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶

است؛ آماج دشمن، خواص است. می نشینند طراچی میکنند تا ذهن خواص را عوض کنند.^۱

۸.۵) منحرف کردن اذهان مردم از دشمنی دشمن

منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارسایی های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. **مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ**^۲ دشمن هم اگر ضربه ای به ما زد و این ضربه ی کاری شد، **أَيْنَ هُمْ مِّنْ نَّفْسِكَ** است؛ در این شکئی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمانها از خودشان ضربه خوردند؛ در این که بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که میخواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند.^۳

۹.۵) مصرف گرایی^۴

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲

۲. سوره ی نساء، آیه ی ۷۹؛ هر چه از خوبیها به تو میرسد از جانب خداست؛ و آنچه از بدی به تو میرسد از خود توست.

۳. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲

۴. به این موضوع در ذیل بخش ۲، فصل ۳ بطور مفصل پرداخته شده است.

۶) رهیافتهای مقابله با دشمن

تقویت حسن ظن به خدای متعال

حسن ظن به خدای متعال و به وعده‌ی الهی را باید در مردم تقویت کنید. خود ما هم بایستی به خدای متعال حسن ظن داشته باشیم. خدای متعال اصدق القائلین است؛ او به ما میگوید: **لَيَصْرُنَّ اللَّهُ مَنْ يَصْرُهُ**^۱ او به ما میفرماید که: **مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ**^۲ او میگوید که: از دشمن نهراسید؛ **إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا**^۳. او به ما این را تلقین میکند؛ بیان میکند.^۴

دل هر مؤمن؛ یک سنگر

سنگرها سنگرهای درون خیابان نیست، این سنگر دلهاست؛ هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است؛ به عدد هر مؤمنی، هر انسان بانگیزه‌ی با شرفی، یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد. اگر یک ملت وقتی به دنبال یک هدفی حرکت میکند، نداند سر راه او چه خطراتی است، چه کمین‌کرده‌هایی هستند، چه باید کرد در مقابل اینها، خود را رها کند، قید و بندهای خود را رها کند، بی خیال باشد، ضربه خواهد خورد.^۵

قدرتمندشدن برای دفاع از عقاید

این را هم فهمیده‌ایم که اگر بخواهیم مسلمان زندگی کنیم، باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از خودمان و از هدفمان و از عقایدمان در مقابل دشمن دفاع کنیم. باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از حقوق کشورمان، از

۱. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰؛ قطعاً، خداوند کسانی را که او را یاری نمایند، یاری خواهد کرد.

۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۷۹، ص ۱۹۷؛ هر کس با خداوند باشد، خداوند با اوست.

۳. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶؛ قطعاً نیرنگ شیطان، در نهایت ضعف است.

۴. در دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه‌ی همایش غزه،

۱۳۸۸/۱۲/۸

۵. در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه‌ی ۶ بهمن، ۱۳۸۸/۱۱/۶

حقوق ملتیمان - به عنوان یک ملت - از حقوق خودمان دفاع کنیم؛ ما دنبال این هستیم.^۱

درک صحیح از مبانی دینی

درک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی، یعنی کبریات و صغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ و آلا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جو، ترس از فضا؛ اگر این حرف را بزنیم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بزنیم، فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترسها فهم انسان را هم مختل میکند. گاهی انسان به خاطر این ترسها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمیفهمد؛ نمیتواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد؛ لذا **وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ**^۲ خیلی مهم است.^۳

وجود ایمان عمیق

از دل انواع و اقسام تحریمهایی که سالهای متمادی است بر کشور ما تحمیل کرده اند، ناگهان «ماهواره‌ی امید» بیرون می‌آید و به فضا پرتاب میشود. از دل همه‌ی سختگیریهایی که انجام دادند، ناگهان توانایی غنی کردن اورانیوم - که یک کار محدود و محصور است و در بست، ملک طلقِ قدرتهای بزرگ است و بدون اجازه‌ی آنها هیچ‌جا نباید برود - در این کشور رشد میکند و جان میگیرد و خودش را نشان میدهد. این

۱. در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه‌ی ۶ بهمن، ۱۳۸۸/۱۱/۶

۲. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۹؛ از هیچ‌کس غیر خدا، نمیترسند.

۳. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲

نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن نتوانسته، تحریم هم اثر ندارد، تهدید او هم اثر ندارد. چرا؟ چون این ملت عزم راسخ خود را که متکی به آن ایمان عمیق است، حفظ کرده است و حرکت می‌کند و پیش می‌رود؛ و نمیتوانند.^۱

دنبال کردن جدی شعارها

جمهوری اسلامی آن وقتی واقعاً جمهوری اسلامی است که با همان مبانی مستحکم امام، همان چیزهایی که در دوران حیات مبارک امام مطرح بود، شعار بود، بجد دنبال میشد، با همان شعارها پیش برود. هر جا ما با آن شعارها پیش رفتیم - من با بصیرت عرض میکنم، بنده اوضاع این سی سال را از نزدیک آزمایش کردم - پیشرفت با ما بوده است، پیروزی با ما بوده است، عزت با ما بوده است، منفعت دنیایی هم با ما بوده است؛ هر جا از آن شعارها عقب نشینی کردیم و کوتاه آمدیم، به دشمن میدان دادیم، ضعف پیدا کردیم، عقبگرد پیدا کردیم، عزت به دست نیامده است، دشمن جری تر شده است، پیشتر آمده است؛ از لحاظ مادی هم ضرر کردیم. این خطاست که بعضی خیال کنند علاج مشکلات کشور - چه مشکلات اقتصادی، چه مشکلات اجتماعی، چه مشکلات سیاسی - این است که انسان در مقابل دشمن مستکبر سلاح را بیندازد؛ دشمن مستکبر همین را میخواهد.^۲

هوشیاری؛ نیاز اساسی امروز

امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبدا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبدا

۱. در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰

دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبادا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه‌ی جناحهاست.^۱

ضعف نشان ندادن به دشمن

زمانی که ما ضعف نشان دادیم و کوتاهی کردیم، دشمن به همان اندازه پیشروی کرد. امروز جابه‌جای دنیای اسلام دچار مصیبت است. فلسطین دچار مصیبت است، عراق دچار مصیبت است، افغانستان دچار مصیبت است؛ بسیاری از کشورهای اسلامی از سوی همین جهانخواران و مستکبران در معرض تهدیدند. ما با تمسک به اسلام میتوانیم بر این ضعفها فائق بیاییم؛ میتوانیم در مقابل دشمن بایستیم.^۲

شناخت مصائب مبارزه با دشمن

اگر یک ملت وقتی به دنبال یک هدفی حرکت میکند، نداند سر راه او چه خطراتی است، چه کمین‌کرده‌هایی هستند، چه باید کرد در مقابل اینها، خود را رها کند، قید و بندهای خود را رها کند، بی‌خیال باشد، ضربه خواهد خورد. همه‌ی ملت‌هایی که در جهت یک هدف بزرگی حرکت کردند و وسط راه ضربه خوردند و گاهی آنچنان افتادند که دیگر قرن‌ها بلند نشدند، مشکلشان از همین جا آغاز شد: ندانستند چه در انتظار آنهاست و خود را برای مواجهه‌ی با آن آماده نکردند. درسهای گذشته این کمک را به ما میکند که راهمان را بفهمیم، بشناسیم، کمینها را بشناسیم، کمین‌کرده‌ها را بشناسیم.^۳

۱. در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین (علیه‌السلام)، ۱۳۸۸/۴/۱۵

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت مبعث فرخنده‌ی پیامبر مکرم اسلام، ۱۳۸۳/۶/۲۳

۳. در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه‌ی ۶ بهمن، ۱۳۸۸/۱۱/۶

فصل چهارم لزوم برنامه‌ریزی بلندمدت

برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با دشمن

اگر قبول داریم که جبهه‌ی دشمن برای کشور ما و انقلاب ما برنامه‌ریزی بلندمدت دارد، پس ما هم باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. نمیشود قبول کرد که جبهه‌ی دشمنان اسلام و انقلاب که بشدت از ناحیه‌ی بیداری اسلامی تهدید میشوند، برنامه‌ریزی بلندمدت نداشته باشند؛ این را هیچ‌کس نمیتواند باور کند، مگر خیلی ساده‌لوح باشیم، غافل باشیم که این را باور کنیم.^۱

(۱) سند چشم‌انداز بیست‌ساله

ثبات در برنامه‌ریزی؛ شرط موفقیت

در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها، سند چشم‌انداز در نظر باشد و این را در همه‌ی سطوح ملاحظه کنند. ثبات در برنامه‌ریزی، شرط موفقیت است. اگر ثبات در برنامه‌ریزی و استمرار در جهت درست نباشد - که البته این حرکت در طول راه تصحیح هم خواهد شد، لکن جهتگیری یکی است و استمرار دارد - سازندگی و پیشرفت کشور به نتیجه نخواهد رسید. بیست‌سال را در نظر بگیرید. هر سال ما یک برنامه داریم - برنامه‌ی یک ساله که با بودجه به مجلس داده میشود - که اگر بنا باشد جهتگیری منظم نباشد، امکان دارد تناقض در این برنامه‌ها، اصلاً کارهایی را هم که انجام میگیرد، خنثی کند. ما برنامه‌های پنج‌ساله درست کرده‌ایم - در همه‌ی دنیا معمول است - اما اگر برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی امروز در جهت مقابل برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دیروز یا در جهت مقابل برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی

۱. در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴

فردا باشد، این کارها همدیگر را از بین خواهد برد و اصلاح هرگز صورت نخواهد گرفت؛ چون فعالیتها همدیگر را خنثی میکنند و نتیجه، ضایع شدن سرمایه‌های ملی است. ما برای اینکه این اتفاق نیفتد، برنامه‌ی بلندمدت کلی عام را به عنوان سند چشم‌انداز تهیه کردیم. این، برنامه‌ی کلی بیست‌ساله است. برنامه‌ها زیر این سقف باید شکل بگیرند؛ برنامه‌های پنج‌ساله در این جهت باید حرکت کنند. هر دولتی سر کار می‌آید، این جهت را حفظ کند؛ آن وقت برنامه‌ها میشوند مکمل هم. البته دولتها همه یک جور نیستند؛ بعضی‌ها کند کار میکنند، بعضی‌ها تند کار میکنند، بعضی‌ها همه‌ی نیرویشان را به صحنه می‌آورند، بعضی‌ها آن جور نیستند، بعضی ممکن است اشتباهات بکنند، بعضی نکنند؛ اینها همه‌اش قابل اصلاح است؛ ولی جهتگیری باید یکی باشد؛ بنابراین در همه‌ی برنامه‌ریزیها این را هم ملاحظه کنید.^۱

اهتمام هر دولت در تحقق سند چشم‌انداز

چشم‌انداز روشنی تعیین شده است، این سند با ارزشی است. دولتهایی که پشت سر یکدیگر با انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، میتوانند بر اساس این سند چشم‌انداز، اهداف را مشخص کنند؛ هر کدام بخشی از راه را بروند و دنباله‌ی کار را به دولت بعدی بسپارند. وجود سند چشم‌انداز، یکی از امکانات با ارزش نظام جمهوری اسلامی است.^۲

عدم تغییر در سیاستهای کلی

فعالیتهای کاری ما با ابتکارها و دیدگاه‌های نو و نیروهای پرنشاط و نوبه نو تغییر پیدا کند، لیکن سیاستهای کلی مان نباید دچار التهاب و

۱. در دیدار رییس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۴/۹

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱

اغتشاش شود؛ یعنی خط سیاسی مستمری که در سند چشم انداز دیده شده، بایستی ادامه پیدا کند.^۱

اهتمام در ارائه‌ی برنامه و تدبیر صحیح برای تحقق سند چشم‌انداز

یکی از مواردی که به نظر ما باید در جهتگیری‌های کلی دولت مورد توجه قرار بگیرد، مسئله‌ی سند چشم‌انداز است. این سند چشم‌انداز یک کار اساسی بود که در کشور انجام گرفت؛ بررسی شد، مطالعه شد، جوانبش سنجیده شد. آنچه که در این سند هم آمده، شعار نیست. با توجه به امکانات و واقعیات، این سند تنظیم شده. این سند در واقع نقشه‌ی راه بیست‌ساله‌ی ماست. خوب، از این بیست‌سال، پنج‌سالش گذشت. یک وقت می‌بینیم این بیست‌سال با یک چشم به‌هم‌زدنی تمام شد. باید ببینیم چقدر جلو رفتیم. یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، همین است؛ باید ببینیم چقدر ما توانستیم از این نقشه را به‌سمت آن هدفها طی کنیم. ولاً اگر چنانچه این توجه و این ذکر را نداشته باشیم، یک‌وقت چشم باز میکنیم، میبینیم فرضاً ده سال یا دوازده سال از این زمان گذشت، ما هنوز آن راهی را که باید در این مدت طی کنیم، طی نکردیم؛ در بقیه‌ی این مدت هم طی کردن آن راه امکان ندارد؛ بنابراین بایستی یک تقسیم‌بندی صحیحی انجام بگیرد بین تلاشها و فعالیتهایی که باید بشود و بین این مسیری که ما تا آن اهداف داریم تا در هر برهه‌ای از زمان، به تناسب امکان آن برهه، پیشرفت کرده باشیم. به نظر من بایستی این را یک‌جا بررسی کرد.^۲

۱. در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

حرکت دولت در راستای اهداف سند چشم‌انداز

دولت محترم و خدمتگزار با برنامه‌ریزی صحیح، به همان کیفیتی که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله تصویب شده و سیاستهایی که اعلام شده است - که جهت این سیاستها هم عدالت، رفاه عمومی و توسعه‌ی علمی و فنی و همه‌جانبه و عدالت‌محور است - در این جهت حرکت کند. دستیابی به این اهداف والا، دور از دسترس نیست.^۱

لزوم استخراج پروژه‌های تحقیقی و علمی از سند چشم‌انداز

این سند، یک سند کارشناسی شده است. هرکس از کارشناسان اقتصادی وابسته‌ی به بخشهای مختلف راجع به این سند اظهارنظر کرده، ستایش‌آمیز اظهارنظر کرده است. در خارج هم ما بازتابش را در مذاکرات سیاسی، در اسناد سیاسی و در انطباعاتی سیاسی در ذهن مخاطبان، یافته‌ایم. جا دارد روی این سند کار کنید. در این سند، بخشهایی مربوط به دانشگاه‌هاست - فصولی که آقای دکتر توفیقی هم اشاره کردند - جا دارد روی بخشهای مختلف این سند تحقیق شود؛ پروژه‌های تحقیقی و علمی از این سند استخراج شود؛ بعد با پیشرفت کار در ظرف یک‌سال، دو سال، مقایسه شود. بالاخره بیست‌سال را که با یک قدم نمیشود برداشت؛ حرکت بیست‌ساله را در بیست‌سال میشود انجام داد؛ البته اگر خوب انجام بگیرد؛ بنابراین بعد از یک سال یا دو سال باید معلوم شود که ما در این بخش پیش رفته‌ایم یا نرفته‌ایم. این کار اساتید و دانشگاه‌هاست که بنشینند روی این سند کار کنند؛ موانع را بسنجند؛ مسئولان دولتی و مسئولان کشور را کمک و راهنمایی کنند تا موانع برداشته شود. این، یکی از کارهای بسیار مهم است.^۲

۱. در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای محمود احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴/۵/۱۲

۲. در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷

مقام معظم رهبری؛ تدبیرگر اصلی در تنظیم سند چشم‌انداز

این سند چشم‌انداز، مسئله‌ی مهمی است. نباید هم تصور شود که این سند یا سیاست‌های کلی را کسانی نشسته اند و دارند تنظیم میکنند؛ نه. درست است که اینها یک فرایندی دارد و از یک جاهایی شروع میشود؛ لیکن آن کسی که در این زمینه کار و فکر میکند و تصمیم میگیرد، خود رهبری است؛ این سیاستها، سیاستهای رهبری است. اینها چیزهایی است که با توجه به همهی جوانب ملاحظه شده و این سند چشم‌انداز درآمده است و بر اساس سیاستهای کلی‌ای که در این مدت وجود داشته، اعلام شده است. اینها باید در برنامه‌ها رعایت شود و نباید تخلف شود. البته ممکن است بعضی از تاکتیکها به ظاهر با سیاستها متناسب نباشد؛ اما انسان دقت که بکند، می‌بیند این تاکتیک در نهایت به همان چیزی که در سیاستها یا در سند چشم‌انداز ترسیم شده است، برمیگردد.^۱

سند چشم‌انداز؛ سفارش و اولویت اول مقام معظم رهبری

سفارش اول ما مسئله‌ی «سند چشم‌انداز» است. در گزارش آقای رییس‌جمهور یک جمله‌ی کوتاهی گفته شد و اسم سند چشم‌انداز آمد؛ لکن این کافی نیست. سند چشم‌انداز، یک مسئله‌ی فرادولتی است؛ مال این دولت و آن دولت و این سیاست و آن سیاست و این جریان و آن جریان نیست؛ محصول یک کار فشرده و مترکم است؛ کار کارشناسی شده است؛ و درست هم هست. این سند، در واقع برنامه‌ی کلان بیست‌ساله‌ی ماست و یک سند به‌معنای حقیقی کلمه است. آنچه که در این سند گفته شده، تعارف نشده. باید در همهی برنامه‌ریزی‌ها - چه در قانونگذاری که قانونگذارها مسئولش هستند، چه در اجرا و مقررات

۱. در دیدار با رییس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۶/۶

اجرایی که شماها مسئولش هستید - سند چشم انداز را مورد ملاحظه قرار بدهید؛ بسنجید و ببینید کجاها در جهت سند چشم انداز نیست، آنجا را تصحیح کنید و نگذارید زاویه بخورد. این فقط مسئولیت رییس جمهور نیست - اگرچه رییس جمهور، بیشترین مسئولیت را در این زمینه دارد - بلکه مسئولیت یکایک شما آقایانی است که در رأس دستگاه‌های اجرایی قرار دارید. یعنی واقعاً سند چشم انداز را به‌عنوان یک میثاق، مبنای عمل قرار بدهید. این یک نکته و سفارش مؤکد من است.^۱

مسئولیت همگانی در تحقق سند چشم‌انداز

چشم‌انداز بیست‌ساله یک سند بسیار معتبر و مهم است که مسئولان کشور - چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی مقننه - و در بخشهای مختلف موظف شده‌اند گام‌به‌گام این سند چشم‌انداز را تعقیب کنند و به آن اهداف نزدیک شوند. مردم هوشمند و جوانان با استعداد در هر نقطه‌ی کشور مسئولیت بزرگی در این زمینه بر دوش دارند. من به شما مردم عزیز و بخصوص به جوانان عرض میکنم که ساختن کشور، پیش‌بردن کشور یک وظیفه‌ی مشترک است؛ مشترک بین مسئولان و مردم؛ مردم هم دارای مسئولیتند.^۲

آسان‌نپنداشتن تحقق سند چشم‌انداز

من میخواهم به شما جوانان بگویم که شما در تحقق این چشم‌انداز میتوانید نقشهای بسیار کارآمدی را ایفا کنید. همین حرفهایی که این جوانان عزیز گفتند؛ همین خواسته‌هایی که استادان و رؤسای دانشگاهها

۱. در دیدار رییس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت و در آستانه‌ی

نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۶/۶/۴

۲. در دیدار مردم مریوان، ۱۳۸۸/۲/۲۶

مطرح کردند، جزو مطالبی است که تأمین‌کننده‌ی مقدمه‌های برنامه‌ی چشم‌انداز بیست‌ساله است. ما باید به‌سمت این برنامه پیش برویم. چشم‌انداز بالای قلّه است، جاده‌ی آسفالته نیست که انسان پایش را روی گاز بگذارد و به آنجا برسد؛ نه. حرکت کردن، عزم‌داشتن، فشار به خود آوردن و جریان سریع و سالم خون و تغذیه‌ی آن در رگهای این کالبد بزرگ، که اسمش ملت ایران است و حرکت به‌سمت قلّه را لازم دارد. وقتی آنجا رسیدیم، دیگر بالای قلّه‌ایم. رسیدن به بالای قلّه برای یک ملت هم شرف و آبروست، هم مصونیت و امنیت. آن‌وقت دیگر هیچ‌کس نمیتواند به ملت ایران تعرض و گستاخی کند و جلو منافعش را بگیرد. همچنین این کار الگویی برای دنیای اسلام، بلکه وسیع‌تر از دنیای اسلام خواهد شد؛ و این تلاش لازم دارد.^۱

فعال‌سازی دستگاه‌های نظارتی بر میزان تحقق سند چشم‌انداز

نقشه‌ی راه، سند چشم‌انداز است. سند چشم‌انداز را هیچ‌نبایستی مورد غفلت قرار داد. این حقیقتاً یک سند واقعی و یک نقشه‌ی راه حقیقی است. باید دستگاه‌های نظارتی خودتان را محاسبه کنید. حالا دیگران ممکن است نظارت بکنند، ممکن است نکنند؛ ممکن است نظارتشان درست باشد، ممکن است ناقص باشد؛ اما در درون خود، مجموعه‌ی قوه‌ی مجریه - که نقشش در رسیدن به اهداف چشم‌انداز، بسیار حسّاس است - دستگاه‌های نظارتی را فعال کنید، بعد ساز و کارهای نظارتی را به‌کار بیندازید تا ببینیم برنامه‌ها و سیاستها چقدر جلو رفته؛ یعنی این‌جور نباشد که سال دهم سند چشم‌انداز، نگاه کنیم و ببینیم پیشرفتی پیدا نکرده‌ایم؛ نه، بایستی اینها را مرتباً رصد کنید که معلوم شود

۱. در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶

چقدر پیش رفته ایم و چقدر به آن اهداف نزدیک شده ایم و چقدر زمینه‌ها فراهم شده است.

۲) جهتگیری با توجه به دهه‌ی پیشرفت و عدالت

ما می‌خواهیم در این دهه یک پیشرفت جهشی همه‌جانبه و یک عدالت گسترده و وسیع همه‌جانبه اتفاق بیفتد. خوشبختانه زمینه‌های هم‌فراهم است. در این دهه، گفتمان مسئولان کشور بایستی پیشرفت و توسعه باشد؛ پیشرفت و عدالت باشد.^۱

دو شاخص عمده وجود دارد که باید این دو را حتماً به دست بیاوریم: یکی پیشرفت است؛ یکی عدالت. ما مثل بعضی از کشورها و نظام‌های دنیا فقط به پیشرفت فکر نمی‌کنیم؛ ما پیشرفت را همراه با عدالت می‌خواهیم. اما مسئله‌ی مهم این است که این درآمد سرانه در میان ملت چه جور تقسیم می‌شود؛ این آن نکته‌ای است که نظام‌های غیر الهی و نظام‌های رونوشت کرده‌ی از نسخه‌های استکباری، دیگر به آن توجه نمی‌کنند. ما نمیتوانیم توجه نکنیم؛ ما می‌خواهیم کشورمان از همه‌ی جهات - از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی - به پیشرفت برسد، مردم به رفاه دست پیدا کنند.^۲

این دو شعار، شعار دهه‌ی آینده است: پیشرفت، عدالت. نه اینکه تا حالا پیشرفت نکرده ایم، نه اینکه تا حالا بکلی به عدالت بی‌اعتنایی شده باشد؛ نه، ما می‌خواهیم در این دهه یک پیشرفت جهشی همه‌جانبه و یک عدالت گسترده و وسیع همه‌جانبه اتفاق بیفتد. خوشبختانه زمینه‌های هم

۱. در دیدار رییس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱

فراهم است. در این دهه، گفتمان مسئولان کشور بایستی پیشرفت و توسعه باشد؛ پیشرفت و عدالت باشد.^۱

■ در این دهه، گفتمان اصلی انقلاب، پیشرفت و عدالت است؛ پیشرفت در همه‌ی ابعاد علمی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی و عدالت همه‌جانبه در توزیع فرصتها و امکانات مادی و معنوی. عنصر پیشرفت، باید نگاه ما را به استعدادهای بی‌شمار پراکنده در میان ملت، معطوف سازد و ظرفیتهای تولید و خلاقیت و درخشش توانایی‌های گوناگون در همه‌ی زمینه‌ها را در نگاه ما برجسته کند و عنصر عدالت باید نابخورداران از فرصتها و توانایی‌های کشور را، از این مواهب الهی و عمومی برخوردار سازد.^۲

اهتمام در تبدیل موضوع پیشرفت و عدالت به یک گفتمان ملی

با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل میشود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و هم‌تها و عزمها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل میشود و هم عدالت. ما میخواهیم مسئله‌ی پیشرفت و عدالت، در دهه‌ی چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا نخواهیم، طراح‌ی و برنامه ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود.^۳

(۳) جهتگیری با توجه به شاخصهای کلان اقتصادی

یک چیز دیگری که ما در زمینه‌ی اقتصادی حتماً رویش تکیه میکنیم، مسئله‌ی توجه به شاخصهای کلان اقتصادی است. البته در گزارش آقای

۱. در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲

۲. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷/۳/۷

۳. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷

رییس‌جمهور^۱، نکاتی در این زمینه بود، لیکن ما هم تأکید میکنیم. روی مسئله‌ی نرخ رشد واقعاً کار بشود. آن چیزی که به عنوان نرخ رشد در برنامه یا در چشم‌انداز دیده شده، با آنچه که در واقعیت اتفاق افتاده، خیلی فاصله دارد. البته از عوامل رکود اقتصادی جهانی و مشکلات اقتصادی جهانی غافل نیستیم - اینها مسلماً تأثیر دارد - لیکن بالاخره باید تلاش کرد تا به آن چیزی که به عنوان شاخص معین شده و ذکر شده، نزدیک شویم.^۲

(۴) تحوّل بر اساس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

اگر ما توانستیم به حول و قوه‌ی الهی، در یک فرایند معقول، به الگوی توسعه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت دست پیدا کنیم، این یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همه‌ی اسناد برنامه‌ای کشور و چشم‌انداز کشور و سیاستگذاری‌های کشور؛ یعنی حتی چشم‌اندازهای بیست ساله و ده ساله که در آینده تدوین خواهد شد، باید بر اساس این الگو تدوین شود؛ سیاستگذاری‌هایی که خواهد شد - سیاستهای کلان کشور - باید از این الگو پیروی کند و در درون این الگو بگنجد. البته این الگو، یک الگوی غیرقابل انعطاف نیست. آنچه که به دست خواهد آمد، حرف آخر نیست؛ یقیناً شرایط نوبه‌نوی روزگار، ایجاد تغییراتی را ایجاد میکند؛ این تغییرات باید انجام بگیرد.^۳

لزوم الگوسازی بومی

مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافتاده‌ی اردوگاه

۱. آقای محمود احمدی‌نژاد

۲. در دیدار رییس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

۳. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰

شرقِ قدیم هم نیست. بحرانهایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، میدانیم که این بحرانها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب.^۱

دولت، عهده‌دار طرّاحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی

طرّاحی و تدوین الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، به نظر من در هیچ‌جایی جز دولت وجود ندارد. هر چه انسان فکر میکند که کجا این کار را میشود انجام داد، به نظر میرسد تنها جایی که میتواند این را انجام بدهد، همین دستگاه‌های دولتی است. واقعاً از افراد متفکر هم استفاده بشود و بنشینند الگوی پیشرفت را طرّاحی کنند. چون این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت است. ما پیشرفت را با عدالت با هم آوردیم.^۲

(۵) طرّاحی نقشه‌ی جامع

ما در کشور به نقشه‌ی جامع علمی احتیاج داریم. ما باید بدانیم که برای رسیدن به هدف چشم انداز بیست‌ساله - که نام آن مکرر برده میشود - نقشه‌ی جامع علمی ما چیست؟ این را باید ترسیم کنیم. بعد، این نقشه را طبق راهبردهای عملیاتی و برنامه‌ریزی‌های زمان‌دار و منظم، مثل یک پازل^۳، بتدریج باید پر و کامل کنیم.^۴

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

۲. در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۶

۳. جورچین

۴. در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، ۱۳۸۵/۵/۲۳

بخش سوم ————— ❁

جهاد اقتصادی و الزامات

پیشرفت اقتصادی مطلوب

مقدمه

در جهاد و حماسه‌ی اقتصادی، همگان باید در حدّ توان خود برای اصلاح اقتصاد قدم بردارند. اما اولین سؤالی که در این مقال مطرح می‌گردد این است که از منظر مقام معظم رهبری، نظام اقتصادی مطلوب چه ویژگی‌هایی دارد و اصلاح و پیشرفت اقتصادی باید به چه سمتی هدایت شوند؟ اهمّیت این سؤال زمانی بیشتر مشخص می‌شود که این جهاد را با جنگ نظامی مقایسه نماییم. به‌عنوان مثال، فرض کنید فرمانده، دستور به اصلاح خاکریزها می‌دهد، اما افراد نه تنها از چگونگی قرارگرفتن خاکریزها و ویژگی‌های خاکریز مطلوب مطلع نبوده بلکه برخی تاکنون حتی با مفهوم آن نیز آشنا نبوده‌اند. برای اصلاح خاکریزها، هر فرد به سلیقه‌ی خود به کاری مبادرت می‌ورزد؛ در نتیجه نه تنها وضع آنها بهتر نمیشود بلکه بدتر هم خواهد شد. این مثال بخوبی نشان می‌دهد که شناخت نظام اقتصادی مطلوب از اهمّ مسائل جهاد اقتصادی است. پس از شناخت نظام مطلوب اقتصادی و به‌منظور نائل آمدن به آن، الزاماتی چند برای تاثیرگذاران این بخش (اعم از مصرف‌کننده، تولیدکننده و دولت) وجود دارد. در ابتدای این بخش، شاخصه‌هایی برای الگوی مطلوب اقتصادی بیان شده است که گرچه در ابتدا ساده به نظر

میرسند اما اهمّیت فراوانی در نگاه اقتصاد دارند؛ شناخت برخی وظایف با توجه به اصول کلی ترسیم شده (شناخت دشمن، برنامه‌ریزی بلندمدت و...) صورت میگیرد، اما بعضی دیگر در بیانات معظّم‌له به‌طور خاص قابل مشاهده میباشد. ایشان، یکی از نقشه‌های استعمار را صدور فرهنگ مخالف نظام اسلامی از طریق همین شاخصهای توسعه دانسته‌اند، که این سخن اهمّیت تعیین شاخص توسعه بر اساس مضامین ارزشمند اسلامی و ایجاد نقشه‌ی راه بر اساس آن و در نهایت، اجرای آن در تک تک سیاستگذاری‌ها را برای محققین، دولتمردان و تمامی دست‌اندرکاران ضروری مینماید.

قسمت بعدی این بخش، شامل بیانات معظّم‌له، درباره‌ی الزاماتی است که تأثیرگذاران اقتصادی ملزم به رعایت آن هستند. مهم‌ترین آنها که به گفته‌ی ایشان، پیشرفت کشور متوقف بر آنها میباشد «علم و تولید»^۱ است. در بیان این مهم، ابتدا توصیه‌هایی ذکر شده و در ادامه به الزاماتی چند در زمینه بهبود کسب و کار و حمایت از سرمایه‌گذاری ایرانی، اشاره شده است. باید توجه نماییم که عوامل بهبودبخش فضای کسب و کار و افزایش سرمایه‌گذاری، به‌طور قطع میتوانند تولید ملی را تقویت نمایند و در فرایندی موازی، عوامل تقویت‌کننده‌ی تولید ملی نیز باعث بهبود این شاخصها میگرددند.

در ادامه‌ی این بخش نیز به الزاماتی چند در زمینه‌ی خصوصی‌سازی مطلوب و صحیح اشاره شده است. آنچه مورد تأکید جدی در حوزه‌ی خصوصی‌سازی میباشد آن است که فرایند خصوصی‌سازی به نحوی اجرا شود که با روح آن سازگار باشد و به‌عبارت دیگر بتواند مردم را وارد عرصه‌ی اقتصادی نماید و مدیریت مردم را جایگزین مدیریت دولتی نماید.

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۸۹/۲/۸

الگوی مصرفی مطلوب از منظر مقام معظم رهبری فصلی است که در ادامه بدان اشاره شده است. بدیهی است که این الگو از آن جهت که براساس جهان‌بینی اسلامی استوار است، مورد تأیید شارع مقدس نیز می‌باشد. طبق فرموده‌ی مقام معظم رهبری «مصرف، فرصت همگانی برای شرکت در جهاد اقتصادی» است؛ لذا این فصل برای عموم مردم و استخراج قدرت پنهان این قشر عظیم در جهاد اقتصادی، اهمیت زیادی دارد و عموم خوانندگان می‌توانند عمل به این اصول را جهاد اقتصادی خود تلقی کنند و آن را در همه‌ی ابعاد زندگی خود ساری و جاری نمایند. نکته‌ی بسیار مهم در این حوزه و به‌عنوان وظیفه‌ی نهادهای حکومتی آن است که دستگاه‌های فرهنگی میبایست سیاست‌های کلان فرهنگی خویش را بر اساس این الگو و برای بهبود وضع مصرف، تنظیم نمایند.

در فصل بعدی به الگوی مطلوب تجارت خارجی پرداخته‌ایم تا رعایت این الزامات، بتواند استقلال و عزت جمهوری اسلامی را در تجارت جهانی ارتقا داده و حفظ نماید. اما در پایان بخش، به الزامات کاهش تورم به‌عنوان یکی از شاخصه‌های سنجش اقتصادی سالم، اشاره شده است. طبق فرموده‌ی مقام معظم رهبری، سیاستگذاران اقتصادی میبایست علاوه بر تلاش برای رشد مناسب اقتصادی در ایران، کنترل تورم را هم مد نظر داشته باشند و برای کاهش تورم برنامه‌ی کوتاه‌مدت و بلندمدت استخراج نمایند تا در نهایت تورم در اقتصاد، تک رقمی شود.

با بیان فصول و محتویات موجود در این بخش از کتاب، میتوان سیاست‌های کلی و رهنمودی مسئولین نظام را استخراج نمود و در سایه‌ی عنایات حضرت حق، حماسه‌ی اقتصادی را رقم زد.

فصل اوّل

الگوی پیشرفت اقتصادی مطلوب

اقتصاد؛ محوری‌ترین مسئله‌ی کشور

ما بایستی توجه کنیم به اساسی‌ترین مسائل کشور؛ و محور همه‌ی اینها به نظر من مسائل اقتصادی است؛ لذا من این سال را «سال جهاد اقتصادی» نامگذاری میکنم و از مسئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخشهای دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی میشوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه‌ی اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم.^۱

معنای پیشرفت

میخواهیم مشخص کنیم که پیشرفت چیست؟ تعریفهایی برای پیشرفت و کشور پیشرفته در دنیا معمول است؛ ما اغلب اینها را قبول داریم و رد نمیکنیم؛ مثلاً صنعتی شدن و فراصنعتی شدن کشور؛ اینها دلیل پیشرفت است. خودکفایی؛ کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد، نه اینکه از دیگران بکلی بی نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این. وفور تولیدات، وفور صادرات، افزایش بهره‌وری، ارتقای سطح سواد، ارتقای سطح معلومات عمومی مردم، ارتقای خدمات شهروندی، خدمت‌دادن به شهروندان، رشد نرخ عمر متوسط - به قول تعبیرات اخیر، امید به

۱. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۹۰/۱/۱

زندگی - اینها جزو نشانه‌های پیشرفت است و درست است. کاهش مرگ و میر کودکان، ریشه‌کنی بیماری‌های گوناگون در کشور، رشد ارتباطات و امثال اینها، شاخصهایی است که در دنیا برای یک کشور پیشرفته ذکر میکنند و ما این شاخصها را رد نمیکنیم و قبول داریم.^۱

عناصر مهم پیشرفت اقتصاد

در پیشرفت اقتصاد، این سه عنصر را مورد توجه قرار دهند: اولاً در امر اقتصاد، مثل همه‌ی مسائل دیگر، باید با نگاه علمی به مسائل نگاه کرد. ثانیاً یک برنامه‌ریزی مدبرانه لازم است، که هم در آن شتابزدگی نباشد، هم در آن کندی و کوتاهی نباشد. در همه‌ی امور این جور است، در مسائل حساس اقتصاد هم این جور است. ثالثاً ثبات و استمرار سیاستها لازم است. اگر ان‌شاء‌الله مسئولان این سه عنصر را در پیشرفت اقتصادی کشور در نظر بگیرند، که البته مورد توجه است - مسئولان، هم از لحاظ علمی در میان آنها برجستگانی هستند؛ هم از لحاظ دلسوزی، اهل دلسوزی‌اند، اهل تدبیرند - به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی، دشمنان ما همچنان که در بخشهای دیگر نتوانستند کاری بکنند، در مقابله‌ی اقتصادی با این ملت هم هیچ غلطی نمیتوانند بکنند.^۲

ایجاد رفاه و تسهیل زندگی برای مردم

یکی از چیزهایی که در جهتگیری‌های کلی دولت باید مورد نظر باشد، تسهیل زندگی برای مردم است. زندگی کردن را برای مردم باید آسان کرد. این یک سرفصل مهم است که اگر چنانچه انسان این را باز

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸

۲. در اجتماع مردم شیروان، ۱۳۹۱/۷/۲۴

کند، خواهیم دید که بسیاری از خواسته‌های اقتصادی، بسیاری از کارکردهای مربوط به دولت، همین دولت الکترونیک، تا برسیم به مسئله‌ی فعال کردن روستاها، جلوگیری از مهاجرت، اینها همه‌اش تحت همین عنوان آسان کردن زندگی برای مردم است، که مردم بتوانند راحت زندگی کنند، بتوانند با امنیت زندگی کنند. این کار در بخشهای مختلف تأثیر میگذارد.^۱

(۱) پیشرفت همه‌جانبه

مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه‌جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری. معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم بهترین استفاده را بکنیم از نفت موجود از گاز وجود از کارخانه‌ی موجود از راه موجو و از آنچه که در اختیار است بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانونگرایی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اوّل انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه‌ی زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سوءاستفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هرچه بیشتر کنیم و ارتقا ببخشیم. پیشرفت در رفاه

۱. در دیدار رییس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

عمومی؛ همه‌ی طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی؛ که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار پولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است؛ لذا ما باید رشد سیاسی خود را بالا ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملتها جلویند؛ اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسئولیت پذیری، عزم و اراده‌ی ملی؛ در همه‌ی این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود. البته با حرف نمیشود، با الفاظ نمیتوان کاری انجام داد، نوشتن این چیزها روی کاغذ اثری ندارد؛ تحرک و برنامه‌ریزی لازم دارد.

مطالبه‌ی ملت؛ پیشرفت همه جانبه

مطالبه‌ی ملت از دولتها، از مجالس پی‌درپی شورای اسلامی، از قوه‌ی قضائیه و از همه‌ی مسئولان باید این باشد. کشور باید پیشرفت کند؛ پیشرفت در همه‌ی بخشها: پیشرفت در تولید ثروت، پیشرفت در افزایش بهره‌وری، پیشرفت در عزم و اراده‌ی ملی، پیشرفت در اتحاد ملی و نزدیکی قشرهای مختلف به یکدیگر، پیشرفت در دستاوردهای علم و فناوری، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در کم‌کردن فاصله‌ی طبقاتی، در رفاه عمومی، در انضباط اجتماعی، در بوجودآمدن وجدان کاری در یکایک آحاد ما مردم، پیشرفت در امنیت اخلاقی، پیشرفت در آگاهی و رشد سیاسی، پیشرفت در اعتماد به نفس ملی.^۱

لزوم ارزش‌مداری در پیشرفت

به نظر من، امروز در سطح کشور، دو حرف هست که گاهی گفته میشود. هر دو حرف، درست است؛ اگرچه در ظاهر، این دو حرف، ضدّ

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱

همدیگر است و گاهی در مقابل همدیگر بیان میشود. بعضی‌ها وقتی که راجع به توسعه و سازندگی حرف زده میشود، میگویند: سراغ ارزشها بروید. کأنه مسئله سازندگی و توسعه‌ی مادی و اقتصادی کشور، در درجه‌ی کمی از اهمّیت قرار دارد. اینطور از ارزشها اسم آورده میشود که گویا مسئله‌ی ساختن کشور، در درجه‌ی بعد قرار دارد و اهمّیتی ندارد. نقطه‌ی مقابل، وقتی که صحبت از ارزشها میشود، بعضی میگویند: ما بایستی مملکت را بسازیم. اگر مملکت ساخته نشود، ارزشها را نمیتوانیم در دنیا معرفی کنیم. این دو حرف، هر دو درست است؛ یعنی هیچ‌یک از این دو حرف، در واقع ردّ حرف دیگری نیست. کشور باید از تمام ابعاد مختلف، ساخته شود؛ یعنی شما هر کدام، متصدّی بخشی از بخشهای کشور هستید، تلاش زیادی هم میکنید و این تلاشها، بایستی باز هم حتّی مضاعف شود و - ان شاء الله - با قوّت و قدرت، این حرکتهایی که شما شروع کرده‌اید و بعضاً به نتایج خوبی هم رسیده است، به نتایج نهایی برسند؛ لیکن در تمام این مراحل، بایستی آن ارزشهای معنوی - آن چیزهایی که دو، سه مورد از آن را بعداً عرض خواهم کرد - در نظر باشد؛ که اگر نباشد، آنوقت این سازندگی، به آن مقصودی که شما از آن دارید، نخواهد رسید و نخواهد توانست آن نظام الهی و قدرت سازندگی اسلام و دین و قدرت اداری یک ملت و یک کشور به وسیله‌ی احکام الهی را معرفی کند و نشان دهد.^۱

۲) پیشرفت و عدالت

۱.۲) مفهوم و مصداق عدالت

یک معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخشهای مختلف

۱. در دیدار رییس جمهور و هیئت وزیران، به مناسبت هفته‌ی دولت، ۱۳۷۵/۶/۸

- بخشهای فرهنگی، بخشهای آموزشی، بخشهای اقتصادی - مراعات شده یا نه؟ فرض کنید در بخش آموزش و پرورش یا در بخش آموزش عالی معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین میشود؟ این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم و در مقام عمل و در مقام اجرا، به آن عدالت مورد نظر برسیم. تا ندانیم، تعریف نکنیم، نمیشود؛ بنابراین تعیین کردن شاخص و معیار برای عدالت در بخشهای مختلف، خودش یک چیز مهمی است. فرض کنید در صرف بودجه‌های گوناگون که حالا در بخش فرهنگ من اشاره میکنم - رعایت عدالت به چیست؟ چگونه میشود انسان خاطر جمع شود که در صرف این بودجه‌ها رعایت عدالت شد یا نشد؟ اینها معیار و شاخص لازم دارد.^۱

مغایرت مفهوم عدالت با مفهوم توزیع فقر

بعضی‌ها میگویند عدالت یعنی توزیع فقر. نخیر، کسانی که بحث عدالت را میکنند، به هیچ وجه منظورشان توزیع فقر نیست؛ بلکه توزیع عادلانه‌ی امکانات موجود است. آنهایی که میگویند عدالت توزیع فقر است، مغز و روح حرفشان این است که دنبال عدالت نروید؛ دنبال تولید ثروت بروید تا آنچه تقسیم میشود، ثروت باشد. دنبال تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی میشود که امروز در کشورهای سرمایه‌داری مشاهده میکنیم.^۲

عدالت؛ یعنی توزیع برابر فرصتها

کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸

کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست‌یافتنی است؛ دست‌نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، میتوانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است.^۱



تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هر کس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه که عمومی است مثل فرصتها و امکانات، متعلق به همه‌ی کشور است و باید در اینها تبعیضی وجود نداشته باشد. معنی ندارد که یک نفر پای خود را بگذارد روی دوش مأمورین دولتی و با ترفند و خدای ناکرده با اعمال روشهای غلط، امتیاز بگیرد، رشدی افسانه‌ای بکند و بعد بگوید: «آقا، من ثروت را خودم به دست آورده‌ام.» در نظام اسلامی، چنین چیزی را نداریم. ثروتی که بر پایه‌ی صحیحی نیست، از اصل نامشروع است.^۲

عدالت و حذف فاصله‌ی طبقاتی

عدالت هم یک واژه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد. به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. اینجور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کورهدهی از مرکز دور است، در یک نقطه‌ی دور جغرافیایی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود.^۳



۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱

۲. در مراسم تنفیذ حکم دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۵/۱۲

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱

به مسئولان کشور توصیه میکنم با مردم حرف بزنند؛ بگویند ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور و همچنین کاهش فاصله‌ی درآمدی که کاهش فاصله‌ی درآمدی دهکهای بالا و پایین جامعه - این شکاف درآمدها، شکاف اقتصادی بین بخشهای مختلف جامعه - چقدر اهمیت دارد. این فاصله‌ها و شکافها مطلوب ما نیست؛ اسلام این را نمی‌پسندد.^۱

محرومیتهای گذشته؛ از دلایل بی‌عدالتی

اگر می‌بینید که در کشور هنوز تفاوت و فاصله‌ی طبقاتی وجود دارد و هنوز کسانی در فقر و محرومیت هستند، به‌خاطر این است که مسئولان کشور بیش از این نمیتوانند. خرابی‌ای که در سالیان طولانی به وجود آمده، عمیق‌تر و بیشتر از آن است که در طول این مدت کوتاه بشود آن را برطرف کرد، و آلا اگر بتوانیم یک روز هم نباید تحمل کنیم.^۲

لزوم اجرای عدالت در همه‌ی زمینه‌ها

عدالت فقط عدالت در مسائل اقتصادی نیست، یک بخش عمده‌اش مسئله‌ی اقتصاد است. در قضاوتها، در داوریه‌ها، در نگاهها، در نظرها، در اظهارات، در موضعگیری‌ها، همه بایستی شاخص عدالت را در نظر داشته باشیم. از همه متبلابه‌تر، همین مسئله‌ی عدالت اقتصادی و عدم توزیع عادلانه‌ی ثروت عمومی و درآمد عمومی ملی بین آحاد جامعه است.^۳

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

۲. در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفته‌ی دولت، ۱۳۷۴/۶/۸

۳. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۶

۲.۲) اهمیت همراهی پیشرفت و عدالت

رعایت پیشرفت و عدالت در همه‌ی سیاستها

ما طبق برخی از سیاستهایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که میخواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمیسازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه‌ی موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسئله‌ی خصوصی سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.^۱

تلازم مفهوم پیشرفت با عدالت

بدون عدالت، پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت مفهوم درستی پیدا نمیکند؛ باید هم پیشرفت باشد و هم عدالت. اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفتمان حقیقی و هدف والایی که همه برای او کار میکنند، این باشد.^۲

پیشرفت مطلوب اسلام

پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم

۱. در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴

۲. در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲

بالایی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عدّه‌ای آلاف و الوف برای خودشان داشته باشند، عدّه‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام میخواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تأمین بشود.^۱

افزایش تولید ملی؛ هدفی ناتمام

هدف جمهوری اسلامی فقط این نیست که با ارقام و اعداد، تولید ناخالص ملی را در مجموع رقم بالایی نشان دهد؛ این کافی نیست. ما معتقدیم در کشور باید عدالت باشد و ثروت ملی میان همه‌ی مردم تقسیم شود. این آرزوی بزرگ ماست و برای آن تلاش و مبارزه میکنیم.^۲

مبادا کسانی در گوشه و کنار کشور پیدا شوند و تصور کنند که هدف ما عبارت است از افزایش حجم ثروت مادی! یعنی عدّه‌ای از انواع و اقسام راههای تولید ثروت برخوردار شوند؛ دیگران هم هر طور زندگی کردند، کردند! ما هم دلمان به این خوش باشد که سرانه‌ی متوسط کشور را از فلان مقدار به دو برابر، یا تولید کل کشور را از فلان میزان به فلان میزان رسانده‌ایم. هرگز چنین نیست!^۳

هدف نظام اسلامی فراتر از توسعه‌ی مادی

در نظامهای سرمایه داری، اساس، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و ازدیاد و تولید ثروت است. هر که بیشتر و بهتر تولید ثروت کند، او

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱

۲. در اجتماع بزرگ مردم قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۵

۳. در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین

علیه‌السلام، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷

مقدم است. آنجا مسئله این نیست که تبعیض یا فاصله پیش آید. فاصله در درآمدها و نداشتن رفاه جمع کثیری از مردم، نگرانی نظام سرمایه‌داری نیست. در نظام سرمایه‌داری، حتی تدابیری که ثروت را تقسیم کند، از نظر نظام سرمایه‌داری، تدابیر منفی و مردودی است. نظام سرمایه‌داری می‌گوید: «معنی ندارد که ما بگوییم ثروت جمع کنید تا آن را از شما بگیریم تقسیم کنیم! این معنی ندارد. اینکه شکوفایی نخواهد شد!» نظام اسلامی اینگونه نیست. نظام اسلامی معتقد به یک جامعه‌ی ثروتمند است، نه یک جامعه‌ی فقیر و عقب‌مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، مسئله‌ی اوّل نیست. آنچه در درجه‌ی اوّل است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد.^۱

تولید ثروت، برای اجرای عدالت

نظام اسلامی می‌فرماید: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ^۲ اصل، عدالت است. البته، تولید ثروت هست. نظام اسلامی، یک جامعه‌ی فقیر نمی‌خواهد. یک ملت فقیر و یک درآمد عمومی ناچیز نمی‌خواهد. از ثروتها استفاده می‌کند؛ علم را پیشرفت می‌دهد، منابع زیرزمینی را استخراج می‌کند، انسانها را به رشد عقلانی میرساند، تجارت می‌کند و صنعت راه می‌اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یک دوره‌ی طولانی، صاحب علم و صنعت در کلّ جهان بوده است. اما جهت همه‌ی اینها، عدالت است. ثروت هست؛ اما باید عدالت در جامعه تضمین شود. برای عدالت، منتظر امام زمانیم. پیغمبران آمدند؛ همه

۱. در مراسم تنفیذ حکم دوره‌ی دوّم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۵/۱۲

۲. تفسیر الصّافی، ج ۲، ص ۶۳۸؛ المفردات، ص ۳۲۵

هم برای اقامه‌ی قسط آمدند؛ **لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**^۱. اینها حرفهای خیلی پرمعنایی است که قرآن به ما گفته است؛ نهج البلاغه به ما گفته است و در روایات ائمه هم هست.^۲

عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی

در کنار پیشرفت، می‌خواهیم کشور عادلانه و با عدالت اداره بشود؛ این مهم است. نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر؛ این را نمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم؛ پیشرفت، همراه با عدالت.

عدالت و پیشرفت؛ دو شاخص مهم

دو شاخص عمده وجود دارد که باید این دو را حتماً به دست بیاوریم: یکی پیشرفت است، یکی عدالت. ما مثل بعضی از کشورها و نظامهای دنیا فقط به پیشرفت فکر نمی‌کنیم؛ ما پیشرفت را همراه با عدالت می‌خواهیم. اما مسئله‌ی مهم این است که این درآمد سرانه در میان ملت چه جور تقسیم میشود؛ این آن نکته‌ای است که نظامهای غیر الهی و نظامهای رونوشت‌کرده‌ی از نسخه‌های استکباری، دیگر به آن توجه نمی‌کنند. ما نمیتوانیم توجه نکنیم؛ ما می‌خواهیم کشورمان از همه‌ی جهات - از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی - به پیشرفت برسد، مردم به رفاه دست پیدا کنند.^۳

۱. سوره حدید، آیه ۲۵

۲. در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی، ۱۳۷۶/۵/۱۲

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱

عدالت؛ روح اصلی توسعه

بسیار بجاست که در عناصر اصلی الگوی توسعه — که از نظر این مجموعه، افزایش سرانه، افزایش آموزش و افزایش سلامت مدنظر است — استقرار عدالت هم که روح همه‌ی اینهاست، در نظر گرفته شود و برنامه‌ها و اقدامها و پروژه‌هایی را که در کشورهای اسلامی انجام میدهیم، با توجه به استقرار عدالت اجتماعی باشد؛ این یکی از تعالیم بزرگ اسلام است، که ما در هر حرکت اقتصادی باید به آن توجه کنیم.^۱

عاقبت ثروت بدون عدالت

دنبال تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی میشود که امروز در کشورهای سرمایه داری مشاهده میکنیم. در غنی‌ترین کشور عالم — یعنی امریکا — کسانی هستند که از گرسنگی و از سرما و گرما میمیرند؛ اینها که شعار نیست؛ واقعیت‌هایی است که مشاهده میکنیم. کسانی هستند که در آرزوی یک آپارتمان سه چهار اتاقه سالهای سال تلاش میکنند و چون به جایی نمیرسند، میروند خیانت میکنند تا به این امکانات برسند.^۲

رشد و توسعه؛ مقدمه‌ی عدالت

آنچه که در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسئله‌ی «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی اینطور تصور میکردند — شاید حالا هم تصور کنند — که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه‌ی مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی میپردازیم. این فکر، اسلامی

۱. در دیدار با اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه‌ی اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۲۵

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸

نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه، مقدمه‌ی عدالت است. آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روز را تحمل نکنیم.^۱

عدالت؛ سیاست اصلی اقتصادی نظام اسلامی

در تنظیم سیاستهای اقتصادی، لازم است امر رشد و توسعه همراه با عدالت اجتماعی و بهره‌مندی عمومی در جریان افزایش بهره‌وری ملی، جلوگیری از تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص باشد.^۲

۳.۲) اهمّیت عدالت

عدالت؛ شاخص و شاقول اصلی اقتصاد

فعالیت اقتصادی و کار اقتصادی و تلاش اقتصادی حتماً باید با شاخص و شاقول عدالت باشد. بدون عدالت، هر تلاش اقتصادی به ضرر منتهی خواهد شد. عدالت هم معنایش این نیست که ما سرمایه‌گذاری نکنیم یا به سرمایه‌گذار اجازه‌ی سرمایه‌گذاری ندهیم. این تصورات غلط آن افرادی است که آن روز خودشان را طرفدار عدالت معرفی می‌کردند. نه، کارآفرینی هم یک خیر است، یک عبادت است، یک کار بزرگ است که باید انجام بگیرد. مسئله‌ی صحیح، مدیریت کردن این مجموعه است. مدیریتهای کشوری، مدیریتهای دولتی چه در بخش تقنین، چه در بخش اجرا، چه در بخش قضا، بایستی مدیریت کنند تا تجاوز از حق انجام نگیرد؛ تجاوز از حقوق انجام نگیرد؛ تعرض به یکدیگر انجام نگیرد؛ این کاروان با همه‌ی اجزای خودش - ان شاء الله - به

۱. در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفته‌ی دولت، ۱۳۷۴/۶/۸
۲. پیام به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد پیشنهادی دولت،

پیش برود.^۱

عدالت اقتصادی؛ هدف و موضوع مورد اهتمام حضرت امام (ره)
از اوّل پیروزی انقلاب، امام تکیه‌ی بر طبقات ضعیف را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند. تعبیر «پابرهنگان» و «کوخ نشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم برسید.^۲

بالاترین سطح تقوا؛ گستردن عدالت

گستردن عدالت، بالاترین رقمهای تقواست؛ این از یک نماز خوب، از یک روزه‌ی روز گرم تابستان بالاتر است. روایتی است که فرمود: هر امیری - امیر یعنی همه‌ی شماها؛ هر کسی یک دستگاهی دارد که در آن فرمان میراند، حکم او در آنجا نافذ است - که روزی را به عدالت حکم کند، مثل این است که هفتاد سال عبادت کرده؛ اینها خیلی مسائل مهمّی است؛ اهمّیت عدالت را، رفتار عدالت‌آمیز را به ما نشان میدهد.^۳

عدالت؛ مقدمه‌ی تولید ثروت

انقلاب برای این است که عدالت برقرار شود. البتّه این نکته را به شما عرض کنم که اگر در جامعه‌ای عدالت باشد، یعنی قانون، عادلانه؛ قضاوت، عادلانه؛ اجرا، عادلانه و نظر به آحاد ملّت، نظر عادلانه باشد؛ تلاش اجتماعی و اقدام سازنده‌ی اقتصادی هم در آن جامعه بهتر خواهد شد و ثروت هم بیشتر به آن جامعه رو خواهد آورد. اما اصل قضیّه،

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

۲. در بیست و دومین سالگرد ارتحال امام (ره)، ۱۳۹۰/۳/۱۴

۳. در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷

عدالت است و ما دنبال عدالتیم. من این را صریحاً عرض میکنم که در جمهوری اسلامی، سیاستها براساس عدالت تنظیم میشود. از ابتدای انقلاب همین بوده است و تا همیشه نیز همین خواهد بود. هدف جمهوری اسلامی، تأمین عدالت در جامعه است.



هدف ما، استقرار عدل در جامعه است. ما این را میخواهیم. همه‌ی کارها برای اقامه‌ی عدل، ارزش پیدا میکنند. در جامعه‌ی نابرابر، اگر ثروت هم زیاد شد، به سود یک قشر و یک گروه از مردم است. اما در جامعه‌ای که برابری و عدالت جریان داشته باشد، به سود همه است.^۱

تبلیغ اسلام با اجرای عدالت

عدالت به معنای مطلق کلمه در میان مردم اجرا شود و تقسیم صحیح ثروت باشد، خود این عدالت در این جامعه، عاملی برای جذب دلهای ملت‌ها و مردم در همه جای دنیا به اسلام است. چرا؟ چون انسانها از بی‌عدالتی رنج میبرند.^۲

ثروت بدون عدالت؛ باعث طغیان

مقصود از قدرت ملی آن است که جامعه و کشور، از اخلاق، علم، ثروت، نظام سیاسی کارآمد و عزم و اراده‌ی عمومی برخوردار باشد. درست است که جوامع قدرتمند، اگر فاقد هدایت و نظارت و اجرای عدالت باشند، همان ثروت و علم، آنان را به طغیان خواهد کشانید و اخلاق و اراده‌ی آنان را زائل کرده، مسیر آنان را به سمت انحطاط رقم

۱. در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷

۲. در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی (ره) مشهد مقدس رضوی، ۱۳۷۶/۱/۱

خواهد زد - همان‌طور که امروز در کشورهایی همچون امریکا و غیره، نشانه‌های آن دیده می‌شود - ولی فقدان آن توانایی‌ها و اقتدارها، بالای انحطاط اخلاقی و سیاسی را بسی سریع‌تر بر جان کشورها می‌اندازد و دنیا و آخرت و علم و اخلاق و همه چیز را از ملت‌ها می‌ستاند.^۱

لزوم برنامه‌ریزی با توجّه به محوریت عدالت

در عرصه‌ی اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند. عدالت حتماً یکی از شاخصهای اصلی است. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌ای که عدالت و توزیع عادلانه‌ی ثروت را در جامعه ندیده بگیرد، نمیتواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تأمین کند و برنامه‌ی مطلوب ما نیست.^۲

۴.۲ راهکارهای پیاده‌سازی عدالت

اگر بخواهیم فاصله‌ی بین آنچه که از عدالت لازم داریم و باید باشد و آن وضعیت کنونی را - وضعیتی که فعلاً مستقر است - کم کنیم، بایستی به روشها و راهکارهای جدید و مؤثر دست پیدا کنیم. باید بدانیم شیوه‌های کاربردی عدالت چه چیزهایی است؛ یعنی زمان آزمون و خطا را سپری شده بدانیم.



اسلام؛ مبنای استخراج مفهوم عدالت

در مرحله‌ی نظری و نظریه‌سازی، باید از منابع اسلامی و از متون اسلامی، نظریه‌ی ناب اسلام در باب عدالت به دست بیاید. من تکیه‌ام در

۱. پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج، ۱۳۷۶/۱/۲۱

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

این نکته این است که نمیخواهیم از مونتاژ و کنار هم چیدن نظریات گوناگون متفکرین و حکمایی که در این زمینه حرف زدند، یک نظریه به وجود بیاوریم و تولید کنیم.^۱

۳) الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

توجه به مسیر توسعه‌ی نه غربی نه شرقی!

مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافزوده‌ی اردوگاه شرق قدیم هم نیست. بحرانهایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، میدانیم که این بحرانها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب.^۲

تمایز بین پیشرفت اسلامی با توسعه‌ی غربی

پیشرفتی که ما میگوییم، با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده میشود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت، معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایستی اشتباه بشود. آنچه ما دنبال هستیم، لزوماً توسعه‌ی غربی - با همان مختصات و با همان شاخصها نیست. غربی‌ها یک تاکتیک زیرکانه‌ی تبلیغاتی را در طول سالهای متمادی اجرا کردند و آن این است که کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته. خوب، در وهله‌ی اول انسان خیال میکند توسعه‌یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و

۱. در دوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، ۱۳۹۰/۲/۲۷

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

دانش پیشرفته‌ای برخوردار است، توسعه‌نیافته و در حال توسعه هم به همین نسبت؛ در حالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه‌یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید، یعنی در حال توسعه و توسعه‌نیافته - یک بار ارزشی و یک جنبه‌ی ارزشگذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه‌یافته، یعنی کشور غربی! با همه‌ی خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهتگیری سیاسی‌اش؛ این توسعه‌یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی‌شدن است؛ توسعه‌نیافته یعنی کشوری که غربی‌نشده و در حال غربی‌شدن هم نیست. این جور می‌خواهند معنا کنند.^۱

توجه به خطر شاخصهای متناسب با ناتوی فرهنگی در میان شاخصهای پیشرفت و توسعه

شاخصهایی است که در دنیا برای یک کشور پیشرفته ذکر میکنند و ما این شاخصها را رد نمیکنیم و قبول داریم. منتها توجه داشته باشید این شاخصها را وقتی که به ما تحویل میدهند - به ما که تشکیل دهنده‌ی این شاخصها نیستیم - در لابه لای آن، چیزهایی است که دیگر آنها جزو شاخصهای پیشرفت و توسعه نیست؛ چیزهایی را به میان می‌آورند که این صادر کردن فرهنگ مخالف با هویت و شخصیت ملی و میل برای وابسته کردن کشورهاست. آن کسانی که این شاخصها را تهیه و ارائه میکنند، اگرچه غالباً دانشمندانند، اما بسیاری از آنان آدمهای مستقلی نیستند؛ یعنی همان شبکه و همان ناتوی فرهنگی در مجموعه‌ی خود، بسیاری از این دانشمندان، متفکران، هنرمندان، ادبا و امثال اینها را هم دارد.^۲

۱. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸

لزوم استفاده از تجربیات دیگران، در عین عدم تقلید الگوی توسعه
 یک وقت تجربه‌های یک ملت، گذران تاریخی زندگی یک ملت، او را به این نتیجه میرساند که باید این جور تعلیم کند، این جور تربیت بدهد، این جور خانه بسازد، این جور مشی کند، این جور مدیریت کند؛ این خوب است. انسان باید همیشه از تجارب دیگران هم استفاده کند. ما بدمان نمی‌آید و ننگمان نمی‌کند که از دیگران یاد بگیریم. آنچه که بد است، این است که ما بیاییم الگوهای ملت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر را بطور دربست در بین ملت و کشور خودمان پیاده کنیم و اقتضائات و شرایط و زمینه‌ها را اصلاً در نظر نگیریم.^۱

لزوم الگوسازی و مدل‌سازی بومی و محلی

چرا لزوم این کار را باید بیان کرد؟ خیلی ساده است؛ به‌خاطر اینکه امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل‌های غربی است؛ توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است.^۲



جوانان ما این را باید به صورت یک اصل کلی در ذهن داشته باشند که برای اداره‌ی کشور، برای آینده‌ی کشور، نسخه‌های بیگانه‌نوشته را انتخاب نکنند. نسخه‌های اسلامی، نسخه‌های ملی، نسخه‌های بومی را انتخاب کنند.^۳

۱. در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۱۴

۲. در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵

۳. در دیدار مردم مریوان، ۱۳۸۸/۲/۲۶

عمل نکردن به نسخه‌های صرفاً غربی

این حرف تکرار شده‌ای است از طرف روشنفکرهای صدر مشروطه، که ما فقط و فقط باید دنبال غربی‌ها راه بیفتیم و به هرچه آنها میگویند، در همه‌ی شئون زندگی مان عمل کنیم؛ این حرفی که از تقی‌زاده و دیگران نقل شده و واقعیت هم دارد. اینها می‌گفتند ما باید صددرصد به نسخه‌ی آنها عمل کنیم تا پیش برویم؛ یعنی مجال ابتکار، ابداع، خلاقیت و نگاه بومی به مسائل علمی و صنعتی مطلقاً در محاسبه‌ی اینها نمی‌گنجید.^۱

عدم استفاده از شیوه‌های منسوخ غرب

خیلی از شیوه‌ها منسوخ است؛ سی سال پیش، چهل سال پیش، پنجاه سال پیش تجربه شده، بعد یک روش بهتر آورده‌اند؛ ولی ما الان می‌خواهیم از روش منسوخ آنها در آموزش و پرورش، در مسائل علمی، در کارهای دانشگاهی، در کارهای اقتصادی و در برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی استفاده کنیم؛ نه، این درست نیست. از تجربه‌ها و دانشها باید استفاده کرد، اما الگو و شیوه و مدل را باید کاملاً بومی و خودی انتخاب کرد.^۲

استفاده از دستاوردها و تجربه‌های صحیح دیگران

اینکه ما می‌گوییم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه، ما برای به‌دست‌آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هرجایی که علم وجود

۱. در دیدار جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور، ۱۳۸۳/۱۲/۰۵

۲. در دیدار نمایندگان هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۳/۲۷

دارد، معرفتِ درست وجود دارد، تجربه‌ی صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همه‌ی آنچه که در دنیای معرفت وجود دارد و میشود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد.^۱

تعیین اولویّتها، با توجّه به الگوی پیشرفت

الگوی پیشرفت چیست؟ ما باید این را مشخص کنیم. اگر این را مشخص کنیم، آن وقت در برنامه‌ریزی‌ها، اولویّتها، تقدّمها، برنامه‌ها، زمان‌بندی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های ما اثر میگذارد؛ به دنبال خود فرهنگ‌سازی می‌آورد؛ در گفتگوی نخبگان خودش را نشان میدهد و به ذهنیّت عامّه‌ی مردم سرریز میشود؛ حتّی در صادرات و واردات کشور اثر میگذارد؛ چه چیزی را از کجا وارد کنیم؟ چه چیزی را به کجا صادر کنیم؟^۲

استقلال؛ از الزامات حتمی الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده‌ی استقلال کشور باشد؛ این باید به‌عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طرّاحی شونده‌ی برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، ذلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - با وابسته‌شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - پیشرفت محسوب نمیشود.

۱. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸

لزوم تناسب الگوی پیشرفت با ویژگی‌ها و شرایط ملی

پیشرفت برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد؛ بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه‌ی اجزای آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضعیت ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه‌ی خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند.

عدم فراموشی آخرت در الگوی پیشرفت

کسانی دنیا را اصل بدانند و آخرت را فراموش کنند؛ یعنی همه‌ی تلاش جامعه و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران و حکومت، برای این باشد که زندگی مردم را از لحاظ دنیایی آباد کنند: مردم پول داشته باشند، ثروت داشته باشند، راحت باشند، مشکل مسکن نداشته باشند، مشکل ازدواج نداشته باشند، مشکل بیکاری نداشته باشند؛ فقط همین! اما از لحاظ معنوی در چه وضعی باشند، مطلقاً مورد توجه قرار نگیرد؛ این یک انحراف است.^۱

۱. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷

هویت ملی؛ اساس هر تحول و الگوی پیشرفت

اساس تحول باید بر «ملاحظه‌ی عناصر اصلی هویت ملی» قرار داده شود، که آرمانهای اساسی و اصولی مهم‌ترین آنهاست. من این را عرض میکنم که صنعتی شدن، فراصنعتی‌شدن، پیشرفت علمی، پیشرفت خدماتی و پیشرفتهای بهداشتی و درمانی باشد؛ اما اساس اینها باید حفظ هویت ملی باشد. اگر یک کشوری همه‌ی اینها را داشت، اما از لحاظ ملی، یک کشور بی‌هویتی بود، فرهنگش وابسته‌ی به دیگران بود، از گذشته و تاریخ خود هیچ بهره‌ای نداشت و نبرده بود، یا اگر گذشته‌ای داشت، آن گذشته را از چشمش دور نگه داشتند یا آن را در نظرش تحقیر کردند، این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد؛ زیرا هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است.

لحاظ آرمانها در پیشرفت

آنچه که ما در تحول، تحوولی که با پیشرفت همراه است، مورد نظرمان است - که جا دارد که این جزو آرمانهای ما باشد - مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با تبعیض، مبارزه‌ی با بیماری، مبارزه‌ی با جهل، مبارزه‌ی با ناامنی، مبارزه‌ی با بی‌قانونی، مدیریتهای را به سطح علمی‌تر ارتقادادن، رفتار شهروندان را به سطوح منضبط ارتقادادن و انضباط اجتماعی، رشد امنیت، رشد ثروت ملی، رشد علم، رشد اقتدار ملی، رشد اخلاق و رشد عزت ملی است؛ همه‌ی اینها در این تحول و پیشرفت، به‌معنای صحیح دخالت دارند و ما اینها را پایه‌های اصلی میدانیم.^۱

عدم تقلید در الگوی پیشرفت

ما دنبال چه نوع توسعه‌ای هستیم؟ این نکته‌ی اساسی، در بحثهای

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸

اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواریث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هر جا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل‌های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ. بنده می‌بینم گاهی بعضی از شیوه‌هایی که در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و غیره پیشنهاد میشود، از دیگران گرفته شده - فلان متفکر فرنگی این طوری گفته، فلان متفکر کجایی این طوری گفته - مثل اینکه به آیات قرآن استناد میشود! خیلی از شیوه‌ها منسوخ است.^۱

فصل دوم

تقویت تولید ملی و جهاد اقتصادی

(۱) اهمیت تقویت تولید ملی

یک بخش مهم از مسائل اقتصادی برمیگردد به مسئله تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را، آنچنان که شایسته‌ی آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاش‌های دشمن ناکام خواهد ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله تولید ملی است. اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و

۱. در دیدار نمایندگان هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۳/۲۷

هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان، با برنامه‌ریزی درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند و در این میدان پیش برود، بدون تردید بر چالشهایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه‌ی کامل و جدی پیدا خواهد کرد؛ بنابراین مسئله‌ی تولید ملی، مسئله‌ی مهمی است.^۱

تولیدکننده؛ مجاهد فی سبیل الله

تولید یعنی چه؟ مقصودم فقط تولید کالا نیست؛ تولید در یک گستره‌ی وسیع باید شعار ملت باشد. تولید کار، تولید علم، تولید فناوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید انسانهای کارآمد؛ اینها همه تولید است. رمز سعادت ملت ما در این است که در این گستره‌ی وسیع، هم دولت و هم ملت، بر این تولید همت بگذاریم. این تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی و اقتدار و پیشرفت کشور است؛ این یک جهاد است. من امروز به شما عرض میکنم، هم به مسئولین و مأموران دولتی و هم به آحاد مردم، بخصوص به شما جوانها؛ این یک جهاد است. امروز تولید علم، تولید کار، تولید ابتکار، تولید کالا، کالای مورد نیاز مردم، تولید انسان کارآمد، تولید فرصت و تولید عزت، هر کدام از اینها یک جهاد است. مجاهد فی سبیل الله تولیدکننده است.^۲

اقتدار؛ ثمره‌ی تولید مناسب

اگر یک ملت به دست خود و با ابتکار و نیروی خود، تولید و

۱. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۱

۲. در صحن جامع رضوی، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱

مصرف کند و حتی بتواند شعاع مصرف تولیدات خود را در بیرون مرزهایش گسترش دهد، به مفهوم خاص و مهمی از اقتدار دست خواهد یافت. این نیاز کشور ماست. تأکید جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز بر روی مسئله‌ی کشاورزی، عمدتاً به این خاطر است.^۱

تولید داخلی؛ مانع وابستگی

تولید، چه در عرصه‌ی صنعت، چه در عرصه‌ی کشاورزی، از اهمیت درجه‌ی اول برخوردار است. کشوری که تولید نداشته باشد، خواهی نخواهی وابسته است.^۲

اهانت به حیثیت ملی در زمان طاغوت

ملت ایران با این سابقه‌ی تاریخی، با این عظمت، با این استعداد، با این جوانان خوب، با این همه زیبایی - زیبایی انسانی و طبیعی و تاریخی که در میان این ملت هست - در دوران رژیم گذشته، در چشم بیگانگان به ملتی تبدیل شده بود که آنها از آن ملت، فقط فرش یا پسته را میشناختند! میگفتند اینها همان کسانی هستند که برای ما فرش میبافند و پسته تولید میکنند! اهانت به یک کشور و یک ملت از این بالاتر!^۳

شکوفایی پایدار با رشد تولید داخلی

برای اقتصاد یک کشور، مهم‌ترین بخشی که میتواند یک شکوفایی پایدار را به وجود بیاورد، تولید است؛ بخصوص آن بخش اقتصاد تولیدی‌ای که متکی است به دانش، متکی است به علم؛ اینجا اینجور

۱. در دیدار با کشاورزان به مناسبت هفته‌ی کشاورزی، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲

۲. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۸۹/۲/۸

۳. در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج امام رضا (علیه السلام)، ۱۳۷۷/۱/۱

است؛ هم اقتصادی است، هم تولیدی است، هم علمی است؛ دانش بنیان است. این، شایسته‌ی ملت ایران است.^۱

کسب عزت؛ با گسترش تولیدات داخلی

آنها^۲ دلشان میخواهد ما هیچ چیز تولید نکنیم و غذای حاضرمان را هم از آنها بگیریم؛ به شرطی که پول داشته باشیم. وقتی هم نداشتیم، اگر ملت از گرسنگی بمیرند، آنها که ابایی ندارند؛ چون هزارهزار میکشند و از مردن هزارهزار و میلیون میلیون هم هیچ باکی ندارند. وظیفه‌ی ملی ما امروز این است که دنبال این فناوری^۳ و فناوری‌های مشابه، هر چه که ما را به اوج قلّه‌ی علم نزدیک کند، برویم و امروز دنبال کردن آن برای ملت ما واجب است و برای کسانی که میتوانند، وظیفه‌ی آنهاست تا بتوانند ملت را به عزت برسانند و از وابستگی رها کنند.^۴

عوامل نفوذ و اقتدار سیاسی در دنیا

واقعاً اگر بگوییم که امروز نفوذ و اقتدار سیاسی در دنیا، روی سه پایه استوار است: اول، ثروت و امکانات پولی و مالی؛ دوم، توانایی‌های علمی و تکنولوژیکی؛ سوم، اش، قطعاً توانایی‌های خبری و سلطه‌ی خبری است. اگر آمریکا همین ثروت و پیشرفت علمی فعلی را داشته باشد؛ اما ایستگاههای خبری از او گرفته بشود، نفوذش چقدر خواهد شد؟ یک سوم کم خواهد شد؟ یقیناً بیشتر از یک سوم در دنیا کم خواهد شد.^۵

۱. در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت علویه در سفر یک روزه به این شهر، ۱۳۹۰/۱/۸

۲. دشمنان

۳. انرژی هسته‌ای

۴. در دیدار اعضای هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱

۵. در دیدار با مدیران و مسئولان بخشهای خبری صدا و سیما، ۱۳۶۹/۱۲/۲۱

تبعیت و اطاعت کردن از دیگران؛ نتیجه‌ی عدم حمایت از تولید ملی

کشوری که تولید ندارد، خودش سازنده و پرورنده نیست؛ دسترنج خود را مصرف نمی‌کند و همیشه متکی به دیگران، تابع دیگران و در نتیجه مطیع دیگران خواهد بود. این هم بلای دیگری است که مستبدان و حامیان بین‌المللی شان بر سر کشورهای استبدادزده‌ی دوره‌ی قبل و امروز در برخی از نقاط عالم آورده‌اند. چشم به دروازه‌ها بدوزند تا از آن طرف مرزها برای آنها همه چیز بیاورند؛ افتخار هم بکنند که پول میدهند و خارجی‌ها برای آنها کار میکنند و اجناسشان را برای آنها می‌فرستند!^۱

مصرف بدون تولید، از عوامل ضد پیشرفت

مردمی که کار نکنند، مردمی که ابتکار نداشته باشند، مردمی که خود را موظف به اداره‌ی کشور و تولید نیازهای خودشان ندانند، مردمی که فقط مصرف را بلد باشند و تولید را بلد نباشند، کشور و کسانی را که در رأس کارند، در وضعیت بدی قرار خواهند داد. ملتی میتواند در مقابل پروها، پرتوقعها، گردنه‌بگیرها و زیاده‌طلبهای دنیا - مثل امریکا - بایستد و مقاومت و از حق خود دفاع کند، که بگوید: «آقا! ما خودمان، خودمان را اداره میکنیم.» اگر دشمن بگوید به شما فلان چیز را نمی‌فروشیم، بگوید: خب؛ بهتر! نفروشید. شما که به ما بفروشید، ما تنبل میشویم و خودمان تولید نمی‌کنیم.^۲

افزایش تولید ملی؛ نشانه‌ی رحمت الهی

اینکه ما میتوانیم ظرفیتهای تولید را افزایش دهیم، کمیتهها را بالا ببریم،

۱. در دیدار معلمان و کارگران، ۱۳۸۲/۲/۱۰

۲. در دیدار کارگران، فرهنگیان نمونه و کارکنان بنیاد مسکن به مناسبت «روز معلم» و «روز

کارگر»، ۱۳۷۴/۲/۱۳

کیفیتها را روزبه‌روز بهتر کنیم و زوایای ناشناخته را در بخشهای صنعت، معدن، کشاورزی، دانش، فنون و بقیه‌ی بخشهای مجموعه‌ی زندگی انسان روزبه‌روز بیشتر شناسایی کنیم؛ نشانه‌ی رحمت و توفیق الهی است.^۱

۲) الزامات تقویت و حمایت از تولید ملی

۱.۲) مصرف کالاهای داخلی

سهم مردم - که به نظر من از همه‌ی اینها مهم‌تر است - مصرف تولیدات داخلی است. ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالائی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی بجدد پرهیز کنیم؛ در همه‌ی زمینه‌ها: زمینه‌های مصارف روزمره و زمینه‌های عمده‌تر و مهم‌تر.^۲

در سال جهاد اقتصادی، به نظر من یکی از قلمهای مجاهدت اقتصادی مردم این است که بروند سراغ کالای ساخت داخل؛ آن را بخواهند. البته این طرف قضیه هم این است که کالای ساخت داخل بایستی قانع‌کننده باشد؛ بایستی دوامش، استحکامش، مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند؛ این هر دو در کنار هم، یک کار لازم و واجبی است. این کار، توجه‌نکردن به این است که ما در این مملکت داریم زندگی میکنیم و از نعمتهای الهی بر این کشور داریم برخوردار میشویم. آن وقت پولی را که در این کشور به دست می‌آوریم، میریزیم توی جیب یک کارگر خارجی، به زیان یک کارگر داخلی؛ این معنایش

۱. در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، ۱۳۸۴/۲/۱۸

۲. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۱

این است که ما به نیاز داخل، به کارگر داخل که دارد زحمت میکشد و جنس تولید میکند، بی‌اعتنایی میکنیم، میرویم سراغ کارگر خارجی. این خیلی عادت بدی است.^۱

لزوم توجه به فرهنگ مصرف تولیدات داخلی

ما باید فرهنگ کشور خودمان را به سمت ترویج تولید داخلی تنسیق^۲ و تنظیم کنیم و پیش ببریم؛ این خیلی چیز مهمی است. در گذشته، سالهای متمادی این فرهنگ به ملت ما تزریق شده است که به دنبال مصنوعات و ساخته‌های بیگانه و خارجی بروند. وقتی گفته میشد این جنس خارجی است، این یک استدلال تام و تمامی بود برای بهتر بودن و مرغوب‌تر بودن این جنس. این فرهنگ باید عوض شود. البته کیفیت تولید داخل در این مؤثر است، تبلیغ نکردن بیجا و بی‌رویه‌ی تولیدات خارجی در این مؤثر است، تشویق کارآفرین داخلی در این مؤثر است، وجدان کاری در کننده‌ی کار - چه کارگر ساده یا کارگر مجرب یا مهندس کار - در این مؤثر است، دولت نقش دارد، مسئولین نقش دارند، خود کارگر نقش دارد، کارآفرین نقش دارد، تاجر واردکننده‌ی کالای خارجی نقش دارد. همه باید دست به دست هم بدهند تا تولید داخل رجحان پیدا کند.^۳

توانایی متخصصین ایرانی در ساخت کالاهای مختلف

امروز خوشبختانه بسیاری از محصولات و مصنوعات داخل کشور برتر و گاهی بسیار برتر از مشابه‌های بیرونی و خارجی است. چرا ما

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷

۲. نظم‌دادن، به‌هم‌پیوستن

۳. در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران، ۱۳۸۸/۲/۹

باید نسبت به مصنوعات خودمان بی‌اعتنا باشیم؟ گذشت آن روزی که وابستگان به دستگاه قدرت به دست خودشان، با بیانات زهرآگین خودشان تلقین میکردند که ایرانی قادر به تولید و ساخت نیست. آنها ایران را عقب انداختند. آنها به روح ابتکار و شوق کار در کشور لطمه زدند. انقلاب آمد وضع را عوض کرد. امروز جوانان ما پیچیده‌ترین کارها را دارند انجام میدهند. این همه زیرساخت در کشور به وجود آمده است برای کارهای بزرگ، این همه کارهای پیچیده‌ی فنی با ذهن و ابتکار جوان ایرانی دارد انجام میگردد. مسئولین دنبال این کارند. امروز باید رو بیاورند همه به سمت مصنوعات و تولیدات داخلی؛ این باید یک فرهنگ شود.^۱

۲.۲) اصلاح قوانین

علاج قوانین معارض با رشد تولید ملی

در زمینه‌های کار اقتصادی، عمده‌ی تلاش را باید روی تولید برد. اساس مسئله، تولید است. ببینید در کدام نقطه از مجموعه‌ی مقررات کشور مزاحم با تولید وجود دارد، آن را علاج کنید. البته این کار نگاه کلان و دید وسیع اقتصادی لازم دارد که مجموع بخشها - وزارت اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی، وزارتخانه‌های صنایع، کشاورزی، بازرگانی و... - که شریک در امر ترکیب و ساماندهی اقتصادی کشور هستند، با همدیگر روی این مسئله فکر کنند و ببینند کجا گیرهایی وجود دارد که مانع تولید - چه تولید صنعتی و چه تولید کشاورزی، علمی و آنچه مربوط به وزارت علوم و آموزش و پرورش و کارهای تحقیقاتی و پژوهشها میشود - است.^۲

۱. در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران، ۱۳۸۸/۲/۹

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۲/۶/۵

ثبات و شفافیت و انسجام در سیاستها و مقررات

ما احتیاج داریم که از سرمایه‌گذاری حمایت بشود؛ کارآفرینی بشود؛ تولید داخلی ترویج بشود؛ با قاچاق و فساد مجذانه مبارزه بشود؛ اشتغال به‌عنوان یک مبنای اصلی و یک هدف مهم دنبال بشود؛ ثبات و شفافیت و انسجام سیاستها و مقررات اقتصادی انجام بشود - مقررات اقتصادی‌ای که امروز یک چیزی بگوییم، فردا عوضش نکنیم، فایده‌ای ندارد - مقررات اقتصادی و قوانین ما باید هم ثبات داشته باشند که مردم بتوانند روی آن برنامه‌ریزی کنند؛ هم باید منسجم باشد و با هم بخواند و شفاف باشد.^۱

۳.۲) مبارزه با فساد اقتصادی

تاثیر فساد بر تولید ملی

امروز یکی از مهم‌ترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همه‌ی مسئولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی اینکه کسانی با زرنگی، با قانون‌دانی، با زبان چرب و نرم و با چهره‌ی حق‌به‌جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پُر کنند. این کار چند ضرر دارد: یکی اینکه خزانه‌ی این کشور که باید صرف مردم شود - صرف ساختن پُل و راه و سد و آبرسانی و آبادکردن روستاها و سامان‌دادن به زندگی مردم شود - به جیب یک نفر یا یک جمع خاص میرود. وقتی شما می‌بینید یک نفر آدم در طول مدت کوتاهی - سه، چهار سال - دهها میلیارد تومان از پول بیت‌المال را در صندوق شخصی خود قرار می‌دهد، معنایش چیست؟ معنایش این است، آن پولی که با آن میشد مثلاً هزار روستا را آباد کرد که مردم از زندگی لذت ببرند و مزه‌ی

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹

فقر را نچشند، مزه ی زندگی راحت را بچشند، یک نفر بتواند با زرنگی، با زبان چرب و نرم، با چهره ی حق به جانب و با استفاده از کمک افراد غافل، همه ی این پولها را به چنگ آورد؛ بنابراین اولین ضرر این است که بیت المال خالی میشود و پول مردم به جیب یک شخص طماع و حریص و خودخواه و زیاده طلب میرود.

ضرر دوم این است: کسانی که میخواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند - کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند - وقتی دیدند از راههای نامشروع میشود این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق میشوند که بروند کار نامشروع کنند. عدهای میگویند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب میشود که سرمایه دار، سرمایه گذاری نکند؛ اما من میگویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه داری وسوسه و تشویق میشود که به جای وارد شدن به کار پردردسر تولید و مقدمات آن و راههای طولانی دیگر، برود مشغول بند و بست و کارهای فساد انگیز شود. یک فساد، دیگران را هم به فساد میکشاند و تشویق میکند؛ بنابراین ضرر دوم این است که کشور از فعالیت اقتصادی باز خواهد ماند.^۱

۴.۲) اهمیت ویژه به صنعت

صنعت پیشقراول توسعه ی اقتصادی

ما باید به جایگاه بخش صنعت در کشور توجه کنیم؛ چون - همان طور که اشاره کردند و درست هم هست - پیشقراول توسعه ی اقتصادی کشور، بخش صنعت است. بخش صنعت را باید با تدبیر، مدیریت و امکان دادن و میدان دادن به سرمایه های مردم - که بتوانند در

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

بخش صنعت سرمایه‌گذاری کنند - پیش برد. ما این را در سیاستها هم آورده‌ایم. این اقدام باید به دور از هرگونه حرکت امتیازجویانه و امتیازخواهانه باشد؛ چه برای بخش دولتی و چه برای عناصری که از امتیاز استفاده میکنند. ما قویاً معتقدیم که فساد مالی و اقتصادی در تشکیلات مسئولان موظف و در میان آنها، به بدنه‌ی اقتصادی کشور سرایت میکند؛ لذا باید جلو آن گرفته شود.^۱

لزوم پیشرفت مجموعی در بخشهای صنعت و کشاورزی

یک رکن اساسی قوام و حیات کشور ما، بستگی دارد به صنعت. پیشرفت کشاورزی جز با پیشرفت صنعتی ممکن نیست؛ یعنی من که روی صنعت تکیه میکنم، این نفی بخش کشاورزی نباید به حساب بیاید. این در واقع، تأیید و کمک پیشرفت مجموعی کشور است که از جمله بخش کشاورزی هم در آن هست. اصرار دارم بر اینکه بخش صنعت پیشرفت بکند و این پیشرفت هم با تحقیق، با به کار انداختن فکر و هوش سرشاری که بحمدالله در شما جوانان عزیز هست، و سرانگشتان ماهر ایرانی، امکان‌پذیر است.^۲

۵.۲ اعتقاد به مشروعیت تولید ثروت

مطلوب‌بودن تولید ثروت از منظر شرع

تولید ثروت از نظر اسلامی بی‌مانع است. تولید ثروت با غارت ثروت دیگران فرق دارد. یک وقت کسی به اموال عمومی دست‌درازی میکند، یک‌وقت کسی بی‌قانون و بدون پیروی از قانون به دستاوردهای مادی

۱. در دیدار گروه کثیری از اصناف، ۱۳۸۰/۴/۱۰

۲. در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، ۱۳۸۹/۱/۹

میرسد؛ اینها ممنوع است؛ اما از طریق قانونی، تولید ثروت از نظر شارع مقدّس و از نظر اسلام، مطلوب و مُستحسن است.^۱

ثروت بدون معنویت؛ مانع آرامش حقیقی

خداوند متعال وعده فرموده است که هر ملّتی، چنانچه بطور جدّی بدنبال هر هدفی حرکت کند، به آن هدف خواهد رسید. در این، شک نیست. آنهایی هم که بطور جدّی حرکت کردند، به همان مقدار، به این ظواهر زندگی؛ یعنی به ثروت جامعه، قدرت نظامی و قدرت و پیشرفت علمی رسیدند؛ اما در زندگی‌شان، سعادت‌مند نشدند. در آن کشورها، دردهای بشریت، تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه هست، عدّه‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است؛ اما نتوانسته‌اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند. حتّی برای کسانی هم که از زندگی راحت برخوردارند، نتوانستند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به وجود آورند.^۲

۶.۲ الزامات در زمینه‌ی تولید و تولیدکنندگان

مرغوبیت کالا

یک نکته‌ی اساسی‌ای که در باب کار وجود دارد و کارآفرینان باید به او توجه کنند، مسئله‌ی مرغوبیت تولید داخلی است؛ کیفیت تولید داخلی است؛ این خیلی مهم است. البتّه بخشی از این، ارتباط پیدا میکند به همان قضایای مالی و میدانم مقرّرات و غیرذلک، و پشتیبانی‌های دولت؛ اما بخشی هم ارتباط پیدا میکند به عزم و اراده‌ی مسئولین،

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهّر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱

۲. در دیدار کارگزاران، در روز «عید مبعث»، ۱۳۷۴/۹/۲۹

کارآفرین و کننده‌ی کار.^۱

کارگرها باید این میدان را پیدا کنند که کار خودشان را در خدمت نظام و رونق و حرکت اقتصادی مردم قرار دهند و به بهترین وجه به تولید کالاهای باکیفیت پردازند. از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: **رَحِمَ اللَّهُ إِمْرًا عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ**^۲؛ یعنی رحمت خدا بر آن آدمی که کار را با محکم کاری انجام دهد. شما باید کار خود را به بهترین وجه عرضه کنید. بدانید که تلاش شما پیش خدا محفوظ است.^۳

اهتمام به نوآوری در همه‌ی تولیدات

از جمله‌ی چیزهایی که باید مورد توجه قرار بگیرد، نوآوری کردن در همه‌ی تولیدات به صورت پی‌درپی و لحاظ حس، یعنی اشباع حس زیبایی‌شناسی در مصرف‌کننده است. این یکی از مسائل قابل توجه است که بایستی به آن اهمیت بدهیم.^۴

امروز تعداد زیادی از واحدهای تولیدی در اختیار مردم و مال خود مردم است یک مقدار از درآمدها را برای تحقیق، برای پیشبرد کار و برای کیفیت‌بخشیدن به کالای تولیدیشان صرف کنند. چرا ما باید بنشینیم که دیگری در اروپا، یا در یک گوشه‌ی دیگر دنیا تحقیق بکند و ما از او یاد بگیریم؟! مگر ما کمتر از آنها هستیم؟! مگر ما کمتر میفهمیم؟! پس باید تحقیقات کنند، ابتکار کنند، تولید را جلو ببرند، صنعت را جلو

۱. در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶

۲. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، علی بن جعفر (علیه السلام)، ص ۹۳

۳. در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور، ۱۳۶۸/۴/۰۵

۴. در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶

ببرند، تولید را از لحاظ کیفیت و کمیت بالا ببرند. این هم یک شرط؛ ابتکار داشتن و نوآوری.^۱

تولید محصولات بادوام، مطلوب، زیبا و فاخر

ما باید کاری کنیم که کالای ایرانی به‌عنوان یک کالای محکم، مطلوب، زیبا، همراه با سلیقه و بادوام در ذهن مصرف‌کننده‌ی ایرانی و غیرایرانی باقی بماند. این باید همّت مجموعه‌ی کارآفرینی و کارگری و متصدیان این امر باشد. البته این کار، پیش‌نیازهایی دارد. ممکن است آموزش مهارت‌های لازم، دوره‌های ایجاد مهارت لازم باشد - که اینها کار دستگاه‌های دولتی و امثال دولتی است - لیکن باید هدف این باشد. کارگر ایرانی آنجایی که ذوق خود را به کار میبرد، سلیقه‌ی خود را به کار میبرد و سرپنجه‌ی ماهر خود را به کار میبرد، کار جالب و تماشایی از آب در می‌آید.^۲



این کارهای هنری آمیخته‌ای از هنر و کار که ایرانی‌ها در گذشته داشتند، امروز هم وجود دارد؛ این معنا محسوس و مشهود است. آنجایی که ذوق و هنر ایرانی به میدان می‌آید - همین کارگری که دارد کار میکند، ابتکارش، ذوقش، هنرش، محکم‌کاری‌اش - کار میشود جالب و ماندگار. الان خوشبختانه در تولیدات کشور محصولات زیادی هست که از مشابهات خارجی‌اش بعضی بهتر است، بعضی به‌مراتب بهتر است؛ هم زیباتر، هم محکم‌تر، هم جالب‌تر؛ این را ما باید عموماً بدسیم، در همه‌ی مواد تولیدی‌مان؛ چه مواد مصرفی خوراکی، چه مسائل مربوط به

۱. در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، ۱۳۷۲/۲/۱۵

۲. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷

پوشاک، چه مسائل زندگی، چه مسائل تزئینی. در همه‌ی چیزهایی که تولید میشود، باید این را در نظر بگیریم؛ و میتوانیم. مجموعه‌ی کارگری، طراحان، مهندسان، سرمایه‌گذاران، کارگران دستی، کارگران ماشینی میتوانند این کار را انجام دهند. ما باید هم‌تتمان را بر این قرار بدهیم؛ ایجاد محصول بادوام، زیبا و فاخر. این، یک کار کلان است.^۱

رشد تولید داخلی متناسب با نیاز مردم

امروز، آبروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه‌گیر شود، زندگی مردم سروسامان یابد، فقر و محرومیت ریشه‌کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد.^۲

ویژگی دست اندرکاران تولید

ما باید خیلی جلو برویم، خیلی باید تلاش کنیم. هم وجدان کاری، محکم کاری و درستکاری در مجموعه‌ی تولید - یعنی کارگر و مؤلّد کار و تولیدکننده‌ی کار - لازم است، هم در مسئولین دولتی و مسئولین رسمی، رعایت و مراقبت و توجه لازم است که این حرکت، حرکت صحیح و متعادلی باشد و انجام بگیرد.^۳

(۳) تولید دانش بنیان

باید تولید در کشور - بخصوص تولید دانش بنیان، متکی به دانش و مهارتهای علمی و تجربی - پیش برود؛ این به دست کارگر و

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷

۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۶۹/۳/۱۰

۳. در دیدار گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان، ۱۳۸۷/۲/۴

کارفرماست. مدیریت آن هم با دولت است؛ بایستی سازماندهی کنند، کار کنند.^۱

اهمیت ویژه تجاری سازی

مسئله‌ی تجاری سازی خیلی مهم است. یافته‌های علمی و صنعتی بایستی بتوانند در کشور تولید ثروت کنند. برادران مسئول در دفتر ما یک محاسبه‌ای کردند؛ نظر آنها این است که تا سال ۱۴۰۴ ما باید بتوانیم حداقل بیست درصد از درآمد کشور را از راه صنایع دانش بنیان و فعالیت‌های تجاری دانش بنیان تأمین کنیم؛ یعنی از محل فروش محصولات علمی. این چیزی است که باید خیلی از دسترس دور نباشد. دانش، منشأ تولید ثروت است؛ البته به شکل صحیح، به شکل نجیبانه، نه آنچنان که دنیای غرب از دانش برای تحصیل ثروت استفاده کرد.^۲

لزوم تبدیل علم به فناوری در فرآیند توسعه و پیشرفت

هر ملتی که عالم باشد، میتواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. ما باید علم را با همه‌ی معنای کامل آن به‌عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوانها، استادان و دانشگاهها میگویم. علاوه بر این، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنید به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه‌ی کشور. صنعتی که مایه‌ی توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۸۹/۲/۸

۲. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۷/۱۴

ما مفید نیست؛ علمی که به فناوری تولید نشود، فایده‌ای ندارد و نافع نیست.^۱

راه‌اندازی چرخه‌ی کامل علمی در کشور

آنچه در کشور لازم است و میتواند موقع و جایگاه علمی کشور را به‌طور شایسته و افتخار‌انگیز به ما نشان دهد که بالا رفته، وجود یک چرخه‌ی علمی کامل است. در همه‌ی بخشها یک چرخه‌ی به‌هم‌پیوسته‌ی مهمی از انواع دانشهایی که مورد نیاز کشور است، باید وجود داشته باشد تا اینها هم‌افزایی کنند و به کمک هم بیایند. یک مجموعه‌ی کامل علمی در کشور بایستی به وجود بیاید؛ این هنوز نشده. این جزیره‌ها بایستی به‌طور کامل به هم متصل شوند، یک مجموعه‌ی واحد تشکیل شود؛ به هم کمک کنند، همدیگر را پیش ببرند، هم‌افزایی کنند.^۲

مسئله‌ی چرخه‌ی ایده‌ی علمی تا مصرف است این هم خیلی مهم است. البته این مربوط به دولت و همکاری دولت و دانشگاه‌هاست، که حالا یک نمونه‌اش همین پارک‌هاست که بعضی دوستان اشاره کردند و نمونه‌های دیگری هم دارد. ایده‌ی کار علمی در ذهن نخبه شکل میگیرد، بعد تبدیل میشود به علم، بعد تبدیل میشود به فناوری، بعد می‌آید میشود صنعت، بعد می‌آید توی بازار مصرف. بازخورد آن در بازار مصرف، باز تولید ایده میکند. این چرخه باید همین‌طور استمرار پیدا کند. این، همکاری دولت و دستگاه‌های صنعتی و دستگاه‌های مدیریتی و دستگاه‌های دانشگاهی را لازم دارد و بایستی انجام بگیرد.^۳

۱. در صحن جامع رضوی، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱

۲. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۷/۱۴

۳. در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۶/۲

چرخه و سلسله‌ی زنجیره‌وار دیگری از تولید اندیشه‌ی علمی و ایده‌ی علمی، تا تشکیل یک مجموعه‌ی ذهنی علمی، تا آمدن به میدان فناوری و صنعت، تا آمدن به بازار و تبدیل به محصول هم باید حتماً به وجود بیاید.^۱

علم؛ پاسخگوی نیاز ملت

زنجیره‌ی علم، فناوری، تولید محصول و تجاری‌سازی - که این زنجیره‌ی بسیار مهمی است - در حال شکل‌گیری است؛ یعنی دانش را تولید میکنند، آن را تبدیل به فناوری میکنند، محصول را تولید میکنند، محصول را به بازار تجارت جهانی می‌آورند و برای کشور تولید ثروت میکنند. این دانش فقط «دل‌خوش‌کنک» نیست، که ما بدانیم حالا در این زمینه پیشرفت کردیم؛ نه، این دانش کشور را ثروتمند میکند، سودش به همه‌ی مردم میرسد. این، کشاندن مسیر تولید علم به ثروت ملی کشور است و پاسخگویی به نیازهای ملت.^۲

تأثیرگذاری تحقیقات بر رشد و توسعه

مسئله‌ی کاربردی کردن تحقیقات و اختراعات که اتفاقاً بعضی از جوانها گفتند، جزو چیزهایی است که من رویش تکیه دارم. ما ممکن است یک تحقیقاتی بکنیم، در یک پروژه‌ی تبلیغاتی به جاهای خوبی هم محقق ما برسد؛ اما این در وضع کشور، در جهت رشد و توسعه‌ی کشور نقشی نداشته باشد؛ یعنی نتواند به ثروت ملی تبدیل شود. ما باید علممان را بتوانیم به ثروت ملی تبدیل کنیم. این، تلاش لازم دارد، برنامه‌ریزی

۱. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۷/۱۴

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

لازم دارد. آنوقت یک نکته‌ای در کنار این هست - که باز در همان نقشه‌ی جامع علمی قرار میگیرد - که ما باید زنجیره‌ی علم و فناوری را تکمیل کنیم، که گاهی یک جاهایی از این زنجیره قطع شده است، تا یک خط تولید واقعی درست بشود و علم بتواند از همه‌ی جهات به اهداف خودش برسد.^۱

۱.۳ رابطه‌ی صنعت و دانشگاه

دانشگاه؛ موتور پیشرفت

دانشگاه، موتور پیشرفت کشور است؛ در این هیچ تردیدی نیست. اگر یک ملتی عزت می‌خواهد، اگر استقلال می‌خواهد، اگر اقتدار می‌خواهد، اگر ثروت می‌خواهد، باید دانشگاه خود را تقویت کند. خوشبختانه این نکته در ذهنیت مسئولین کشور جا افتاده است؛ همه این را درک کرده‌اند که باید به دانشگاه اهمیت بدهند.^۲

الزامات ارتباط صنعت و دانشگاه

من چندین سال است که به دانشگاه‌ها، به دستگاه‌های دولتی این سفارش را می‌کنم که بین صنعت و بین دانشگاه یک ارتباط مستحکمی برقرار بشود. احتیاج داریم ما به اینکه در دانشگاه کانونهای دانشی، مخصوص بخش صنعت و بخشهای گوناگون صنعت، مثلاً مخصوص بخش خودرو به وجود بیاید که پشتیبانی کنند.^۳

۱. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۶/۱۲

۲. در دیدار اساتید دانشگاهها، ۱۳۸۹/۶/۱۴

۳. در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، ۱۳۸۹/۱/۹

هماهنگی بین مراکز علمی

یکی از ضعفها نهماهنگی هاست؛ در بخشهای مرتبط با دانش و علم و فناوری، بایستی هماهنگی کامل به وجود بیاید. ما مسئله‌ی ارتباط صنعت و دانشگاه را مطرح کردیم که خب الحمدلله در این زمینه دارد کار میشود و بیشتر هم کار خواهد شد. حالا مسئولین مطالبی هم درباره‌ی ارتباط نخبگان با مراکز تحقیقاتی یا با صنایع و امثال اینها با ما در میان گذاشتند که مژده بخش است و ان شاء الله در وقت خودش به شما گفته خواهد شد و اطلاع خواهند داد، لیکن هماهنگی بین خود مراکز علمی خیلی لازم است.^۱

لزوم توجه به نوآوری

این کارها را واقعاً در برنامه بگذارید: مثل کارگاههای آموزشی؛ مثل اردوهای علمی؛ مثل جایزه به نوآوری‌ها؛ مثل مطالبه‌ی دستگاه صنعت از محقق جوانی که در دانشگاه دارد یک کاری را انجام می‌دهد؛ یعنی ارتباط دانشگاه و صنعت که این هم جزو شعارهای حتمی و قطعی‌ای بوده است که بنده از سه، چهار سال قبل از این مطرح کردم.^۲

۲.۳) برنامه‌ریزی بر اساس نیازهای آینده

اینکه یکی از جوانهای عزیز گفتند: «فعالیتهای باید بر اساس نیازهای آینده باشد، این آینده را ترسیم کنید، این نیازها را تصویر کنید». یا در همین زمینه جوان عزیز دیگری گفتند: «جهت حرکتمان را خودمان معین کنیم؛ نه اینکه جهت حرکتی را که دیگران - غربی‌ها - ترسیم کرده‌اند، ما تکمیل‌کننده‌ی پازل‌های زندگی آینده‌ی آنها باشیم؛ ببینیم چه نیاز داریم،

۱. در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی با رهبر انقلاب، ۱۳۸۷/۶/۵

۲. در دیدار استادان دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵

آن را تأمین نکنیم». این حرفها، حرفهای بسیار بزرگی است؛ حرفهای بسیار مهمی است. اینها همان چیزهایی است که هر انسان آگاه متفکر دلسوز متعهدی وقتی به نگاه کلان به حرکت علمی کشور نگاه میکند، این چیزها را درک میکند؛ منتها درک او کافی نیست؛ اگرچه لازم است؛ بر اساس آن برنامه‌ریزی کردن، مهم است.^۱

۴) ارتقاء بهره‌وری

ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه‌ی موجود، از راه موجود و از آنچه که در اختیار هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم.

اهمیت بهره‌وری در رشد

به مسئولان کشور توصیه میکنم که در زمینه‌ی اهمیت ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور با مردم حرف بزنند؛ بگویند ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور و همچنین کاهش فاصله‌ی درآمدی دهکهای بالا و پایین جامعه - این شکاف درآمدها، شکاف اقتصادی بین بخشهای مختلف جامعه - چقدر اهمیت دارد.^۲

فصل سوم

نقش علم در پیشرفت اقتصادی

علم و تولید؛ دو پایه‌ی اصلی پیشرفت مادی کشور

پیشرفت مادی کشور در درجه‌ی اول، متوقف بر دو عنصر است: یک

۱. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور، ۱۳۸۸/۸/۶

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

عنصر، عنصر علم است؛ یک عنصر، عنصر تولید است. اگر علم نباشد، تولید هم صدمه می‌بیند؛ کشور با علم پیش می‌رود. اگر علم باشد، اما بر اساس این علم و بر بنیاد دانش، تولید تحوّل و تکامل و افزایش پیدا نکند، باز کشور درجا میزند. عیب کار ما در دوران حکومت طواغیت این بود که نه علم داشتیم، و چون علم نبود، نه تولید متکی بر پایه‌ی علم و پیش‌رونده و رشد‌یابنده داشتیم؛ لذا دنیا وقتی وارد میدان صنعت شد، پیش رفت؛ قاره‌ی آسیا که دیرتر از اروپا وارد میدان صنعت شده بود، پیش رفت؛ ولی ما بر اثر حکومت این طواغیت و شرایط گوناگون، عقب ماندیم. اگر می‌خواهیم جبران کنیم - که می‌خواهیم، و ملت‌مان حرکت هم کرده است و به میزان زیادی پیش هم رفته است - باید به علم و تولید اهمّیت بدهیم؛ باید در مراکز علم، در مراکز تحقیق، با شکل‌های نو و مدرن پیگیری شود. چند سال است که من روی مسئله‌ی علم تکیه می‌کنم و الحمدلله چرخ‌های پیشرفت علمی و تولید علم در کشور به حرکت درآمده است؛ البته باید باز هم سرعت بگیرد، هنوز اوّل راهیم.^۱

(۱) نقش و اهمّیت علم

(۱.۱) علم و ترویج ارزشها

شما که مبنای خوبی دارید، شما که به خدا معتقدید، شما که به کرامت انسان معتقدید، شما که با ظلم و غصب و تعدی و تجاوز مخالفید، شما که استکبار و جامعه‌ها یا حکومت‌های برآمده‌ی از شهوات شخصی و جمعی را تقبیح می‌کنید؛ شما این علوم را یاد بگیرید تا ارزش‌های خودتان را در دنیا ترویج کنید و معارف خودتان را در دنیا حاکم کنید.

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۸۹/۲/۸

دفاع از ارزشها؛ با استفاده از علم

علم مایه‌ی قدرت و ثروت است. کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزشهای خود و از نظام خود پشتیبانی کند و مصونیت ببخشد - که قدرت فایده‌اش این است؛ اقتدار برای زورگویی به دیگران نیست، برای جلوگیری از زورگویی دیگران است - و اگر در کنار این به ثروت احتیاج دارد تا بتواند مشکلات گوناگونی را که میراث سالها حکومت استبدادی در این کشور است برطرف کند، باید علم را به دست بیاورد. برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی.^۱

ثمره‌ی عدم توجه به علم؛ دنباله‌روی از فرهنگ بیگانه

وقتی علم نباشد، صنعت نیست. وقتی صنعت نباشد، بسیاری از ثروتهای جامعه کشف نمیشود. وقتی صنعت نباشد، همه‌ی موجودی برای بدست آوردن صنعت روز خرج میشود؛ دنباله‌روی از بیگانه و گرفتن ناگزیر فرهنگ بیگانه و تبعیت ناگزیر از سیاستهای بیگانه هم به دنبالش پدید می‌آید. همه‌ی اینها ناشی از بی‌علمی است؛ بنابراین علم باید در کشور ترویج شود. یکی از کارهای مهم انقلاب همین بود؛ علم را در داخل کشور ترویج کرد.^۲

۲.۱) علم؛ مقدمه‌ی ثروت و اقتدار

رمز پیشرفت یک کشور؛ یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفت همراه با اقتدار، علم است. آماج بسیاری از توطئه‌های

۱. در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی با رهبر انقلاب، ۱۳۸۷/۶/۵

۲. در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۱۳۸۳/۰۸/۱۰

امروزی که علیه جمهوری اسلامی هست، علم و اهل علم و دانشجویان علم و محیط علمی است این را توجه داشته باشید نگذارید این تیر طبق آن هدفگیری دشمن به هدفی که آنها گرفته‌اند اصابت کند کار عملی را نگذارید متوقف بشود. از همه‌ی این حرفهائی که گفته شد، مهم‌تر، مسئله‌ی علم و تحقیق و پژوهش است. دنیای غرب ثروتش از ناحیه‌ی علم است، اقتدارش از ناحیه‌ی علم است، زورگویی ای که امروز میکند، به‌خاطر علمی است که دارد. پول فی‌نفسه اقتدار نمی‌آورد. آنی که اقتدار می‌آورد، دانش است. امروز اگر آمریکا پیشرفتگی علمی خودش را نمیداشت، نمیتوانست در دنیا اینجور زورگویی بکند و در همه‌ی مسائل عالم دخالت بکند. ثروت هم اگر به دست می‌آید، از ناحیه‌ی علم به دست می‌آید. علم را اهمیت بدهید. این که من سالهاست روی مسئله‌ی علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه میکنم، به‌خاطر این است. بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکانپذیر نیست. دانش اقتدار می‌آورد.^۱

علم؛ عامل قدرت ملی

آنچه که در درجه‌ی اول در ایجاد قدرت ملی مهم است، به نظر من دو چیز است: یکی علم است، یکی ایمان. علم مایه‌ی قدرت است؛ هم امروز و هم در طول تاریخ؛ در آینده هم همین‌جور خواهد بود. این علم یک‌وقت منتهی به یک فناوری خواهد شد، یک‌وقت هم نخواهد شد. خود دانش مایه‌ی اقتدار است؛ ثروت‌آفرین است؛ قدرت نظامی‌آفرین است؛ قدرت سیاسی‌آفرین است. یک روایتی هست که میفرماید: **الْعِلْمُ**

۱. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور، ۱۳۸۸/۸/۶

سُلْطَانٌ - علم، قدرت است - مِنْ وَجَدَهُ صَالًا بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيِلًا عَلَيْهِ؛^۲

اگر علم داشتید، میتوانید سخن برتر را بگویید، دست برتر را داشته باشید - صَالًا یعنی این - اگر نداشتید، حالت میانه ندارد؛ صَيِلًا عَلَيْهِ. پس کسی که علم دارد، او دست برتر را بر روی شما خواهد داشت؛ در مقدرات شما دخالت میکند؛ در سرنوشت شما دخالت میکند. گنجینه‌ی معارف اسلامی پر است از این حرفها.

علم؛ ریشه‌ی پیشرفت

باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم. ما باید یک کشور عالم بشویم. در یک روایتی از امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمود:
 الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالًا وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيِلًا عَلَيْهِ.^۳

علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، میتواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، میتواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. ما باید علم را با همه‌ی معنای کامل آن به‌عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوانها، استادان و دانشگاهها میگویم. علاوه بر این، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست، علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنید به صنعت و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه‌ی کشور. صنعتی که مایه‌ی توسعه و

۱. شرح نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹؛ دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد بر او یورش برند.

۲. در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳

۳. شرح نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹

پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست؛ علمی که به فناوری تولید نشود، فایده‌ای ندارد و نافع نیست. وظیفه‌ی دانشگاه‌ها سنگین است؛ وظیفه‌ی آموزش و پرورش سنگین است؛ وظیفه‌ی مراکز تحقیقاتی و مراکز پژوهشی سنگین است.^۱

کسب درآمد از تولید دانش بومی

ثروت را از همین راه^۲ باید به دست بیاوریم. آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانشمان به دست بیاوریم و در چاههای نفت را پلمب کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است. امروز ما داریم از ذخایرمان میخوریم. بیشتر بودجه‌ی کشور از نفت است. نفت ذخیره‌ی ماست. گنجینه‌مان را داریم تخلیه می‌کنیم؛ از روی ناچاری. باید روزی برسد که بتوانیم از دانش خود نان بخوریم و این ملت بتواند از دانش خود ثروت تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت دانش کمک خواهد کرد. یک هم‌افزایی پی در پی دارند: علم به ثروت کمک می‌کند، ثروت به علم کمک می‌کند؛ دائماً هم‌افزایی به وجود می‌آید. ما باید دنبال این روز باشیم.^۳

علم؛ عامل امنیت بلندمدت کشور

اینکه من توی این چند سال به دانشگاه‌ها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و اینها این همه تأکید کردم، برای خاطر این است که یک رکن

۱. در صحن جامع رضوی، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱

۲. تولید دانش بومی

۳. در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی با رهبر انقلاب، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵

امنیت بلندمدت کشور و ملت‌تان علم است.^۱



در این دنیا برای به هم زدن این سلطه، باید یک حرکت علمی کرد. نظام جمهوری اسلامی که از لحاظ ارزش‌گذاری و نظام ارزشی، نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که امروز سلطه‌گران غربی دنبال هستند - و خوب، موفق هم شده؛ از لحاظ سیاسی موفق شده؛ خودش را تثبیت کرده؛ علیه توطئه‌ها سی سال ایستادگی کرده و در ابعاد مختلف خودش را پیش برده - برای اینکه بتواند هدفهای خودش را تأمین بکند - که آن هدفها، هدفهای والای انسانی است که هر انسانی آنها را قبول دارد - باید دنبال علم برود.^۲

قدرت دشمن از علم

قدرت - که امروز محور همه‌ی تحرکات بین‌المللی شده - متوقف است به علم؛ و لذا ثروت امریکا هم ناشی از علم است، توانایی‌های تبلیغاتی‌اش هم ناشی از علم است، موقعیت بین‌المللی سیاسی‌اش هم ناشی از علم است. علم است که یک کشور را به یک اقتداری میرساند؛ علم، این قدر برای کشورها مهم است.^۳

علم؛ وسیله‌ی تبلیغ ارزشها

یک ملت، با اقتدار علمی است که میتواند سخن خود را به گوش همه‌ی افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که میتواند سیاست برتر و دست والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال اینها به

۱. در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی، ۱۳۸۸/۶/۴

۲. در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی با رهبر انقلاب، ۱۳۸۷/۶/۵

۳. در دیدار استادان دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵

دست می آید؛ پول تابع توانایی هاست. امروز این طوری است؛ علم را میشود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد. این، جایگاه علم است. ما از علم عقب ماندیم.^۱

۳.۱) عقب ماندگی علمی؛ استراتژی دشمن

استراتژی دشمن؛ عقب ماندگی علمی کشورهای سلطه پذیر

یکی از موضوعهایی که نمیگذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و بشدت مانع آن میشوند، مسئله علم است؛ چون میدانند علم ابزار قدرت است. خود غربیها با علم به قدرت رسیدند؛ این یکی از پدیدههای تاریخ بود. البته علم بین شرق و غرب دست به دست گشته و برای مدتی هم آنها در جهالت بودند. در همان دوره ی قرون وسطا، که خودشان توصیف میکنند، در این طرف دنیا وقت شکوفایی علم بوده است؛ اما به مجردی که آنها به علم رسیدند، از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه ی سیاسی و جذب ثروت ملتها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت باز تولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند. آنها میدانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تأثیر دارد؛ لذاست که اگر بخواهند نظام سلطه، یعنی رابطه ی سلطه گر و سلطه پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آنها مایلند سلطه پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که بربرگرد ندارد و الان رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد.^۲

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

۲. در دیدار اعضای هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱

عقب‌ماندگی علمی در دوران طاغوت و نتایج آن

در گذشته سرچشمه‌ی علم در این کشور خشک شده بود. از طرق مختلف این کار صورت می‌گرفت: یکی این بود که درمقابل هیمنه‌ی پیشرفت دانش غربی، این تصور در کشور ما غلیظ شد و مورد تأکید قرار گرفت که ایرانی قادر نیست، ایرانی نمیتواند، ایرانی استعداد لازم را برای پیشرفت علمی و صنعتی ندارد. امروز این حرف به گوش شما بیگانه و ناآشناست؛ اما بدانید که در یک دوره‌ی طولانی، این فکر در کشور تولید و ترویج شد. گفتند ایرانی به درد ادبیات میخورد - ادبیات بزم و گل و بلبل و این‌طور چیزها - آن هم ادبیات به‌معنای شعر؛ و آلا تحقیقات ادبی را هم باز باید اروپایی‌ها و مستشرقین اروپایی می‌آمدند می‌کردند. ایرانی به درد کارهای جدی و اساسی نمیخورد. نتیجه‌ی فقر علمی، فقر صنعتی شد؛ نتیجه‌ی فقر صنعتی، خرج کردن همه‌ی سرمایه‌ها برای رسیدن به سطح زندگی معمولی متعارف دنیایی شد؛ یعنی وارد کردن، صنعت موتناژ، دائم دنبال دیگران دوییدن، نفت و همه‌ی سرمایه‌های داخلی را تقدیم کردن؛ نتیجه‌ی دیگرش این بود که خیلی از استعدادهای طبیعی - غیر از استعدادهای انسانی - در کشور ما متوقف ماند. وقتی مردمی دانشمند نبودند، اهل صنعت نبودند و فناوری و علم نداشتند، از بسیاری از ثروتهای موجود طبیعی خودشان هم غافل میمانند. سالهای متمادی میگذشت؛ نفت در این کشور بود، اما کسی نبود که بداند این نفت چیست و به چه درد میخورد!^۱

۴.۱ حل مشکلات کشور با توسعه‌ی علم

من عمیقاً و جلاً باور دارم که مشکلات این کشور جز با توسعه‌ی علم و تعمیم و تعمیق علم در کشور پیش نخواهد رفت. ما ناگزیر

۱. در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۱۳۸۳/۰۸/۱۰

بایست این فاصله‌ی چندین ده‌ساله‌ای را که برای ما به وجود آورده‌اند، پُر کنیم. داریم می‌بینیم که دنیای دانشمند با تکیه به علم، چه حرف زوری را به همه میزند و چطور به برکت علمی که دارند، ناحق‌هایی را حق میکنند.^۱

علم؛ پایه‌ی توسعه‌ی عدالت‌محور

اینکه دهه‌ی آینده - که شروع شد، یعنی دهه‌ای که امسال اولین سالش است - به عنوان دهه‌ی پیشرفت و عدالت اعلام شده، بدون تردید یک پایه‌ی اصلی آن علم است؛ گسترش علم و تعمیق علم در کشور است.^۲

۲) الزامات پیشرفت علمی

پیشرفت علمی بایستی با خودباوری اولاً؛ امید به موفقیت ثانیاً؛ حرکت جهادگونه همراه باشد؛ چون ما فرض را بر این گذاشتیم که پیشرفت علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه‌ی به فرهنگ خودمان باشد - فرهنگ ما یعنی اسلام و موارث ملی پسندیده‌ی ما - و نیز ناظر به نیازهای کشور. این، بایستی مجموعه‌ی حرکت علمی ما را تشکیل بدهد.^۳

۱.۲) متناسب بودن علم با نیازهای کشور

پژوهش، اولاً مورد اهتمام قرار بگیرد؛ ثانیاً سمت و سوی پرداختن به نیازهای کشور را پیدا کند. یعنی حقیقتاً پژوهشهایی بکنیم که مورد نیاز

۱. در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳

۲. در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۶/۸

۳. دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۷/۳

ماست. من بارها هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی به آن دوستان عرض کرده‌ام، هم شاید اینجا گفته‌ام، ما ملاک پیشرفت علمی‌مان را درج مقالات در مجلات آی.اس.آی نباید قرار بدهیم. ما نمیدانیم آنچه که پیشنهاد میشود، تشویق میشود، برایش، آن مقاله‌نویس احترام میشود، دقیقاً همان چیزی باشد که کشور ما به آن احتیاج دارد. ما خودمان باید مشخص کنیم که درباره‌ی چی مقاله مینویسیم، درباره‌ی چی تحقیق میکنیم. البته انعکاس در مجامع جهانی لازم است، ضروری است و انعکاس هم پیدا خواهد کرد. مقصود این است که ما پژوهش را تابع نیاز خودمان قرار بدهیم.^۱

۲.۲) سرمایه‌گذاری در علم، فناوری و نخبه‌پروری

اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسئله‌ی علم و فناوری و نخبه‌پروری سرمایه‌گذاری کنیم، حتماً در یکی از بااولویت‌ترین کارها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم.^۲

روشن است که ما یک راه طی شده‌ی دو‌یست‌ساله‌ی دیگران را در ظرف بیست‌سال نمیخواهیم طی کنیم. مدعا این نیست که ما در ظرف ده‌سال، پانزده‌سال، خودمان را به سطح علمی کشوری که دو‌یست‌سال است دارد تلاش علمی میکند و از محصول دو‌یست‌سال قبل از آن بقیه‌ی کشورها هم استفاده کرده است، برسانیم. این مورد نظر نیست؛ بلکه مدعا این است که نباید وقت را تلف بکنیم.^۳

۱. در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۶/۸

۲. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۷/۱۴

۳. در دیدار استادان دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵

ایجاد جریان عام و تمامی‌ناپذیر در عرصه‌ی علم

ما سرمایه‌گذاری‌های مقطعی زیادی داشتیم، پیشرفت‌های مقطعی هم زیاد داشتیم که قائم به اشخاص بوده، قائم به گروه‌های خاص بوده؛ این بایستی در همه‌ی بخشها، در همه‌ی رشته‌ها توسعه پیدا کند؛ یک جریان عام تمامی‌ناپذیر در زمینه‌ی علم و در همه‌ی رشته‌های علوم به وجود بیاید؛ از علوم انسانی تا علوم تجربی و انواع علوم بایستی ما این پدیده را ببینیم و مشاهده کنیم.

حمایت از نخبگان

به نظر من مهم‌ترین حمایت برای نخبگان این است که زمینه‌ی کار و مقدمات کار برای آنها فراهم شود. ذهن نخبه و مغز نخبه به دنبال کار، ژرف‌نگری، تولید، خلق، گشودن بابهای جدید و رفتن راههای نو است. امکانات سخت افزاری باید برای اینها فراهم شود. در مواردی، هم امکانات سخت افزاری، هم امکانات نرم‌افزاری باید فراهم شود تا نخبه بتواند کار و تلاش کند. البته این تلاش باید در جهت نیازهای کشور باشد.

ایجاد نظام رصد

ما یک نظام رصد لازم داریم. باید دائماً رصد کنیم ببینیم خروجی این تلاشی که در زمینه‌ی نخبگان انجام میگیرد، چقدر است؛ چقدر متناسب است این خروجی با سرمایه‌گذاری‌ای که شده. این جور نباشد که ما سرمایه‌گذاری را بکنیم، بعد خروجی نباشد. اگر خروجی کم بود یا متناسب نبود، کاشف از این است که در روشها اشکال وجود دارد، روشها غلط است؛ بنابراین این کار رصد دائمی لازم دارد.



بایستی کشورهای را هم که همّت ما و نیّت ما این است که از آنها جلو بیفتیم، رصد کنیم. نباید تصوّر کرد که کشورهای دیگر، کشورهای همسایه، کشورهای اسلامی ایستاده اند و به ما میگویند بفرماید جلو، تا ما از آنها جلو بزنیم؛ نه، آنها هم دارند تلاش میکنند.^۱

۳.۲) بومی‌سازی علوم انسانی

لزوم پرهیز از مدل پیشرفت غربی

چرا لزوم این کار^۲ را باید بیان کرد؟ خیلی ساده است؛ به خاطر اینکه امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل‌های غربی است؛ توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است.^۳

عدم بکارگیری نسخه‌ی بیگانه در اداره‌ی کشور

جوانان ما این را باید به صورت یک اصل کلی در ذهن داشته باشند که برای اداره‌ی کشور، برای آینده‌ی کشور، نسخه‌های بیگانه‌نوشته را انتخاب نکنند. نسخه‌های اسلامی، نسخه‌های ملی، نسخه‌های بومی را انتخاب کنند.^۴

عدم امکان پیشرفت با استفاده ظاهری از فرآورده‌های علمی دیگران

عقب‌ماندگی‌های کشور ما در دوره‌ی حکومت طاغوت - چه پهلوی‌ها و چه قاجارها - به خاطر این بود که به مقوله‌ی علم در این

۱. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۷/۱۴

۲. منظور مدل‌سازی و الگوسازی داخلی است.

۳. در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵

۴. در دیدار مردم مریوان، ۱۳۸۸/۲/۲۶

کشور اهمیت داده نشد و علم را محترم نشمردند. وقتی در جامعه‌ای علم محترم شمرده می‌شود که استعداد و سرچشمه‌ی درونی عناصر انسانی کشور جوشان شود و علم بومی گردد. سرمایه‌گذاری برای علم، باید با این هدف باشد؛ و آلا این که دیگران فرآورده‌های علمی داشته باشند و فرمولها و کلماتی را به ما بیاموزند و ما بدون اینکه هیچ عمقی از آن به دست بیاوریم، آن کلمات را یاد بگیریم، به پیشرفت هیچ کشوری کمک نمی‌کند؛ نه ما و نه هیچ کشور دیگری.^۱

پرهیز از شیوه‌های منسوخ غربی

از اواسط دوره‌ی قاجار، نشانه‌های پیشرفت اروپایی در کشور ما بتدریج شروع کرد ظاهر شدن. روشنفکران ما کسانی بودند که به اروپا می‌رفتند یا نوشته‌های آنها را می‌خواندند؛ لذا با پیشرفتهای آنها آشنا می‌شدند و خود را در مقابل آنها ناتوان و حقیر می‌دیدند. این حرف تکرار شده‌ای است که از طرف روشنفکرهای صدر مشروطه، که ما فقط و فقط باید دنبال غربی‌ها راه بیفتیم و به هرچه آنها می‌گویند، در همه‌ی شئون زندگی مان عمل کنیم؛ این حرفی که از تقی‌زاده و دیگران نقل شده و واقعیت هم دارد. اینها می‌گفتند ما باید صددرصد به نسخه‌ی آنها عمل کنیم تا پیش برویم؛ یعنی مجال ابتکار، ابداع، خلاقیت و نگاه بومی به مسائل علمی و صنعتی مطلقاً در محاسبه‌ی اینها نمی‌گنجید.^۲

یافتن مدل مدیریت بومی و اسلامی

من می‌گویم ملت ما، جوانان ما، اندیشمندان ما، دانشجویان ما، آینده‌سازان ما، ناتوانی شیوه‌های مدیریت کشورهای غربی را ببینند و

۱. در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۱۳۸۳/۰۸/۱۰

۲. در دیدار جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور، ۱۳۸۳/۱۲/۰۵

ناتوانی آنها را در اداره‌ی این مهم‌ترین بخش مدیرتشان یعنی اقتصاد را ببیند - فرهنگ به‌جای خود، آداب انسانی به‌جای خود، بی‌اعتنایی به حرمت بشر به‌جای خود، تبعیضهایی که در قلمرو قدرت خودشان انجام میدهند به‌جای خود؛ در همه‌ی این موارد، تمدن غربی امتحان بدی پس داده است - و آنگاه ملت ما، مسئولین ما، جوانان ما بالخصوص، این را محور فکر خودشان قرار بدهند و بر اساس این تأمل کنند که برای مدیریت کشور، برای روشهای گوناگون اداره‌ی این ملت بزرگ، به فکر نسخه‌های خودی، به فکر نسخه‌های بومی باشید. این ایجاب میکند به اسلام توجه دقیق‌تری کنید. اسلام نگاه روشن و روشنگری به انسان و انسانیت و شیوه‌های انسانی دارد.^۱

ناتوانی علوم انسانی موجود در کشور، در حل مسائل

علوم انسانی اهمیت دارد، علوم انسانی کنونی در کشور بومی نیست، متعلق به ما نیست، ناظر به نیازهای ما نیست، متکی به فلسفه‌ی ما نیست، متکی به معارف ما نیست، اصلاً ناظر به مسائل دیگری است، مسائل ما را حل نمیکند.^۲



ما در زمینه‌ی علوم انسانی، کار بومی، تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟ کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی مگر چقدر داریم؟ استاد مبرزی که معتقد به جهان بینی اسلامی باشد و بخواهد جامعه‌شناسی یا روانشناسی یا مدیریت یا غیره درس بدهد، مگر چقدر داریم، که این همه دانشجوی برای این رشته‌ها میگیریم؟ این نگران‌کننده است.^۳

۱. در دیدار مردم مریوان، ۱۳۸۸/۲/۲۶

۲. در دیدار اساتید دانشگاهها، ۱۳۸۹/۶/۱۴

۳. در دیدار اساتید دانشگاهها، ۱۳۸۸/۶/۸

توجه به دانشهای ذاتاً مسموم و اثرات تربیتی و مدیریتی آن

اینکه بنده درباره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانشهای ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به‌خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رایج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت میشوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره قرار میگیرند.^۱

اهتمام به استفاده از دستاوردهای صحیح دیگران

اینکه ما میگوییم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه، ما برای به‌دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هرجایی که علم وجود دارد، معرفت درست وجود دارد، تجربه‌ی صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همه‌ی آنچه که در دنیای معرفت وجود دارد و میشود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد.^۲

تفکر ترجمه‌ای و غرب‌زده؛ عامل بدبختی کشور

بعضی افراد، حتی فکر را هم ترجمه شده قبول میکنند؛ حاضر نیستند آن را با معیارها بسنجند؛ میگویند چون فلان روانشناس یا فلان جامعه‌شناس یا فلان اقتصاددان این طور گفته و این فرمول را داده، دیگر

۱. در دیدار طلاب فضلا و اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹

۲. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰

بروبرگرد ندارد. اگر کسی برخلاف او حرف زد، مثل اینکه کفر گفته است! چهار صباح دیگر آنها از حرف خودشان بر میگردند و حرف دیگری میزنند؛ باز این آقا همان حرف دوّم آنها را بدون تحلیل قبول میکند! برای یک کشور، این بدبختی است. راه حلّ واقعی این است که یک ملت با دست خود، کار کند؛ برای خود، کار کند؛ با فکر و مغز خود بیندیشد و اجتهاد کند و با ابتکار خود پیش برود؛ ضمن اینکه از همه‌ی تجارب هم استفاده کند.^۱

عدم مطابقت فرمولهای غربی با مسائل کشور

کسانی که در مراکز برنامه ریزی یا در مراکز علمی و تحقیقی هستند و راجع به اقتصاد، راجع به سیاست، راجع به سیاست بین المللی و راجع به مسائل حیاتی دیگر کشور کار و فکر میکنند، دنبال این نباشند که فرمولهای غربی را؛ فرمولهای اقتصادی غرب، فرمولهای بانک جهانی یا صندوق بین المللی پول را با مسائل کشور تطبیق کنند؛ نه، آن نظریه‌ها، نظریه‌های مفید برای ما نیست. البته از علمشان استفاده میکنیم؛ ما تعصب نداریم. هر جا پیشرفت علمی، تجربه‌ی علمی باشد، استفاده میکنیم. از مصالح استفاده میکنیم؛ اما نقشه را بر طبق فکر خودمان، بر طبق نیاز خودمان بایستی بریزیم.^۲

۴.۲) نظریه‌سازی

علوم انسانی نیازمند به نظریه‌سازی

ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم

۱. در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلای رشت، ۱۳۸۰/۲/۱۲

۲. در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵

نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است.^۱

من توصیه نمیکنم همه‌ی آن فرمولها و شیوه‌های اقتصادی را که امروز اقتصاد بین‌المللی دارد به کشورها دیکته میکند، شما از آنها پیروی کنید؛ نه، این که درست عکس نظر ماست. نه، دنبال راههای درست باشید، اما از نظرات کارشناسی علمی و دقیق حتماً باید پیروی بشود.^۲

همگانی شدن تولید نظریه و فکر

باید «تولید نظریه و فکر»، تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهای گوناگون عقل نظری و عملی، از نظریه‌سازان، تقدیر به عمل آید و به نوآوران، جایزه داده شود و سخنانشان شنیده شود تا دیگران نیز به خلاقیت و اجتهاد، تشویق شوند. باید ایده‌ها در چارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامی با یکدیگر رقابت کنند و مضاف دهند تا جهان اسلام، اعاده‌ی هویت و عزت کند و ملت ایران به رتبه‌ای جهانی که استحقاق آن را دارد بار دیگر دست یابد.^۳

شاگردی همیشگی؛ بیراهه‌ی بسیار خطرناک

بارها در طول این سی سال، بنده خودم با افرادی از این قبیل مواجه بودم که چه با زبان صریح یا نیمه‌صریح یا با زبان حال، همین معنا را بیان میکردند که «آقا ما البته باید پیشرفت کنیم، اما دنبال اینها باید حرکت کنیم! ما که نمیتوانیم به گرد اینها برسیم، چه برسد به اینکه از

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۶

۳. پاسخ به نامه‌ی جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه‌ی علمیه، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶

اینها جلو بزنیم؛ چرا بیخود زحمت می‌دهید خودتان را؟». این هم یک بیراهه است. این معنایش این است که یک ملت - حالا ملت ما به‌عنوان یک نمونه و ملت‌های گوناگون شرق و ملت‌های مسلمان از جمله، محکوم به این هستند که همیشه دنباله‌رو حرکت غرب و شاگرد دائمی آنها باشند و هیچ‌وقت از خودشان امید نداشته باشند که بتوانند در آن سطح قرار بگیرند، چه برسد که از آنها جلو بیفتند؛ هرگز چنین روحیه‌ای نداشته باشند. این، یک بیراهه‌ی بسیار خطرناک است که امروز متأسفانه از سوی استاد دانشگاه، از سوی متفکر سیاسی، از سوی بعضی از گویندگان مذهبی ترویج می‌شود؛ این درست ضد تجربه‌ی طولانی‌مدت بشری است. چرا؟ مگر خدای متعال یک دسته از انسانها را این‌جور آفریده که همیشه باید جلو باشند؟ کدام واقعیت تاریخی این را نشان می‌دهد؟^۱

۵.۲) رفع موانع و معارضات موجود در راه علم

امروز ما در زمینه‌ی علم نیاز داریم که این‌جور تلاشی در کشور بکنیم، اگر احساس کنیم موانعی وجود دارد، باید این موانع را برداریم؛ دارد معارضه‌هایی می‌شود، باید این معارضه‌ها را در هم بشکنیم؛ در زمینه‌ی عرضه‌ی امکانات علمی، خست‌هایی^۲ از سوی کسانی که صاحبان آن هستند - که کشورهای پیشرفته‌ی علمی است - وجود دارد، باید در مقابل این خست‌ها از خودمان عزت و جوشندگی و فوران از درون نشان بدهیم. امروز دنیا علی‌رغم تظاهر به سخاوت علمی، در نهایت خست علمی است.^۳

۱. در دیدار جمعی از نخبگان علمی و دانشجویان دانشگاه، ۱۳۸۷/۷/۷

۲. پستی، فرومایگی، تنگ‌چشمی

۳. در دیدار اساتید دانشگاهها، ۱۳۸۹/۶/۱۴

فصل چهارم

بهبود فضای کسب و کار ایرانی

مسائلی که باید مسئولین کشور - انشاءالله - با همت دنبال کنند، مسائل متعددی در زمینه‌ی سال جهاد اقتصادی است. مسئله‌ی اشتغال بسیار مهم است؛ کارآفرینی بسیار مهم است؛ مسئله‌ی پرداختن به زیرساختهای اقتصادی در سراسر کشور، که خوب، افراد صاحب‌فکری، صاحب‌نظری نشستند اینها را بررسی کردند، مشخص کردند، دنبال کردن اینها بسیار مهم است. همچنین مسئله‌ی صنعت، مسئله‌ی کشاورزی، مسائل گوناگونی که در این زمینه‌ها هست، مسائل مهمی است. همه‌ی اینها کارهای اساسی است و پرداختن به هر کدام از اینها جهاد فی سبیل الله است.

(۱) راهکارهای بهبود فضای کسب و کار

اصلاح قوانین و بهبود فرآیندها

مسئله‌ی مقررات، تسهیلات گوناگون، پیچ و خمهای اداری فراوان، اینها همه، چیزهایی است که اگر چنانچه اصلاح بشود، بهبود فضای کسب و کار که یکی از مسائل عمده‌ی اقتصادی ماست، حاصل خواهد شد.^۱

اصلاح قانون کار در دو جهت

قوانین طوری تنظیم شود و سیاستهای اجرایی طوری ترتیب داده شود که کارگر، هم احساس امنیت شغلی کند و هم احساس کند که ارزش کار او فهمیده شده است. از یک‌طرف به حق کارگر رسیدگی

۱. در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶

شود، از طرف دیگر هم طوری عمل نشود که سرمایه‌گذار از استخدام کارگر احساس وحشت کند. هر دو طرف قضیه را باید واقع‌بینانه و حکیمانه مشاهده کرد تا نتیجه‌ی آن، هم امنیت شغلی کارگر و هم دستیابی او به حقوق حقّه‌ی خود شود.^۱

۲) اهمیت اشتغال و کاهش بیکاری

مسئله‌ی اشتغال مسئله‌ی مهمی است. طرحهایی که از چند سال پیش به این طرف برای اشتغال پیش‌بینی شده، آنچنان که انسان انتظار داشت، نشد. اگرچه حالا کارهایی انجام گرفت و خوب بود، بد نیست؛ لیکن ما را مستغنی نمیکند از اینکه نسبت به مسئله‌ی اشتغال یک اهتمام ویژه‌ای داشته باشیم.^۲

توجه به معضل بیکاری و شکاف طبقاتی

بر اثر نبودن کار و اشتغال و درآمد، نباید به حق جمع‌کنندگی از مردم - که دچار این آفتند - ظلم شود و از خیرات جامعه محروم شوند؛ چون بیکاری، فاصله‌ی بین طبقات و فاصله‌ی بین فقیر و غنی را روزبه‌روز بیشتر میکند. عده‌ای را روزبه‌روز بیشتر به ته دره‌های فقر میراند؛ در مقابل، عده‌ای هم از راههای گوناگون به طرف قلّه‌های ثروت پیش میروند؛ اینکه نمیشود. اگر هر دولتی همت بگمارد - نه این که از بقیه‌ی چیزها غافل باشد - و تکیه‌گاه اصلی‌اش را مثلاً مسئله‌ی اشتغال یا سروسامان دادن به تولید صنعتی و کشاورزی در کشور قرار دهد، یقیناً مردم در طول چهارسال اثرش را می‌بینند.^۳

۱. در دیدار معلمان و کارگران، ۱۳۸۳/۲/۱۲

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

۳. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸

۳) توجه به نیروی انسانی

در نظر گرفتن نقش اساسی کارگر

نقش بازوی توانا و سرپنجه‌ی ماهر و ذهن و ذوق و سلیقه‌ی کارگر در حیات انسان - چه حیات فردی‌اش، چه حیات اجتماعی‌اش - یک امر واضح عقلایی است. آن کسانی که به قشر کارگر و مجموعه‌ی کارگری بی‌توجهی و بی‌اعتنایی میکنند، در حقیقت این نقش اساسی و مهم را نمی‌بینند یا ندیده میگیرند. آن کسانی هم که کارگر را در کنار ابزار کار، مثل یک وسیله به حساب می‌آورند، همین جور. این، منطق عقلایی است و منطق کاملاً درستی است؛ لیکن بالاتر از این، منطق اسلام است.^۱

تکریم کارگر در رأس برنامه‌ها

تقدّس کار و تکریم‌کننده‌ی کار باید در رأس برنامه‌ها قرار بگیرد و همه این را بدانند. کارگر، محترم است. کارگر با دست خود، با مغز خود، با کار خود، با جسم و جان خود دارد کشور را به استقلال میرساند.^۲

دلایل تجلیل از کارگر

تجلیل از کارگران هم از دو جهت است: یکی به‌خاطر این است که هر کشوری هرچه رشد مادی و ثروت دارد، از سرانگشت کارگر دارد. کارگر است که ثروت را تولید میکند و رشد اقتصادی را به‌وجود می‌آورد. اگر کارگر نباشد، همه‌ی طراحان و برنامه‌ریزان و متفکران اقتصادی، کارشان بیهوده خواهد ماند. آن عنصر و عاملی که همه‌ی فکر

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷

۲. در دیدار گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان، ۱۳۸۷/۲/۴

و هدفها و برنامه‌ها و پیشرفتهای علم اقتصاد را در مقام عمل تحقق میبخشد، سرپنجه‌ی کارگر است. پس کارگر حق بزرگی به گردن همه‌ی آحاد ملت دارد؛ به‌خاطر اینکه محصول کار اوست که زندگی مردم را به‌طور روزبه‌روز و عملی و فعلی سامان میدهد. جهت دوم که از کارگر تجلیل میکنیم، این است که تجلیل از کارگر، تجلیل از کار است؛ کار بسیار مهم است. چقدر بیکاری به بشریت خسارت میزند؛ چه بیکاری بر اثر تنبلی و عدم همت شخص باشد، چه بر اثر این باشد که او قادر به کار نیست؛ چون کار وجود ندارد؛ پس کار یک ارزش و یک عبادت حقیقی است. عامل حقیقی و واقعی برای پیشرفت یک کشور، کار است؛ بنابراین ما از کارگر تجلیل میکنیم، تا از کار تجلیل شود.^۱

کار کارگر: نوعی جهاد

یک مطالبه‌ی معنوی هم وجود دارد و آن، شأن کارگر است؛ اهمیت به تلاش و فعالیت کارگر است؛ فهمیده بشود که این یک جهاد است؛ این مهم است. کارگر در پشت دستگاہ، یا در حین طراحي و نقشه‌پردازی، یا در کار در مزرعه، یا در هر نقطه‌ای که کار دارد تولید میشود و محصولی دارد به وجود می‌آید، باید احساس کند و بداند که یک عمل بزرگ را، یک عمل مهم را، یک ارزش را دارد به وجود می‌آورد؛ اسلام این را میخواهد بیان کند. این، اعتقاد قلبی ماست. خیلی فاصله است بین این نگاه و نگاه دنیای مادی، اعم از دنیای سرمایه‌داری یا دنیای سوسیالیستی که به کارگر به‌عنوان یک ابزار نگاه میکنند. امروز در دنیای سرمایه‌داری، گاهی بعضی از کارگرها از لحاظ برخورداری

۱. در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری،

مادّی وضعشان هم خوب است، البتّه عمومیت ندارد بعضاً این جور است که وضعشان خوب است لیکن همان هم از چشم کارفرما، از چشم سیاستگذاران کار و تولید، یک ابزار است؛ مثل یک پیچ و مهره؛ تا وقتی ارزش دارد که بتواند به آنها ارزش مادّی تحویل بدهد، پول تحویل بدهد. خیلی فاصله است بین این نگاه به کارگر، و این نگاه که کارگر را یک مجاهد فی سبیل الله میدانند؛ برای کاری که او انجام میدهد، فراتر از همه‌ی اجرهای مادّی، یک اجر الهی، یک ارزش الهی، یک پاداش الهی در نظر میگیرد؛ اینها خیلی با هم فاصله دارد؛ این لازم است، این آن نیاز حقیقی است.

کارِ کارگر؛ نوعی پیکار با دشمن

عرصه‌ی کار، عرصه‌ی پیکار ماست. کارگر ایرانی با غیرت و با شرف، کار را پیکار خود میدانند، مبارزه‌ی خود میدانند. شما با کارتان دارید مبارزه میکنید، با آن کسانی که میخواهند کشور را به ورطه‌ی سقوط اقتصادی و رکود اقتصادی و شکست اقتصادی بکشانند. جامعه‌ی کارگری عزیز ما در سرتاسر کشور بدانند؛ امروز کاری که شما انجام میدهید - کار مجدّانه، کار مبتکرانه، کار مبتنی بر ذوق و سلیقه و شیوایی ذهن ایرانی - یک پیکار است، یک مبارزه است. شما با کارتان دارید با دنیای استکبار مبارزه میکنید؛ این را همه باید توجّه داشته باشند.^۱

۴) کار آفرینی و عبادت الهی

وقتی کار این قدر مهم است، پس کار آفرینی هم به همین نسبت حائز اهمّیت است. اگر کسی بتواند زمینه‌ی کار را فراهم بکند، یک عبادت

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷

انجام داده است. نگاه به این کاری که تولید میشود، فقط از جنبه‌ی این نباشد که ما یک بیکار را دستش را به یک کاری بند میکنیم تا یک درآمدی داشته باشد.

۵) توسعه‌ی مهارتها و تربیت نیروی متخصص

یکی از کارهای دیگری هم که حالا من اینجا یادداشت کردم که بر عهده‌ی مسئولین دولتی است، این هنرستانهای فنی و صنعتی، این دانشگاه‌های علمی-کاربردی، این فنی-حرفه‌ای‌ها، آموزشکده‌های فنی-حرفه‌ای، باید توسعه پیدا کند. ما به علم احتیاج داریم، اما به پنجه‌ی کارآمد هم احتیاج داریم. یکی از کارهای اساسی به نظر من این است که در زمینه‌ی صنعت و کشاورزی بایستی کار کنیم.

تربیت نیرو در صنایع دانش بنیان

به تربیت نیرو بخصوص در صنایع دانش بنیان همان‌طور که دوستان گفتند بایست خیلی اهمیت داد. در بعضی از بخشها خوشبختانه این کار شده است. در بخش انرژی هسته‌ای ما اطلاع داریم، در بخش رویان از نزدیک اطلاع داریم که تربیت نیروی ماهر، نیروی کارآمد، نیروی دانشمند و محقق انجام گرفته. بایست به این در بخشهای مختلف توجه کرد.^۱

فصل پنجم

حمایت از سرمایه‌گذاری ملی

۱) اهمیت سرمایه‌گذاری

مسئله‌ی سرمایه‌گذاری خیلی اهمیت دارد. آینده، وابسته به

۱. در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۶/۶/۱۳۸۹

سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف است؛ چه در بخش انرژی، چه در بخشهای دیگر. در بخشهای گوناگون، سرمایه‌گذاری لازم است.^۱

سیاست نظام، به‌کارگیری سرمایه

به‌کارگیری سرمایه‌ها و ابتکارهای صاحبان سرمایه - یکی از بخشهای تکیه به مردم، همین به‌کارگیری سرمایه‌های آنهاست - کلاً سیاست نظام اسلامی است. ما سرمایه‌های مالی و سرمایه‌های فکری و ذهنی مردم را برای پیشرفت کشور به کار میگیریم و انشاءالله ستون موفقیتها را برای این دولت هرچه طولانی‌تر میکنیم.^۲



کسانی که توانایی سرمایه‌گذاری دارند، حتی افرادی که میتوانند سرمایه‌گذاری را با اجتماع و شرکت انجام دهند، اینها راه دارد. آحاد مردم و صنوف مختلف مردم میتوانند سرمایه‌گذاری کنند؛ میتوانند در این راه با یکدیگر شریک شوند و سهام باشند.^۳

۲) الزامات افزایش سرمایه‌گذاری

۱.۲) اولویّت‌بندی در سرمایه‌گذاری

در برنامه‌ریزی توسعه‌ی کشور، آن چیزی که خیلی مهم است، این است که ما ببینیم عمده‌ی تمرکز سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی ما باید کجا باشد؛ چون بدیهی است سرمایه‌ی مادی و سرمایه‌ی معنوی - یعنی همت و نیروی انسانی و انگیزه - نامحدود نیست. اگر میخواهیم کشور را به توسعه برسانیم - توسعه به معنای مطلوب و منظور خودمان،

۱. در دیدار رییس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

۲. در دیدار با رییس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱

نه لزوماً توسعه به معنای رایج غربی - بینیم کجاها باید بیشتر برای سرمایه‌گذاری متمرکز شویم.^۱

۲.۲) کم مصرف کردن و افزایش پس‌انداز

بسیاری از کسانی که سرمایه دارند، پول دارند، درآمدهای کلانی دارند، نمیدانند این درآمدها را چگونه باید صرف کنند. اینجا هم باز همان اصلاح الگوی مصرف خود را نشان میدهد. پول را به جای سرمایه‌گذاری تولیدی، صرف تجملات میکنند؛ سفرهای خارجی بیهوده، بی‌ثمر، پرخرج و احياناً فسادآور، بهانه برای تغییر وسایل خانه، وسایل زندگی؛ این چیزها یک حرکت مسرفانه است نسبت به ثروت. میشود پول را، درآمد را سرمایه‌گذاری کرد. امروز وسایل این کار فراهم است.^۲

۳.۲) افزایش امنیت اقتصادی

البته شما بدانید، چون دشمن میداند که شرط سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت، امنیت است و نمیخواهند سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت در این منطقه انجام بگیرد؛ لذا سعی خواهند کرد با امنیت مقابله کنند.^۳

۴.۲) مشارکت تعاونی‌ها در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی

یکی از کارهای مهم در این باب، ایجاد تعاونی‌هاست، که به وسیله‌ی تعاونی‌ها سرمایه‌های بزرگ تشکیل بشود و بتوانند در مسائل مهم اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کنند و گره‌های مهم را باز کنند و دولت بتواند این کار را انجام دهد.^۴

۱. در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۷/۱۴

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱

۳. در دیدار مردم مریوان، ۱۳۸۸/۲/۲۶

۴. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

۵.۲) مبارزه با فساد

لزوم مبارزه‌ی عملی با فساد

بنده سه چهار سال قبل از این، در صحبت اول سال صریحاً به مردم و به مسئولین گفتم که نقشه‌ی دشمنان ملت ایران از حالا به بعد، بیش از همه، نقشه‌ی اقتصادی است. خب، می‌بینید که همین جور شد. هم دولت، هم مجلس، همه‌ی نیرویشان را، همه‌ی فکر و ذکرشان را متمرکز کنند بر روی سیاستهای درست اقتصادی. چند سال قبل از این، بنده درباره‌ی فساد اقتصادی، به رؤسای قوا نامه دادم. خب، با فساد اقتصادی مبارزه کنید. به زبان گفتن که مطلب تمام نمیشود؛ عملاً با فساد مبارزه کنید. هی بگوییم مبارزه با فساد اقتصادی. خب، کو؟ در عمل چه کار شد؟ چه کار کردید؟^۱

مبارزه با فساد و افزایش سرمایه‌گذاری

ما قویاً معتقدیم که فساد مالی و اقتصادی در تشکیلات مسئولان موظف و در میان آنها، به بدنه‌ی اقتصادی کشور سرایت میکند؛ لذا باید جلو آن گرفته شود. این مبارزه‌ای که ما در پیام اخیر، مسئولان قوای سه‌گانه را به آن دعوت کردیم، باید جدی گرفته شود. این وسیله‌ای برای احساس امنیت و اطمینان سرمایه‌گذار سالم است؛ سرمایه‌گذاری که قصد سوء استفاده ندارد؛ قصد استفاده دارد. البته هرکس که سرمایه‌گذاری میکند، برای سود سرمایه‌گذاری میکند؛ اشکالی هم ندارد؛ سود مشروع است. باید بین سود مشروع و نامشروع فاصله ایجاد کرد. باید جلو سودهای نامشروع - که عمدتاً به خاطر عدم تعهد و دلسوزی و همچنین لغزشهای گوناگون از سوی بعضی از مسئولان و مدیران است - گرفته

۱. در دیدار مردم آذربایجان، ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

شود و با پدیده‌ی قاچاق - به معنای حقیقی کلمه - مبارزه گردد.^۱

مبارزه با فساد؛ موضوعی اساسی و ملی

مبارزه‌ی با فساد، موضوعی اصلی و اساسی است. فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی موجب می‌شود که سود همه‌ی تلاش‌های انجام شده در راستای پیشرفت و تولید ثروت عمومی برای رفاه مردم، به جیب عدّه‌ای مفت‌خور و سوءاستفاده‌چی سرازیر شود؛ لذا مبارزه‌ی با فساد، جدّی‌ست. متأسفانه بعضی از عناصر سیاسی و غیرسیاسی نه تنها با این حرکت همراهی نکردند، بلکه بر آن برچسب یک تسویه حساب سیاسی و خصوصی زدند. این غلط، خلاف واقع و دروغ است. مبارزه با فساد مالی و اقتصادی جدّی‌ست و ادامه دارد. البتّه من به مسئولین قوّه‌ی قضائیه و مجریه سفارش کردم که جنجال به راه نیندازند؛ جنجال موجب گم شدن اصل مسئله می‌شود. باید با آن مبارزه کرد. این مبارزه در قوّه‌ی مجریه به معنای پیشگیری و جلوگیری از رشد فساد مالی از طریق دهانه‌ها و دروازه‌های آن است در قوّه‌ی قضائیه مبارزه به نحوی دیگر است و تعقیب مجرمین و فسادانگیزان و مجازات آنها را شامل می‌شود.^۲

جدّیت در مبارزه با فساد

مسئله‌ی مبارزه با فساد را جدّی بگیرید. ببینید! شما می‌نشینید برای کارهای سازنده برنامه‌ریزی می‌کنید، تأمین سرمایه می‌کنید، صرفه‌جویی می‌کنید، برای اینکه بتوانید تعدادی شغل در فعالیت‌های صنعتی یا کشاورزی یا خدماتی یا ساختمانی و غیره به وجود آورید؛ اما بعد از

۱. در دیدار گروه کثیری از اصناف، ۱۳۸۰/۴/۱۰

۲. در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدّس رضوی، ۱۳۸۲/۱/۱

گوشه‌ای نقبی زده شود، یک شخص یا یک باند سودجو وارد میدان شود و همه یا بخش مهمی از چیزی را که شما به‌عنوان سرمایه‌ی ملی می‌خواهید استحصال کنید و به سود کشور به کار بزنید، بکند و از بین ببرد و به سود خودش استحصال و مصادره کند. این چیز خیلی خطرناک و واقعاً نگران‌کننده‌ای است و این وجود دارد.^۱

فساد؛ مانع فعالیت سالم اقتصادی

کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند - کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند - وقتی دیدند از راه‌های نامشروع میشود این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق میشوند که بروند کار نامشروع کنند. عده‌ای می‌گویند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب میشود که سرمایه‌دار، سرمایه‌گذاری نکند؛ اما من می‌گویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه‌داری وسوسه و تشویق میشود که به جای واردشدن به کار پردردسر تولید و مقدمات آن و راه‌های طولانی دیگر، برود مشغول بند و بست و کارهای فسادانگیز شود. یک فاسد، دیگران را هم به فساد میکشاند و تشویق میکند.^۲

فساد؛ مزاحم پیشرفت کشور

اینکه کسانی با سرعت به ثروتهای کذایی میرسند، اصلاً از راه صحیح و جز با تقلب و روشهای ممنوع و حرام امکان ندارد. منابع کشور محدود است. لازمی انباشته شدن ثروت حرام در یک‌جا، گود افتادن و

۱. در دیدار اعضای هیئت دولت، به مناسبت هفته‌ی دولت، ۱۳۸۱/۰۶/۴

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

خالی شدن کیسه‌ی عدّه‌ای دیگر در کنار آن است؛ همین‌که امیرالمؤمنین فرمود: **مَا رَأَيْتُ نِعْمَةً مَّوْفُورَةً إِلَّا وَفِي جَانِبِهَا حَقٌّ مُضَيِّعٌ**^۱. اصلاً تمام تلاش ما این است که این موضوع نباشد. تکیه‌ی ما روی مبارزه با مفاسد اقتصادی و قاچاق برای همین است.^۲

فساد حکومتی، مانع تولید ثروت

ما مبارزه با فساد را مطرح کردیم و گفتیم فساد در دستگاه‌های اقتصادی و حکومتی موجب میشود منابع ثروت متعلق به مردم از بین برود. به‌جای اینکه از مبارزه با فساد دفاع کنند، کسانی پیدا شدند که از امکانات حرف‌زدن با مردم استفاده کردند و به دفاع از مفسد پرداختند و مبارزه با فساد را وظیفه‌ی خودشان ندانستند!^۳

فصل ششم

خصوصی‌سازی مطلوب

(۱) اهمیت سیاست‌های اصل ۴۴

از جمله‌ی چیزهایی که ما در باب مسائل اقتصادی رویش تکیه میکنیم و به‌عنوان توصیه‌ی جزمی مطرح میکنیم، مسئله‌ی سیاست‌های اصل ۴۴ است. خیلی بایستی به این سیاست‌ها اهتمام ورزید.^۴

رویکرد کشور در سالی که امروز اوّل آن است، و حتّی یکی دو سال

۱. من در هیچ جا نعمت فراوانی ندیدم مگر اینکه در جنب آن حقی ضایع شده وجود داشت

۲. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲

۳. در اجتماع با شکوه مردم استان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۱

۴. در دیدار رییس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

بعد، باید رویکرد اقتصادی باشد. از سیاستهای اصل ۴۴ همه باید استفاده کنند. کسانی که توانایی سرمایه‌گذاری دارند، حتی افرادی که میتوانند سرمایه‌گذاری را با اجتماع و شرکت انجام دهند، اینها راه دارد. آحاد مردم و صنوف مختلف مردم میتوانند سرمایه‌گذاری کنند؛ میتوانند در این راه با یکدیگر شریک شوند و سهام باشند.^۱

لزوم استفاده از توان بخش خصوصی

یک موتوری است که میتواند این بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور راه می‌روید، یا خودتان پشت فرمان می‌نشینید و هدایتش میکنید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه‌ی باری را که توی این وانت است، خودتان روی دوش گرفتید، هین و هین دارید جلو می‌روید؛ هم نمی‌رسید، هم خسته می‌شوید، هم همه‌ی بار حمل نمیشود، هم این موتور اینجا بیکار میماند. این موتور، بخش خصوصی است. این را آن زمان به آنها میگفتیم، اثر هم نمیکرد.^۲

(۲) روح اصل ۴۴ و سیاستهای آن

مال را نه به صورت راکد و نازا دریاورید که در اسلام اسمش کنزکردن است، نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال آن را صرف در چیزهای غیرلازم زندگی کنید، اما با توجه به اینها، ثروت را برای خودتان تولید کنید. ثروت آحاد مردم ثروت عموم کشور است همه از آن سود میبرند. روح اصل ۴۴ و سیاستهای اصل ۴۴ این است. طوری بشود که منابع درآمدی آحاد مردم، بخصوص طبقات ضعیف، متنوع

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱

۲. در دیدار رییس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

شود؛ مردم بتوانند گشایشی پیدا کنند؛ این یک گام بلند در راه رفاه عمومی است.^۱



روح اصل ۴۴ هم این بود که ما بتوانیم سرمایه های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه ی اقتصاد کنیم. باید سرمایه های مردم و مدیریت مردم - بخش خصوصی - وارد عرصه ی اقتصاد بشود؛ و آلا اگر مدیریتها دولتی باقی ماند، آن مقصود حاصل نخواهد شد.

۳) الزامات خصوصی سازی

۱.۳) توانمندسازی بخش خصوصی

در برخی از سرمایه گذاری ها بخش خصوصی ناتوان است؛ یعنی واقعاً توانایی سرمایه گذاری ندارد. خوب، علاجش چیست؟ اگر بخش خصوصی همین طور ناتوان بماند، هیچ گرهی باز نخواهد شد؛ باید سیاستها برود به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر اینکه بتواند زیر بار برخی از سرمایه گذاری های بزرگ برود. این هم میشود یکی از سیاستها.

۲.۳) نظارت و پشتیبانی دولت

دولت وقتی که شانه ی خودش را از فعالیت های اقتصادی خالی میکند، معنایش این نیست که از اقتصاد کناره میگیرد؛ نه، سیاستگذاری ها باز هم در اختیار دولت است، دست دولت است؛ یعنی بایستی سیاست را دولت بگذارد، بایستی نظارت را دولت بکند.^۲

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱

۲. در دیدار رییس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

۳.۳) عدم سوءاستفاده از خصوصی‌سازی

بشر موجود عجیبی است عزیزان من! گاهی عبادت و نماز شب هم میشود وسیله‌ی نفوذ شیطان، وسیله‌ی فریب نفس خود انسانی که دارد نماز شب میخواند! همه‌ی ایده‌های خوب، همه‌ی فکرهای خوب و شریف میتواند منفذی بشود برای شیطان. سیاستهای اصل ۴۴ خیلی خوب است، خیلی لازم است و حتماً باید با گسترش تمام اجرا شود؛ اما مراقب باشند مثل آن نماز شب دام شیطان نشود. از اینجا هم ممکن است شیطانها نفوذ کنند. بارها گفته‌ام؛ آدمهای سوءاستفاده‌چی، قانون‌دانه‌ی قانون شکن، کسانی که بلدند چه جوری سر مأمور و مسئول و رئیس و مرئوس و آدم کوچه و بازار را بیچانند، برای اینکه به یک طعمه‌ای دست پیدا کنند؛ اینها کارخانه را بخرند، بعد به بهانه‌های گوناگون کارخانه را زمینگیر کنند، کارگرها را بیکار کنند؛ بعد از ماشین آلات فرسوده‌ی همان کارخانه، پول فروشش را در بیاورند، از زمین آن کارخانه هم به میلیاردها و آلف و الوف برسند؛ از این کارها شده است، میشود؛ باید همه حواسشان جمع باشد.^۱

۴.۳) رعایت سیاستهای کلی

توسعه‌ی عادلانه در خصوصی‌سازی

ما در زمینه‌ی همه‌ی فعالیتهای گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه محوریم، هم عدالت محور. اینها با هم متنافی نیستند. ما طبق برخی از سیاستهایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه،

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۸۹/۲/۸

این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که میخواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصوّر کند اینها با هم نمیسازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه‌ی موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسئله‌ی خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.^۱

۵.۳) اطلاع‌رسانی صحیح

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمندِ توانمندشدن است، نیازمندِ اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم — ان‌شاءالله — این روند روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، میتوانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند — ان‌شاءالله — مسئله‌ی اقتصادی را پیش ببرند.^۲

۶.۳) توجه به ارزیابی عملکرد

در مقایسه‌ی خصوصی‌سازی در سالهای طولانی گذشته با این چند سال، آماری ذکر میشود؛ این آمار، آمار درستی است؛ منتها آن زمان سیاستهای اصل ۴۴ ابلاغ نشده بود؛ یعنی آن زمانی که اصلاً بحث سیاستهای اصل ۴۴ نبود، آن وقت را نباید ملاحظه کرد؛ بعد که آن سیاستها ابلاغ شد، اصلاً وضع مسئله‌ی اقتصاد عوض شد؛ در واقع حرکت جدیدی در اقتصاد کشور آغاز شد؛ لذا مقایسه‌ی با قبل از آن

۱. در دیدار با رییس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

دوران، مقایسه‌ی تعیین‌کننده‌ی ای نیست. در همین دوران، ما بایستی ببینیم در باب اصل ۴۴ چه کار کردیم؛ این مهم است.^۱

(۴) هدف اجرای سیاستهای اصل ۴۴^۲

ما در اعلام و ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴ یک هدف بزرگی را در نظر داشتیم و داریم که باید ان شاء الله دنبال شود. طبق منطوق خود آن اصل، ما بایستی در زمینه‌ی مالکیت دولت و فعالیت اقتصادی دولت تجدید نظر می‌کردیم، و این تجدیدنظر انجام گرفت. با چه هدفی؟ با هدف ایجاد یک اقتصاد رقابتی با حضور بخش خصوصی و سرمایه‌ی بخش خصوصی در عرصه‌ی اقتصاد کشور.^۳

فصل هفتم

اصلاح الگوی مصرف

مصرف صحیح؛ فرصتی برای شرکت همگانی در جهاد

یک جمله خطاب به همه‌ی ملت ایران است، آن اینکه در این جهاد اقتصادی همه شریکند. در اداره‌ی اقتصاد یک ملت، مصرف هم یک رکن عمده است؛ مصرف درست، مصرف خوب، مصرف دور از اسراف و

۱ در دیدار رییس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸

۲. اهداف اشاره شده در سند ابلاغیه‌ی اصل ۴۴ عبارتند از: شتاب‌بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاههای اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخشهای خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدای فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها. (۲۲۶)

۳. در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی، ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

تبذیر و اتلاف مال؛ همین چیزی که همیشه توصیه میشود.^۱

(۱) عادت به مصرف تولیدات داخلی

جهاد اقتصادی و حمایت از تولیدات داخلی

در سال جهاد اقتصادی، به نظر من یکی از قلمهای مجاهدت اقتصادی مردم این است که بروند سراغ کالای ساخت داخل؛ آن را بخواهند. البته این طرف قضیه هم این است که کالای ساخت داخل بایستی قانع کننده باشد؛ بایستی دوامش، استحکامش، مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند؛ این هر دو در کنار هم، یک کار لازم و واجبی است.^۲

عادت به تولیدات داخلی

ما باید تولید ملی را افزایش بدهیم، تقویت کنیم؛ عادت کنیم به مصرف تولیدات داخلی؛ عادت کنیم به بالابردن کیفیت تولیدات داخلی، که البته در این مورد مسئولین دولتی و همچنین قانونگذاران وظایف سنگینی دارند.^۳

اقبال به مصرف کالاهای خارجی؛ میراث دوران طاغوت

یکی از آفات موجود اجتماعی ما که ریشه‌ی آن، میراث دوران طاغوت و دوران ظلمانی گذشته است، همین است که افراد، دلبسته‌ی به تولیدات بیگانه باشند. یک وقت تولید داخلی نداشتیم؛ یک وقت تولید داخلی، تولید غیرقابل مصرفی بود؛ امروز این جوری نیست؛ امروز

۱. در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه در سفر یک روزه به این شهر، ۱۳۹۰/۱/۸

۲. در دیدار هزاران نفر از کارگران سارسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷

۳. در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷

تولیدات داخلی، تولیدات مرغوب و مطلوب است. درعین حال یک عده‌ای خوششان می‌آید که بگویند فلان نشان خارجی روی لباسشان هست یا روی وسیله‌ی خوراکی‌شان هست؛ این یک بیماری است؛ این بیماری را باید علاج کرد.^۱

عاقبت مصرف کالای خارجی؛ رشد بیکاری و فساد در جامعه

شما آن را انتخاب می‌کنید. یعنی چه کار می‌کنید: یک کارگر ایرانی را بیکار می‌کنید و یک کارگر غیرایرانی را به کار وادار می‌کنید. خوب، مگر بیکاری امروز، مشکل عمده‌ی جامعه‌ی ما نیست؟ وقتی شما این‌طور کردید، بنده این‌طور کردم، آن برادر دیگر، آن خواهر دیگر و یکی یکی از این روش پیروی کردیم، نتیجه چه میشود؟ نتیجه، ورشکستگی کارخانه‌ی داخلی، بیکاری کارگر داخلی و در نهایت، باعث ناامیدی سرمایه‌گذار داخلی میشود. بیکاری هم که به دنبال خودش اعتیاد، فساد و اختلافات خانوادگی می‌آورد و به دنبال آن، حوادث سیاسی و اجتماعی فراوان به وجود می‌آید؛ بنابراین از یک چیز کوچکی شروع میشود؛ از یک اراده‌ی شخصی من و شما. پس اراده‌ی شخصی افراد هم حتی در تحولات اجتماعی، میتواند اثر گذار باشد؛ و از این دست مسائل، فراوان است.^۳

توجه به فرهنگ‌سازی جهت مصرف تولیدات داخلی

همه باید دست به دست هم بدهند تا تولید داخل رجحان پیدا کند؛ ارزش پیدا کند و فرهنگی بر جامعه‌ی ما و بر ذهنهای ما حاکم شود که

۱. در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷

۲ منظور کالای خارجی است.

۳. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸

مصرف کردن تولید داخلی را ارزش بدانیم. ما به قیمت به کار واداشتن یک کارگر بیگانه که تولید او را مصرف میکنیم، یک کارگر داخل کشور را بیکار میکنیم. همه‌ی مسئولین کشور، سیاستگذاران کشور، مسئولان تبلیغات کشور، خود کارآفرینان، خود کارگران، دولت، بخشهای مربوطه به این نکته باید اهمیت بدهند.^۱

نمونه‌ی عملی مصرف تولید داخلی

باید به طرف مصرف تولیدات داخلی رفت. وقتی میخواستند ساختمان اجلاس بین‌المللی را بسازند - ساختمانی که امروز ما پزش را میدهیم - مهندسان آن اینجا آمدند. من به آنها گفتم تصمیم قطعی بگیری که در این ساختمان هیچ مصالح خارجی به کار نرود. فقط در آخر کار، در بخشی از کارهای صوتی و الکترونیکی و استفاده از موکت نسوزی که در داخل نمیتوانیم تولید کنیم، از تولیدات خارجی استفاده کردند. این ساختمان به آن عظمت، نود و چند درصد مصالحش از تولیدات داخلی است. بنده در قضیه‌ی ساخت آن ساختمان چند بار قاطع این موضوع را گفتم و ابلاغ کردم که رفتند و دنبال کردند و شد. ما میتوانیم؛ این همه تولید داخلی داریم: چینی، بلور و کارهای چوبی به این خوبی داریم، که باز آقایان و بخصوص این شرکتها از خارج می‌آورند!^۲

(۲) پرهیز از اسراف

اسراف؛ یعنی خرج کردن مال بدون اثر و کارایی

لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله‌ی صرفه‌جویی را در

۱. در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران، ۱۳۸۸/۲/۹

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۲/۶/۵

خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف‌نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف‌کردن، بجا مصرف‌کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدردادن مال است. جامعه‌ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه‌ی ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست.

اسراف؛ یکی از عوامل تهدید آینده‌ی کشور

در آیات شریفه‌ی قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده این به‌خاطر همین است. اسراف، هم لطمه‌ی اقتصادی میزند، هم لطمه‌ی فرهنگی میزند. وقتی جامعه‌ی دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی میگذارد؛ بنابراین مسئله‌ی صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله‌ی اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده‌ی کشور را تهدید میکند.^۱

اسراف؛ تضييع نعمت الهی

ما وظیفه داریم که زندگی خود را بر طبق آنچه که دین از ما خواسته است و عقل سلیم از ما میطلبد، تنظیم کنیم. اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در وسایل زندگی، زیاده‌روی، زیاد

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱/۱۳۸۸/۱

خریدن، زیاد مصرف کردن، دور ریختن چیزهایی که قابل استفاده است، اینها تضييع نعمت خداست.^۱

تغییر معیار و میزان اسراف در طول زمان

مصرف باید به اندازه باشد، نه به حد اسراف و زیاده‌روی. این اندازه در هر زمانی متفاوت است. امروز بسیاری از قشرهای مردم و خانواده‌ها دچار مشکل و زحمتند و هنوز اثرات و ثمرات بازسازی کشور، خودش را به‌طور کامل نشان نداده و خیرات و برکاتش به همه نرسیده‌است. اندازه عبارت است از اینکه انسان خودش را هر چه میتواند به این قشرها نزدیک کند. مسئولین عزیز کشور، اعم از دولتی و قضائی و سایرین، بخصوص باید این اصل را بیش از دیگران رعایت کنند.^۲

اسراف عامل ایجاد مشکل برای کشور

انضباط اقتصادی و مالی یعنی مقابله با ریخت‌وپاش، زیاده‌روی و اسراف. ریخت‌وپاش مالی و زیاده‌روی در خرج کردن و زیاده‌روی در مصرف، به‌هیچ‌وجه صفت خوبی نیست. نه اسمش جود و سخاست و نه کرم و بزرگ‌منشی است. فقط اسمش «بی‌انضباطی اقتصادی و مالی» است. کسانی که بی‌خود خرج میکنند؛ زیادی خرج میکنند و زیادی برای خودشان مصرف میکنند و رعایت موجودی جامعه را از لحاظ امکانات اقتصادی نمیکنند، انسانهایی هستند که از نظر من بی‌انضباط از لحاظ امکانات اقتصادی و مالی هستند؛ اگر چنین وضعیتی ادامه پیدا کند، این ملت کارش مشکل خواهد شد.^۳

۱. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۷۶/۱/۱

۲. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۷۱/۱/۱

۳. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۷۴/۱/۱

نامناسب بودن مصرف در جامعه

چون وضع جامعه‌ی ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست، ما باید اعتراف کنیم به این مسئله. عاداتهای ما، سنتهای ما، روشهای غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما این جوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد میکند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی میشود.^۱



ما در زمینه‌ی مصرف، در زمینه‌ی هزینه‌کردن منابع مالی کشور که به وسیله‌ی خود ما و به وسیله‌ی همه‌ی برادران هم‌میهن ما و به وسیله‌ی مسئولین کشور با زحمت زیاد به وجود می‌آید، دچار نوعی بی‌توجهی هستیم، که بایستی این را تبدیل کنیم به یک توجه و اهتمام خاص. ما دچار اسراف هستیم، ما دچار ولخرجی و ولنگاری در مصرف هستیم. این را من در اوّل سال، ان شاءالله در سخنرانی، با جزئیات آن برای مردم عزیزمان توضیح خواهم داد. اما امروز فقط اجمالاً عرض میکنم؛ بسیاری از منابع کشور، شاید بشود گفت بخش مهمی از منابع کشور در همه‌ی زمینه‌ها - چه در زمینه‌ی مسائل شخصی، و چه تا حدودی در زمینه‌های عمومی - صرف اسرافها و زیاده روی‌های ما در مصرف میشود. ما بایستی مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم.^۲

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱/۱/۱۳۸۸

۲. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۸۷/۱۲/۳۰

۱.۲ اسراف ملّی

اسراف ملّی؛ مانع پیشرفت ملّی

اسراف فقط در زمینه‌ی فردی نیست؛ در سطح ملّی هم اسراف میشود. همین برق و انرژی که گفتیم اسراف میشود، بخش مهمّی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه‌های ارتباطاتی، شبکه‌های انتقال برق، سیمهای برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر میرود. برق را تولید کنیم، بعد با این شبکه‌ی فرسوده آن را هدر بدهیم، که بخش مهمّی هدر میرود. یا شبکه‌های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر میرود. اینها اسرافهای ملّی است؛ در سطح ملّی است؛ مسئولین آن، مسئولین کشورند. اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. رؤسای سازمانهای گوناگون مصرف شخصی نمیکنند، اما مصرف بی‌رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، مبلمانهای گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمانها بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اسراف وجود داشته باشد. همان‌طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمیشود؛ باید برنامه‌ریزی کنند. قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریّه موظفند به پیگیری. برنامه‌ریزی کنند، قانونگذاری کنند، قانون را با قاطعیّت تمام اجراء کنند. این پیشرفتی که ما در این ده‌سال خواهیم داشت، بخش مهمّی‌اش مربوط به همین قضیه است.^۱

۲.۲ تأثیر اسراف بر جامعه

اسراف؛ عامل رشدهنده‌ی فاصله‌ی طبقاتی

اسراف، روزه‌روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱

بیشتر و عمیق‌تر میکند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاه‌های مسئول بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاه‌های تبلیغاتی و فرهنگی - به ویژه صدا و سیما - باید وظیفه‌ی خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه‌ی لازم مصرف‌کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند.^۱

اسراف؛ به ضرر آحاد و اشخاص کشور

این‌جور مصرف‌کردن در همه‌ی زمینه‌ها - در امور ضروری زندگی، در زیادی‌های زندگی - مصرف‌کردن بی‌رویه و بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ماست. من از عموم مردم و بخصوص از مسئولین درخواست میکنم، خواهش میکنم که در این زمینه‌ی فعالیت خودشان را در این سال زیاد کنند، افزایش بدهند و برای اصلاح الگوی مصرف برنامه‌ریزی کنند.^۲

اسراف؛ دلیل گرسنگی برخی در کشور

حدّ و اندازه نگه دارید؛ زیاده روی و اسراف نکنید؛ نعمتهای الهی را ضایع ننمایید؛ که متأسفانه بسیاری میکنند. در جمهوری اسلامی، کسانی هستند که دستشان به نعمتهای الهی نمیرسد. نه به‌خاطر اینکه کم داریم. به‌خاطر اینکه بسیاری به خودشان حق میدهند که نعمتهای الهی را بی حساب و کتاب مصرف کنند؛ بی‌اندازه مصرف کنند؛ هیچ ملاحظه‌ای نکنند؛ هیچ حدّی نگه ندارند و حتّی نعمتهای الهی را ضایع کنند. چقدر

۱. در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵

۲. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۸۷/۱۲/۳۰

نان ضایع میشود! چقدر غذای طبخ شده ضایع میشود! چقدر میوه‌ی مصرف نشده ضایع میشود و از خانه‌ها بیرون ریخته میشود! چقدر لباس زیادتر از اندازه‌ی لازم، چند برابر اندازه‌ی لازم خریداری میشود و در خانه‌ها و صندوقها میماند، برای اینکه یک بار در مراسمی پوشیده شود! اینها اسراف است.^۱

توجه به زیانهای اقتصادی، اجتماعی و روانی اسراف

من بخصوص توصیه میکنم که مردم از اسراف، چه در ایام عید و چه در طول سال آینده و به ویژه در مراسمی که معمولاً در آنها دچار اسراف میشوند، خودداری کنند. مصرف بی‌رویه و زیاد، قاعدتاً از سوی قشرهای مرفه انجام میگردد؛ چون قشرهای ضعیف قادر نیستند که زیاد مصرف کنند. مصرفی که از سوی یک قشر انجام میگردد، به زیان کشور است. یعنی هم زیان اقتصادی، هم زیان اجتماعی و هم زیان روانی و اخلاقی دارد. من مکرراً عرض کرده‌ام، باز هم میگویم و خواهش میکنم که مصرف‌گرایی را رها کنند. مصرف باید به اندازه باشد، نه به حد اسراف و زیاده‌روی.^۲

اسراف و خرج اضافی؛ عامل اختلال روانی

این کارها^۳ زندگی دیگران را از لحاظ روانی مختل میکند. شما مثلاً مبالغ زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف میکنید؛ درحالی‌که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی شما در یک محل دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه‌ی زندگی خود و فرزندان و عزیزانشان نیاز مبرم دارند. آیا این کار در چنین

۱. در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۲/۱/۴

۲. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۷۱/۱/۱

۳. منظور ریخت و پاش اضافی میباشد.

شرایط، کار درستی است؟ پس در اموال شخصی و مالی که از راه حلال هم به دست آمده باشد، ریخت و پاش غلط و خلاف انضباط است.^۱

۳) اصلاح الگوی مصرف

لزوم اصلاح الگوی مصرف

ما بایستی الگوی مصرف را اصلاح کنیم. ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه‌ی اول - چه قوه‌ی مقننه، چه قوه‌ی مجریه، و چه سایر مسئولین کشور؛ قوه‌ی قضائیه و غیر آنها - و اشخاص و شخصیتها در رتبه‌های مختلف اجتماعی، و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کنند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند.^۲

الگوی مصرف راه رسیدن به پیشرفت و عدالت

یک اقدام اساسی در زمینه‌ی همین پیشرفت و عدالت، آن مسئله‌ای است که من در پیام نوروزی خطاب به ملت عزیز ایران عرض کردم و آن مسئله‌ی مبارزه‌ی با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضييع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است. البته بار اولی نیست که ما این مطلب را مطرح میکنیم.^۳

اصلاح الگوی مصرف؛ کلید حل مشکلات اقتصادی

تا وقتی الگوی مصرف را اصلاح نکنیم، تا وقتی ندانیم آب را چه جور باید مصرف کرد، برق را چه جور باید مصرف کرد، نان را

۱. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۷۴/۱/۱

۲. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۸۷/۱۲/۳۰

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱

چه جور باید مصرف کرد، پول را چه جور باید مصرف کرد، تا اینها را درست مصرف نکنیم، راههای مصرف را ندانیم، مشکلات ما به حال خود باقی خواهند ماند. باید ما اصلاح الگوی مصرف را دنبال کنیم.^۱

۴) مصرف بیت‌المال

تهیه‌ی دستورالعمل غیرمصرفانه برای دولت

حتماً ترتیباتی را باید به وجود آورند که در دستگاه عظیم دولتی، پول زیادی و بیخودی مصرف نشود. در درجه‌ی اول این است که رقمهای کلان و بزرگی را شامل میشود. البته من اطلاع دارم که دولت در بعضی از بخشها صرفه‌جویی‌های خوبی کرده است - در زمینه‌ی سفارتخانه‌های خارجی، در زمینه‌ی سفرهای خارجی و خیلی چیزهای دیگر - لیکن باید ترتیبی داده شود که در همه‌ی بخشهای دولتی، از بالا تا پایین، مراعات این معنا بشود. همه وظیفه‌ی خودشان بدانند و دستگاه‌هایی که میتوانند، دستورالعملی هم برای چگونگی خرج کردن غیرمصرفانه برای مردم تهیه بکنند.^۲

یافتن اولویتهای در مصرف اموال عمومی

هزینه‌کردن اموال عمومی در اقدامهای بدون اولویت، و به طریق اولی در کارهای صرفاً تشریفاتی، میدان‌دادن به عناصری که زرنگی و پررویی آنان همه‌ی گلوگاه‌های اقتصادی را به روی آنان میگشاید و خلاصه پدیده‌ی بسیار خطرناک انبوه‌شدن ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آن را هزینه‌ی کسب قدرت سیاسی کنند و البته با تکیه بر آن

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۷/۱۰/۴

قدرت سیاسی اضعاف آنچه را که هزینه کرده‌اند، گرد می‌آورند.^۱

اهتمام مسئولان به اولویت‌گذاری در بخش مصرف

من از مسئولین امور می‌خواهم جداً در زمینه‌ی مصرف اموال عمومی، در جاهایی که اولویت ندارد - ولو ممکن است مورد نیاز هم باشد، اما نیاز درجه‌ی یک نیست - خودداری کنند. آنجایی که امر دایر است بین نیاز با اولویت و نیاز بی‌اولویت، خودداری کنید. آنجایی که نیاز نیست و حاجت نیست، حتماً مصرف نشود. آنجایی که حاجت هست، اما حاجت بالاتری نیز هست، آنجا هم مصرف نشود و این امکان مالی در حاجت برتر و بالاتر مصرف گردد. این هم توصیه‌ی امسال من است و امیدوارم باز مسئولین کشور نسبت به این قضیه‌ی اهتمام ورزند. به تعبیر دیگر، مسئولین فرهنگی، اهتمام فرهنگی و مسئولین اقتصادی و اداری و دولتی و اجرایی، اهتمام اجرایی ورزند.^۲

عدل علوی؛ الگوی مطلوب برنامه‌ریزی و مصرف بیت‌المال

امروز کسانی که با بیت‌المال مسلمین سروکار دارند، باید از مصرف و خرج کردن بیت‌المال در غیرمصارف عمومی و مردمی، خودداری کنند. این، راه تقسیم عادلانه‌ی بیت‌المال است. اگر مسئولی خدای ناخواسته، در امر بیت‌المال اسراف بورزد، یا آن را در مصارف شخصی و یا برای دوستان و نزدیکان و مرتبطين خود مصرف کند، این، تخلف از عدل و قرار واقعی در امر بیت‌المال است. باید بیت‌المال مسلمین در همان طریقی که قانوناً معین شده و همان مصارف عمومی و بخشهایی که

۱. پیام به مناسبت دوّمین همایش جنبش دانشجویی، ۱۳۸۱/۸/۶

۲. پیام نوروزی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، ۱۳۷۴/۱/۱

وظیفه‌ای از وظایف کشور را بر عهده دارد، مصرف شود؛ لذا امیرالمؤمنین (علیه‌الصَّلوة و السَّلَام)، آن روز به کسانی که مسئولیت امور کشور را بر عهده داشتند، سختگیری را به‌جایی رساندند که به‌قول امروز، بخشنامه کردند: **أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ**؛ سر قلمهای خودتان را که با آن مینویسید، ریز بتراشید. هم صرفه‌جویی در قلم، هم صرفه‌جویی در کاغذ، هم صرفه‌جویی در مرکب! **و قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ**؛ سطوری را که در کاغذ مینویسید به هم نزدیک بنویسید و در کاغذ صرفه‌جویی کنید. **وَأَقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي**؛ مطالب لازم را بنویسید. از زیاده‌روی و زیاده‌نویسی پرهیز کنید. اگر امروز بخواهند این حرفها را تکرار کنند، به این شکل خواهد بود که از ایجاد دستگاه‌های زاید، استخدامهای زاید و توسعه‌دادنهای زاید، خودداری کنید؛ یعنی باید از کاغذپراکنی و زیاده‌نویسی‌های بی‌هوده و وقت‌تضییع‌کن، خودداری کنیم. این خصوصیات را، امیرالمؤمنین (علیه‌الصَّلوة و السَّلَام)، رعایت میکردند. در آخر این جمله هم، که بعضی از فقراتش را من عرض کردم، میفرمایند: **فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا يَحْتَمِلُ الْأَضْرَارَ**؛ ضرر رساندن به اموال مسلمانان را تحمل نمیکردند که کسی بخواهد ولو به اندازه‌ی کمی به اموال عمومی ضرر برساند. این، یعنی امانتدار دانستن خود و همه‌ی مسئولین بیت‌المال. این، آن عدل امیرالمؤمنین (علیه‌الصَّلوة و السَّلَام) است و این، آن قله‌ی ای است که ما باید به آن برسیم.^۲

عدم سوءاستفاده از قدرت حاکمیتی

در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه‌های مختلف و

۱ موسوعه الامام علی‌بن‌ابی‌طالب (علیه‌السَّلَام)، ج ۴، ص ۲۲۱.

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خم، ۱۳۷۱/۰۳/۳۰

مدیریتها و امضاها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر این طور شد، آنگاه دستها و دامنها پاک خواهد ماند؛ و آلا اگر مسئولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه‌ی بزرگ در اختیار اوست؛ فلان پروژه‌ی مهم و پُرخرج زیر امضای اوست و فلان صندوق پول زیر کلید اوست، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمع آوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان - که متعلق به کشور و مردم است - استفاده کند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستمهای ظالمانه در گذشته و امروز در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع کثیری دچار محرومیت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم. اینکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) میفرماید: *مَا رَأَيْتُ نِعْمَةً مَوْفُورَةً إِلَّا وَفِي جَانِبِهَا حَقٌّ مُضَيِّعٌ*؛ یعنی هر جا شما دیدید ثروت انباشته ای به وجود آمده، بدانید در کنارش حقوق ضایع شده‌ی فراوانی وجود دارد؛ مظهر اصلی و مصداق عمده اش همین است که کارگزاران و مسئولان حکومت، با استفاده از نفوذ و قدرت، راحت بتوانند از امکانات عمومی استفاده کنند؛ بانکها راحت وام بدهند؛ مراکز گوناگون، امکان استفاده از زمین، آب، هوا، تجارت و وارد کردن و صادرکردن را در اختیار آنها بگذارند؛ ناگهان ببینید کسانی که دستشان از مال دنیا تا اندکی پیش خالی بود، ثروت‌های گزاف پیدا کرده‌اند؛ ظاهر کار هم قانونی است.^۲

۱. الخصال، شیخ صدوق ج ۱ ص ۳۱۰؛ وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، ج ۱۷، ص ۴۰۴؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۱، ص ۱۰۵.

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳

عدم دل سپردن مسئولین به لذات دنیوی

ما در مسئولیتهایی که قرار گرفته ایم، باید به لذات و شهوات و جمع آوری ثروت دل نسپاریم. مقطع ما، مقطع عظیمی است؛ در تاریخ، یکی از مقاطع بسیار حسّاس و برجسته است. بدانید همه‌ی ما زیر ذره‌بین قضاوت مردم در طول صدها سال آینده قرار خواهیم داشت؛ روی اعمال و کارهای ما قضاوت میکنند. اگر خطا کنیم، بلغزیم و دل به لذت و راحت و شهوت دنیا بدهیم - که این برای انقلاب گران تمام خواهد شد - در پرونده‌ی ما در تاریخ ثبت خواهد شد. پیش خدای متعال هم که معلوم است و عرض کردیم چقدر هم دشوار است.^۱

۵) مصرف گرایی

۱.۵) مصرف‌گرایی؛ سیاست تاریخی استکبار

آن روز سیاست دنیای استکباری نسبت به کشور ما - مثل سیاست همیشه‌ی استکبار نسبت به کشورها - این بود که گاو شیرده‌ای را برای خودشان نگه دارند؛ لذا پیشرفت کشور را نمی‌پسندیدند؛ میخواستند از نفت، معادن، منابع و بازار مصرف کشور استفاده کنند. نمیتوانستند ببینند کشوری از لحاظ علمی پیشرفت کند و رقیب آنها شود؛ آنها مصرف‌کننده و ریزه خوار خوان خود را می‌طلبیدند؛ حکومت هم وابسته‌ی به آنها بود؛ سیاستها و برنامه‌ها هم همان سیاستها و برنامه‌ها بود.^۲

تجمل‌گرایی؛ مانع رشد و اقتدار و سازندگی

آنچه بیش از همه برای ملت‌ها مایه‌ی افتخار است، عبارت است از قدرت دفاع و قدرت سازندگی؛ در معیار تقدیر و ارزشگذاری بر روی

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

۲. در اجتماع بزرگ مردم کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۱

ملتها، آنچه در بالای صفحه قرار میگیرد، این دو توانایی است. هرگز در تاریخ، کشوری را به خاطر مثلاً وسعت بازرگانی‌اش یا تجملات زندگی یا مصرف زیاد و از این‌گونه چیزها ستایش نمیکنند؛ مگر زبانهای سطحی جو و مغزهای سطحی نگر؛ اما ملتهایی را که توانسته‌اند در مواقع حساس از خود دفاع کنند، تاریخ ستایش میکند و قشرهای ژرف‌نگر به چشم تجلیل بر آنها مینگرند. تاریخ همچنین ملتهایی را که توانسته‌اند پس از ضربه‌های هولناک و ویرانی‌های وسیع، با سازندگی و قدرت نوآوری، دوباره خود را به حال اول - بلکه بهتر - برگردانند، ستایش میکند.^۱

۲.۵) اثرات فرهنگ مصرف‌گرایی

مصرف‌گرایی؛ بلای بزرگ جامعه

مصرف‌گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدانهای مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیاده‌ها بزنیم.^۲

مصرف‌گرایی؛ مانع کمک به فقرا

یکی از عواملی که نمیگذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف، روزبه روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروتها و پولهایی که در این راهها

۱. در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه منطقه‌ی دوّم دریایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۲

۲. در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵

هدر می‌رود و از مصرف‌شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، باز میماند!^۱

۶) کاهش مصرف از طریق بهره‌وری و صرفه‌جویی

صرفه‌جویی؛ خط اساسی برنامه‌ریزی

لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله‌ی صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف‌نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف‌کردن، بجای مصرف‌کردن، ضایع‌نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است.^۲

مبارزه با فقر با استفاده‌ی بهینه از منابع

مبارزه با فقر؛ یعنی تلاش برای اینکه ثروت ممکن‌ی که میشود از منابع ملی استخراج گردد و به دست آید، اولاً به شکل بهینه استخراج شود و بعد به شکل بهینه مصرف شود و اسراف نگردد.^۳

اهتمام در صرفه‌جویی در کالاها و مواد اساسی

صرفه‌جویی در مواد اساسی، از جمله صرفه‌جویی در مصرف آب. امروز نود درصد آبی که ما در کشور مصرف می‌کنیم، در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. اگر دولت به توفیق الهی بتواند شیوه‌های آبیاری کشاورزی را اصلاح کند، اگر از این نود درصد، ده درصد کم بشود، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد.^۴

۱. در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱

۳. در جمع مردم استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۳

۴. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

لزوم صرفه‌جویی، از مصرف تا بازیافت

این صرفه‌جویی ای که لازم است، از تولید تا مصرف تا بازیافت: آب را صرفه‌جویی کنیم؛ یعنی از سدهایمان صیانت کنیم، شبکه‌های آبرسانی را اصلاح کنیم، آبیاری‌های باصرفه‌ی در کشاورزی را آموزش بدهیم که چه جوری آبیاری بشود. البته این کارها خوشبختانه در این سالها به میزان زیادی انجام گرفته، اما این کافی نیست؛ باید توسعه پیدا کند. زمینه‌سازی کنیم برای کاهش مصرف آب خانگی.^۱

استفاده‌ی بهینه از آبهای کشور؛ راه مبارزه با کم آبی

همان‌گونه که میدانید آب در کشور ما به قدر زمین نیست. معروف است که ایران کشور کم آبی است؛ اما اگر با عقل و تدبیر و روحیه‌ی خستگی‌ناپذیر پیش برویم، میشود از همین آب موجود استفاده کرد. آبها را که هرز میرود، مهار کنیم. آبها را درست مصرف کنیم. در مصرف آب اسراف نکنیم. با کار علمی و مدبرانه میشود استفاده‌ی بهینه کرد.^۲

لزوم همزمانی کاهش مصرف و بازیافت

باید روی بازیافت، صرفه‌جویی و تولید کاغذ داخلی کار شود؛ یعنی کاری کنند که در کاغذ، صرفه‌جویی شود. امروز با اینکه آدمی گاهی فکر میکند که دیگر حالا دوران *أَقْلَامِكُمْ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ*^۳، نیست، می‌بینیم نه! اتفاقاً، باز هم دوران همینهاست. باز هم باید قلمها را ریز

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱

۲. در دیدار جهادگران و کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴

۳. [برای نامه‌نویسی] مدادهای خود را باریک بتراشید و سطرهایتان را نزدیک هم کنید؛ الخصال، شیخ صدوق ج ۱ ص ۳۱۰؛ وسائل الشیعه، شیخ حرّعاملی، ج ۱۷، ص ۴۰۴؛ بحارالأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۱، ص ۱۰۵.

تراشید، تا کاغذ کمتر مصرف شود و باز هم باید در باب کاغذ، صرفه‌جویی کرد تا به نیاز جامعه برسد. علاوه بر این، مسئله‌ی بازیافت کاغذ و همچنین تولید کاغذ داخلی، باید ان‌شاءالله مورد توجه قرار گیرد. بعضی از این کارها به عهده‌ی دولت و بعضی به عهده‌ی مردم است.^۱

۷) لزوم استفاده از ابزار مالیات برای بهبود سطح مصرف

اینکه گفته میشود از کسانی که مصرف زیاد دارند، مالیات بیشتری گرفته شود، یارانه‌ی کمتری به آنها داده شود، حرف بسیار معقولی است، حرف خوبی است. آن کسانی که مصرف کمی دارند، از کمکهای دولتی، از کمکهای عمومی بهره‌مند شوند. بعضی‌ها هستند به قدری کم آب مصرف میکنند که اگر دولت از آنها پول آب را هم نگیرد، مانعی ندارد. بعضی‌ها ده برابر آنها، بیست برابر آنها آب مصرف میکنند؛ خوب، اینها بایستی هزینه‌ی بیشتری بدهند.^۲

فصل هشتم

الگوی تجارت خارجی مطلوب

۱) صادرات

صادرات؛ وسیله‌ی ابراز توانایی ایران

باید بتوانیم در بخش صنعت در دنیای اسلام یک پرچم برافراشته به حساب بیایم و دنیای اسلام استقبال خواهد کرد حالا من بعد در زمینه‌ی

۱. در مصاحبه‌ی گزارشگر صدا و سیما در جریان بازدید از «نمایشگاه کتاب»، ۱۳۷۴/۲/۲۶

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱

مسئله‌ی صادرات که یکی از مسائل اساسی ماست اشاره می‌کنم و دنیا نگاه کند به جمهوری اسلامی و ببیند که این ملت با هوشمندی خود با توانایی‌های خود توانسته در این میدان این پیشروی‌ها را انجام بدهد.^۱

توسعه‌ی صادرات؛ عامل رفع احتیاج به درآمدهای نفتی

امروز جنس به این ارزشمندی به‌منزله‌ی ابزاری در دست مصرف‌کنندگانی است که شدیداً به آن احتیاج دارند. آنها چنین سیاستی را از دهها سال پیش تا به امروز، طرّاحی و اجرا کرده‌اند و متأسفانه همواره عدّه‌ای از سیاستمداران خائن کشورهای وابسته نیز با آنها همکاری می‌کنند. در چنین وضعیتی اگر ملت ایران - اعم از کارگر ایرانی، جوان ایرانی، تولیدکننده‌ی ایرانی و معلم ایرانی - با همه‌ی تلاش و غیرت خود وارد عمل شود و این کشور را به‌گونه‌ای بسازد که به‌خاطر صادرات و واردات و نیازهای مصرفی، محتاج فروش نفت خود، آن هم با این قیمت پایین نباشد، ببینید چه خدمت بزرگی به امروز و آینده‌ی این کشور خواهد بود!^۲

وابستگی درآمدهای ملّی به درآمدهای نفتی؛ روشی غلط در اداره‌ی کشور

از جمله‌ی کارهایی که باز همّت مضاعف را در زمینه‌ی اقتصاد نشان میداد، افزایش صادرات غیرنفتی است. بودجه‌ی کشور ما متأسفانه از دهها سال پیش به این طرف، وابسته‌ی به نفت است. این روش را همه‌ی

۱. در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، ۱۳۸۹/۱/۹

۲. در دیدار کارگران و معلمان در «روز کارگر» و «هفته‌ی معلم»، ۱۳۷۳/۲/۱۳

اقتصاددانهای دلسوز رد میکنند؛ این روش در کشور ما عادت شده است. نفت را استخراج کنند، بفروشند، از پول آن کشور را اداره کنند؛ این شیوهی غلطی است. من سالها پیش این را گفتم که یکی از آرزوهای من این است که یک روزی ما بتوانیم کشور را جوری اداره کنیم که حتی اگر لازم بود، یک قطره نفت هم صادر نکنیم و کشور اداره شود. این چیزی است که تا امروز پیش نیامده است. البته کار آسانی هم نیست، کار بسیار مشکلی است. افزایش صادرات غیرنفتی موجب میشود که ما به این هدف نزدیک شویم؛ و این کار دارد انجام میگردد.^۱

وابستگی به نفت؛ از بزرگترین بلیات ما

معادلهی صادرات و واردات حتماً مثبت باشد. ما باید به اینجا برسیم و بتوانیم خودمان را از درآمد نفت واقعاً بی نیاز کنیم. یکی از بزرگترین بلیات اقتصاد ما، و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است.^۲

سیاستهای افزایش صادرات

تأکید بر تحقیقات

نکتهی دیگری که مهم است، مسئلهی تحقیق است؛ تحقیق و توسعهی فناوری. امروز همهی صنایع دنیا از جمله صنعت خودرو دانش محور است. مرتب دارند فکر میکنند، کار میکنند، تحقیق میکنند، پژوهش میکنند، برای اینکه این را کامل تر، بی عیب تر، زیباتر، کم مصرف تر، ارزان تر از آب در بیاورند. این جز با پیشرفت علمی، جز

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

۲. در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش های اقتصادی، ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

با تأمل و دقت و تحقیق، ممکن نیست. باب تحقیق را بایستی باز گذاشت. دستگاه‌های مختلف، کارخانجات صنعتی و مدیران صنعتی و مدیران دولتی مشرف بر صنعت، بر روی مسئله‌ی تحقیق باید خیلی تلاش بکنند. این کمک میکند به اینکه صنعت بتواند در شرایط سخت رقابتی، خودش را حفظ کند؛ در رقابت با رقبای پیشرفته زمین نخورد. این با تحقیق امکان‌پذیر است.

تأمین بازار صادراتی توسط دولت

دستگاه‌های گوناگون دولتی باید تلاش بکنند تا بازار صادراتی را تأمین بکنند. این یکی از آن کارهای بسیار حسّاس، بسیار هنرمندانه و مبتنی بر تلاشهای متنوع و مرکب چندجانبه است. بعضی از کشورهای همسایه‌ی ما صادرات خودرویشان در سال، میلیاردها دلار درآمد برایشان دارد! این کار بسیار مهمی است؛ یعنی از اوّل باید حرکت سازندگان خودرو ناظر باشد - حالا خودرو را من به عنوان یک نمونه‌ی بارز عرض میکنم، مجموعه‌ی صنایع از این قبیل است که باب صادرات باز بشود یعنی از اوّل فکر بشود و دستگاه‌های دولتی، پیدا کردن بازارهای صادراتی را یکی از اهداف خودشان قرار بدهند.^۱

صادرکردن جنس مرغوب

ارسال جنس نامرغوب، جنس بد، بسته بندی نامطلوب، تأخیر در رساندن، اینها بد است. آن شرکتهایی در دنیا موفقند که صدسال است، صدوپنجاه سال است دارند محصول تولید میکنند و توانسته‌اند مشتری را راضی نگه دارند. فرض بفرمایید یک شرکت آلمانی یا یک شرکت

۱. در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، ۱۳۸۹/۱/۹

سوئسی از صدوپنجاه سال، صدوشصت سال قبل دارد یک جنسی را تولید میکند و میفرستد و همچنان در کشور ما و کشورهای دیگر مشتری دارد. چرا؟ چون از جنس راضی هستند؛ به وقت میرسد، استحکام لازم را دارد، دوام لازم را دارد، زیبایی لازم را دارد، تنوع و تطوّر لازم را به تناسب پیشرفت زمان دارد. صادرکننده باید اینها را ملاحظه کند. این احتیاج به یک فرهنگ دارد؛ فرهنگ حسن عمل در تولیدی که میخواهد به خارج از کشور و خارج از مرزها برود.^۱

(۲) واردات

رشدِ واردات؛ بدترین روش برای بالابردن کیفیت کالای داخلی

من بارها به مسئولین - مسئولین گوناگون در بخشهای مختلف دولتی - گفتم: اگر فلسفه‌ی شما، منطق شما برای افزایش واردات و تسهیل واردات ساخته‌های صنعتی این است که میگویید کیفیت مصنوعات داخلی باید بالا برود، خب فشار را روی این بخش بگذارید. سیاستهایی وجود دارد که میشود وادار کرد، مجبور کرد تولیدکننده‌ی داخلی را به اینکه کیفیت را ارتقا بدهد. بدترین گزینه برای بالابردن کیفیت داخلی این است که ما راه را برای مصنوعات خارجی باز کنیم؛ این، بدترین گزینه است. گزینه‌های بهتری وجود دارد برای اینکه ما کیفیت را بالا ببریم.^۲

ارجحیت رشد تولید داخلی نسبت به فراوانی و ارزانی ناشی از

واردات

فراوانی و ارزانی چیز خیلی خوبی است، اما از آن مهم‌تر و بهتر، رشد صنعت داخلی است؛ قوام‌گرفتن صنعت داخلی است. این درست

۱. در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی، ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

۲. در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، ۱۳۸۹/۱/۹

نیست که ما به دلایل گوناگونی که غالباً هم دلایل واهی است، دروازه را به روی واردات باز کنیم.^۱

واردات؛ عامل اصلی بیکاری

مسئله‌ی واردات بی‌رویه و بی‌منطق ضرر بزرگی است، خطر بزرگی است؛ مردم هم باید این را بدانند. وقتی یک محصول خارجی را ما داریم مصرف می‌کنیم، در واقع داریم یک کارگر خودمان را بیکار می‌کنیم، یک کارگر دیگر را داریم به کار وادار می‌کنیم.^۲

توجیه ناصواب کاهش قیمت‌ها برای توسعه‌ی واردات

من هم بارها با مسئولین در زمینه‌ی واردات صحبت کردم. البته هیچ‌کس با واردات مخالف نیست؛ تنظیم واردات لازم است، کنترل واردات لازم است. صرف اینکه ما نگذاریم بازار در یک فصلی - مثلاً فصل شب عید - از فلان کالا خالی بماند، خیلی توجیه کاملی برای افزایش واردات نیست. حتماً بایستی در مسئله‌ی واردات ملاحظه‌ی تولید داخلی بشود. البته گفته میشود که واردات به رقابت‌پذیری تولید داخلی کمک میکند؛ اگر واردات نباشد، تولیدکننده‌ی داخلی به کیفیت یا به قیمت تمام شده اهمیت نمیدهد؛ واردات، او را به این کار وادار میکند. به نظر من این خیلی منطقی قوی‌ای نیست. در این خصوص، با بعضی از مسئولین بحث‌هایی هم داشتیم.^۳

۱. در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی، ۱۳۸۹/۱/۹

۲. در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶

۳. در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی، ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

سیاستهای مدیریت واردات

من نسبت به مسئله‌ی مدیریت واردات به دولتی‌ها سفارش کردم؛ الان هم تأکید میکنم. من نمیگویم واردات متوقف بشود؛ چون یک جاهایی لازم است که واردات انجام بگیرد؛ البته مسئولین محترم دولتی به من گفتند که قوانینی که مجلس تصویب کرده به ما اجازه نمیدهد جلوی واردات را بگیریم من خواهش میکنم این قضیه را حل کنند. اگر واقعاً قانونی وجود دارد که دولت را ممنوع میکند از جلوگیری از واردات این قانون را اصلاح کنند؛ جوری باشد که مدیریت بشود. باید تولید ملی بالا برود.^۱

بازنگری در سیاستهای واردات

در زمینه‌ی سیاستهای واردات، یک بازنگری جدی بکنید؛ به خصوص در کالاهایی که ما مزیت تولیدی داریم؛ چه صنعتی، چه کشاورزی. از نگاه بخشی به واردات - که حالا هر بخش دولتی طبق نیازهای خودش دنبال واردات برود - حتماً پرهیز شود.^۲

تنظیم سیاست تعدیل بازرگانی

به صنعت داخلی حالا در زمینه‌ی خودرو که فعلاً محل کلام ماست و یا زمینه‌های دیگر بایستی سیاست تعدیل بازرگانی خودمان را در این زمینه حتماً تنظیم کنیم. یعنی واردات بی رویه قطعاً ضرر خواهد زد. دستگاه‌های سیاستگذار کشور و کسانی که سیاستهای اجرایی را تنظیم میکنند، به این نکته باید توجه کنند.^۳



۱. در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷

۲. در دیدار رییس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۰/۶/۶

۳. در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، ۱۳۸۹/۱/۹

توصیه میکنم که برادران تلاش کنند تا کاهش واردات به بعضی از بخشها هیچ ضربه ای وارد نکند و نتایج خوبی هم داشته باشد. باید برادران این نکات را به زبان ساده برای مردم تبیین کنند.^۱

اهتمام به صنعتی‌سازی و عدم واردات محصولات کشاورزی

مسئله‌ی واردات را هم که گزارش دادند البته جزو نگرانی‌های من است. حالا این گزارش هم هست؛ لیکن آنچه که انسان مشاهده میکند، یک قدری نگرانی آور است. درست است؛ ممکن است رشد نسبت واردات به صادرات غیرنفتی ما کاهش پیدا کرده، این رشد کم شده - این خودش چیز مثبتی است - اما به این اکتفا نکنید. به خصوص در همین زمینه‌های زراعی و باغی و اینها که ذکر کردند، اینها چیزهایی است که بایستی هرچه میتوانیم، از واردات اینها پرهیز کنیم. بروید سراغ همان صنعتی‌سازی صادرات کشاورزی؛ همین چیزی که در گزارشها هم بود. اینها چیزهای مهمی است؛ ان شاء الله روی اینها تکیه شود. مردم هم تحمل میکنند و میپذیرند؛ بنابراین در زمینه‌ی سیاستهای واردات، یک بازنگری جدی بکنید.^۲

(۳) جهانی‌شدن

سازمان تجارت جهانی و توجه به الزامات و شرایط پیوستن به آن

پیوستن به سازمان تجارت جهانی از نظر من کاری است مثبت؛ اما هنگامی که ما زیرساختهای لازم را برای این کار داشته باشیم، که الان این را نداریم. الان برداشتن تعرفه‌ها و رفتن داخل سازمان تجارت جهانی؛ یعنی هضم شدن در یک اقتصاد برتر، بدون امکان رقابت؛ یعنی

۱. در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفته‌ی دولت، ۱۳۷۴/۶/۸

۲. در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۰/۶/۶

کم شدن و غرق شدن؛ یعنی همین تولید داخلی را هم که تا امروز با زحمت و خون دل فراهم شده، از دست دادن و نابود کردن. بله؛ سازمان تجارت جهانی میدان گسترده‌ای برای فعالیت است؛ اما باید قدرت شنا داشته باشیم. آن روز من گفتم این کار مثل این است که ما یک تیم فوتبال را به مسابقات جام جهانی بفرستیم؛ در حالی که اعضای آن هیچ تمرینی نکرده باشند. نتیجه‌ی این کار این است که ما بیست تا گل میخوریم و برمیگردیم! ما باید آمادگی را فراهم کنیم و عجله هم نداشته باشیم. پنج سال دیگر شد، ده سال دیگر شد، دیر نمیشود. اول باید زیرساختهای اقتصادی مستحکم شود و ما خاطر جمع شویم، بعد با خیال راحت و با میل وارد صحنه شویم. الان توصیه‌ی هضم شدن در اقتصاد جهانی، برای اقتصاد ملی و مستقل ما سم مهلکی خواهد بود.^۱

اول ایجاد بنیه، بعد تجارت جهانی

بنده در اساس با تجارت جهانی مخالف نیستم. از چندی پیش از این - از زمان ریاست جمهوری قبلی تا امروز - که دنبال این قضیه هستند، بارها با من صحبت کرده‌اند. بنده هم گفته‌ام آن روز که ما بتوانیم با بنیه‌ی کافی وارد این میدان شویم، اگر نشویم به خودمان ظلم کرده‌ایم؛ اما اول باید بنیه‌اش را ایجاد کنیم. این را توجه نمیکنند که اگر با نداشتن آمادگی‌های لازم وارد این میدان شویم، چه ضررهایی خواهیم برد.^۲

اهتمام به استقلال صنعتی؛ شرط جهانی شدن

جهانی شدن، اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر میکند بازارهای جهانی به رویش باز میشود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

۲. در دیدار مدیران صدا و سیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقّلی باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ و آنگاه جهانی شدنی که دهها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال اینها - که همه ابزارهای امریکایی و استکباری بودند - به وجود آمده، ارزشی ندارد؛ بنابراین یک اصل مهم، مسئله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است.^۱

تجارت جهانی و امید دشمن

وقتی مسئله‌ی تجارت جهانی و ورود به بازارهای جهانی مطرح میشود، این امید در آنها به وجود می‌آید که شاید بناست نظام اسلامی هم بتدریج در نظام بین‌المللی مادی حل شود؛ که اگر چنین اتفاقی بیفتد، همه‌ی محاسباتش در اختیار آنهاست. فرض بفرمایید اگر کشوری وارد سازمان تجارت جهانی شد، دست غالب و قوی در سازمان تجارت جهانی مال آنهاست؛ سیاستگذاری مال آنهاست، انتفاع بیشتر متعلق به آنهاست؛ حالا گیرم سودی هم گیر فلان کشور یا دولت بیاید؛ اما آنها هستند که محاسبه میکنند. در زمینه‌ی سیاستهای گوناگون جهانی هم همین‌طور است؛ گویا بتدریج این امید در آنها بوجود آمده بود.^۲

۱. در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۱۲/۲۷

۴) اصول حاکم بر تجارت

۱.۴) خودکفایی

کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران بکلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این.^۱

لزوم خودکفایی در کالاهای اساسی

در بخش کشاورزی و دامداری - که یکی از بخشهای مهم ماست - اساس توجه باید به این باشد که ما در محصولات اصلی مصرفی کشور، به خودکفایی برسیم؛ همچنانی که در یک وقت این کار تجربه شد و جهاد سازندگی در چند سال گذشته، کشور را از واردات مواد لبنی بی‌نیاز کرد. مردم ما ناچار بودند پنیر و بقیه‌ی مواد لبنی وارد شده از خارج را مصرف کنند؛ اما امروز احتیاجی ندارند؛ چون خودکفایی پیدا شد و ما امروز صادر هم میکنیم. اخیراً مسئولان بخش کشاورزی به بنده اطلاع دادند که قادرند کشور را در زمینه‌ی موارد مصرفی اصلی کشور به خودکفایی برسانند؛ یعنی ما گندم و برنج و روغن نباتی و ذرت وارد نکنیم. ما این توانایی را داریم؛ اما همت و تعهد و ایمان و اعتقاد به نظام اسلامی و ترس از مؤاخذه‌ی الهی در مدیر لازم است تا این کارها بشود. اگر مدیران این چیزها را در خود رعایت کنند، آن موفقیت حاصل خواهد شد.^۲

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸

۲. در دیدار گروه کثیری از اصناف، ۱۳۸۰/۴/۱۰

لزوم خودکفایی کشور در صنعت و کشاورزی

بر همگان واجب است که سازندگی کشور را بسیار جدی بدانند و موانع را از سر راه آن بردارند. امروز، آبروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه گیر شود، زندگی مردم سروسامان یابد، فقر و محرومیت ریشه کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد، دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی به اعمال فشار نداشته باشد و خلاصه، دین در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشد.^۱

خودکفایی؛ مانع زورگویی دشمن

میخواهند^۲ ایران همیشه فقیر و محتاج و وابسته باشد، از سیاستهایی که ایران را به سمت توسعه اقتصادی و خودکفایی و بی نیازی از دیگران حرکت میدهد، بشدت بیمناکند و با شیوه‌هایی بس پیچیده و توطئه آمیز، با آن مخالفت میکنند.^۳

کاهش اتکا به بیگانگان

در این دوران، ملت ایران بایستی خیلی به فکر خودسازی باشد. ملت ایران باید تمام تلاش را در طول این سالهایی که هنوز امید آنها قطع نشده است، مصروف کند، برای اینکه بتواند اندک اتکایی هم به خارج از مرزهای خود نداشته باشد - یعنی خودکفایی حقیقی به معنای تام و تمام

۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹/۳/۱۰

۲. منظور دشمنان است.

۳. پیام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم ایران درباره‌ی حفظ وحدت و یکپارچگی، حمایت از دولت، جایگاه مجلس شورای اسلامی و دفاع از اصل ولایت فقیه، ۱۳۶۸/۱۰/۱۸

کلمه - تا نتوانند زورگویی کنند.^۱

اهمیت خودکفایی در فرهنگ و اخلاق

اگر یک ملت، از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرتهای بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی هم به خودکفایی کامل برسد، اما فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان این ملت رواج داشته باشد و رشد بکند، این ملت نمیتواند ادعای استقلال کند.^۲

۲.۴) استفاده از ظرفیت تجاری کشورهای اسلامی

امروز سهم دنیای اسلام از مجموع تجارت جهانی، بسیار ناچیز است؛ کمتر از ده درصد. متأسفانه سهم تجارت کشورهای اسلامی با یکدیگر نیز سهم کمی است؛ یعنی کشورهای اسلامی به جای اینکه امکاناتشان را با هم مبادله کنند؛ از ظرفیتهای هم استفاده کنند؛ به یکدیگر برای رشد تجارت و توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری کمک کنند، بیشتر رو به سمت کشورهای غیراسلامی و رو به سمت غرب دارند؛ این ضعف ماست.^۳

ایجاد بازار مشترک اسلامی

ما باید به تحرک اقتصادی در درون دنیای اسلام بیشتر اهمیت دهیم و این مرکز مهم مالی، که شما عضو آن هستید، میتواند در این مورد نقشی بسیار خوبی را ایفا کند. موانع تجارت میان کشورهای اسلامی

۱. در دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان در آستانه‌ی روز کارگر و روز معلم، ۱۳۷۶/۲/۱۰

۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور، ۱۳۶۸/۹/۱۵

۳. در دیدار با اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه‌ی اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۲۵

باید برطرف شود؛ این تصمیمی است که دولتها باید بگیرند. فکر بازار مشترک اسلامی یک فکر کاملاً عملی است؛ الان سالهاست که این فکر مطرح است. البته ایجاد بازار مشترک میان دولتهای اسلامی مقدماتی دارد؛ دشوار است، لکن ممکن؛ ما میتوانیم مقدمات آن را در طول چند سال فراهم کنیم.^۱

تجارت اندک مسلمانان با یکدیگر

امروز جهان اسلام با این که در تجارت جهانی سهمی بسی کمتر از ۲۰ درصد - که نسبت تقریبی اعضای آن به کل سکنه‌ی جهان است - دارد، اما از همین مقدار هم آنچه مخصوص تجارت درونی میان کشورهای اسلامی است، درصدی بسیار پایین است. این سازمان میتواند نسبت به این مسئله‌ی مؤثر اقتصادی که در سیاست این مجموعه نیز مؤثر خواهد بود، نقش فعال ایجاد کند.^۲

فصل نهم

کاهش تورّم

(۱) هدفگذاری میزان تورّم

تورّم تک رقمی

ما باید تورّم را یک رقمی کنیم. البته در بعضی از کشورهایی که اسم بردند، آن طور که آمار نشان میدهد، تورّم خیلی بالاست. البته پیشرفته‌ها و رشدهایی داشته‌اند، اما سطح تورّم خیلی بالاست؛ اصلاً غیرقابل تحمل است و زندگی خیلی سخت است، که من نمیخواهم اسم این کشورها را

۱. در دیدار با اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه‌ی اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۲۵

۲. در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۱۸

بیاورم.^۱

۲) اهمیت تورم پایین

بینید اولویتها چیست؛ آن وقت اولویتها خطاً ما را معین خواهد کرد که چه کار کنیم. اولویتها، مسئله‌ی اشتغال، مسئله‌ی ارزش پولی ملی، مسئله‌ی متوقف کردن تورم و یا کاهش آن در حدّ ممکن، مسئله‌ی رکود اقتصادی و فعال کردن کشور است.^۲

۱.۲) تقویت اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه

برطرف کردن مشکل معیشتی از قشر کارگر و معلّم و قشرهای دیگر، به اصلاح مبانی اقتصاد کشور بستگی دارد. فرض کنیم ما حقوق این انسان زحمتکش را بیست درصد یا چهل درصد اضافه کردیم؛ اما اگر تورم را مهار و ارزش پول ملی را تأمین نکردیم، آن مقداری که او امسال از ما اضافه میگیرد، چنانچه از رشد بی‌رویه قیمتها پایین‌تر باشد، فایده‌ای برای او ندارد؛ پس ما برای او کاری نکرده‌ایم؛ بنابراین اساس کار آنجاست.^۳

۲.۲) وجود تورم بالا؛ خلاف عدالت اسلامی

خاصیت دوران بازسازی این است که پول در جامعه زیاد است. زرنگ‌ترها، بی‌ملاحظه‌ترها، بی‌قانون‌ترها، بی‌خدا ترها، کسانی که دلشان به خون امثال شهدای هفتم تیر نمیتپد، در چنین شرایطی سوءاستفاده میکنند. کسانی که بارها بر دوش آنهاست، سرشان بی‌کلاه می‌ماند؛ یعنی اکثریت کشور، یعنی طبقه‌ی مستضعفین، یعنی پابرهنگها، یعنی کسانی که

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۵/۱۵

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۷۸/۶/۲

۳. در دیدار معلّمان و کارگران، ۱۳۸۲/۲/۱۰

بار تورم بر روی دوش آنهاست و گرانی‌ها بر آنها فشار می‌آورد؛ یعنی طبقه‌ی کارمند، طبقه کارگر، کسبه‌ی ضعیف، قضات پاکدامن، قاضی‌ای که در سنین نزدیک به بازنشستگی باید چند کیلو پرونده را زیر بغل بگذارد، به خانه ببرد و فصل تابستان در یک اتاق گرم بنشیند، ساعتها بررسی کند. برای اینکه درآمدی در مقابل آن داشته باشد! فشارها روی اینهاست؛ اینها عقب میمانند. این خلاف عدالت است. ما برای این نیامده‌ایم. فلسفه‌ی وجود من و امثال من در اینجا - که بنده یک طلبه هستم - این است که ما بتوانیم عدالت را اجرا کنیم و لاغیر.^۱

۳.۲ ایجاد احساس اقتدار و توانایی در مردم

اگر مسئولی در بخش اقتصاد تلاش کند و کارآمدی خود را نشان دهد - پول ملی را تقویت کند، تورم را مهار کند، در جامعه رونق اقتصادی به وجود آورد و طبقات محروم را از حقوقی که متعلق به آنهاست، برخوردار نماید - مردم احساس اقتدار و توانایی میکنند.^۲

۴.۲ سوء استفاده دشمن از افزایش تورم

دشمنان انقلاب و نظام اسلامی، برای این که افکار عمومی را اغوا کنند، همه‌ی آن نقاط مثبت را نادیده میگیرند و چون بیکاری و تورم و رکود تورمی و مشکلات گوناگون اقتصادی در کشور وجود دارد؛ اینها را به رخ میکشند و سعی میکنند با این شیطنت، نظام اسلامی را ناکارآمد جلوه دهند.^۳

۱. در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۷/۴/۷

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۰/۱/۱

۳. در دیدار گروه کثیری از اصناف، ۱۳۸۰/۴/۱۰

۳) عوامل بروز تورّم و راهکارهای کاهش آن ۱.۳) عوامل روانی

حرفهای نسنجیده و تصمیمهای نادرست؛ از عوامل تورّم

در گرانی، هم عوامل واقعی و هم عوامل کاذب و روانی دخالت دارند؛ گاهی یک کلمه حرف و یک تصمیم نادرست و نسنجیده، ناگهان این موج گرانی را تحریک میکند و تورّم را در بخشهای مختلف بالا میبرد و انتظاراتی را به وجود می آورد که امیدواریم ان شاء الله این را هم بتوانند آقایان دنبال کنند.^۱

۲.۳) افزایش نقدینگی

افزایش نقدینگی؛ مهم ترین عامل تورّم

آن کسانی که از لحاظ اقتصادی صاحب نظرند، چه در درون دولت، چه در بیرون دولت، به بنده میگویند که این مسئله مربوط به افزایش نقدینگی است؛ یعنی افزایش نقدینگی را مهم ترین عامل میدانند. این را ما فقط از کسانی که بیرون دولتند، نمیشنویم، بلکه کسانی هم که در درون دولتند، وقتی از آنها سؤال میکنیم، همین را به ما میگویند و گزارش میدهند. باید راهی پیدا کنید که نقدینگی افزایش یافته کنترل شود. خوب، این روشن است؛ اگر در مقابل نقدینگی تولید وجود داشته باشد، کالا وجود داشته باشد، کمبود وجود نداشته باشد، مشکلی را ایجاد نمیکند؛ اگر چنانچه نه، نقدینگی بیش از تولید کالا در داخل یا به شکل درست واردات بود، طبعاً مشکل ایجاد میکند.



۱. در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته ی دولت و در آستانه ی نیمه ی شعبان، ۱۳۸۶/۶/۴

خب، عوامل نقدینگی هم زیاد است. همین یارانه‌های نقدی که داده میشود - که برای قشرهایی کار مفیدی هم بوده - خودش افزایش نقدینگی ایجاد میکند. همین کارهای عمرانی‌ای که شما میکنید - که اینها دیربازده است - اینها بلاشک افزایش نقدینگی ایجاد میکند. همین مسئله‌ی مسکن مهر که صحبت شد، یا همین طرحهای نیمه‌تمام را که افزایش میدهد، این کاری که در دولت دارند میکنند - که کار خوبی هم هست و لازم هم هست - خود اینها ایجاد افزایش نقدینگی میکند. برای این مسئله باید راهکار پیدا کنید. شما افراد صاحب علمی هستید، صاحب تجربه هستید، دست‌تان در کار است؛ برای اینها راه پیدا کنید. این نقدینگی افزایش‌یافته را هدایت کنید به سمت مراکزی که کمک کند به گشایش کار مردم؛ مثل تولید.^۱

۳.۳ عوامل غیرارادی بروز تورّم

فرض کنید ممکن است یک بخشی از این طرح تحوّل، مثلاً تورّم‌زا باشد. خب، فکر کنید برای مقابله‌ی با این تورّم چه کار باید بکنید. چه اقدامی باید انجام بدهید که این یا پیش نیاید و تورّم ایجاد نشود؛ یا اگر ایجاد میشود، کمتر ایجاد بشود تا این کار اقتصادی و این جراحی بزرگ، بخوبی و سلامت انجام بگیرد. خب، در کشور ما واقعاً مسئله‌ی تورّم، مسئله‌ای است؛ یعنی شما این همه خدمت کرده‌اید و این همه زحمت کشیده‌اید که بایستی در وضع زندگی مردم اثرات خودش را بگذارد. الان هم تورّم هست - البته همین‌طور که اشاره کردند، تورّم جهانی هم هست - منتها بخشی از آن مربوط به تورّم جهانی است، بخشی از آن مسلّم مربوط به خشکسالی است، بخشی از آن مربوط به سرمای سخت زمستان گذشته است، اما بخشی از آن هم احتمالاً چیزهای قابل اجتنابی است. پس

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲

بایستی عوامل قابل اجتناب را شناسایی و از آنها اجتناب کنید.^۱

برخی راهکارهای کوتاه‌مدت

انجام کارهای ضربتی

گرانی‌ها - بخصوص در مسئله‌ی مسکن و برخی از کالاها - واقعاً وجود دارد و به مردم فشار می‌آورد. البته حل مسئله‌ی گرانی، یک کار ریشه‌ای است. بدیهی است که مهار تورم، یک کار علمی، ریشه‌ای و بنیانی است که مقدمات و اصولی دارد و تا آن اصول انجام نگیرد، خواهد بود؛ منتها کارهای ضربتی هم باید انجام داد؛ بالاخره نمیشود نشست تا این کارهای بنیانی، یک روزی به نتیجه برسد؛ نه، واقعاً یک فکری بکنید؛ کاری بکنید.^۲

گران‌نکردن خدمات دولتی

دولت بایستی جوری برنامه‌ریزی کند که از ناحیه‌ی دولت، فشار تورمی روی مردم زیاد نشود. حالا یک‌وقت از ناحیه‌ی بیرون است، یک‌وقت از ناحیه‌ی بعضی از قوانین است. حالا مسئله‌ی خدمات را مطرح کردند. خب، خیلی از خدمات به وسیله‌ی دولت انجام می‌گیرد؛ بسیاری از این خدماتی که می‌گویید سهمش در تورم از سی درصد رسیده به هفتاد درصد، این خدمات را خود دولت دارد انجام می‌دهد؛ بنابراین سهم خودتان را در ایجاد فشار تورمی کم کنید؛ هر چه که ممکن است. این جزو کارهای اساسی و مهم است.^۳

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت و در آستانه‌ی نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۶/۶/۴

۳. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۸

